

# شهاب میراث

نشریه کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دکتر سید محمود مرعشی نجفی  
سردبیر: محمد اسفندیاری  
ویراستار: حسین رفیعی  
حروفزنی و صفحه آرایی: محمد محمدی ۷۳۵۷۱۲

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی  
نجفی، شناسه پستی ۳۷۱۵۷  
تلفن: ۸-۷۴۱۹۷۰  
نمابر: ۷۴۳۶۳۷

- میراث شهاب، مشتمل بر اخبار کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) است و در ضمن آن به مسایل ذیل می پردازد:
- معرفی نسخه های خطی کتابخانه.
- تصحیح رساله های خطی کتابخانه.
- معرفی کتابهای چاپی نفیس کتابخانه.
- معرفی انتشارات کتابخانه.
- گزارش سفرهای علمی محققان کتابخانه.
- مقالات ویژه کتاب پژوهی و نویسندگی.
- مقالات ویژه کتابداری و کتابشناسی.
- مقالات ویژه معرفی کتابخانه ها.

- هرگونه استفاده از مطالب میراث شهاب منوط به ذکر مأخذ است.
- مسئولیت مطالب هر مقاله به عهده نویسنده آن است.
- مقالات رسیده، بازگردانده نمی شود.
- میراث شهاب در ویرایش مقالات آزاد است.
- میراث شهاب در پایان هر فصل منتشر می شود.

## فهرست مطالب

۳	سید محمود مرعشی نجفی	چهار کتابخانه نفیس شخصی
۲۲	حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی	الرحلة الاصفهانية
۳۵	روابط عمومی کتابخانه	گنجینه شهاب
۶۳	علی رفیعی علامرودشتی	شیفتگان کتاب
۷۵	حسین بن محمد حسن قمی	برگی از تاریخ قم
۸۵	محمد باقر بدوی	در جهان کتاب
۹۰	محمد باقر بدوی	یاور انقلاب

● کنفرانس مخطوطات‌شناسی و شناخت دستخط‌های قدیم خاورمیانه ● چهاردهمین کنگره بین‌المللی آرشیوها ● آمار نیمه اول سال جاری کتابخانه ..... ۹۷

یادگار نوشته‌های دانشوران در دیدار از کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی ..... ۱۰۰

مکتوباتی از دانشوران و مدیران نهادها و مؤسسه‌های فرهنگی و علمی ..... ۱۰۴

# پژوهش و نگارش

## چهار کتابخانه نفیس شخصی

سید محمود مرعشی نجفی

رحلی، در تهران چاپ شده است؛ ۲. چاپ نجف اشرف، به تصحیح آیت‌الله سید محمدصادق بحر العلوم؛ ۳. چاپ نجف اشرف، به تصحیح و مقدمه عبدالمولی طریحی، در سال ۱۳۶۹ق؛ ۴. چاپ نجف اشرف، در سال ۱۳۸۳ق، به تصحیح محمدصادق بحر العلوم؛ ۵. چاپ لاهور، با ترجمه اردو، از سید صفدر حسین نجفی.

این نسخه خطی کهن ترین و نفیس ترین نسخه موجود است که در عصر مؤلف، در نیمه نخست سده هفتم قمری، کتابت شده است. برگ پایانی افتاده، و در پشت برگ آغاز جزء دوم کتاب این عبارات، به خط نسخ درشت، نوشته شده است: «الجزء الثانی من تذکره الخواص من الامة بذكر خصائص الائمة عليهم السلام، تألیف الشیخ الامام العالم الفاضل العلامة الصدر الكبير الاوحد الزاهد العابد البارع، مفتی الفرق، امام العارفین، شیخ مشایخ الاسلام و المسلمین، شمس الدین ابی المظفر یوسف، سبط الامام ابی الفرج عبدالرحمان بن الجوزی، متع الله العالم

۱. «قزاوغلی» کلمه‌ای ترکی است که از «قز» به معنی «دختر» و «اوغلی» به معنی «پسر» ترکیب شده است. عده‌ای از مورخان آن را «فُرغلی» خوانده‌اند، که اشتباه است. ابن خلکان نیز در وفیات الاعیان، در حالات عون‌الدین ابی المظفر یحیی بن هبیره بن محمد بن هبیر شیبانی، ادیب و وزیر عصر المقتفی عباسی، چنین آورده است: «و ذکر الشیخ شمس الدین ابوالمظفر یوسف قزاوغلی ابن عبدالله سبط الشیخ جمال‌الدین ابی الفرج بن الجوزی فی تاریخه الذی سماه مرآة الزمان؛ و رأیته بدمشق فی اربعین مجلداً؛ و جمیعہ بخطه؛ و کان ابوه قزاوغلی، مملوک عون بن هبیره المذكور؛ و زوجه بنت الشیخ جمال‌الدین ابی الفرج المذكور؛ فاولدها شمس الدین، یعنی یوسف صاحب التذکره....»

۲. عبدالرحمان بن الجوزی حنبلی (۵۰۸-۵۹۷ق) از مفسران و محدثان و مؤلفان مشهور سده ششم قمری است که در بغداد می‌زیست؛ و آثار وی مشهور عام و خاص است.

در تابستان سال جاری شماری نسخه نفیس و کهن برای کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی خریداری گردید. بخشی از این نسخه‌های نفیس و ارزشمند، مربوط به چهار کتابخانه شخصی از چهار دانشمند سده سیزدهم و چهاردهم قمری است: ۱. آیت‌الله حاج سید عبدالله برهان المحققین سبزواری، از مشایخ اجازه روایتی آیت‌الله العظمی مرعشی رحمته؛ ۲. آیت‌الله حاج شیخ مرتضی و آیت‌الله محمد هادی تالهی همدانی؛ ۳. اخوان موسوی زنجان؛ ۴. حاج میرزا موسی طیب ساوجی، پزشک دربار ناصری.

گفتنی است که دیگر نسخه‌های این چهار کتابخانه نیز در خور توجه‌اند، لیکن تعداد آنها بیش از آن است که در این نوشتار بگنجد. ضمناً چند نسخه از نسخه‌های معرفی شده مربوط به چهار کتابخانه یاد شده نیستند و از افراد دیگر خریداری شده‌اند. بدیهی است با فرصت اندک نمی‌توان نسخه‌های خطی را، آن گونه که باید و شاید، معرفی نمود. به یاری خداوند در فهرست کتابخانه به تفصیل معرفی می‌شوند. اینک معرفی اجمالی تعدادی از این نسخه‌ها در پی می‌آید:

۱. تذکره الخواص من الامة بذكر خصائص الائمة عليهم السلام، به عربی، از شمس الدین ابوالمظفر یوسف بن قزاوغلی<sup>۱</sup> ابن عبدالله البغدادی، سبط حافظ ابوالفرج عبدالرحمان بن الجوزی،<sup>۲</sup> معروف به سبط بن الجوزی. وی به سال ۵۸۱ق در بغداد زاده شد و در سال ۶۵۴ق درگذشت. او آثار بسیاری دارد که از جمله آنها تذکره الخواص است که در تاریخ حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام و دیگر ائمه معصومین عليهم السلام تألیف شده است. این کتاب تاکنون چند بار به چاپ رسیده است؛ از جمله: ۱. چاپ سال ۱۲۸۷ق، که به دستور فرهاد میرزا معتمدالدوله، عموی ناصرالدین شاه قاجار، به ضمیمه کتاب مطالب السؤل، در قطع

نام کتاب به خط کوفی در آن قرار گرفته است. حواشی بسیاری دارد که گویا از کاتب نسخه باشد. برگ نخست تا برگ هشتم، فهرست کتاب را در برمی گیرد. این نسخه کامل، و مشتمل بر کتاب طهارت تا پایان حدود و دیات است. از آغاز کتاب المتاجر تا یک صفحه قبل از کتاب

المزارعة و المساقاة (برگ ۹۵ تا ۱۱۰)، در سده یازدهم قمری نو نویس شده است. جمعاً ۱۹۰ برگ، و پشت صفحه پایانی چنین نوشته شده است: «بسمله مسائلی چند پراکنده از شیخ امام سعید قطب الدین کافی الاسلام ابوالحسین سعیدبن هبة الله الروانندی پرسیدند و او جواب کرده است...»، که حاوی چند مسئله فقهی به فارسی کهن شیواست؛ و در همان سده تألیف شده، و شاید کهن ترین متن فقهی فارسی شیعه باشد.

در برگ ۱۹۰ آمده که محمدبن علی بن منصور کروگانی در محرم ۶۴۱ کتاب را خوانده، و به خط خود اوست. و نیز در برگ ۱ آمده است که مهدی بن اسماعیل بن حسن کروگانی در ربیع الثانی ۶۶۰ آن را خوانده و به خط خود تصحیح نموده، و سرانجام در برگ ۱ الف نوشته شده که عبدالله بن خلیفه المبروکی در نجف اشرف به سال ۹۸۴ ق مالک نسخه بوده است. در برگ ۱۹۰ با خطی تازه تر آمده که اسماعیل بن سید علی واران جاسبی و نیز محمد رسول بن عبدالعزیز با مهر «محمد رسول الله» دارندگان نسخه بوده اند.

در کتاب امل الآمل شیخ حرّ عاملی (ص ۴۸۹) در احوال کاتب این نسخه چنین آمده است: «الشیخ رشیدالدین علی بن محمد الجاسبی فقیه». در کتاب النقص رازی (ص ۴۷) نیز آمده است: «مدرسه فقیه علی جاسبی به کوی اصفهانیان ری که خواجه میرک فرموده است که بدان تکلف مدرسه در هیچ طایفه نیست و سادات دارند و در آن جا مجلس وعظ و ختم قرآن و نماز به جماعت باشد...» چنین برمی آید که این دانشمند جاسبی که در سال ۵۷۹ ق این نسخه را نوشته، خود از بزرگان علما بوده است؛ و آن مدرسه ای که خواجه میرک در روزگار ملک شاه (۴۶۵-۴۸۵ ق) زمانی که سرهنگ ساوتکین جامع جدید را برای محدثان می ساخته است، در کوی اصفهانیان ری ساخته بود، بدو رسید.

یادآور می شود که جاسب نام مجموعه دوازده روستا در بین قم

بحیاته و نفعهم بشریف اوقاته.» این نسخه با نسخه اصل، به خط مؤلف، نیز مقابله شده، و عبارت «بلغ مقابله علی الاصل» در چند جا آمده است. این نسخه از نظر اصالت، و کتابت در عصر مؤلف، بسیار اهمیت دارد. خط نسخ معرب، قطع رقعی.

۲. النهایة، در فقه شیعه، به عربی، از شیخ محمدبن حسن طوسی. این نسخه عزیز الوجود و کهن، در غزه ذی القعدة ۵۷۹ به خط ابوالقاسم بن محمدبن علی الجاسبی، که از علمای برجسته شیعی در سده ششم قمری است، کتابت شده است. در پشت برگ آغاز، دستخط مبارک ابوالفضل محمد راوندی، فرزند سعیدبن هبة الله، معروف به قطب راوندی، به شرح زیر مشهود است: «کتاب النهایة فی فقه اهل البيت...» تألیف الشیخ الامام العالم الزاهد عمادالدین ابی جعفر محمدبن علی الطوسی - رضی الله عنه - قراة علی الشیخ الامام العالم وجیه الدین جمال الاسلام، ابوالقاسم علی بن محمدبن



پشت برگ آغاز نسخه النهایة از شیخ طوسی، موزخ ۵۷۹ق. با اجازه ای به خط ابوالفضل راوندی، در سال ۵۸۰ق. برای کاتب نسخه ابوالقاسم بن محمدبن علی جاسبی

علی الجاسبی - ادام الله سداة - واجزت له روایتہ عنی عن مشایخی عن المصنّف - رضی الله عنهم - وقد بینت له الطریق فی روایاتی عنه، و کتب ابوالفضل الراوندی محمدبن سعیدبن هبة الله الراوندی فی شهرور سنه ثمانین و خمس مائة حامداً مصلیاً مسلماً.»

این اجازه را ابوالفضل راوندی، یکی از چهار پسر قطب راوندی - که از بزرگان عصر خویش بوده - برای کاتب نسخه، که از او با تجلیل فراوان در اجازه خود به وی یاد نموده، نوشته است. کاتب نسخه را پس از ذی قعدة ۵۷۹، در ماههای نخست سال ۵۸۰ق، بر راوندی خوانده و از او اجازه روایت نسخه را با واسطه از مؤلف کتاب (شیخ طوسی) گرفته است.

قطب راوندی دارای چهار پسر بوده است: ۱. ابوالفضل محمد، صاحب همین اجازه؛ ۲. عمادالدین ابوالفرج علی. حالات وی در مستدرک الوسائل، امل الآمل، روضات الجنات و... آمده است؛ ۳. نصیرالدین ابوعبدالله الحسین الشهید. حالات ایشان نیز در کتب رجال آمده است؛ ۴. شیخ ابوسعید هبة الله. این طاووس در برخی از آثار خود از او به نیکی یاد کرده است. قطع کتاب خشتی و به خط نسخ معرب کتابت شده است. عناوین مشکی درشت، سرلوح مشکی، که

و کاشان است، از جمله: کروگان و واران. در طول تاریخ، دانشمندان بسیاری از این مکان برخاسته‌اند، که نام آنان در کتب تاریخ و رجال آمده است. راوند - که قطب راوندی منسوب به آن جاست - در نزدیکی کاشان قرار گرفته است. آن جا نیز دانشمندان برجسته شیعی بسیاری داشته است. راوند و جاسب از یکدیگر چندان دور نیستند؛ و شاید بیش از سی کیلومتر فاصله نداشته باشند. این نسخه نفیس را مرحوم استاد محمد تقی دانش‌پژوه در مجموعه فرهنگ ایران زمین (۱۰۳/۴-۱۰۵) به تفصیل معرفی کرده است. خدای را سپاس که موفق شدم این نسخه عزیز الوجود نفیس و تحفه گرانهای کهن شیعی را از دست سوداگران بیرون آورم و در این کتابخانه بزرگ برای استفاده محققان قرار دهم. یقین دارم روح بزرگوار پدر عزیزم از این اقدام شایسته خرسند خواهد بود. البته بر اثر استفاده بسیار از نسخه، احتیاج به مرمت جدی و صحافی دارد، که ان شاء الله در واحد مرمت کتابخانه انجام خواهد شد.

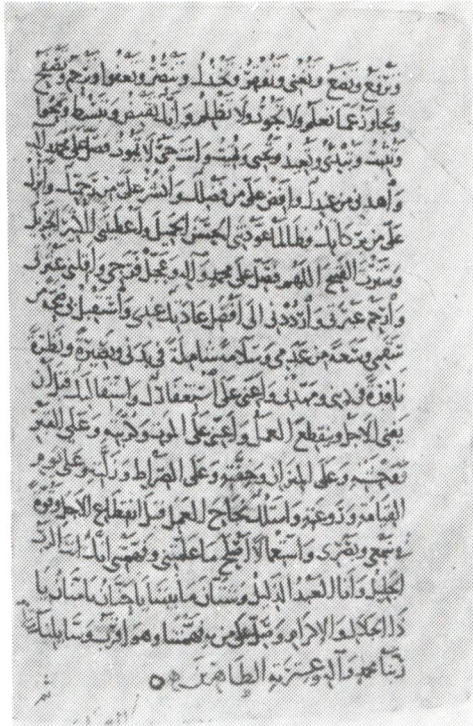
در این کتابخانه بزرگ، غیر از این نسخه، سه نسخه دیگر از کتاب النهایة وجود دارد که آنها نیز در سده ششم قمری کتابت شده و از نفایس دهرند. این جانب در شماره‌های پیشین میراث شهاب به معرفی سه نسخه یاد شده پرداخته‌ام. بنابراین، چهار نسخه بسیار نفیس از کتاب النهایة در کتابخانه آیت‌الله مرعشی (ره) موجود است که هر یک مزایایی دارد.

۳. مصباح المتهجد، در اعمال و ادعیه و عبادات سالیانه، به عربی، از شیخ محمد بن حسن طوسی، نسخه بسیار نفیس و کهن. این نسخه در نیمه نخست سده ششم قمری، حدود یکصد سال پس از درگذشت مؤلف، کتابت شده است. خط نسخ درشت، عناوین ثلث مشکی درشت‌تر از متن، برگ آغاز و انجام افتاده، قطع وزیری.

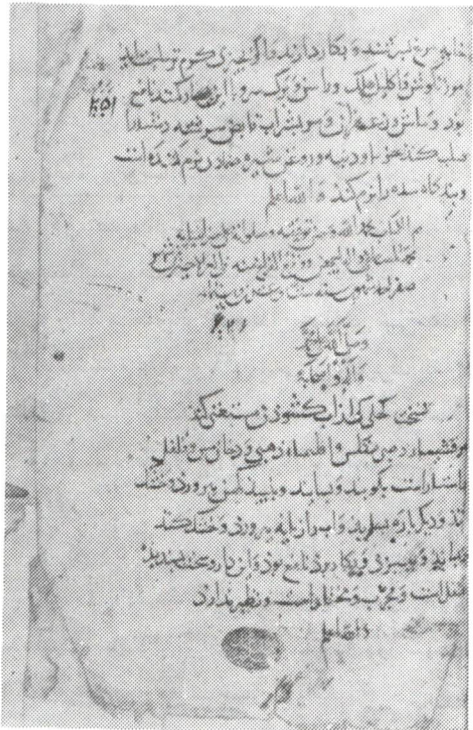
۴. مجمع البیان، به عربی، شامل تفسیر سوره‌های انعام، اعراف و انفال، از شیخ طبرسی، نسخه بسیار کهن و نفیس، کتابت ۶۳۱ق، عناوین شنگرف، به خط نسخ ابراهیم بن علی بن حسن طبرسی. این نسخه از نظر قدمت تاریخ کتابت فوق‌العاده اهمیت دارد. قطع وزیری.

۵. گزیده (منتخب یا تلخیص) ذخیره خوارزمشاهی، در طب، به فارسی، اصل از سید اسماعیل جرجانی. این گزیده با دیگر گزیده‌ها تطبیق نمی‌کند و مؤلف آن مشخص نیست. نسخه کهن و بسیار نفیس، به خط نسخ، کتابت آخر صفر ۶۲۶ق. این گزیده قدیمی‌ترین نسخه موجود است. عناوین شنگرف درشت‌تر از متن، برگ آغاز افتاده، این نسخه بخش دوم کتاب است. قطع وزیری.

۶. خلاصه ذخیره خوارزمشاهی، به فارسی، احتمالاً از خود مؤلف (سید اسماعیل جرجانی)، نسخه نفیس و کهن. این نسخه غیر از نسخه قبلی است. کتابت اواخر سده نهم قمری، خط نسخ، عناوین ثلث درشت مشکی و شنگرف، نسخه کامل، قطع وزیری.



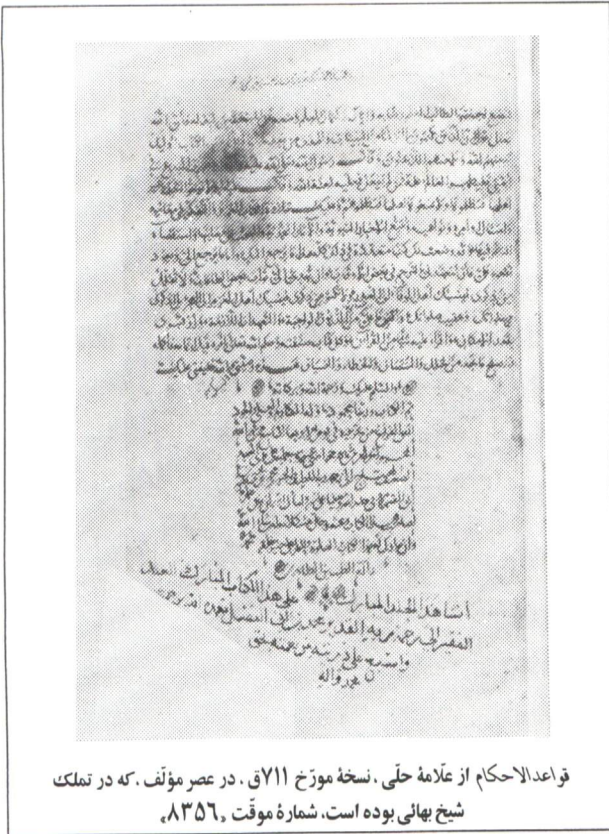
مصباح المتهجد شیخ طوسی، نسخه سده ششم قمری، شماره موقت، ۸۳۲۳.



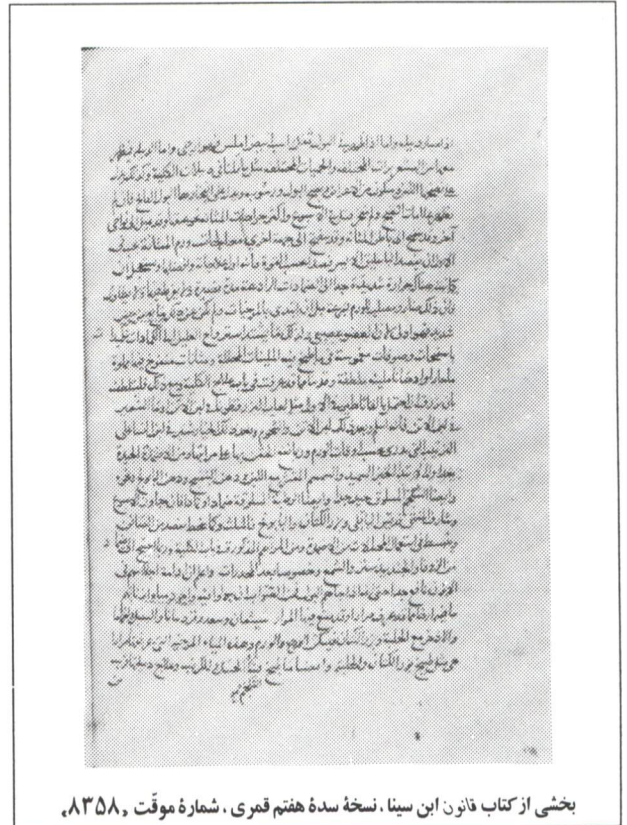
گزیده ذخیره خوارزمشاهی، نسخه مورخ ۶۲۶ قمری، شماره موقت، ۸۳۲۲.

۷. صحاح اللغة، از جوهری، به عربی، نسخه بسیار کهن و نفیس، کتابت ظهر چهارشنبه ۲۱ محرم ۶۵۸، به خط ابی بکر عبدالوهاب بن محمود بن محمد بن محمد ملقب به شمس الفرضی السمرقندی که در

الحسن بن یوسف بن علی بن مطهر ابو منصور الحلّی - قدس الله روحه و نور ضریحه - بمحمد و آله الطاهرين، صلوات الله و سلامه عليهم اجمعين. الفقير الى الله بهاء الدين محمد العاملي. «همچنین نسخه دوبار مقابله و تصحیح شده و آثار مقابله در بیشتر صفحات با عبارات «بلغ سماعاً آید الله تعالی.» و «بلغ قرائة و فقه الله تعالی» آمده است. با شناختی که این جانب از نسخه های خطی دارم، به نظر می رسد این عبارات به خط مبارک شهید ثانی است که نسخه را تصحیح و مقابله کرده است. نسخه کامل است. قطع رحلی قطور.



شهر سمرقند کتابت کرده است. نسخ معرب، نسخه کامل، تنها برگ آغاز افتاده، عناوین شنگرف، قطع رحلی.  
۸. القانون فی الطب، به عربی، از ابن سینا، نسخه بسیار نفیس و کهن، کتابت نیمه دوم سده هفتم، خط نسخ، عناوین شنگرف، برگ آغاز افتاده، کاغذ خانباغ، قطع وزیري.

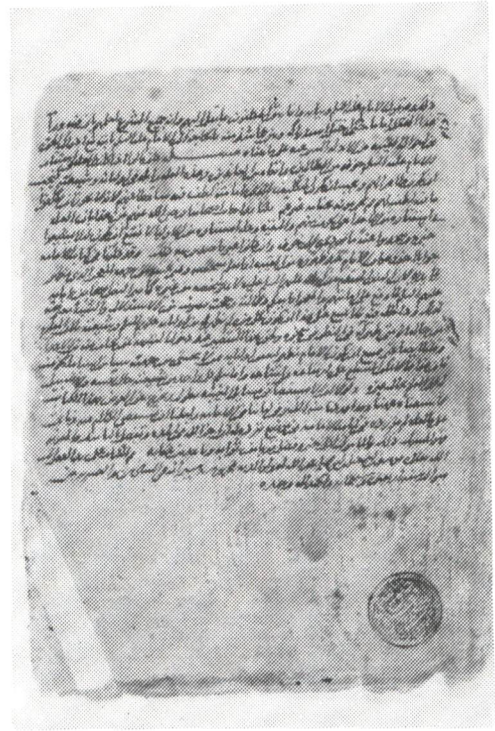


۹. کتاب در منطق و الهیات، به عربی، مؤلف ناشناخته. البته کتاب الشفای ابن سینا نیست. نسخه بسیار نفیس و کهن، کتابت نیمه نخست سده هفتم، به خط محمود بن محمد بن علی بن ابی سعد الصوفی الشیرازی. متأسفانه به علت بریدگی نیمی از یک برگ نیمه نخست، تاریخ کتابت از میان رفته است. نسخه در تملک عبدالله عمر البیضاوی بوده و دستخط وی در برگ پایانی آمده است. برگ آغاز افتاده، قطع رقیعی.  
۱۰. قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، به عربی، در فقه شیعه، از علامه حلّی، نسخه بسیار نفیس و کهن که در عصر مؤلف کتابت شده است. کتابت نیمه نخست نسخه در روز سه شنبه ۲۲ رمضان ۷۱۱، به خط نسخ معرب حسن بن محمد بن یحیی بن ابوالقاسم آبی، و کتابت نیمه دوم، به خط همان کاتب، در روز چهارشنبه نهم محرم ۷۱۲. این نسخه بسیار نفیس در تملک شیخ بهاء الدین عاملی بوده و با خط خود در پشت برگ آغاز چنین نوشته است: «قد دخل فی نوبتی هذا الكتاب الموسوم بقواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام من تصانیف قدوة المتأخرین، جمال الملة و الحق و الدین

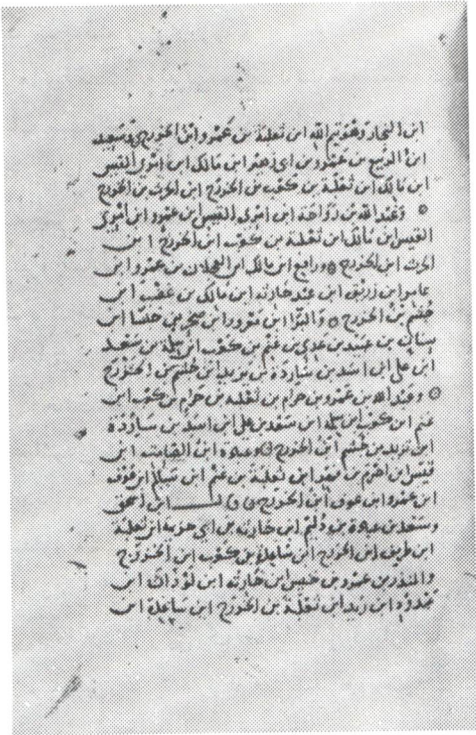
۱۱. تنزیه الانبیاء و الاثمة، به عربی، از شریف مرتضی علی بن حسن موسوی، نسخه بسیار نفیس و کهن، به خط نسخ یوسف بن اسماعیل بن علی در ۲۶ شوال ۷۰۶ در شیراز، نام کتاب و مؤلف با شنگرف تزیین شده و در پشت برگ آغاز الصاق گردیده است. قطع جیبی. مهرهای بسیاری در پشت برگ آغاز دیده می شود؛ از جمله تملک و مهر ناصر بن عیسی بن محلی به سال ۸۹۹ ق، و تملک عبدالرحیم بن محمد بیرام به سال ۹۹۱ ق.  
۱۲. شرح الکافیة ابن الحاجب، به عربی، از نجم الدین سعید العجمی مشهور به النجم السعید از علمای نیمه نخست سده هشتم، نسخه بسیار نفیس و کهن، خط نسخ خوش، کتابت نیمه دوم سده هشتم، نسخه بسیار نفیس و کهن، خط نسخ خوش. این نسخه رطوبت دیده و نیاز به ترمیم جدی دارد. قطع وزیري، عناوین شنگرف، نسخه با دو واسطه با نسخه اصل به خط مؤلف مقابله و تصحیح شده است.

سال هشتم، شماره دوم، شماره پنجاه و نه





تذکره الانبیاء، از سید مرتضی، نسخه مورخ ۷۰۶ قمری، شماره موقت ۸۵۹۵.



بخشی از سیره ابن هشام، نسخه مورخ سده هشتم قمری، شماره موقت ۸۲۲۹.

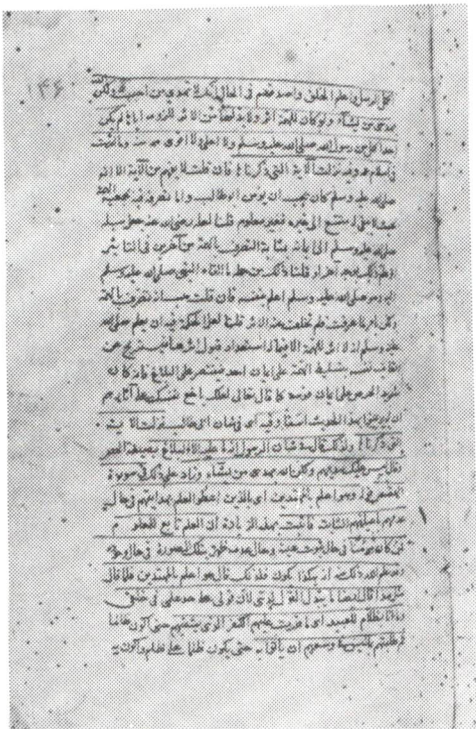
سده نهم، چند برگ در پایان نونویس شده است. در پشت برگ آغاز دستخط آیت الله سید عبدالله برهان المحققین سبزواری، از مشایخ روایتی آیت الله مرعشی (ره)، آمده است. چند حاشیه نیز از مرحوم

۱۳. الجامع فی الادویة المفردة، در طب، به عربی، مؤلف ناشناخته. نام این کتاب در فهراس موجود نیامده است. نسخه بسیار نفیس و کهن. کتابت بخشی از آن در نیمه دوم سده هشتم و بخشی دیگر در سده یازدهم است، به خط نسخ رفیع الله بن هدایت الله قهیائی اصفهانی، عناوین ثلث درشت مشکی و قرمز درشت تر از متن، قطع سلطانی بزرگ.

۱۴. سیره ابن هشام، به عربی، از ابو محمد عبدالملک بن هشام بن ایوب الحمیری المعافری، خط نسخ، نسخه نفیس و کهن، کتابت سده هشتم، عناوین سنگرف، چند تملک در پشت برگ آغاز نسخه آمده است؛ از جمله: مَهر و خط مرتضی بن احمد الحسینی الرشتی و محمد رضا نجل آغا باقر و عبدالنبی المریانی، جلد نسخه ضربی و دارای نقوش هندسی است.

۱۵. البیان، به عربی، از شهید اول، نسخه نفیس و کهن، کتابت پنجشنبه اواسط جمادی الآخر ۸۶۶ در بلدة «کَرَک» واقع در لبنان فعلی، به خط نسخ علی بن عزالدین محمد خانی، این نسخه در نیمه رمضان همان سال در همان جا مقابله و تصحیح شده است. قطع رقی کوچک.

۱۶. شرح فصوص الحکم، به عربی، از مؤیدالدین الجندی. این شرح را عبدالرحمان جامی در نقد النصوص نام برده و می گوید این کتاب، اولین شرح فصوص الحکم است. یاد آور می شود که این نسخه غیر از شرح فصوص قیصری است. نسخه بسیار نفیس و کهن، کتابت



شرح فصوص الحکم از مؤیدالدین جندی، نسخه مورخ سده نهم قمری، شماره موقت ۸۲۰۶.

۱۲۲۲ق به خط شکسته نستعلیق درشت و زیبا نوشته شده، عناوین سنگرف، نسخه نفیس، قطع رقی.

۲۶. المصایح المنیفة فی شرح مفاتیح الشریعة، در شرح مفتاح المجامع فی شرح دیباجة مفاتیح الشرائع، به عربی، از محمد جعفر بن محمد علی بن محمد باقر اصفهانی بهبهانی، نسخه نفیس، عناوین سنگرف، کتابت دهه نخست رمضان ۱۲۲۷، به خط محمد علی، ملقب به آقابابا.

۲۷. ریاض المصائب فی زوایا آل ابی طالب، به فارسی، از علی اکبر بن میرزا بابا تبریزی، نسخه نفیس، کتابت رجب ۱۲۴۰، به خط نسخ خوش سید علی تقی بن سید صادق، این کتاب در ربیع الآخر ۱۲۴۰ تألیف شده، و سه ماه پس از آن، در ماه رجب کتابت شده است. قطع رحلی.

۲۸. بدایة المبتدی، به عربی، در فقه، مؤلف ناشناخته، نسخه نفیس، کتابت اواخر رجب ۹۵۵، به خط نستعلیق بسیار زیبای عبدالکریم بن علی، صفحات مجدول با آب طلا و لاجورد، عناوین سنگرف، قطع جیبی.

۲۹. حاشیه بر الهیات شرح تجرید، به عربی، از ملا احمد اردبیلی، کتابت نهم ذی حجه ۱۱۱۹، نسخه مقابله و تصحیح شده، خط نستعلیق، عناوین سنگرف، قطع جیبی.

۳۰. مختصر بصائر الدرجات سعد بن عبدالله بن خلف الاشعری القمی، به عربی، تلخیص از شیخ حسن بن سلیمان بن خالد الحلّی، شاگرد شهید اول و معاصر احمد بن فهد حلّی. این نسخه نفیس را ابدال بن درویش، خادم حرم امیر المؤمنین علیه السلام، در شوال ۱۰۷۴ مقابله و تصحیح نموده است، خط نسخ، عناوین سنگرف، قطع وزیری.

۳۱. کتاب زهرا الکمام فی قصة یوسف بن یعقوب، به عربی، مؤلف ناشناخته، خط نسخ، کتابت شب پنجشنبه سیزدهم ذی قعدة ۱۲۲۷، نسخه نفیس، عناوین سنگرف، قطع رقی کوچک.

۳۲. مختصر التبیان فی تفسیر القرآن، به عربی، منسوب به شیخ مفسر فقیه ابی عبدالله محمد بن هارون، معروف به ابن المشهدی، صاحب کتاب مزار کبیر، که نسخه‌ای از آن در این کتابخانه موجود است. این جانب بررسی نمودم و روشن شد که این تلخیص از ابن ادیس حلّی نیست. که آن براساس چند نسخه خطی موجود در این کتابخانه در سال ۱۴۰۹ق، در دو جلد، به همت واحد انتشارات کتابخانه چاپ و منتشر شده است. چنانچه انتساب این نسخه به ابن المشهدی صحیح باشد، نسخه‌ای از آن را در جایی نیافتیم. بسیار نفیس، خط نسخ خوش، برگ آغاز و انجام افتاده، عناوین سنگرف، کتابت سده یازدهم، قطع رقی کوچک.

۳۳. مجموعه چهار رساله فارسی در یک جلد: ۱. قصص انبیا، مؤلف ناشناخته؛ ۲. مناقب صوفیه، از محمد صادق شهابی سعدی

برهان در سال ۱۳۳۸ق نوشته شده و بر این نسخه مؤلف حاشیه زده است. خط نسخ، قطع وزیری بزرگ.

۱۷. حاشیه منطقی، به عربی، مؤلف ناشناخته، نسخه نفیس و کهن، کتابت شب چهارشنبه سلخ ربیع الاول ۸۴۰، به خط نستعلیق عبداللطیف بن علی بن عبداللطیف، ملقب به سعد النظری، قطع جیبی.

۱۸. مجموعه: ۱. قصیده شاطبیه؛ ۲. عقدالفرید، در تجوید، از قاسم بن فیره الشاطبی، مؤلف ناشناخته، کتابت سال ۸۴۱ق به خط نسخ، یک برگ مطالب متفرقه به خط حسن بن شجاع بن محمد تونی به سال ۸۵۱ق در پشت برگ آغاز آمده است. دارای چندین تملک و مهرهای مختلف، قطع رقی.

۱۹. حاشیه بر شرح تجرید خواجه نصیرالدین طوسی، به عربی، از میرصدرالدین محمد شیرازی. وی از حکمای معروف و صاحب مدرسه منصوریه شیراز در سال ۸۹۳ق بوده است. دستخط سید احمد الحسینی الحسنی شیرازی، از نوادگان مؤلف، نیز در پشت برگ آغاز در ۲۰ ذی حجه ۱۳۱۷ و نیز یک صفحه کامل درباره کتاب و مؤلف، و خط ذوالریاستین، که نسخه را از میر سید احمد مهدب الدوله به امانت گرفته، در پایان آمده است. قطع رقی.

۲۰. غرر الحکم و درر الحکم، به عربی، از آمدی، نسخه بسیار نفیس و کهن، کتابت ظهر چهارشنبه رمضان ۸۹۹، به خط نسخ احمد بن علی الحریری الشرفی القادری الشافعی، برگ آغاز افتاده، خط نسخ، عناوین سنگرف، قطع وزیری بزرگ.

۲۱. مجموعه: ۱. مناجات فارسی، مؤلف ناشناخته، کتابت سده نهم، خط نسخ خوش؛ ۲. فوائد الملیة فی شرح الرسالة الثقلیة، از شهید دوم زین الدین العاملی، کتابت سده دوازدهم، خط نستعلیق، قطع جیبی.

۲۲. ماتمکده، در مقتل، به فارسی، از حاج میرزا محمد تقی بن میرزا علی محمد نوری طبرسی، پدر صاحب مستدرک الوسائل، نسخه نفیس و نایاب، خط نستعلیق، کتابت نیمه دوم سده سیزدهم، نسخه کامل، قطع رحلی.

۲۳. مائده سماویه، در مطاعم و مشارب و صید و ذباحت، به فارسی، از محمد رضی الدین بن محقق خوانساری. این کتاب را وی برای شاه سلیمان صفوی نگاشته است. کتابت نیمه دوم سده دوازدهم، برگ آغاز افتاده، نسخه نفیس، خط نسخ، عناوین سنگرف، قطع رقی.

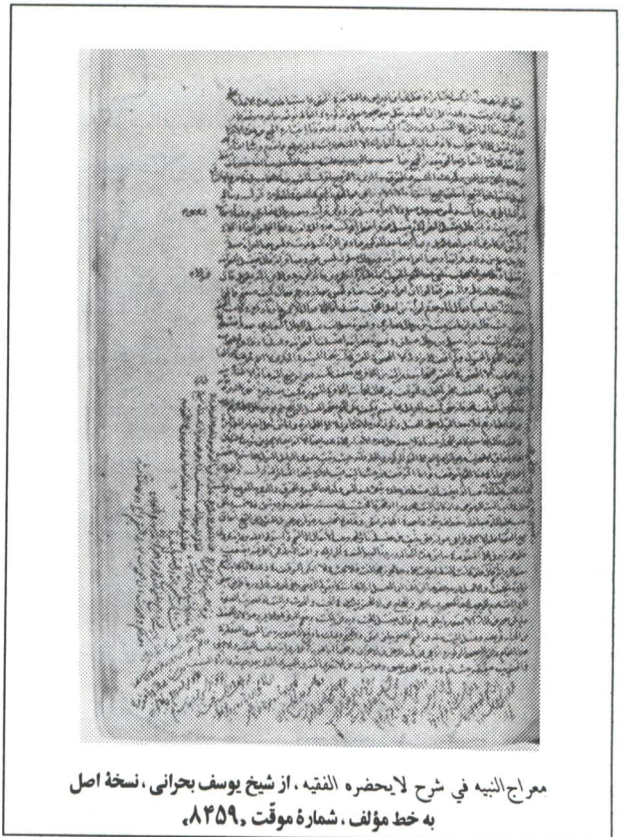
۲۴. لغت ترکی، مجهول، کتابت سال ۹۸۸ق، خط نسخ، عناوین سنگرف، نسخه نفیس، به ضمیمه رساله‌ای در غزوه خیبر، به ترکی، قطع رقی.

۲۵. مجموعه منشآت، مکاتبات، عقدا نامه‌ها، اجاره نامه‌ها، صلح نامه‌ها و وکالت نامه‌ها، به فارسی، از میرزا مهدی خان، در سال



قادری؛ ۳. احادیث نبوی، مؤلف ناشناخته؛ ۴. مزارات سمرقند یا بخارا، مؤلف ناشناخته، عناوین شنگرف، کتابت اواخر سده سیزدهم در سمرقند یا بخارا، جلد کار بخارا، نسخه فرسوده، قطع وزیری بزرگ.

۳۴. معراج النبیه فی شرح من لایحضره الفقیه، به عربی، از شیخ یوسف بن احمد بن ابراهیم بحرانی محدث، مؤلف کتاب الحدائق الناضرة، نسخه بسیار نفیس و مهم و منحصر به فرد، نسخه اصل به خط مبارک مؤلف، دارای حواشی بسیار، برگ پایانی افتاده است. ظاهراً مؤلف موفق به اتمام این شرح نشده و فقط همین مقدار موجود است و در دیگر کتابخانه‌ها نیز وجود ندارد. صاحب الذریعة نیز از این کتاب نام برده، لیکن از وجود نسخه‌های آن هیچ اطلاعی نداشته است. قطع رحلی کوچک. اندکی فرسوده شده و نیاز به ترمیم دارد.



۳۵. تقریرات اصول، شامل اصالة البرائة و استصحاب، به عربی، از محمد شریف، شاگرد شیخ انصاری، که در سال ۱۲۸۲ ق آن را نگاشته است. خط نستعلیق، قطع رقی بزرگ.

۳۶. سوق العروس فی الوعظ للنصوص، به عربی، از شمس‌الدین عبدالرحمان بن الجوزی (متوفی سده هفتم)، نسخه نفیس، به خط نسخ علی بن شیخ عبدالرزاق البقاعی ابن محمد شحادة در روز شنبه چهارم رمضان ۱۱۵۳ کتابت شده است. تاریخ کتابت نسخه در چهار برگ قیل از پایان آمده است. در پایان نسخه تملک برادرزاده کاتب، فرزند احمد بن محمد شحادة در روستای «مرج» از روستاهای «بقاع» لبنان

در سال ۱۱۶۳ ق آمده است. چهار برگ پایانی رساله‌ای است شامل اخبار السبعة العباد، به عربی، به خط کاتب نسخه، عناوین شنگرف، قطع رقی.

۳۷. الناموس المأنوس، در اختیار قاموس در لغت به حذف زواید، به عربی، از علی بن سلطان محمد هروی حنفی که در مکه مکرمه آن را به سال ۱۰۰۹ ق نگاشته است. خط نسخ، عناوین شنگرف، کتابت ۲۷ جمادی الثانی ۱۱۱۳ در مکه مکرمه. این نسخه با نسخه اصل به خط مؤلف در یازدهم رجب ۱۱۱۳ در مکه مقابله و تصحیح شده است. این نسخه بسیار نفیس و نایاب تاکنون چاپ نشده است. متأسفانه موربان به آن آسیب رسانده است. و نیاز به ترمیم اساسی دارد. قطع رحلی.

۳۸. دستور العلاج، در طب، به فارسی، از سلطانعلی طبیب خراسانی جنابذی، نسخه نفیس و قدیمی، کتابت نیمه نخست سده دهم، قطع وزیری بزرگ.

۳۹. تهذیب الاحکام، در حدیث، به عربی، از شیخ طوسی. نسخه بسیار نفیس و ارزشمند. این نسخه بر مرحوم علامه محمد باقر مجلسی، صاحب بحار الانوار، خوانده شده، و دستخط ایشان در چند جا در حاشیه نسخه با عبارت: «بلغ سماعاً اعزّه الله تعالی» آمده است. نیز در پایان کتاب طلاق این نسخه، خط مبارک ایشان در چند سطر آمده که مولانا محمد کاظم مازندرانی بر ایشان نسخه را خوانده و مقابله نموده و این کار در چندین مجلس انجام شده و در نهایت در ۲۲ ذی‌قعدة سال ۱۰۹۶ به پایان رسیده است. عناوین شنگرف، قطع وزیری بزرگ.

۴۰. بشری الوصول إلى علم الاصول، جلد ۷ و ۸، به عربی، از آیت‌الله حاج شیخ محمد حسن مامقانی نجفی. این کتاب چند مجلد دارد. خوشبختانه دوره کامل آن در این کتابخانه بزرگ موجود است. کتابت این دو جزء در ۲۵ ذی‌حجه ۱۲۸۸، و تألیف آن در چهاردهم رجب ۱۲۸۱ در نجف اشرف، قطع رقی.

۴۱. یک برگ قرآن کریم به خط کوفی، کتابت اواخر سده سوم، بر روی پوست پنج سطری درشت، بسیار کهن و نفیس، در قطع ۱۵×۱۲ سانتیمتر.

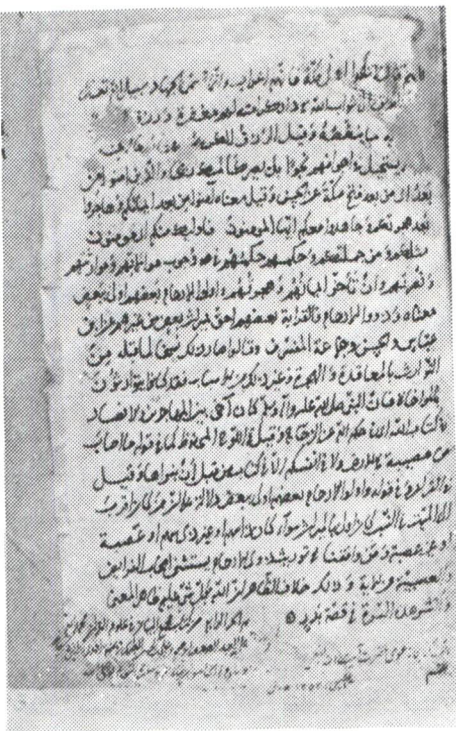
۴۲. یک برگ قرآن کریم، به خط کوفی بسیار ریز، از اواخر سده سوم، بر روی پوست. این برگ در عصر قاجار متن و حاشیه شده است، در قطع ۶×۸ سانتیمتر.

۴۳. صحیفه سجاده، به خط نسخ خوش استاد نورالدین محمد اصفهانی در سال ۱۰۴۹ ق، و تصحیح سید محمد مهدی بن جانباز خان حسینی مرعشی در غرة رجب ۱۰۶۶. صفحات مجدول، عناوین شنگرف، نسخه نفیس، قطع جیبی.

۴۴. جزوه دخل و خرج ابواب جمعی، به فارسی، به صورت

۵۲. الشمس المضیئة. در تلخیص کتاب الاستیعاب، به عربی، از سید محمد بن محمد السندروسى الخطیب و المحدث بالجامع الكبير فى طرابلس الشام، نسخه نفیس و نایاب، تألیف کتاب صبح چهارشنبه هفدهم جمادى الآخر ۱۱۵۱، و کتابت نسخه در ۲۹ شعبان ۱۱۷۳، یعنی ۲۲ سال پس از تألیف کتاب، به خط نسخ عمر بن علی بن عمر الشهیر بالفغاری، عناوین شنگرف، قطع رقی بزرگ.
۵۳. شرح قواعد الاحکام علامه حلی، در فقه، از شیخ جعفر نجفی کاشف الغطاء، شامل کتاب معاملات. نسخه مقابله و تصحیح شده و دارای نشان بلاغ است. کتابت سده سیزدهم، قطع رقی.
۵۴. الحبل المتین، به فارسی، از سید شمس الدین محمد بن بدیع الدین الرضوی، از بزرگان و خادمان حرم مطهر رضوی در نیمه نخست سده دوازدهم، شامل معجزات بعد از دفن وجود مبارک امیر المؤمنین علیه السلام. این کتاب غیر از کتاب جبل المتین شیخ بهایی است؛ و دارای ۳۴۶ معجزه، و معجزه آخری از علی اکبر بن فتح الله موسوی است و به کتاب افزوده شده و برای فرزند مؤلف به یادگار نوشته است. نسخه نفیس، عناوین شنگرف، قطع رحلی.
۵۵. غوالی اللثالی، به عربی، از ابن ابی جمهور احسایی، نسخه نفیس و قدیمی، کتابت دوشنبه ۲۵ رجب ۹۳۱، به خط نستعلیق خوش عبدالکاظم بن نورالدین بن احمد در بلدة المؤمنین کاشان، عناوین شنگرف، قطع رقی کوچک.

- سیاق، از رحیم خان سرتیپ، که در ربیع الثانی ۱۲۸۸ با مهر و خط نظام الدوله و امین لشکر نوشته شده است. قطع وزیرى.
۴۵. کتاب دعا، نسخه هنری و نفیس، مذهب، خط نسخ ممتاز، از سده سیزدهم، دو صفحه آغاز دارای سرلوح رنگین بسیار زیبا است. آغاز هر سوره و یا دعاها مذهب است. صفحات مجدول زرین و دارای کمند، قطع رقی نستعلیق ممتاز استاد قاسم علی بن حیدر در سال ۹۹۳ق. عناوین شنگرف، صفحات مجدول با آب طلا و شنگرف، قطع وزیرى.
۴۷. کلیات سعدی شیرازی، نسخه بسیار نفیس و هنری و فوق العاده زیبا، تمامی صفحات مجدول و بین غزلیات سرلوحهای رنگین، اطراف هر صفحه طرحهای اسلیمی زرین با کمند. یک تصویر رنگین زیبا از شیخ سعدی در اواخر نسخه ترسیم گردیده است. جلد روغنی گل و مرغ. متأسفانه نسخه اندکی فرسوده شده و نیاز به ترمیم دارد. قطع رقی.
۴۸. لوامع الذکات، در فقه به عربی، شامل صلوات و زکات و خمس و صوم، از شیخ محمود بن جعفر بن باقر میثمی عراقی (اراکى)، نسخه بسیار نفیس و چاپ نشده و بسیار مفصل. این نسخه که بسیار بزرگ و در قطع رحلی است، بخشی از کتاب است. ظاهراً به اندازه کتاب جواهر الکلام باشد. این نسخه به خط مبارک مؤلف است که در روز پنجشنبه چهارم محرم ۱۲۹۱ آن را نگاشته است. خط نسخ، عناوین قرمز.
۴۹. الدروس، به عربی، از شهید اول، نسخه نفیس و کهن، کتابت محرم ۹۸۳، به خط نسخ قاسم علی بن حاج حسین قصاب استرآبادی، عناوین شنگرف، قطع وزیرى بزرگ.
۵۰. بخشی از تفسیر مجمع البیان، به عربی، شامل سوره انفال تا پایان قرآن کریم. نسخه بسیار نفیس و قدیمی. تاریخ کتابت، در نیمه نسخه (پایان جلد ۸) در سه شنبه سیزدهم محرم ۹۴۲، و در پایان نسخه کتابت جمعه ۲۴ محرم ۹۴۳ آمده است. دستخط حسین بن محمد المدعو بالشیخ مالک نسخه در سال ۹۴۳ق در برگ پایانی آمده و نسخه را در ۲۸ جمادى الثانی مقابله و تصحیح کرده است. همچنین در تملک صدر المتألهین، فیلسوف بزرگ شیعه، بوده و دستخط مبارک و مهر بیضی ایشان در پشت برگ آغاز آمده و آن را از نفاست بیشتر برخوردار ساخته است. چند تملک دیگر، از جمله محمد بن حسین العقیلی الاسترآبادی، در آن به چشم می خورد. قطع وزیرى.



بخشی از تفسیر مجمع البیان، نسخه مورخ ۶۲۱ قمری، شماره موقت، ۸۳۲۷.

۵۱. شرح منازل السائرین، به عربی، از ملاح عبدالرزاق کاشانی، نسخه نفیس و کهن، کتابت شنبه پانزدهم محرم ۸۸۶، به خط نسخ خوش رضی بن محمد بن حیدر ابی الرضاصی الحسینی، عناوین ثلث مشکی، قطع وزیرى بزرگ.

۵۶. غایة المراد فی شرح نکت الارشاد، به عربی، از شهید اول شمس‌الدین محمدبن مکی‌العاملی، شهید به سال ۷۸۶ق در دمشق، نسخه نفیس، کتابت ۲۱ جمادی الآخر ۹۸۶، به خط نسخ خوش احمدبن حسن بن صالح، برگ پایانی افتاده، قطع وزیری بزرگ.
۵۷. مختصر النافع، در فقه شیعه، به عربی، از محقق حلی شیخ نجم‌الدین ابی‌القاسم جعفر بن الحسن الهذلی الحلی (متوفی ۶۷۶ق)، نسخه نفیس، کتابت سده نهم، خط نسخ، عناوین شنگرف، سه برگ پایانی نونویس است. قطع رقی کوچک.
۵۸. تقریرات اصول، به عربی، از قوچانی، نسخه اصل به خط مؤلف در اوایل سده چهاردهم، قطع رقی.
۵۹. التحفة العوامیة فی فقه الامامیة، به عربی، از قوام‌الدین محمدبن محمد مهدی حسینی قزوینی، که در عصر شاه سلطان حسین صفوی آن را نگاشته است. نسخه نفیس، خط نسخ، عناوین شنگرف، مؤلف این منظومه را در قزوین سروده است. کتابت سال ۱۱۹۵ق، به خط محمد هادی بن محمد مطیع الموسوی، قطع رقی.
۶۰. تاریخ معاصر، به فارسی، شامل انقلاب کبیر فرانسه، از ابوالحسن خان فروغی، کتابت پنجشنبه ۲۱ ربیع الآخر ۱۳۳۲، به خط شکسته نستعلیق بر روی کاغذ خط‌دار دفتری، قطع رقی.
۶۱. سرور المؤمنین یا: سرور العارفين، به فارسی، در احوال مختار، از میرزا محمد هادی نائینی، که در عصر فتحعلی شاه قاجار آن را نگاشته است، نسخه نفیس، خط نسخ محمد هاشم بن کربلایی محمد قاسم در روز دوشنبه پنجم محرم ۱۲۷۰ در عصر مؤلف، قطع رقی.
۶۲. مقلاد التجاح، در عبادات، به عربی، از حاج شیخ عباس قمی، مؤلف مفاتیح الجنان، نسخه بسیار نفیس به خط مبارک مؤلف در سال ۱۳۱۶ق، خط نستعلیق و نسخ، قطع جیبی کوچک.
۶۳. مخازن التحف الناصریة فی قراة الاثمة الاثنی عشریة، به عربی، در علوم قرآن، از محمود بن محمد الحافظ العلوی الفاطمی الحسینی الحسنی التبریزی، که این کتاب را خود در عصر ناصرالدین شاه قاجار به خواسته معزالدوله میرزا نگاشته است. نسخه نفیس و اصل، به خط مؤلف، کتابت در شهر تبریز در صبح پنجشنبه دهه آخر رجب ۱۲۷۷، قطع جیبی.
۶۴. فرائد الفوائد فی الرجال، به ضمیمه یک رساله مختصر در حالات زید بن علی بن الحسین (علیه السلام)، به عربی، از جعفر بن محمد الحسینی السبزواری، نسخه بسیار نفیس و اصل، به خط مؤلف در سده سیزدهم، خط نسخ خوش، عناوین شنگرف، این نسخه از جمله نسخه‌های نفیس کتابخانه آیت‌الله سید عبدالله برهان المحققین سبزواری است، قطع رقی.
۶۵. عمدة المقال فی کفر اهل الضلال، به عربی، از علی بن

- عبدالعالی، معروف به محقق کرکی، نسخه نفیس، تألیف کتاب در سال ۹۷۲ق در مشهد مقدس، و کتابت نسخه در سال ۱۰۵۷ق به خط نسخ درشت، قطع وزیری بزرگ.
۶۶. فهرست اسامی ولایات ایران که املاک خالصه و موقوفات هریک از ولایات در آن مشخص گردیده است، مؤلف ناشناخته، خط نستعلیق، عناوین درشت قرمز، کتابت سده سیزدهم، قطع رقی.
۶۷. چهل و پنج برگ سند از عهد قاجار، شامل احکام، صلح‌نامه، اقرارنامه و عقدنامه، از سالهای ۱۲۳۲ تا ۱۳۳۹ق، و مربوط به افراد و روستاهای آذربایجان، به ویژه دهخوارقان، و مهر مظفرالدین شاه قاجار و ولیمهد میرزا و تعدادی از علمای آذربایجان در بیشتر آنها به چشم می‌خورد.
۶۸. تذکرة العلماء المحققین فی آثار الفقهاء و المحدثین، جلد دوم، به فارسی، از سید مهدی علی بن نجف علی رضوی هندی، که در سال ۱۲۶۰ق در شهر لکهنو هند آن را آغاز نموده، و به گفته صاحب الذریعه در سال ۱۲۸۰ق آن را به پایان برده است. این نسخه در شرح احوال علما و محدثین و مجتهدین، از قدما و معاصران مؤلف است؛ و جلد نخست آن در ذکر اصحاب نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) و ثقات راویان اخبار آن بزرگواران از عصر پیغمبر تا زمان غیبت صغراست. کتابت نسخه در عصر مؤلف در ۲۳ ذی‌قعدة ۱۲۹۰ در لکهنو، خط نسخ، عناوین قرمز، صفحات مجدول با شنگرف و لاجورد و دارای کمند، نسخه بسیار مفصل و بیش از یک هزار صفحه است. قطع وزیری بزرگ.
۶۹. ایضاح المضامین فی عبارات القوانین، به عربی، از آخوند ملاطف‌الله مازندرانی لاریجانی، نسخه نفیس، خط نسخ، عناوین قرمز، کتابت نوزدهم جمادی الآخر ۱۲۸۸ در نجف اشرف، قطع رقی.
۷۰. الکافی، از کلینی، به عربی، نسخه نفیس و مقابله شده به دست جمال‌الدین محمد بن محمد رضا بن حسن بن یحیی بن احمد الحسینی الاعرجی الحلی المشهدی در یکشنبه ششم ربیع الاول ۱۱۸۹. خط نسخ محمد زمان بن شیخ پیر عالی در رمضان ۱۰۵۶. این نسخه علامات بلاغ و تصحیح فراوان دارد. نیز از جمله نسخه‌های کتابخانه برهان المحققین سبزواری است. قطع رحلی.
۷۱. عطف القلوب و جمع الشمل فی معرفة الاسرار و الضمیر بعلم الزمّل، به عربی، از شیخ ابراهیم بن شعبان بن نافع الصالحی، اصل این کتاب از یک دانشمند یونانی الاصل به نام طمطم بن الکاهن عطرون بن شاسا موسی امین داهربن قاطیم بن کنکته الهندی الهرمسی البابلی بوده، و آن را فارابی از یونانی به عربی ترجمه کرده، و پس از ترجمه فارسی، مترجم فوق آن را مجدداً از فارسی به عربی ترجمه نموده است. کتابت اوایل سده دوازدهم، خط نسخ، قطع رقی.

۷۲. مجموعه دو کتاب فارسی در یک جلد: ۱. دستور الاطباء فی دفع الطاعون و الوباء، از حاج میرزا موسی بن علیرضا طبیب ساوجی، که در سال ۱۲۶۲ق آن را تألیف نموده است. برگ پایانی افتاده، خط نسخ؛ ۲. ترجمه فارسی طب کیمیایی براکلسیوس یونانی، از احمد بن محمد الحسینی، که آن را در عصر فتحعلی شاه ترجمه نموده است. خط نستعلیق، برگ پایانی افتاده، کتابت سده سیزدهم، قطع رقی کویچک.

۷۳. نهاية الوصول إلى علم الاصول، به عربی، از علامه حلّی، نسخه نفیس، کتابت سده دوازدهم، عناوین سنگرف، جلد لاکسی روغنی گل و بوته، که اندکی فرسوده شده و نیاز به ترمیم دارد. قطع رحلی.

۷۴. مجموعه سه رساله ترکی در علم رمل، مؤلف ناشناخته، کتابت رساله دوم در جمادی الآخر ۹۷۰، خط نستعلیق، هر سه رساله به خط یک کاتب، دارای جداول رمل که با سنگرف ترسیم شده، قطع رحلی کوچک.

۷۵. ترجمه اناجیل اربعه، به فارسی، از محمد باقر سلماسی، که در عصر فتحعلی شاه و صدارت عباس میرزا و وزارت مؤتمن میرزا محمد عیسی بن میرزا محمد حسن ترجمه شده است. خط نسخ خوش، کتابت سال ۱۲۲۶ق، به خط محمدحسین بن سلطان محمد خوبی، قطع رحلی.

۷۶. ذکر الشیعة، جلد اول، به عربی، از شهید اول، نسخه نفیس و قدیمی، کتابت سال ۹۸۰ق، خط نسخ، تألیف کتاب در سال ۷۸۴ق، عناوین سنگرف، قطع وزیری.

۷۷. حاشیه حکمة العین، به عربی، از میرزا محمد بن حسن شیروانی (متوفی ۱۰۹۸ق)، نسخه نفیس، که در عصر مؤلف در دوشنبه ۲۷ رمضان ۱۰۴۳ به خط شرف الدین علی مازندرانی در مدرسه خان شیراز کتابت شده است. خط نستعلیق، عناوین سنگرف، قطع رقی کوچک.

۷۸. التفتیح الرائع لمختصر الشرایع، به عربی، از ابی عبدالله مقداد السیوری الحلّی، معروف به فاضل مقداد، نسخه نفیس و قدیمی، کتابت ۲۱ شعبان ۹۶۷، به خط نسخ علی بن عبدالمحسن الافیلجی، عناوین سنگرف. این کتاب براساس چند نسخه نفیس موجود در این کتابخانه، که در عصر مؤلف کتابت شده است، برای نخستین بار به کوشش واحد انتشارات کتابخانه در دو جلد چاپ و منتشر گردید.

۷۹. کفایة الطالب الربانی لرسالة ابن زیدون القیروانی، به عربی، در فقه عامه، از علی ابوحسن المالکی، خط نسخ، عناوین سنگرف، کتابت هفدهم ذی حجه ۹۲۵، قطع وزیری.

۸۰. وسیلة الشفاء، به فارسی، در ادعیه، از محمد صالح بن محمدباقر رضوی، خط نسخ، عناوین سنگرف، کتابت سده یازدهم،

قطع رحلی کوچک.

۸۱. مجموعه دو رساله فارسی: ۱. طب شهابی، به صورت نظم، مؤلف ناشناخته، عناوین سنگرف، کتابت پانزدهم محرم ۱۲۳۲، به خط محمد ولی قاضی خان محمد؛ ۲. جامع الفوائد یا: طب یوسفی، از یوسفی ابن محمد بن یوسف طبیب، خط نستعلیق به خط همان کاتب، کتابت سال ۱۲۳۳ق، قطع وزیری.

۸۲. شرایع الاسلام، به عربی، در فقه شیعه، از محقق حلّی، نسخه نفیس و قدیمی، کتابت بخش نخست در شب جمعه نوزدهم ذی قعدة ۹۶۰، به خط درویش حسن اصفهانی، و بخش پایانی در اواخر جمادی الآخر ۹۶۹، قطع وزیری.

۸۳. مختلف الشیعة، به عربی، در فقه شیعه، از علامه حلّی، نسخه نفیس و قدیمی، کتابت ظهر یکشنبه پانزدهم ربیع الآخر ۹۱۹، و بخش پایانی در دهم جمادی الاول ۹۱۹، به خط نسخ یحیی بن حسن بن عشره بن ناصر بن احمد الشهابادی الوالی الموالی البحرانی، نسخه نفیس، عناوین سنگرف، قطع وزیری.

۸۴. دیوان حسینی، به فارسی، شامل رباعیات، غزلیات، قصاید، کتابت در عصر شاعر در سده سیزدهم، خط نستعلیق، عناوین قرمز، قطع رقی.

۸۵. اللثالی المحزونة، به فارسی، در ختومات، از مولی احمد بن عباس بن علی الیزدی، خط نسخ خوش، کتابت سده سیزدهم، عناوین سنگرف، قطع جیبی.

۸۶. بحر الغرائب، در خواص اسماء الله الحسنی، به فارسی، از شیخ محمد بن محمد بن ابی سعید الهروی، نسخه نفیس، کتابت سده دوازدهم، خط نسخ، عناوین سنگرف، برگ آغاز و انجام افتاده و کمی پراکندگی دارد، قطع رقی.

۸۷. مسلک المتقین، منظومه ای عرفانی - فقهی، به فارسی، از صوفی الله یار بخاری نقشبندی، زنده تا سال ۱۰۵۶ق، کتابت ربیع الاول ۱۲۸۸، خط نستعلیق، عناوین سنگرف. منظومه ای است چهارستونی و احتمالاً در حوالی کاشغر، که در قدیم جزء خراسان بزرگ بوده، کتابت شده است. قطع رحلی بزرگ.

۸۸. ذروة السعادة فی نية العبادة، به عربی، در فقه، از آیت الله حاج سید مرتضی بن احمد خسروشاهی تبریزی، نسخه نفیس، به خط مبارک مؤلف در سال ۱۳۳۰ق، شامل ۲۷ برگ، قطع وزیری.

۸۹. مجموعه: ۱. الصوامر المهرة، در ردّ الصواعق المحرقة ابن حجر تمیمی، به عربی، از قاضی نورالله شوشتری مرعشی، شهید به سال ۱۰۱۹ق در هند، خط نسخ خوش، کتابت سال ۱۳۰۷ق؛ ۲. منتخب تفسیر النعمانی، به عربی، از سید مرتضی علم الهدی علی بن الحسین الموسوی، به خط همان کاتب، در روز چهارشنبه سی ام جمادی الآخر ۱۳۰۷، عناوین قرمز. این نسخه نیز از جمله نسخه های

- کتابخانه مرحوم سیزواری است. قطع رقعی.
۹۰. مجموعه چهار رساله عربی: ۱. الفهرست شیخ طوسی، به عربی؛ ۲. المسائل البغدادیة، از محقق حلی؛ ۳. اسؤلة الشيخ زين الدين العاملي؛ ۴. رساله در تکالیف شرعیه، مؤلف ناشناخته، خط نسخ، عناوین سنگرف، قطع رقعی.
۹۱. تفسیر قرآن کریم، به فارسی، مؤلف ناشناخته، خط نسخ خوش، آیات سنگرف، کتابت نیمه دوم سده دهم، قطع رحلی کوچک.
۹۲. لب لباب معنوی، به فارسی، از ملاحسین بن علی کاشفی بیهقی (متوفی ۹۱۰ق)، خط نستعلیق، کتابت چهارشنبه ۲۲ ذی‌قعدة ۱۲۳۱، به خط محمدحسین، قطع رقعی.
۹۳. الانتصار، به عربی، از سید مرتضی، نسخه نفیس، کتابت یکشنبه شانزدهم محرم ۱۰۴۴، به خط نسخ نوروز علی ترکمان. این نسخه را رشیدالدین بن صفی‌الدین محمد سپهری زواری، از علمای دوره صفویه، در شعبان ۱۰۴۴ تصحیح و مقابله نموده است. قطع رقعی کوچک.
۹۴. فقه فارسی فتاوی، از سید حسین تبریزی مسئله گو، که آن را به صورت پرسش و پاسخ مطابق با فتاوی آیت‌الله سید حسین حسینی کوه‌کمری در نجف اشرف تنظیم نموده و دستخط و مهر ایشان بر فراز برگ نخست آمده است. خط نسخ، کتابت رمضان ۱۲۸۳، نام کتاب محو شده است. قطع رقعی.
۹۵. سفینه النجاة، در ادعیه و اعمال و آداب دعا، به فارسی، از مولی‌علی‌اصغر بن مولی محمد یوسف قزوینی، شاگرد ملا خلیل قزوینی و معاصر شیخ حرّ عاملی، کتابت نیمه دوم سده یازدهم، خط نسخ، دعاها معرب، عناوین سنگرف، برگ پایانی افتاده است، قطع وزیری.
۹۶. تعلیقه حکمت، به عربی، مؤلف ناشناخته، نسخه نفیس و قدیمی، کتابت جمادی‌الآخر ۹۰۲، به خط نستعلیق مرتضی‌بن علی الحسینی، قطع جیبی.
۹۷. رساله در وجوب نماز جمعه در زمان غیبت امام عصر (عج)، به عربی از مولی عبدالله بن محمد تقی مجلسی، برادر علامه محمد باقر مجلسی صاحب بحارالانوار، نسخه نفیس، کتابت سه شنبه چهاردهم جمادی‌الاول ۱۰۶۲ در عصر مؤلف، به خط زین‌العابدین بن حاج محمد، تألیف شب جمعه ۲۵ ربیع‌الآخر ۱۰۶۲. این نسخه حدود بیست روز پس از تألیف، کتابت شده است. عناوین سنگرف، قطع جیبی.
۹۸. درع الصحه، به فارسی، در طب، از محمد هاشم بن محمد طاهر تهرانی، مشهور به طبیب، نسخه نفیس. متأسفانه چند برگ از پایان افتادگی دارد. کتابت سده سیزدهم، خط نستعلیق، عناوین نانوخته، قطع وزیری.
۹۹. الکتاش معروف به: المعالجات البقراطية، به عربی، منسوب به ابوالحسن احمد بن محمد الطبرسی و یا جورجیس بن بختیشوع النصرانی، نسخه مصحح، کتابت سده یازدهم، و بخشی در ذی‌قعدة ۱۲۹۵، به خط نستعلیق محمد حسین طبیب ابن حاج میرزا موسی طبیب ساوجی واقف نسخه، قطع وزیری.
۱۰۰. رساله در تشریح بدن، به فارسی، از دکتر اسدالله خان ابن حاج میرزا حسین حکیم باشی توپخانه دولتی و نواده حاج میرزا موسی طبیب همایونی، نسخه نفیس، کتابت نیمه نخست سده چهاردهم، خط نستعلیق، عناوین درشت مشکی، قطع رقعی.
۱۰۱. الزهرة المهجة فی تشحید الاذهان و تعدیل الامزجة، در طب، به عربی، از شیخ داوود بصیر طبیب، خط نسخ، عناوین سنگرف، برگ پایانی افتاده، کتابت سده یازدهم، چند تملک در پشت برگ آغاز آمده است. قطع رقعی.
۱۰۲. مجموعه: ۱. الدرالاعلی، به عربی، در شرح کتاب الدور الاعلی ابن العربی، از محمد بن محمد النافلاتی الخلوئی، مفتی قدس شریف؛ ۲. الدر الثمین فی شرح صلوات سیدی الشیخ الاکبر محی‌الدین ابن العربی، از شیخ محمد عمر البغدادی، کتابت در عصر مؤلف. هر دو رساله به خط نسخ یک کاتب، عناوین سنگرف، کتابت اواخر سده دوازدهم، نسخه را حاج میرزا موسی طبیب ساوجی در سال ۱۲۷۹ق وقف نموده است. قطع جیبی.
۱۰۳. خرقة سنجیه، در طب، به فارسی، از مرتضی قلی‌بن حسن شاملو، کتابت محرم و صفر ۱۲۲۴، خط نستعلیق، عناوین سنگرف، قطع جیبی.
۱۰۴. دواسازی، به فارسی، مؤلف ناشناخته، خط نستعلیق، کتابت ۱۲۹۶ق، به خط علی گیلانی، عناوین مشکی درشت، برخی صفحات مجدول، قطع رقعی.
۱۰۵. تحفة جهانبانی، به فارسی، از ابومحمد بن عبدالنسی خراسانی، که آن را برای محمد علی میرزا نوشته است. خط نسخ، عناوین نانوخته، کتابت دوشنبه صفر ۱۲۳۴، قطع رقعی.
۱۰۶. حاشیه شرح مقاصد، به عربی، از تفتازانی، نسخه کهن و نفیس، کتابت سده نهم، خط نستعلیق، عناوین سنگرف، قطع رقعی کوچک.
۱۰۷. کشف المدارک فی شرح کتاب المدارک، جلد اول، به عربی، از ملارفع جیلانی اصفهانی، کتابت سده سیزدهم، قطع رقعی.
۱۰۸. تسهیل الذواء، به فارسی، از عبدالمطلب بن غیاث‌الدین محمد، کتابت دهه اول ذی‌حجه ۱۲۸۹، خط نسخ، عناوین سنگرف، قطع رقعی.
۱۰۹. طب فارسی، از محمد اکبرین میر محمد مقیم، خط نستعلیق در سده سیزدهم، که در هند کتابت شده است. قطع رقعی.

۱۱۷. وسیلة العباد فی يوم المعاد، در بیان مسائل شرعی، به فارسی، از احمد بن عبدالله خوانساری، در یک مقدمه و چند مقصد، نسخه نفیس، خط نستعلیق، کتابت سال ۱۲۷۲ق، قطع جیبی.

۱۱۸. فقه عربی، مؤلف ناشناخته، بدون آغاز و انجام، دارای علامات مقابله و تصحیح، کتابت سده دهم، خط نسخ، عناوین شنگرف، قطع رقی.

۱۱۹. امّ العلوم، در ترجمه و شرح فارسی الفیه ابن مالک، از عبدالغنی، برگ آغاز و انجام افتاده، کتابت سده دوازدهم، خط نستعلیق، قطع رحلی.

۱۲۰. منهج الصادقین، از ملا فتح الله کاشانی، در تفسیر، به فارسی، نسخه نفیس و قدیمی، کتابت جمعه دهم ربیع الاول ۹۸۷، به خط نستعلیق خوش فخرالدین عبدالوهاب، عناوین شنگرف، قطع سلطانی بزرگ.

۱۲۱. صحیفه سجاده، نسخه نفیس و خواننده بر محمد فاضل بن محمد مهدی مشهدی به سال ۱۰۸۶ق توسط میرزا عبدالله کاتب و یا مالک نسخه. وی چند سطر به خط مبارک خود در پایان نسخه برای مالک آن نوشته است. خط نسخ عرب، عناوین شنگرف، قطع جیبی.

۱۲۲. مصادر الانوار فی تحقیق الاجتهاد و الاخبار، به عربی، از میرزا ابوالاحمد محمد بن عبدالنبی بن عبدالصانع نیشابوری خراسانی، نسخه نفیس، کتابت سده دوازدهم، خط نسخ، عناوین شنگرف، شامل پنج مصدر و ۴۷۰ حدیث، قطع رقی.

۱۲۳. تعلیقه بر الروضة البهیة فی شرح اللعة الدمشقیة، به عربی، از آقا محمد علی نجفی، خط نسخ خوش، عناوین قرمز، کتابت سال ۱۲۶۰ق، به خط محمد ابراهیم بن میرزا عبدالمجید، قطع رحلی.

۱۲۴. المنهاج السویة فی شرح الروضة البهیة، به عربی، از شیخ بهاءالدین معروف به فاضل هندی اصفهانی، مؤلف کشف اللثام در فقه، خط نسخ، عناوین قرمز، کتابت سال ۱۲۳۸ق به خط محمد هادی بن محمد تقی قمشه‌ای، قطع رحلی.

۱۲۵. رساله در ریاضی، به فارسی، مؤلف ناشناخته، نسخه نفیس و قدیمی، کتابت سده نهم، چند برگ از نیمه نسخه افتاده است. قطع جیبی.

۱۲۶. مجموعه پنج رساله: ۱. رساله طرفه، به فارسی، در آداب دعا، در ۲۸ باب؛ ۲. ترجمه حدیث شریف قدسی، به فارسی، مترجم آن را برای حاج الله ویردی نگاشته است؛ ۳. منتخبات منشآت فارسی، از یغما؛ ۴. منشآت فارسی، از میرزا مهدی خان؛ ۵. تحفة الوزراء، در گفتار حکما. کتابت مجموعه در سده سیزدهم، قطع جیبی.

۱۲۷. حدائق الانوار فی حقائق الاسرار، به فارسی، از محمد بن فخرالدین عمر رازی، که آن را در عصر سلطان تکش خوارزمشاه به سال ۵۷۴ق نگاشته است. کتابت پنجشنبه ۲۴ جمادی الاول ۱۰۲۰،

۱۱۰. مفاتیح الجنان و مصابیح الجنان فی شرح کتاب شرعة الاسلام، به عربی، در فقه حنفی، از سید یعقوب بن سید علی حنفی، نسخه نفیس، کتابت سده دهم، شامل ۴۸ فصل، خط نستعلیق، عناوین شنگرف، این نسخه در حدود سمرقند و بخارا کتابت شده است. قطع وزیر.

۱۱۱. الدر المنثور من المأثور و غیر المأثور، به عربی، در متفرقات، از شیخ علی بن محمد بن حسن بن زین الدین العاملی، خط نسخ، کتابت نیمه نخست سده دوازدهم، نسخه مصحح. این کتاب براساس چند نسخه نفیس موجود در این کتابخانه، چند سال قبل به همت واحد انتشارات کتابخانه در دو جلد چاپ و منتشر گردید.

۱۱۲. مفاتیح الشرائع، به عربی، در فقه، از فیض کاشانی، نسخه بسیار نفیس و ارزشمند و گرانها، تمامی نسخه به خط مبارک مولی محمد علم الهدی، فرزند فیض کاشانی، که از دانشمندان برجسته عصر خود بوده است و آثار و تألیفات بسیاری دارد و بیشترین آن در این کتابخانه موجود است. این نسخه را وی در سال ۱۰۹۷ق از روی نسخه اصل، به دست والدش، که در ربیع الاول ۱۰۸۸ نوشته شده، استنساخ نموده، و آن گاه به هنگام قرائت آن را مقابله و تصحیح کرده است. خط نسخ خوش، عناوین شنگرف، صفحات مجدول با آب طلا.

۱۱۳. مجموعه دو کتاب از علمای متقدم شیعه: ۱. المعیار و الموازنة، به عربی، مؤلف ناشناخته، این رساله غیر از المعیار و الموازنة حافظ اسکافی است که در فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام نوشته شده است. تاکنون نامی از این کتاب در جایی ندیده ایم. کتابت هشتم شعبان ۱۰۷۳، خط نسخ خوش، عناوین شنگرف؛ ۲. مناقب امیرالمؤمنین، به عربی، از محمد بن علی بن الحسین الشریف العلوی، از معاصران شیخ طوسی، نسخه نفیس و نایاب، به خط همان کاتب، وقف نامه کتاب به تاریخ رجب ۱۲۵۱ در پشت برگ آغاز آمده است. قطع رقی.

۱۱۴. کتاب من لایحضره الفقیه، به عربی، در حدیث، از شیخ صدوق، نسخه نفیس، کتابت اوایل سده یازدهم، خط نسخ خوش، عناوین شنگرف، در پایان کتاب رونویس رساله‌ای از شهید ثانی در طرق روایتی کتاب به سال ۹۸۲ق آمده است که کاتبی آن را رونویس نموده است. قطع رحلی.

۱۱۵. الاعتقادات، از شیخ صدوق، به عربی، نسخه نفیس و قدیمی، کتابت عصر شنبه ۲۳ جمادی الاول ۹۵۵، در پایان چند برگ به عربی از امام الحرمین جوینی در اصول فقه به خط کاتب نسخه آمده است. قطع رقی.

۱۱۶. رساله فوریه، به عربی، از میرزا محمد تقی نوری طبرسی، پدر جاج میرزا حسن نوری مؤلف مستدرک الوسائل، نسخه نفیس، کتابت نیمه دوم سده سیزدهم، قطع جیبی.

نسخه نفیس و نایاب، قطع جیبی.

۱۲۸. تحفة الطوسیه، در متفرقات، به فارسی، مؤلف ناشناخته، نسخه نفیس. در بخشی از نسخه رساله‌ای مسوده از محمدباقر شریف واعظ اصفهانی آمده است. خط نسخ خوش، عناوین قرمز، قطع رقیمی بیاضی.

۱۲۹. مجموعه چهار رساله فارسی: ۱. شرح و ترجمه الفاظ و عبارات کتاب اعتقادات صدوق، از ابوالفتح الحسینی، که آن را برای شاهزاده مهین بانو در ۳۴ باب شرح نموده است؛ ۲. مقام العارفین، در امور خمسه از احکام نیت و تصحیح کلمات و تعیین رکعات و تشخیص صلوات، از اسماعیل بن هاشم الحسینی البسطامی، از شاگردان آخوند ملامحمد جعفر استرآبادی؛ ۳. رساله در بیان صفات ثبوتیه و سلویه، مؤلف ناشناخته، کتابت سال ۱۲۲۴ق؛ ۴. انیس الموحدین، در معرفت صفات الهیه و سلویه، از ملا محمد مهدی بن ابی ذر نراقی. کتابت سال ۱۲۴۶ق به خط احمد بن ملاعلی اکبر، خط نسخ، عناوین شنگرف، نسخه نفیس، قطع رقیمی.

۱۳۰. ریاض العارفین و منهاج السالکین، به فارسی، شامل هشت روضه، مؤلف ناشناخته، نسخه نفیس و نایاب، کتابت اوایل سده سیزدهم، قطع رقیمی.

۱۳۱. مجموعه دو رساله عربی: ۱. معرفة الربوبیه، در حکمت، مؤلف ناشناخته؛ ۲. رساله اثنی عشریه، در میراث، از عبدالنسیب الحسینی العسکری، خط نستعلیق، کتابت سده سیزدهم، قطع رقیمی.

۱۳۲. مجموعه اشعار عربی و فارسی، از شعرای مختلف، شامل دو قصیده از محمد تقی دزفولی ابن علی اکبر، کتابت نسخه در سالهای ۱۲۷۳ و ۱۲۷۴ق، خط نسخ خوش، قطع رقیمی.

۱۳۳. الناصریه، در اصول عقاید یقینیه ایمانیه و تحقیق معارف ربانیه، به فارسی، از آخوند ملا اسماعیل قلیچو. حکمی سبزواری ابن حاج حسن خان، که در عصر ناصرالدین شاه این کتاب را نگاشته است. کتابت نسخه به خط فرزند مؤلف، ملا عبدالمجید است، که در دارالخلافه تهران در شب شانزدهم شوال ۱۳۰۰ آن را کتابت نموده است. این نسخه و نسخه بعدی در کتابخانه برهان المحققین سبزواری بوده است. خط نستعلیق، عناوین قرمز، قطع رقیمی.

۱۳۴. نسخه دیگر از کتاب الناصریه، در اصول عقاید یقینیه ایمانیه، از همان مؤلف، کتابت ذی قعدة ۱۲۹۴، به خط سید مرتضی اردبیلی، عناوین قرمز، قطع رقیمی.

۱۳۵. مصابیح الهدی و مفاتیح المنی، به عربی، مؤلف ناشناخته، شامل سه باب و یک مقدمه، برگ آغاز و انجام افتاده، دستخط آیت‌الله سید عبدالله برهان المحققین سبزواری در برگ آغاز نسخه در معرفی کتاب به سال ۱۳۴۹ق آمده است. نسخه نفیس، خط نستعلیق، عناوین شنگرف، قطع رقیمی.

۱۳۶. مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، به عربی، در فقه شیعه، از علامه حلّی، نسخه بسیار نفیس و هنری، دارای چهار سر لوح رنگین نفیس مذهب از عصر صفوی، کتابت نیمه نخست سده یازدهم، صفحات مجدول با آب طلا، عناوین شنگرف، خط نسخ زیبا، نسخه اندکی رطوبت دیده است. قطع رحلی.

۱۳۷. الفروع من الکافی، جلد دوم، به عربی، از کلینی، نسخه بسیار نفیس و ارزشمند. این نسخه را عالم بزرگ شیخ حسین بن حسن مشغری عاملی، از علمای نیمه نخست سده یازدهم، در خدمت استاد خودش، میرزا محمد استرآبادی، صاحب رجال، استنساخ نموده و در پایان دو بار نسخه را در خدمت استاد خوانده و تصحیح نموده است. علامت مقابله و تصحیح در چند جا آمده است. تصحیح نسخه و کتابت در سال ۱۲۷۰ق، قطع رحلی.

۱۳۸. سلیم بن قیس الهلالی، به عربی، نسخه نفیس و قدیمی، به خط نسخ، با زیرنویس فارسی با شنگرف، کتابت دوشنبه دوم رجب ۹۱۸، به خط شمس‌الدین علی بن شمس‌الدین الطریفی. این نسخه یکی از کهن‌ترین نسخه‌های موجود کتاب است. قطع وزیری.

۱۳۹. نورالثقلین، به عربی، از سوره مریم تا پایان قرآن کریم، از شیخ عبدالعلی بن جمعه العروسی الحویزی الشیرازی، از علمای بزرگ شیعه در عصر صفوی و از معاصران شیخ حرّ عاملی، نسخه مصحح و خوش خط به خط نسخ. این کتاب را مؤلف در شانزدهم ذی‌حجه ۱۰۷۲ به پایان برده، و کتابت نسخه، که نامش علم الهدی ابن صفی سروسستانی شیرازی است، در سال ۱۰۹۰ق به خط نسخ آن را کتابت نموده است. متأسفانه فردی ناآگاه تاریخ ۱۰۹۰ را به ۱۰۷۰ق تغییر داده است؛ یعنی دو سال قبل از تألیف کتاب. قطع رحلی.

۱۴۰. شوارح الهدایه فی شرح الکفایه السبزواریه، به عربی، از حاج شیخ محمد ابراهیم بن محمد حسن کلباسی اصفهانی (متوفی ۱۲۶۲ق). این نسخه هنری از روی نسخه اصل، که دارای سه تقریظ از علمای بزرگ نجف اشرف - همچون شیخ جعفر کاشف الغطاء نجفی و شیخ احمد بن زین الدین و شیخ محمد تقی احمدی بیاتی بوده - کتابت شده است. خط نسخ ممتاز، کتابت در عصر مؤلف به سال ۱۲۴۸ق، یک سر لوح رنگین و زیبا در صفحه آغاز ترسیم شده، صفحات مجدول و دارای کمند، قطع رحلی.

۱۴۱. مجمع البیان، به عربی، از شیخ طبرسی، نسخه نفیس و هنری شامل سوره‌های بقره، آل عمران و نساء. یک سر لوح بسیار زیبای رنگین در صفحه نخست ترسیم شده، و میان سطور دو صفحه آغاز با آب طلا دندان موشی گردیده، و حاشیه آن با طرح‌های اسلیمی زرین شده است. کتابت سده سیزدهم، قطع رحلی.

۱۴۲. تهذیب الاحکام، جلد دوم، به عربی، از شیخ طوسی، نسخه نفیس و تصحیح شده در پانزدهم جمادی الاول ۱۰۵۸، کتابت

چهارشنبه پنجم ربیع الاول ۱۰۵۸، به خط نسخ زیبای عبدالرشید بن عبدالواحد، قطع رحلی.

۱۴۳. الخلاف، به عربی، در فقه شیعه، از شیخ طوسی، نسخه بسیار نفیس، به خط نسخ عالم مشهور سده سیزدهم، شیخ محسن شراره عاملی ابن شیخ محمد حسین بن شیخ علی در سه شنبه ۲۷ رجب ۱۲۳۳، قطع رحلی.

۱۴۴. موائد العوائد فی بیان القواعد و الفوائد، به عربی، در اصول فقه، از مولی محمد جعفر استرآبادی تهرانی، نسخه نفیس، خط نستعلیق، عناوین مشکئی، کتابت سال ۱۲۴۳ق، به خط محمد کاظم بن وردی، قطع رقعی.

۱۴۵. شرح صغیر بر مختصر النافع، به عربی، از سید علی طباطبائی، خط نستعلیق حضرت قلی بن نعیم بن شرف زنجانى در کربلاى معلی، شعبان سال ۱۲۰۸، این کتاب براساس چند نسخه خطی موجود در این کتابخانه برای نخستین بار به کوشش واحد انتشارات کتابخانه در سه جلد چاپ و منتشر گردیده است. قطع رقعی.

۱۴۶. تعلیقه بر منهج المقال استرآبادی، به عربی، در رجال، از آقا محمد باقر بن محمد اکمل بهبهانی، کتابت سه شنبه غره ربیع الاول ۱۲۵۶، قطع رقعی.

۱۴۷. مجموعه هفت رساله عربی در یک جلد: ۱. الاقتصاد، از شهید، کتابت عصر جمعه دوم ربیع الآخر ۱۲۵۲ در اصفهان، به خط نسخ ابوالقاسم بن کاظم العلوی؛ ۲. العقد فی الوسوسة و الطهارة الظاهرية و القلبية، از شیخ حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی، پدر شیخ بهاءالدین عاملی، به خط همان کاتب، در همان سال؛ ۳. رساله فی تحقیق عدم طهر الحصر و البواری بالشمس و وجوب صرف انفال الامام حال الغیبة، از شیخ حسین عاملی، کتابت دوشنبه نهم جمادی الاول ۱۲۵۲؛ ۴. رساله فی مسئله التقیة، مؤلف ناشناخته، کتابت همان سال؛ ۵. المسائل، از احمد بن فهد الحلّی، خط همان کاتب؛ ۶. رساله بحث در تحقیق مذهب شیعه، از شیخ حسین بن عبدالصمد عاملی؛ و مجموعه بحثهایی است که مؤلف در سال ۹۵۱ق ایراد نموده است. کتابت دوم رجب ۱۲۵۲، از روی نسخه اصل به خط مؤلف؛ ۷. رساله فی تحقیق تقدیم الشیاع علی الید، از شیخ حسین عاملی، به خط همان کاتب، در روز جمعه نوزدهم رجب ۱۲۵۱، در اصفهان، نسخه بسیار نفیس، قطع رقعی.

۱۴۸. تحفة الحسینیة، در صلوات، به فارسی، مؤلف ناشناخته. این کتاب را مؤلف به دستور علامه سید محمد باقر، معروف به آقا باقر بهبهانی، در نیمه دوم سده دوازدهم در کربلا نگاشته است. نسخه نفیس، کتابت شب دوشنبه پنجم ذی حجه ۱۱۸۹، به خط نسخ معصوم بن حاج ملا محمد خراسانی قاینی سرحابی که در عصر مؤلف

کتابت شده است. عناوین شنگرف، قطع جیبی.

۱۴۹. تحفة الحساب، در ترجمه خلاصه الحساب شیخ بهاءالدین عاملی، به فارسی، از محمد حسین بن ابوجعفر الحسینی الرضوی، شامل مقدمه و پنج مقصد و خاتمه که در رجب سال ۱۱۹۴ این کتاب را در ایالت احمدآباد گجرات هند نگاشته است. قطع رقعی.

۱۵۰. مجموعه دو رساله: ۱. علم المیزان، به عربی، مؤلف ناشناخته، تألیف شنبه هفتم جمادی الآخر ۱۲۷۷، کتابت در عصر مؤلف؛ ۲. رساله در بیان صفات حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله، به فارسی، از همان مؤلف. رساله اول شامل دوازده اشراق، کتابت نیز در عصر مؤلف در دهم رمضان ۱۲۸۷. این رساله نیز در بیستم صفر ۱۲۸۶، تألیف شده است. خط نسخ، عناوین شنگرف، نسخه در تملک فرزند مؤلف بوده است. قطع رقعی.

۱۵۱. مجموعه چهار رساله عربی، در یک جلد: ۱. مسکن الفؤاد عند فقه الاحبة و الاولاد، از شیخ زین الدین عاملی، کتابت دوازدهم جمادی الآخر ۱۲۴۶، به خط سید ابوالقاسم بن کاظم موسوی زنجانى حسینى علوی فاطمی، خط نسخ خوش؛ ۲. نهج المسترشدين فی اصول الدین، از علامه حلّی، کتابت صفر ۱۲۴۷، به خط همان کاتب؛ ۳. منهاج الکرامة فی معرفة الامامة، از علامه حلّی، کتابت یکشنبه چهاردهم ذی قعدة ۱۲۴۶، به خط نسخ همان کاتب؛ ۴. مشرق الشمسین، از شیخ بهاءالدین عاملی، به خط نسخ همان کاتب، در سال ۱۲۴۷ق، عناوین شنگرف، نسخه مصحح، قطع رقعی.

۱۵۲. بحار الانوار، جلد اول، از علامه مجلسی، به عربی، نسخه نفیس، که در سال ۱۱۰۰ق در عصر مؤلف کتابت شده و دستخط مولی عبدالله افندی اصفهانی، صاحب ریاض العلماء، در پشت برگ آغاز نسخه آمده است. خط نسخ، عناوین شنگرف، قطع وزیری.

۱۵۳. منتهی المقال فی احوال الرجال، معروف به: رجال ابوعلی، به عربی، از محمد بن اسماعیل المدعو به ابی علی، نسخه مصحح، خط نسخ، دارای حواشی بسیار، سید ابوالقاسم بن کاظم موسوی در سال ۱۲۴۸ق دستور داده این نسخه را کتابت نموده اند. عناوین شنگرف، قطع وزیری.

۱۵۴. کنز التراکیب، در طب، به فارسی، مؤلف ناشناخته، نسخه نفیس، مجدول، خط نستعلیق، کتابت نیمه دوم سده سیزدهم، شامل یک هزار صفحه، برگ پایانی افتاده، قطع وزیری بزرگ.

۱۵۵. شرح الفیة بن مالک، به فارسی، از محمد مقیم قزوینی، خط نستعلیق، برگ پایانی افتاده، قطع وزیری.

۱۵۶. شرح تجرید الاعتقاد، به عربی، شارح ناشناخته، نسخه نفیس، تمامی نسخه به خط عبدالله بن عبدالله رضوی از علمای عصر صفوی و معاصر مجلسی دوم. ظاهراً وی در کاشان می زیسته است. کتابت سال ۱۰۸۸ق و مقابله آن را در ۲۹ رمضان ۱۱۰۸ به پایان برده



است. خط نسخ، عناوین شنگرف، در پایان نسخه یک رساله مختصر به عربی از ملا جلال دوانی آمده است. قطع وزیری.

۱۵۷. رساله در اصول، به عربی، از سید ابو عبدالله بن ابوالقاسم موسوی زنجانی جدّ اخوان موسوی زنجانی، مؤلف از تقریرات استاد خود، شیخ مرتضی انصاری، استفاده نموده است. نسخه اصل به خط مبارک مؤلف در روز دوشنبه دوازدهم شوال ۱۲۹۱، قطع رقعی.

۱۵۸. مجموعه دو رساله عربی: ۱. روائع الکلم و بدایع الحکم، از میرزا حسن قمی ابن ملاً عبدالرزاق لاهیجی، نسخه نفیس، خط نستعلیق، کتابت پنجشنبه هفتم جمادی الآخر ۱۱۰۲، به خط محمد صادق بن حاج مراد تنکابنی، که آن را از روی نسخه‌ای که به خط خواهرزاده مؤلف بوده کتابت کرده است؛ ۲. حاشیه منطق، مؤلف ناشناخته، خط نسخ، کتابت سده دوازدهم، عناوین شنگرف، قطع وزیری.

۱۵۹. شرح تذکره هیئت، به عربی، از شمس‌الدین محمد بن احمد خضر، نسخه بسیار نفیس هنری، دارای سرلوح رنگین زیبا، صفحات مجدول زرین و دارای کمند، اشکال هندسی بسیار دقیق با شنگرف ترسیم شده، کتابت سده دوازدهم، خط نسخ خوش، قطع رقعی.

۱۶۰. مجموعه دو رساله: ۱. الفیه الفنون، به عربی، از محمد صادق بن حسن، که منظوم است. کتابت عصر پنجشنبه نوزدهم رجب ۱۳۴۱، به خط نستعلیق حسین العلوی الموسوی الغروی الهاشمی الفاطمی؛ ۲. رساله در توصیه‌های پدری به سه فرزندش، مؤلف ناشناخته، که فرزندان عبارت‌اند از: ۱. ابوالمکارم عزالدین محمد؛ ۲. ابو عبدالله شمس‌الدین محمد؛ ۳. ابوطالب فخرالدین محمد. کتابت ظهر جمعه، روز مبعث پیغمبر اکرم (ص)، سال ۱۳۴۱ق، به خط همان کاتب رساله اول. قطع جیبی.

۱۶۱. مجموعه ۲۵ رساله عربی و فارسی در یک جلد: ۱. ملتقطات، به عربی، از افلاطون؛ ۲. در احوال نفس و غیر آن، به عربی، از ابوعلی مسکویه؛ ۳. قواعد العقائد، به عربی، از خواجه نصیرالدین طوسی؛ ۴. در حقیقت صوت، از ابن سینا؛ ۵. در اثبات نبوت، از ابن سینا؛ ۶. در اثبات واجب، از ابن سینا؛ ۷. در حفظ الصحّة، از ابن سینا؛ ۸. در حقیقت موت، از ابن سینا؛ ۹. در مبدأ و معاد، از اثیرالدین ابهری؛ ۱۰. در بیان حقیقت، از ابن سینا؛ ۱۱. جمع بین الرأین، از فارابی؛ ۱۲. رساله معراج، از ابن سینا؛ ۱۳. التحصین و صفات العارفين، از ابن سینا؛ ۱۴. رساله حدود، از ابن سینا؛ ۱۵. رساله فی الصنعة، از ابن سینا؛ ۱۶. رساله فی الاخلاق، از ابن سینا؛ ۱۷. رساله فی تزکیة النفس، از ابن سینا؛ ۱۸. رساله التوحید، از خواجه نصیرالدین طوسی؛ ۱۹. رساله فی الجبر و الاختیار، از خواجه نصیر؛ ۲۰. رساله فی تحقیق العلة و المعلول، از خواجه نصیر؛ ۲۱. رساله فی سبب اجابة الدعاء، از ابن سینا؛ ۲۲. رساله در تنزیه واجب الوجود، از ابن سینا؛ ۲۳. رساله

در تحقیق بعض مسائل حساب، از خواجه نصیر؛ ۲۴. رساله الفصوص، از فارابی؛ ۲۵. اسرار الصلوة، از ابن سینا. مجموعه بسیار نفیس، خط نستعلیق، کتابت رجب ۸۲-۱، در بندر سورت، که به اشاره آخوندی و استادی مولانا ابوالحسن کتابت شده است. قطع وزیری.

۱۶۲. مجموعه دو رساله عربی: ۱. رساله غرر الحکم و درر الکلم، مؤلف ناشناخته، این رساله غیر از غرر الحکم آمدی است. کتابت سیزدهم شعبان ۱۲۷۴، به خط نسخ؛ ۲. غرر الحکم و درر الکلم، از آمدی. برگ پایانی افتاده. قطع رقعی.

۱۶۳. مجموعه پنج رساله به عربی: ۱. تنبیه الراقدین، مؤلف ناشناخته؛ ۲. منتخب کتاب نخبه فیض کاشانی، از همو؛ ۳. منهاج النجاة، از همو؛ ۴. رساله در تقویم، از همو؛ ۵. طریق النجاة، از علامه مجلسی. کتابت سده سیزدهم، قطع جیبی.

۱۶۴. مجموعه دو رساله، به فارسی: ۱. خلاصه کتاب تحفة الزائر علامه مجلسی، از محمد صادق بن محمد رضا حسینی استرآبادی، نسخه اصل به خط مؤلف؛ ۲. ترجمه فارسی مفتاح الفلاح شیخ بهاء‌الدین عاملی، مترجم ناشناخته، به خط مؤلف، کتابت رساله اول در مشهد مقدس به سال ۱۲۲۸ق، خط نسخ و نستعلیق، عناوین شنگرف، قطع رقعی.

۱۶۵. باب العرفان، به عربی، مؤلف ناشناخته، کتابت سده دوازدهم، نسخه نفیس خط نستعلیق، عناوین شنگرف، قطع جیبی.

۱۶۶. تاریخ ایران باستان از زمان قدیم تا انقراض دولت ساسانی، به فارسی، مؤلف ناشناخته، مؤلف از شاگردان مدرسه درالعلمین عالی تهران بوده و این کتاب را در بیستم آبان ۱۳۰۹ آغاز نموده است. نسخه اصل به خط مؤلف، خط شکسته نستعلیق، عناوین نستعلیق مشکوی درشت، قطع رقعی.

۱۶۷. شرح شرائع الاسلام محقق حلی، به عربی، از یکی از علمای نجف اشرف در عصر صاحب جواهر، و احتمالاً از شاگردان ایشان بوده است. مؤلف در این شرح از فاضل برغانی قزوینی صاحب منهج الاجتهاد زیاد نقل کرده است. نسخه اصل به خط مؤلف در سده سیزدهم، قطع رقعی.

۱۶۸. کعب و وقائعهم و بعض من حروبهم، به عربی، مؤلف ناشناخته، به خط سید احمد تبریزی در سال ۱۳۴۳ق در تهران، که از روی نسخه‌ای دیگر کتابت کرده است. مؤلف از رجال آل کعب در سالهای ۱۳۲۷ تا ۱۲۴۴ق بوده است. قطع رقعی.

۱۶۹. هدیه الاجلة فی ادعیه رویه الالهة، به فارسی، از ملا عبدالمطلب حسن بن محمد الاصفهانی، که آن را برای شاه سلطان حسین صفوی تألیف نموده است. خط نسخ، عناوین شنگرف، صفحات مجدول، برگ پایانی افتاده، قطع وزیری.

قطع رقی.

۱۷۶. مجموعه دو رساله: ۱. مصباح الهدی، در بیان واجبات عملیه و عقاید دینی، به عربی، از میرزا محمد جعفر استرآبادی، کتابت سال ۱۲۳۰ق، خط نسخ، عناوین شنگرف؛ ۲. منهاج الایمان، در اصول دین، به فارسی، از همان مؤلف و همان کاتب، کتابت سال ۱۲۳۰ق، قطع رقی.

۱۷۷. کتاب فقه، به فارسی، از ملا محمد تبریزی معقانی، خط نستعلیق محمد جعفر بن بابا ابن محمدباقر بن میرزا علی در روز شنبه ۲۸ رمضان ۱۲۴۹، عناوین شنگرف، قطع رقی.

۱۷۸. بشری الوصول إلی علم الاصول، به عربی، در اصول فقه، از میرزا محمد حسن مامقانی نجفی، کتابت سده سیزدهم، یک نسخه دیگر قبلاً معرفی گردید. قطع رقی.

۱۷۹. مجموعه دوازده رساله نفیس فارسی و عربی، در یک جلد: ۱. رساله اوزانیه، به فارسی، از محمد مؤمن بن علی الحسینی، که مؤلف آن را در عصر سلطان محمد قلی قطب شاه نوشته است. خط نسخ؛ ۲.

قانونچه، در طب، به عربی، از محمود بن محمد چغمینی خوارزمی، خط نسخ همان کاتب، عناوین شنگرف، کتابت پنجشنبه هفدهم ربیع الاول ۱۱۲۰، کاتب این دو رساله محمد هاشم هروی خراسانی است؛ ۳. دستور الاطباء، به فارسی، از محمد قاسم استرآبادی، ملقب به هندوشاه، مشهور به فرشته، شامل مقدمه و سه مقاله و خاتمه. خط نسخ همان کاتب، عناوین شنگرف؛ ۴. متفرقات در چند برگ، از قاضی نورالله مرعشی شوشتری شهید، به خط همان کاتب؛ ۵. خلاصه الحساب، به عربی، از شیخ بهاءالدین عاملی، به خط همان کاتب، در

ظهر یکشنبه پنجم ذی حجه ۱۱۲۲، عناوین شنگرف؛ ۶. منظومه نور و صفا، به فارسی، مؤلف ناشناخته، منظومه‌ای است در مدح یکی از امیران، به خط نسخ همان کاتب؛ ۷. سلامه السفر من ملامه الخطر، به فارسی، از محمد بن حسن سلمی، در بیان آداب سفر و مسافر، منقول از کتب معتبر، از جمله امان الاخطار رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن الطاووس الحسنی، معروف به ابن طاووس، شامل ده مقدمه و مقصد و خاتمه و مشتمل بر سه وجه. خط نسخ همان کاتب، در اوایل سده دوازدهم، عناوین نانوشته؛ ۸. رساله در خصوص مستبصر شدن مؤلف، به فارسی، از عبدالوهاب بن عبدالرحمان بن محمد حسین بن نظرعلی بن مرتضی قلی شیرازی، معروف به جدیدالاسلام، به خط همان کاتب، در سه شنبه دوم ربیع الاول ۱۱۲۳؛

۹. عین الحیوة، در طب، به فارسی، از محمد هاشم طیب تهرانی، شامل مقدمه و دو مقاله که در عصر شاه اسماعیل صفوی آن را نگاشته است. خط نسخ همان کاتب، عناوین شنگرف، کتابت ظهر جمعه پنجم ذی قعدة ۱۱۲۵؛ ۱۰. رساله در خصوص زنان مردان نازا که فاقد نطفه هستند و نمی‌توانند فرزند بیاورند، به فارسی، از مرتضی قلی بن

۱۷۰. مجموعه شش رساله فارسی: ۱. رساله در طب، از عبدالصمد بن حاج علی شروانی، که در آن از آثار مولانا محمود بن الیاس وزاد. المسافرین و قراپادین حکیم شفائی سود جسته است. خط نستعلیق، عناوین شنگرف، کتابت سده سیزدهم، شامل دو مقاله: اولی هفده باب و دومی ۵۹ باب؛ ۲. عقائد النساء، در بیان احوال و افعال و اقوال زنان و واجبات و مندوبات و محرمات و مکروهات آنان، مؤلف ناشناخته، شامل مقدمه و پانزده باب و خاتمه، به خط همان کاتب رساله اول، عناوین شنگرف، کتابت ربیع الاول ۱۲۳۳؛ ۳. منتخب زادالمسافرین، از مؤلف رساله اول و به خط همان کاتب، کتابت سده سیزدهم؛ ۴. رساله در تنظیم ادویه مشترکه قراپادین شفائی، مؤلف ناشناخته، به خط نستعلیق همان کاتب، عناوین شنگرف؛ ۵. بنده من السوانح و جملة من المواسخ، اکثرها فی طریق حج بیت الله الحرام و زیارة سید الانام، از شیخ بهاءالدین عاملی، شامل چند غزل فارسی؛ ۶. بهار دانش، مؤلف ناشناخته، به خط همان کاتب، در ۲۲ رمضان ۱۲۲۷. قطع رقی.

۱۷۱. کفایة المؤمنین فی معجزات الائمة المعصومین علیهم السلام، به فارسی، از محمد شریف خادم، نسخه نفیس، خط نسخ، عناوین شنگرف، کتابت سه شنبه ۲۷ رجب ۱۲۶۸، قطع رقی.

۱۷۲. رساله در اثبات امامت امیرالمؤمنین علیه السلام و معجزات و حالات آن حضرت، به فارسی، مؤلف ناشناخته. ظاهراً وی در عصر قاجار می‌زیسته است. کتابت در عصر مؤلف در سده سیزدهم. نام کتاب در فهرس موجود نیامده است. خط نسخ و نستعلیق، عناوین شنگرف، قطع رحلی.

۱۷۳. تقریرات فقه، به عربی، از سید اسماعیل موسوی خلخالی هاشمی، که آن را با خط خود در جمادی الآخر ۱۳۲۳ در نجف اشرف به پایان برده است. خط نستعلیق، عناوین مشکی، قطع رقی.

۱۷۴. مجموعه نه رساله کوچک عربی: ۱. دیوان امیرالمؤمنین علیه السلام؛ ۲. القصيدة المجلدة الجلیونیه؛ ۳. دیوان الامام السجاد علیه السلام؛ ۴. رساله الشیخ فی تفسیر سورة التوحید و النور؛ ۵. منتخب تورات، کتابت رمضان ۱۲۵۴ در تبریز؛ ۶. بعض خطب علی علیه السلام؛ ۷. جملة من الاحادیث الغریبه لحديث البساط؛ ۸. حدیث النورانیة؛ ۹. قصائد الشیخ فی المریة. بخشی از این مجموعه به خط علی العلیاری در سال ۱۲۵۵ق نوشته شده است. قطع رقی.

۱۷۵. فلاة العوام، در تقلید احکام شرعی، به فارسی، از میرزا سید محمد رضوی بن معصوم، در چند باب شامل طهارت و صلوات، که برای زایران حضرت ثامن الائمة علیه السلام نگاشته است. خط نستعلیق، کتابت چهارشنبه ۲۸ ذی حجه ۱۲۴۴ در دارالسلطنة هرات، به خط سید هاشم واعظ، که برای فرزند ارشد خود، سید حسن، نوشته است. از آغاز نسخه تا کتاب صلوات از روی نسخه اصل کتابت شده است.

حسن شاملو، به خط نسخ همان کاتب، به تاریخ دوشنبه رجب ۱۱۲۳، عناوین شنگرف؛ ۱۱. الموجز فی صناعة الطب، به عربی، از علاء‌الدین ابی الحزم القرشی المتطبیب، به خط نسخ همان کاتب، در دوشنبه هفتم محرم ۱۱۲۴، عناوین شنگرف؛ ۱۲. رساله الفاظ ادویه، در طب، به فارسی، از نورالدین محمد عبدالله حکیم عین‌الملک شیرازی، عناوین شنگرف، خط نسخ همان کاتب، کتابت عصر یکشنبه ۲۸ رمضان ۱۱۲۴. مجموعه بسیار نفیسی است و اکثر رساله‌های آن تاکنون چاپ نشده است. قطع رقی.

۱۸۰. شرح الدرّة البهیة موسوم به: فوائد القویة، به عربی، از میرزا محمدبن عبدالله همدانی. نسخه اصل به خط مؤلف در پانزدهم رمضان ۱۳۰۶، نسخه تصحیح شده، عناوین شنگرف، قطع وزیری کوچک.

۱۸۱. منظومه درة البهیة، در علم نحو، به عربی، از میرزا محمدبن عبدالله همدانی، نسخه اصل به خط مؤلف، کتابت سال ۱۳۰۵ق، به خط نسخ زیبا، نسخه مجدول، دارای سرلوح ساده زرین، در حاشیه تصحیح شده، قطع پالتویی.

۱۸۲. مجموعه رسائل متفرقه در اخلاق و جغرافیا و تراجم، به عربی و فارسی، به خط نسخ و نستعلیق تحریری شیخ مرتضی بن عبدالله تألهی همدانی، نسخه مصحح، قطع وزیری کوچک.

۱۸۳. مجموعه رسائل مختلف، نسخه مسوده، به خط نسخ و نستعلیق تحریری شیخ مرتضی بن عبدالله تألهی همدانی، در سده چهاردهم، قطع وزیری کوچک.

۱۸۴. ترجمه سیوطی، به فارسی، مؤلف ناشناخته، خط شیخ مرتضی بن عبدالله تألهی همدانی، در سده چهاردهم، قطع وزیری.

۱۸۵. مجموعه در اصول و ارث، و نخبه العقول در اصول دین، و رساله در رضاع و حساب، و رساله محمدیه، و رساله تجوید، به عربی و فارسی، از سید جعفر نجفی و محمد شفیع تبریزی و دیگران، به خط نسخ و نستعلیق شیخ مرتضی بن عبدالله تألهی همدانی در ۲۹ شعبان ۱۳۱۱، عناوین شنگرف، نسخه مصحح، قطع وزیری کوچک.

۱۸۶. شرح منظومه حکمت سبزواری، به عربی، مؤلف ناشناخته، به خط شکسته نستعلیق شیخ مرتضی بن عبدالله تألهی همدانی سلمانی، کتابت اوایل سده چهاردهم، عناوین مشکی، نسخه مصحح، قطع وزیری کوچک.

۱۸۷. شرح لثالی المنتظمة، به عربی، مؤلف ناشناخته، به خط شکسته نستعلیق شیخ مرتضی بن عبدالله تألهی همدانی در دوازدهم ذی‌حجه ۱۳۰۶، قطع رقی بزرگ.

۱۸۸. احکام حج، به فارسی، مؤلف ناشناخته، به خط شکسته نستعلیق شیخ مرتضی بن عبدالله تألهی همدانی در سال ۱۳۱۰ق، عناوین مشکی، قطع رقی بزرگ.

۱۸۹. مجموعه دو رساله عربی: ۱. تجرید العقائد خواجه

نصیرالدین طوسی؛ ۲. رساله عربی، از شیخ مرتضی بن عبدالله تألهی همدانی، کتابت در سال ۱۳۰۹ق، عناوین شنگرف، نسخه مصحح، قطع رقی بزرگ.

۱۹۰. حاشیه مکاسب، به عربی، از شیخ مرتضی بن عبدالله تألهی همدانی در اوایل سده چهاردهم، قطع رقی بزرگ.

۱۹۱. جلد دیگر حاشیه مکاسب، از تألهی همدانی، کتابت اوایل سده چهاردهم، قطع رقی بزرگ.

۱۹۲. حاشیه رسائل شیخ انصاری، به عربی، از مبحث علم اجمالی، از تألهی همدانی، نسخه اصل به خط مؤلف در سال ۱۳۱۱ق، قطع رقی بزرگ.

۱۹۳. رساله در اصول، به عربی، از شیخ مرتضی تألهی همدانی، نسخه اصل به خط مؤلف در سال ۱۳۱۱ق، عناوین مشکی، قطع وزیری کوچک.

۱۹۴. حاشیه اصول، به عربی، از شیخ مرتضی تألهی همدانی کتابت رجب ۱۳۱۹، قطع وزیری کوچک.

۱۹۵. مجموعه سی رساله در موضوعات گوناگون، به عربی و فارسی، به خط شکسته نستعلیق شیخ مرتضی تألهی همدانی در سال ۱۳۱۶ق، برخی رساله‌ها تصحیح گردیده، قطع رقی بزرگ.

۱۹۶. رساله در فقه، به عربی، از شیخ مرتضی تألهی همدانی، کتابت در اوایل سده چهاردهم، عناوین مشکی، قطع وزیری کوچک.

۱۹۷. شرح صمدیه، به عربی، از شیخ محمد هادی بن مرتضی تألهی همدانی، نسخه اصل به خط مؤلف در سده چهاردهم، نسخه مصحح با حواشی، عناوین شنگرف و مشکی، قطع جیبی.

۱۹۸. حاشیه زبدة الاصول، به عربی، مؤلف ناشناخته، به خط نسخ و نستعلیق تحریری شیخ محمد هادی بن مرتضی تألهی همدانی در سده چهاردهم، عناوین مشکی، نسخه مصحح، قطع جیبی.

۱۹۹. تنبیهات الحینیة فی ترفیع المتفدین و الصوفیة، به فارسی و عربی، از شیخ محمد هادی بن مرتضی تألهی همدانی، ملقب به میرزا ابوالعالی، نسخه اصل به خط مؤلف در سده چهاردهم، نسخه مصحح، قطع جیبی.

۲۰۰. مجموعه رسائل، در موضوعات مختلف، به فارسی و عربی، از محمد بن موسی همدانی و دیگران، نسخه به خط محمد هادی بن مرتضی تألهی همدانی در سال ۱۳۴۸ق، نسخه مصحح، قطع وزیری.

۲۰۱. مفتاح الباب إلى ربّ الارباب، به عربی، از علی بن کاظم حسینی کاظمی همدانی، به خط محمد حسین بن محمد هادی بن مرتضی تألهی همدانی در سال ۱۳۵۲ق، قطع وزیری.

۲۰۲. مجموعه حرمة النکاح و رساله فرائض الفقیه، به عربی، از ابوالحسن بن احمد آل میرزا خلیل، رساله دوم نسخه اصل است و به

خط مؤلف در ۲۷ جمادی الآخر ۱۳۱۷، رساله اول به خط محمد هادی تآلهی همدانی در سال ۱۳۴۳ق، نسخه مصحح، قطع وزیری کوچک.

۲۰۳. شرح السحاب فی شرح خلاصة الحساب، به عربی، از مولی محسن بن محمد طاهر قزوینی، به خط نستعلیق خوش محمد حسن بن عبدالله بن اسدالله، در اول جمادی الآخر ۱۲۰۷، عناوین شنگرف در متن و حاشیه، قطع وزیری کوچک.

۲۰۴. الاصول من الکافی، از کلینی، به عربی، نسخه نفیس، به خط نسخ عالی محمد حسین بن محمد هادی الکجانی الاردستانی در سال ۱۰۸۷ق، نسخه مصحح و مقابله شده، که در شش مورد دستخط علامه مجلسی صاحب بحار الانوار با عبارات «بلغ سماعاً ایدة الله تعالی» و «بلغ سماعاً اعانه الله تعالی» و «بلغ سماعاً اعزه الله تعالی» آمده است. در آغاز و انجام نسخه مهر بیضی «عبده محمد حسین» با تملک وی در سال ۲۶۲ق آمده است. قطع وزیری بزرگ.

۲۰۵. مصباح الحقیقة، به فارسی، از حسن بن یوسف تهرانی، کتابت در عصر مؤلف به سال ۱۳۳۲ق، پشت برگ آغاز تقریظی به خط مبارک آیت الله ملافتح الله غروی اصفهانی، معروف به شیخ الشریعة، در سال ۱۳۳۳ق آمده، همراه با مهر بیضی ایشان: «شریعة الحق فتح الله تابعها». عناوین شنگرف، نسخه نفیس، قطع رحلی.

۲۰۶. کشف الآیات، به ترکی، از حافظ محمد وارداری، خط نسخ، کتابت سال ۱۵۴ق، نسخه مصحح، قطع رقمی پالتویی.

۲۰۷. زواهر النوادر، به فارسی، از ابوتراب بن احمد، خط نسخ، کتابت سده سیزدهم، عناوین شنگرف، دارای جداول علوم غریبه، قطع خشتی.

۲۰۸. بخشی از جواهر الکلام، به عربی، از شیخ محمد حسن نجفی، خط نسخ، کتابت در سال ۱۲۵۵ق، به خط محمد یوسف بن کاظم همدانی، نسخه مصحح، در نیمه نسخه صورت اجازه مؤلف به خط شکسته نستعلیق آمده است. قطع رحلی.

۲۰۹. مفتاح الفلاح، به عربی، از شیخ بهاء الدین عاملی، به خط نسخ و نستعلیق زیبای محمد مقیم بن اسحاق باقی در سال ۱۰۶۸ق، نسخه مصحح با عبارت «بلغ مقابله من المقابل بالاصل الذی بخط المؤلف»، قطع رقمی پالتویی.

۲۱۰. غایة المرام فی شرح تهذیب الاحکام، به عربی، از سید نعمت الله موسوی جزایری، به خط نسخ محمد علی بن جامع العاملی در سال ۱۲۰۵ق، عناوین شنگرف، قطع رقمی بزرگ.

۲۱۱. مجموعه دو رساله، به عربی: ۱. مقاله الولاية؛ ۲. مقاله النقل و الکشف، از محمد بن فاضل الحسینی، خط نسخ، کتابت سال ۱۳۳۱ق، قطع رقمی پالتویی.

۲۱۲. الاحتجاج، به عربی، از طبرسی، به خط نسخ خوش

عبدالله بن محمد مسیح بن احمد بن میرمنشی الحسینی الموسوی القمی در سال ۱۰۹۸ق، نسخه مصحح است و علامت مقابله و تصحیح دارد. در برگ پایانی این عبارت آمده است: «بلغت التصحیح و المقابله بعون الله تعالی و توفیقه من اوله الی آخره تصحیحاً صحیحاً شافياً كاملاً و الحمد لله رب العالمین و انا العبد المذنب عبدالله الحسینی كاتبه فی سنة ۱۰۹۹ق.» عناوین شنگرف، قطع وزیری.

۲۱۳. ساکب العبرات، به فارسی، از مؤلف ناشناخته، خط نسخ ممتاز در سده دوازدهم، صفحات مجدول و دارای کمند، قطع وزیری.

۲۱۴. الروضة من الکافی، به عربی، از کلینی، خط نسخ عالی محمد یوسف بن محمد مؤمن در سال ۱۰۹۳ق، عناوین شنگرف، نسخه مصحح و مقابله شده، به خط علامه محمد باقر مجلسی، با عبارت «بلغ سماعاً ایدة الله تعالی»، «بلغ سماعاً اعانه الله تعالی» و «بلغ سماعاً اعزه الله تعالی»، قطع رقمی پالتویی.

۲۱۵. سیف الامة و برهان الملة، به عربی، از احمد بن محمد مهدی بن ابی ذرناق، به خط نستعلیق قاسم در سال ۱۲۴۵ق، نسخه مصحح، و در سال ۱۳۱۲ق در تملک میرزا محمد بن عبدالله تآلهی همدانی بوده است. قطع خشتی.

۲۱۶. سفینه النجاة، به عربی، از ملا محمد بن عبدالفتاح سراب تنکابنی، خط نسخ و نستعلیق، در سال ۱۱۹۲ق در کاشان، نسخه مصحح، که عبارت «بلغ تصحیحاً من نسخه مختلفة» در چند مورد آمده است. قطع خشتی.

۲۱۷. مجموعه عربی: ۱. حاشیه شرح مطالع الانوار، از باعنوی؛ ۲. اثبات الواجب الجدید، از جلال الدین محمد بن اسعد دوانی، کتابت در سال ۹۸۹ق، به خط نستعلیق محمد امین طیب، نسخه نفیس، قطع رقمی.

۲۱۸. مجموعه چند رساله فارسی و عربی؛ از جمله: ۱. تحدید صاع، از مجلسی دوم؛ ۲. الدعاء، از جمال الدین حسین کاشفی؛ ۳. سلم السموات؛ ۴. طوایف الفلاسفة؛ ۵. جَنگ؛ ۶. فضایل و احوال حضرت علی علیه السلام؛ ۷. اوصاف الاشراف، از خواجه نصیرالدین طوسی و حسین بن معین الدین میبیدی، خط نسخ و نستعلیق تحریری شیخ مرتضی تآلهی همدانی به سال ۱۳۱۴ق، عناوین شنگرف، قطع پالتویی.

۲۱۹. شرح مدخل منظوم، در علم نجوم، به فارسی، از حبیب الله بن محمد طیب، به خط نستعلیق تحریری علی اکبر بن محمد جعفر در بیستم ذی قعدة ۱۲۵۰، دارای اشکال نجومی، قطع جیبی.

۲۲۰. تحفة الملوك یا: روضة الانوار عباسی، به فارسی، به خط نسخ و نستعلیق محمد حسن بن ملا نجف قزوینی، که در چهاردهم ذی قعدة ۱۲۷۳ آن را کتابت کرده است. عناوین مشکى، قطع رحلی.

۲۲۱. سؤال و جواب، به فارسی، از حاج شیخ محمد بن حاج ملا

۲۲۷. قریب الفرج، در غیبت حضرت ولی عصر (عج)، از همان مؤلف، نسخه اصل، کتابت ظهر سه‌شنبه بیستم جمادی الآخر ۱۳۲۸، قطع رقی.

۲۲۸. ماء معین فی رجوع اهل البیت إلى کربلاء فی یوم الاربعین، به فارسی، از همان مؤلف، نسخه اصل، کتابت شب ۲۶ صفر ۱۳۲۸، قطع رقی.

۲۲۹. دوحه الاحمدیه فی اثبات نبوة الخاتمة المحمدیه، از همان مؤلف، نسخه اصل، کتابت سه‌شنبه نهم ربیع الآخر ۱۳۳۱، قطع رقی.

۲۳۰. امتحان المؤمنین و اختبار المكلفین فی تمییز الکاذبین من الصادقین و الصادقین من الکاذبین و المتواضعین من المستکبرین، به فارسی، از همان مؤلف، نسخه اصل، قطع رقی.

۲۳۱. دیوان اشعار فارسی واعظ یزدی، از همان مؤلف، نسخه اصل، به خط شاعر، قطع رقی.

۲۳۲. مثنوی لسان الصدق، به فارسی، از همان مؤلف، نسخه اصل، قطع رقی بزرگ.

۲۳۳. جنگ مطالب متفرقه، فارسی و عربی، از همان مؤلف، نسخه اصل، قطع رقی.

اسماعیل بن ابراهیم بن مؤمن بن ابراهیم الیزدی الموطن و الحائری المسکن، ملقب به صدر الواعظین و یا: «واعظ یزدی»، از علما و وعاظ نیمه نخست سده چهاردهم، نسخه اصل به خط مؤلف، قطع رحلی.

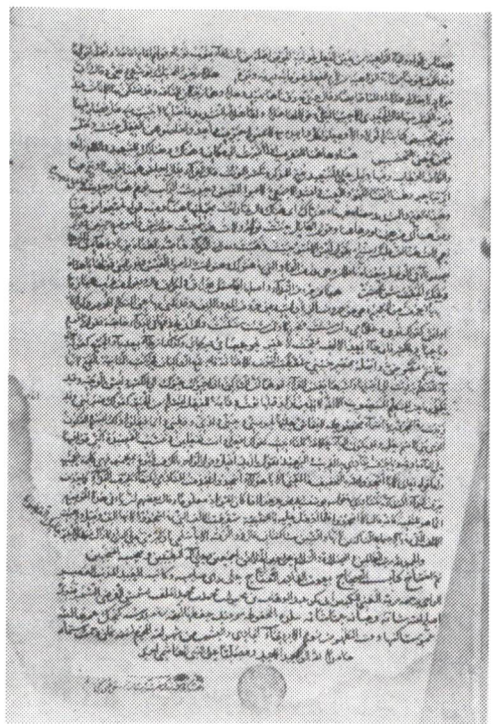
۲۲۲. معادن الاسرار فی تحقیق اسرار آثار اهل البیت الاطهار علیهم السلام، به فارسی، در اسرار شهادت حضرت اباعبدالله الحسین علیهما السلام، از همان مؤلف، نسخه اصل، مورخ نیمه نخست سده چهاردهم، قطع وزیری بزرگ.

۲۲۳. تاریخ خلفا و فضایل ائمة اطهار علیهم السلام، به فارسی، از همان مؤلف، نسخه اصل، قطع رحلی کوچک.

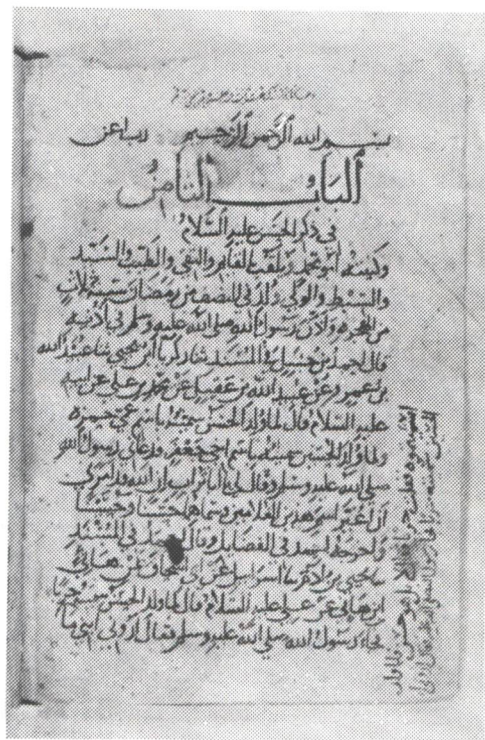
۲۲۴. رساله البشری و التبریک، به فارسی، از همان مؤلف، نسخه اصل. این رساله را وی به عنوان تبریک به یک مسیحی انگلیسی - که در عصر مؤلف در لندن اسلام آورده - نوشته است؛ و به وی هدیه نموده است. کتابت اول ذی حجه ۴ / آبان ۱۳۳۲، قطع رقی بزرگ.

۲۲۵. دیوان گلستان اعتقاد و بستان اعتماد، به فارسی، از همان مؤلف، شامل قصاید و غزلیات، نسخه اصل قطع رقی.

۲۲۶. صراط احمدی فی توحید حضرت احدی، به فارسی، از همان مؤلف، نسخه اصل، این کتاب را وی بعد از رساله سبیل ابلج المنهاج نگاشته است. قطع رقی.



صحاح اللغة جوهری، نسخه مورخ ۶۵۸ قمری، شماره موقت ۸۴۰۹،



تذکره الخواص از سبطین جوزی، نسخه کتابت شده در عصر مؤلف، شماره موقت ۸۳۲۲،

## الرحلة الاصفهانية

حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی

تحقیق علی رفیعی علامرودشتی

بخش دوم

۱. تکیه کتابفروشها و یا بقعه سادات کتابی، در سمت شمال غربی تکیه میرزا رفیعی نایینی، در جنوب غربی گورستان تخت فولاد واقع شده و به خاندان کتابفروش، تعلق داشت که به هنگام تأسیس فرودگاه اصفهان، در زمینهای تخت فولاد، تخریب گردید. در این تکیه و بقعه و اطراف آن، گروه بسیاری از عالمان و بستگانشان مدفون بوده‌اند: میری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۳۹.

۲. سادات کتابفروش که اکنون به کتابی شهرت دارند، از جمله سادات صحیح نسب و معروف اصفهان هستند که ابتدا در محله خواجه و سپس در محله سینه پایینی در کوچه سنگی، ساکن بوده‌اند و به علم، فضل و تقوا، شهرت داشته‌اند. نیای بزرگ این خاندان آقا میرسید محمد که نام کامل وی سید محمد حسین بوده و به «آقا سید محمد» شهرت داشته است، دارای هفت فرزند بوده که عبارتند از: سید محمدباقر، سید محمدجعفر «آقا سید محمد»، میر محمدصادق، سید محمد علی «سید علی»، سید مهدی، سید محمهدادی و سید محمدرضا که برخی گویند وی فرزند آقا میر سید محمد بوده است: میری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۳۹-۱۴۱؛ تذکرة القبور، ص ۴۳؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۸۲.

۳. میر محمد صادق فرزند آقا میر سید محمد حسین «کتابفروش» (۱۲۱۰-۱۳۰۴ ق/ ۱۷۹۵-۱۸۸۷ م)، عالم، فقیه و از فضلا و مدرسان اصفهان که شاگرد و داماد سید محمدباقر حجت الاسلام بیدآبادی بوده و جد سادات کتابی به شمار می‌رود. او شاگردان فراوانی تربیت کرد که یکی از معارف شاگردانش، ملا عبدالکریم گزی، صاحب کتاب تذکرة القبور می‌باشد. آقا بزرگ نوشته است که خاندان وی به «کتابچی» شهرت دارند. او دارای آثار و تألیفاتی است، از جمله شرحی بر کتاب شرایع الاسلام می‌باشد. وی در روز پنجشنبه ۱۲ شعبان ۱۳۰۴، دیده از جهان فرو بست و در بقعه و یا تکیه کتابفروشها، در تخت فولاد به خاک سپرده شد: تاریخ اصفهان جابری، ص ۳۴۶؛ تذکرة القبور، آخوند گزی، ص ۴۳؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الثالث عشر)، ۲/۲: ۶۳۳؛ میری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۳۹-۱۴۰؛ معجم المؤلفین، ۳/۳۵۰-۳۵۱؛ الذریعة، ۱۳/۳۲۴؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۸۲.

۴. آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله، در حاشیه نوشته‌اند که این شجره را در دفتر مشجرات، در تاریخ ۱۳۵۶ قمری، ثبت کرده‌اند؛ سید محمد حسین فرزند علینقی از علما و فضلا بوده است: تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۸۲.

۵. شرح حالی از وی یافت نشد.

۶. هزار جریب، زمینی مسطح و مربع بود که چهارگوشه‌اش، به چهار برج آراسته و بیش از یک میلیون ذرع مساحت داشت. منوچهرخان خواجه که به حفظ بناهای صفویه اهتمام داشت، در تجدید آبادی آنجا همت گماشت و هر قدر از اراضی قابل درختکاری بود، مشجر و آنچه در خور زراعت بود، به کشاورزی اختصاص داد... قصر یا قلعه هزار جریب از بلندترین قصرهای سلطنتی بوده که در انتهای چهارباغ بالا، سر به فلک کشیده و محل تفریح مردم شهر و جلفا بوده و تمام شهر و بلوکات حوالی اصفهان، از آن قصر نمایان بوده است: تاریخ اصفهان جابری، ص ۱۶۶-۱۶۷.

لباب سیر [یوم] الجمعة الثامن من ربيع الاول سنة ۱۳۵۰.

تکیه کتابفروشها: ۱

آقا میرسید محمد المشهور بـ «کتابفروش» ۲.

آقا میر محمدصادق، نجله جد السادة المشهورین بـ «کتابفروش» ۳  
الساکنین باصفهان.

السید محمد حسین بن علی نقی بن الحاج میرابوالحسن بن محمد علی، المدعو بـ «حاج میرزا کوچک» الشهیر بـ «کتابفروش» بن محمدهادی بن محمدهدی بن محمد علی بن عبدالله بن منصور بن عبدالله بن حبیب بن حسن بن جعفر بن محمد بن محمد علی بن تاج الدین بن مرتضی بن محمد علی بن محمد بن صدرالدین بن زین الدین بن امین الدین بن ابراهیم بن یحیی بن محمد بن ابراهیم بن عبدالله بن محمد بن علی الاصغر بن مولا زین العابدین علیه السلام و فاته سنة ۱۳۴۱ [الهجری]. نقلنا نسب هذه السلسلة من لوح قبر هذا الرجل و ان لم اتحقق أنه من العلماء. ۴ و وجدنا [علی] لوح [ال] قبر، تاریخ وفات صاحبه سنة ۱۱۸۶ [الهجری]. قال بعض المشایخ: أنه جد السادات الكتابفروشیة في داخل التکیة.

سیف الدین مظفر الطیب ابن شمس الدین محمد الطیب، و فاته سنة ۵۱۰۹۸ [الهجری]. مدفنه و اخر تخته فولاد قریب قلعة هزار جریب. ۶

سال ششم، شماره دوم، شماره دوم، شماره دوم



### تکیه آقا سید ابوجعفر<sup>۱</sup>:

حاج سید ابوجعفر، وفاته سنة ۱۳۲۵<sup>۲</sup> [الهجری] مدفنه فی تکیه مخصوصه به.

### تکیه السید رضی<sup>۳</sup>:

آقا میرزا علی محمد ولد میرزا باقر خلیفه سلطانی،<sup>۴</sup> قبره فی صحن تکیه السید رضی و وفاته ۱۳۴۸ [الهجری].

السید عبدالباقی القزوینی<sup>۵</sup> و وفاته سنة ۱۳۱۶ [الهجری] و قبره فی حجره من حجرات تکیه السید رضی.

آقا سید محمدباقر الحسینی،<sup>۶</sup> امام المسجد الجدید العباسی، وفاته سنة ۱۱۹۴ او سنة ۱۱۲۳ [الهجری]، مدفنه فی تکیه رضی.

السید علی رضا ابن السید محمدباقر الواعظ الخراسانی،<sup>۷</sup> نزیل اصفهان، وفاته سنة ۱۱۷۵ [الهجری].

السید رضی الدین بن محمد الحسینی الشیرازی،<sup>۸</sup> وفاته سنة

۱. تکیه آقا سید ابوجعفر خادم الشریعه، در جنوب گورستان تخت فولاد، مقابل تکیه مرحوم بروجرودی قرار دارد و از آثار دوره قاجاریه است؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۵۵؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ۳/۳۴۶.

۲. آقا سید ابوجعفر فرزند آقا سید صدرالدین محمد عاملی اصفهانی «خادم الشریعه» (م ۱۳۲۴ یا ۱۳۲۵ ق / ۱۹۰۶ یا ۱۹۰۷ م)، عالم فاضل و فقیه اصولی، نواده شیخ جعفر کاشف الغطاء و داماد سید اسدالله فرزند حجت الاسلام اصفهانی است. از زندگانی وی اطلاع زیادی، در دست نیست، جز اینکه نوشته‌اند شاگرد سید اسدالله فرزند حجت الاسلام اصفهانی بوده و در ۱۳۱۳ قمری، به عتبات عالیات مشرف گردیده و پس از بازگشت به اصفهان، در سن هشتاد و چند سالگی، در ۱۳۲۴ و به قولی ۱۳۲۵ قمری درگذشته و در این مکان، به خاک سپرده شد و این تکیه و بقعه را به نام وی بر فراز قبرش ساختند و گاهی این بقعه را به نام فرزندش «تکیه حاج آقا مجلسی» نیز می‌خوانند. در سالهای اخیر، در هنگام تعریض خیابان، شبستان آن تخریب گردید. بسیاری از علما و وابستگانش نیز، در این بقعه، مدفون هستند که از آن جمله می‌توان به: سید آقا جان خواجویی؛ سید محمد فرزند سید محمد صادق حسینی، امام جماعت محله خواجه و داماد خادم الشریعه؛ حاج سید اسماعیل ریزی؛ حاج میرزا محمدباقر حکیم‌باشی؛ حاج آقا حسن خادمی فرزند خادم الشریعه؛ حاج آقا شمس‌الدین خادمی فرزند دیگر خادم الشریعه و گروهی دیگر، اشاره کرد: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۵۶-۵۷؛ تاریخ اصفهان جابری، ص ۲۹۱، ۲۹۷؛ تکملة امل الآمل، ص ۲۴۲؛ اعیان الشیعة، ۲/۳۱۵؛ طبقات اعلام الشیعة (قر الثالث عشر)، ۱/۳۱۱؛ تذکره الثبوت یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۶۷.

۳. این تکیه - که به نام سید رضی الدین محمد فرزند محمد تقی موسوی شیرازی، بنا کرده‌اند - از آثار دوره صفوی است که بقعه مختصری دارد و در طول زمان خراب شده و تجدید بنا گردیده، در بعضی جهات آن، آثار دوره صفوی نمودار است. قبر آقا رضی الدین در داخل بقعه قرار گرفته و قبور بسیاری از اولاد و اعیان او در همین بقعه و صحن آن وجود دارد و تا پیش از متروک شدن تخت فولاد، گروهی از علما و دانشمندان که در «رنان» - که اکنون «رهنان» نامیده می‌شود - ساکن و به «عاملی» شهره بوده‌اند، در این تکیه مدفون شده‌اند. برخی از مدفونین در این بقعه عبارتند از: میر سید احمد عاملی، داماد و شاگرد میر داماد و صاحب کتاب منهاج المارفين؛ سید احمد فرزند مرتضی شیرازی؛ سید محمدباقر

خاتون آبادی؛ سید محمدباقر عاملی «پیشماز»؛ میر سید علی مشتاق، شاعر و صاحب دیوان؛ محمد علی عارفچه، شاعر ادیب و جمعی دیگر؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۷-۱۱۸؛ تذکره الثبوت یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۳۹. برخی از مدفونین در این بقعه را خود آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله اشاره کرده‌اند، نک: تاریخ اصفهان، ص ۱۱۸، ۱۷۸؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ۳/۳۴۷.

۴. شرح حالی از وی به دست نیامد.  
۵. سید عبدالباقی سیفی، قزوینی (م ۱۳۱۶ یا ۱۳۲۶ ق / ۱۸۹۸ یا ۱۹۰۸ م)، امام مسجد سفره‌چی (سرخ). از زندگانی وی اطلاعی در دست نیست و به احتمال، او فرزند میر عبدالواسع قزوینی است که به وراثت، در اصفهان و تهران، امامت جمعه را داشته است؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۸؛ تاریخ اصفهان جابری، ص ۳۱۷؛ تذکره الثبوت یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۰۴.

۶. آقا سید محمد باقر حسینی (م ۱۱۹۴ ق / ۱۷۸۰ م) و یا میرزا محمدباقر پیشماز عاملی (م ۱۱۲۳ ق / ۱۷۱۱ م). به درستی معلوم نیست که منظور حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله، کدام یک از این دو شخصیت علمی است. اگر منظور شخصی است که در ۱۱۹۴ قمری در گذشته است، شاید همان سید محمدباقر خاتون آبادی حسینی است که به گفته سید مصلح الدین مهدوی اصفهانی، در تاریخ ۱۱۹۳ قمری، در گذشته است (نک: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۸) و اگر منظور شخصی است که در ۱۱۲۳ قمری، چشم از جهان فرو بسته، وی همان میرزا محمد باقر پیشماز عاملی است که جد سادات عاملی «رهنان» است و امام مسجد شاه بوده و کتابها و آثار بسیاری از جمله: بحار الانوار را وقف نموده و بعضی او را برادر سید احمد عاملی دانسته‌اند و مرقدش در تکیه میرزا رضی می‌باشد؛ تاریخ اصفهان جابری، ص ۳۱۱؛ تذکره الثبوت یا رجال اصفهان، ص ۱۵۵؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الثانی عشر)، ص ۸۷؛ الذریعة، ۴/۸۴، ۲۶۱، ۱۳/۳۹، ۹۵، ۹۷، ۱۶/۱۴۲، ۱۷/۲۲۸، ۱۹/۱۳ و ۲۲/۱۴۷ و ۲۴/۳۷۹ و ۲۵/۱۲۸ و ۲۶/۱۵۲؛ تاریخ مرگش را ۱۱۲۷ قمری نوشته است و آنچه آخوند گزی نوشته، مؤید نظریه دوم است که منظور همان میرزا محمد باقر پیشماز است، نک: تذکره الثبوت، ص ۵۵؛ تذکره الثبوت یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۵۵.

۷. سید علی رضا فرزند سید محمدباقر واعظ خراسانی (م ۱۱۷۵ ق / ۱۷۶۱ م) و یا چنان که سید مصلح الدین مهدوی اصفهانی نوشته: سید علی رضا فرزند سید محمدباقر عاملی پیشماز که در هفدهم ربیع الاول ۱۱۷۵، چشم از جهان فرو بسته است، نک: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۸؛ تذکره الثبوت یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۴۱. به هر حال احتمال دارد که ایشان دو نفر باشند؛ چون یکی از جبل عامل لبنان و دیگری از خراسان است.

۸. سید رضی الدین، محمد فرزند محمد تقی حسینی شیرازی (۱۰۹۱-۱۱۱۲ یا ۱۱۱۳ ق / ۱۶۸۰-۱۷۰۰ یا ۱۷۰۱ م). وی در شیراز دیده به جهان گشود و پس از فراگیری مقدمات در آن دیار، به اصفهان مهاجرت و در آنجا سکونت نمود و به تدریس پرداخته و امامت جماعت مسجد تخت فولاد که به نام خود او مسجد رضی الدین نامیده می‌شد، به عهده گرفت. وی صاحب آثار و تألیفاتی است که دو اثر او را آقا بزرگ دیده و نام برده است: یکی تفسیری به نام: نود الانوار و مصباح الاسرار، تفسیری مزجی، موجود در آستان قدس رضوی و دیگری: جامع الاحکام که آن هم در آستان قدس موجود است. اساتید او عبارتند از: صالح فرزند عبدالکریم بحرینی؛ عبدالعلی حویزی؛ فیض کاشانی و شیخ حرّ عاملی. از شاگردانش اطلاعی نداریم، جز یکی از آنان که شیخ یحیی فرزند مولی نبی بجستانی است. وی پس از درگذشت در همین مکان دفن شد و تکیه‌ای بر

۱۱۱۲ [الهجری]، مدفنه تکیته.

المیر سید احمد بن المیر سید مرتضی الحسینی الشیرازی،<sup>۱</sup> وفاته سنة ۱۱۲۶ [الهجری]، مدفنه جنب الرضی فی التکیة.

المیرزا محمد مهدی المشهور بـ «نائب الصدر»،<sup>۲</sup> وفاته سنة ۱۲۶۷ [الهجری]، مدفنه حجرة الرضی.

**تکیة آقا میرزا باقر چهارسوقی:**<sup>۳</sup>

آخوند مولانا حسن شهرستانی،<sup>۴</sup> وفاته سنة ۱۰۹۴ [الهجری].

آمیرزا محمد حسین شهرستانی<sup>۵</sup> ابنه.

ملا محراب،<sup>۶</sup> وفاته سنة ۱۲۱۷ [الهجری]، مدفنه صحن التکیة.

**تکیة خوانساریها:**<sup>۷</sup>

حاج ملا محمد علی ولد ملا محمد صادق،<sup>۸</sup> وفاته سنة ۱۳۰۸

→ مزارش ساختند که به نام: «تکیة آقا رضی» معروف است: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۸؛ اعیان الشیعة، ۲۹/۷؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الثانی عشر) ص ۲۷۴-۲۷۵؛ الذریعة، ۳۶۲/۲۴ و ۲۴۷/۲۶؛ فهرست النبای کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ص ۵۹۰ (که او را به عنوان رضی الدین، محمد فرزند محمد تقی تفرشی و در ص ۱۵۹، به عنوان رضی الدین، محمد فرزند محمد تقی حسینی معرفی کرده است؛ تذکرة القبور یادداشتندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۳۹.

۱. میر سید احمد فرزند میر سید مرتضی حسینی شیرازی (م ۱۱۲۶/ق ۱۷۱۴م)، عالم جلیل القدر و از سادات مجدالاشراف شیراز که تولیت آستانه شاه چراغ را در شیراز به عهده داشته‌اند. وی دارای تفسیری بوده است: اعیان الشیعة، ۱۷۵/۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۸؛ معجم المؤلفین، ۳۰۶/۱؛ تذکرة القبور یادداشتندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۲۶.

۲. میر محمد مهدی فرزند سید محمد کاظم «نائب الصدر» (م ۱۲۶۷/ق ۱۸۵۱م)، عالم فاضل. از زندگانی وی اطلاعی در دست نیست؛ جز اینکه نوشته‌اند او بر کتابهای جد خویش حواشی و تعلیقاتی نوشته است: تذکرة القبور گزی، ص ۵۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۸؛ تاریخ اصفهان جابری، ص ۱۷۸؛ تذکرة القبور یادداشتندان و بزرگان اصفهان، ص ۵۱۲.

۳. چهارسو یا چهارسوق، یکی از محلات بزرگ، مشهور و معتبر اصفهان است که در سمت شرق شهر قرار گرفته است و بسیاری از علما و بزرگانی که در این محله، سکونت داشته‌اند، به «چهارسوقی» یا «چهارسویی» شهرت داشته‌اند که از آن میان می‌توان عالم رجالی بزرگوار آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی خوانساری، صاحب کتاب پراج روضات الجنات (۱۲۲۶-۱۳۱۳/ق ۱۸۱۱-۱۸۹۵ م) را نام برد که از علمای بزرگ و مشاهیر اصفهان و ایران است و تکیة آمیرزا باقر چهارسوقی، به نام نامی ایشان می‌باشد. این تکیه، در قسمت جنوبی مصلای اصفهان واقع در تخت فولاد و در نزدیکی تکیة آقا رضی الدین شیرازی و از آثار دوره قاجاریه است. در وسط تکیه، بقعه‌ای آجری است که قبر صاحب تکیه، آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی، در آنجا بلند بسته شده و در چهار طرف تکیه، از طرف بزرگان و متمکنین، اتاقهایی بنا شده و عده‌ای از مشاهیر زمان و علما، در آنجا به خاک سپرده شده‌اند. برخی از مشاهیر که در این تکیه مدفون شده‌اند، عبارتند از: آقا سید محمد ابراهیم فرزند محمد صادق موسوی چهارسوقی (م ۱۳۳۱/ق ۱۹۱۳م)؛ میرزا محمد حسین فرزند صاحب روضات (م ۱۳۵۲/ق

۱۹۳۳م)؛ آقا جلال الدین فرزند آقا میرزا مسیح چهارسوقی (م ۱۳۶۰/ق ۱۹۴۱م)؛ شیخ ابوطالب زاهدی گیلانی، پدر شیخ محمد علی حزین لاهیجی (م ۱۱۲۷/ق ۱۷۱۵م) و گروهی دیگر از روضاتیها که از نوادگان صاحب تکیه هستند: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۷۷-۸۲؛ تاریخ اصفهان جابری، ص ۱۷۸، ۱۷۹، ۳۱۳؛ تذکرة القبور گزی، ص ۵۵-۵۷؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ۳/۳۴۶.

۴. آخوند مولا محمد حسن شهرستانی (م ۱۰۹۴/ق ۱۶۸۳م). از تاریخ تولد و زندگانی او اطلاعی به دست نیامد، جز آنکه سید مصلح الدین مهدوی اصفهانی، اشاره‌ای مختصر به نام وی در مدفونین تکیة چهارسوقیها کرده است: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۷۹.

۵. آمیرزا محمد حسین فرزند محمد حسن شهرستانی (سده دوازدهم قمری/ هفدهم میلادی). از زندگانی وی نیز اطلاعی نیافتیم؛ جز آنچه را که سید مصلح الدین مهدوی اصفهانی، در ذیل مدفونین در تکیة چهارسوقیها، به آن اشاره کرده است: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۸۰.

۶. ملا محراب گیلانی (م ۱۲۱۷/ق ۱۸۰۲م)، عالم، حکیم و عارف که نزد ملا اسماعیل خواجویی، آقا محمد بیدآبادی مازندرانی و قطب الدین محمد ذهبی شیرازی، دانش آموخته است و سپس از طرف استادش قطب الدین، برای ارشاد مردم، به اصفهان و عراق عجم اعزام شده است. وی استاد حاج محمد جعفر همدانی مجذوب علی شاه است: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۸۰؛ تاریخ اصفهان جابری، ص ۱۷۸، ۳۰۷؛ تذکرة القبور، ص ۵۷؛ طریق الحقایق، ۲۱۴/۳، ۲۱۷، ۲۵۵، ۲۵۸، ۳۳۹؛ تذکرة القبور یا دانشندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۰۳.

۷. تکیة خوانساریها که به نام علامه محقق آقا حسین فرزند آقا جمال الدین محمد خوانساری اصفهانی (م ۱۰۹۹/ق ۱۶۸۸م) می‌باشد؛ پس از مرگ و دفن وی در این مکان، به امر شاه سلیمان صفوی، بقعه‌ای عالی بر مزارش بنا نهادند و هم اکنون گنبد این تکیه، از آثار باستانی اصفهان، به شمار می‌رود. آرامگاه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد و در ساحل جنوبی زاینده رود قرار دارد و تکیه‌ای نیز در مجاورت آن بنا شده است. بنای آرامگاه، شامل بقعه و گنبدی بر آن است. سر در آرامگاه با کاشیهای خشتی هفت رنگ، به خط ثلث تزئین شده است؛ ولی به غیر از یک ردیف سرکشهای حروف، در قسمت فوقانی کتیبه، چیز دیگری از آن باقی نمانده است. قسمتهای عمده‌ای از مقرنس‌گچبری سقف سر در تکیه نیز، فرو ریخته است. به ظاهر این تنها بقعه‌ای است که در دوره صفویه، به دستور پادشاه وقت، بر روی آرامگاه یکی از دانشندان آن دوره، بر پا شده است. در داخل بقعه آقا حسین، تعداد دیگری از علمای دوره‌های بعد نیز، مدفون هستند و به همین دلیل، آن را «قبه العلماء» هم می‌گویند. نمای داخلی این بقعه، با تزیینات گچی، به سبک دوره صفوی آراسته شده و نمای خارجی گنبد و دیوارهای بقعه با کاشیهای نفیس که به ویژه رنگ سفید قره‌ای آن جلب توجه می‌کند، تزیین شده است؛ بناهای آرامگاهی (دایرة المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی)، ص ۱۵؛ آثار ملی اصفهان، ص ۸۲۶؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۶۵۷-۶۵۹. این تکیه را «تکیة آقا حسین» و «تکیة آقا خوانساری» نیز می‌نامند و در طرف راست «تکیة شیخ محمد تقی» یا «تکیة مادر شاهزاده» قرار دارد و متصل به آن است: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۰۸، تاریخ اصفهان جابری، ص ۱۷۷، ۱۷۸، ۳۳۴؛ تذکرة القبور گزی، ص ۴۹-۵۲؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ۳/۳۴۶.

۸. شرح حالی از ملا محمد علی فرزند ملا محمد صادق نیافتیم، جز اشاره‌ای کوتاه از سید مصلح الدین مهدوی که وفات وی را ۱۳۱۰ قمری نوشته است: تذکرة القبور یا دانشندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۴۴.



[الهجری]، مدفنه حجره آقا حسین.

السید ابراهیم بن سلمان<sup>۱</sup>، وفاته سنة ۱۱۵۶ [الهجری]، مدفنه حجره [آقا] حسین.

میرسید محمد المشهور بـ «منیرالدین الحسینی»، وفاته ۱۳۲۲ [الهجری]، ابن صدر العلماء السید عبدالوهاب بن محمد بن مهدی بن محمدعلی بن ابی القاسم بن مؤمن بن الحسین بن عباد بن المیر نظام الدین ابی الفتح بن حبیب‌الله بن الحسین العسکری بن غیاث الاسلام محمد بن میر شمس الدین محمد بن حبیب‌الله بن فرد بن نجیب بن محمد بن ناصر الدین عبدالمطلب بن مرتضی بن علی بن حسین بن بادشاه بن الحسین بن بادشاه بن عبدالله بن عقیل بن ابوطالب بن الحسین بن جعفر بن محمد بن السلیق عبدالله بن محمد الاکبر بن ابی محمد الحسن المحدث بن ابی عبدالله الحسین الاصفهین مولانا زین العابدین (علیه السلام)<sup>۲</sup>.

آقا میرزا محمد باقر<sup>۳</sup>، وفاته سنة ۱۲۰۴ [الهجری]، مدفنه حجره [آقا] حسین.

آقا جمال الدین الخوانساری<sup>۴</sup>، وفاته سنة ۱۱۲۵ [الهجری]، مدفنه حجره خاصة به.

آخوند ملا محمد باقر فشارکی<sup>۵</sup>، وفاته سنة ۱۳۱۴ [الهجری]، مدفنه حجره آقا حسین.

۱. سید ابراهیم فرزند سید سلمان (م ۱۱۵۶ ق/ ۱۷۴۳ م). از زندگانی وی نیز اطلاعی به دست نیامد؛ جز آنکه مؤلف سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، در ص ۱۰۸، ذیل مدفونین در تکیه خوانساریها، نامش را آورده است و در کتاب دیگر خود، از او به عنوان سید ابراهیم فرزند سید سلیمان نام برده و او را از علما و فضلاء اصفهان دانسته است؛ تذکرة القیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۵۰.

۲. آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (علیه السلام)، در حاشیه دستنویس خود، در مورد این شخص نوشته‌اند: «هذا من المدفونین بمشهد الرضا [ع] فلا تتفل» (برگ ۲۶۶)؛ اما سید مصلح الدین مهدوی، در ذیل مدفونین در تکیه خوانساریها، نام وی را آورده است؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۱.

۳. آقا میرزا محمد باقر (م ۱۲۰۴ ق/ ۱۷۸۹ یا ۱۷۹۰ م). از زندگانی وی اطلاعی به دست نیامد و سید مصلح الدین مهدوی، ذیل مدفونین در تکیه خوانساریها، از شخصی به نام «محمدباقر فرزند آقا امین» نام می‌برد که سال مرگ وی ۱۱۰۴ قمری است و به احتمال زیاد، منظور همین میرزا محمدباقر است و از زندگانی او نیز اطلاعی نداریم، بنابراین تاریخهای ارائه شده، می‌بایست تحریف شده باشد!

۴. آقا جمال الدین محمد فرزند آقا حسین خوانساری (م ۱۱۲۵ ق/ ۱۷۱۳ م)، عالم، فقیه، متکلم و حکیم نامور اصفهانی. وی نزد پدر خود آقا حسین خوانساری و آخوند محمد باقر سبزواری و به قولی علامه مجلسی، دانش آموخته و به مدارج بالای علمی رسید و پس از مرگ پدر و علامه مجلسی، به ریاست حوزه علمیه اصفهان رسید و شاگردان فراوانی را تربیت کرد که از آن جمله می‌توان: محمد اکمل اصفهانی و ملا رفیع مشهدی را نام برد. او دارای آثار و تألیفات بسیاری است که آذربزرگ تهرانی و دیگران آنها را نام برده‌اند. برخی

از آثار وی عبارتند از: حاشیه شرح لعمه؛ حاشیه شرح المختصر للباغی؛ حاشیه علی حاشیه الحضری؛ حاشیه تهذیب الاحکام؛ حاشیه کتاب من لایحضره الفقیه؛ حاشیه الشرایع؛ حاشیه الشفاء؛ حاشیه الاشارات؛ شرح فارسی غرر و درر؛ شرح حدیث البساط؛ ترجمة الفصول المختارة علم الهدی.

از آثار منسوب به او کتاب کلثوم ننه است که در ۱۳۱۰ و ۱۳۵۲ قمری به چاپ رسیده است؛ اما دیگر آثار وی که به صورت خطی در کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (علیه السلام) موجود است، عبارتند از: احکام نماز، به شماره «۳۰۳۴»؛ احکام نیت، به شماره «۳۶۹۷»؛ ترجمة الصلاة، به شماره «۳۰۳۴»؛ ترجمة مفتاح الفلاح، شیخ بهایی، به شماره‌های «۸۱۹، ۹۹۲، ۲۸۱۶ و ۷۲۰۸»؛ ذخیره القیامة در ترجمة منهاج الکرامة، به شماره «۱۰۳». مجموعه‌ای از رسائل وی نیز، در کتابخانه مدرسه صدر اصفهان موجود است. بعضی تاریخ مرگ وی را، ۱۱۲۱ قمری نیز، نوشته‌اند: امل الآمل، ۵۷/۲؛ تعلیقة امل الآمل، ص ۱۱۲؛ ریاض العلماء، ۱۱۴/۱؛ روضات الجنات، ۲۱۴/۲-۲۱۵؛ جامع الرواة، ۱۶۴/۱؛ طرائف المنال، ۷۴/۱؛ لؤلؤة البحرین، ص ۹۰؛ الاجازة الکبیرة، جزائری، ص ۴۲؛ نجوم السماء، ص ۱۹۱-۱۹۲؛ مستدرک الوسائل، ۱۵۵/۳؛ قاموس الاعلام، ۲۸۴/۱؛ قصص العلماء، ص ۲۰۸؛ رباعیة الادب، ۵۴/۱؛ الکنی والالقباب، ۱۵۲/۲؛ الفوائد الرضویة، ص ۸۳؛ معجم المؤلفین، ۱۵۴/۳؛ اعیان الشیعة، ۲۳۱/۹؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الثانی عشر)، ص ۱۴۶-۱۴۸؛ الذریعة، موارد متعدد (نک: فهرس اعلام الذریعة، ۴۶۵/۱)؛ معجم رجال الحدیث، ۱۹/۱۶-۲۳-۲۴؛ تذکرة القیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۲۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۰۸؛ تاریخ اصفهان جابری، ص ۱۷۷، ۱۷۸، ۳۲۵، ۳۲۶؛ تذکرة القیور گزنی، ص ۵۱؛ جهان تاریخ، ۲۹۲/۱.

۵. آخوند ملا محمدباقر فرزند محمد جعفر فشارکی اصفهانی (م ۱۳۱۴ یا ۱۳۱۵ ق/ ۱۸۹۶ یا ۱۸۹۷ م)، فقیه اصولی، متکلم و خطیب معروف عهد قاجار. تاریخ تولد وی دانسته نیست؛ اما در قریه فشارک اصفهان، دیده به جهان گشود و پس از فراگیری مقدمات، به اصفهان رفت و از مجلس درس شیخ محمدباقر فرزند محشی «معالم» و سید حسن مدرس استفاده و دانش آموخت و به مدارج بالایی دست یافت، سپس خود به تدریس و وعظ و خطابه پرداخت که در اصفهان و تهران وعظ می‌نمود. یکی از شاگردان برجسته او میرزا سید ابراهیم شمس آبادی بوده است. او دارای آثار و تألیفات فراوانی است؛ اما آنچه به چاپ رسیده، عبارتند از: آداب الشریعة المطهرة، چاپ ۱۲۹۵ قمری؛ آداب الصلاة که به همراه اسباب الفقر و الغناء و ذخیره المعاد، در ۱۳۲۲ قمری منتشر شده است؛ اعمال سه ماه، در ادعیه، چاپ ۱۳۳۰ قمری؛ رساله در وقایع دهه اول محرم، همراه با عنوان الکلام و تزیه المؤمنین فی رد ضریبات السحدرین و العشریة، در مقتل، در ۱۳۲۰ ق، در اصفهان و ۱۳۳۳ و ۱۳۴۸ و ۱۳۶۸ ق، در تهران، انتشار یافته‌اند. وی رساله‌های فراوانی در فقه و حواشی بسیاری بر کتابهای فقهی و اصولی نوشته است. فشارکی ۶۳ سال عمر کرد و در این مدت امامت جماعت مسجد «غدویه» (قدویه) یا قطیبه را در خیابان چهارسوق شیرازها و امامت جماعت مسجد محله نو و احیای شبهای جمعه و غیر آن در مسجد و مصلا، تخت فولاد، به عهده داشت؛ تذکرة القیور گزنی، ص ۵۳-۵۴، ۸۸؛ تکملة نجوم السماء، ۴۰۰/۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۰۸؛ تاریخ اصفهان جابری، ص ۲۸۵، ۳۱۴، ۳۱۵، ۴۵۶؛ علماء معاصرین خیابانی، ص ۶۵؛ فوائد الرضویة، ص ۴۰۴؛ معجم المؤلفین، ۱۵۵/۳؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الرابع عشر)، ۲۰۰/۱؛ مستدرکات اعیان الشیعة، ۲۱۶/۳؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ۴۲/۲؛ فهرست کتابهای چاپی فارسی مشار، ۲۵۷۴/۲؛ الذریعة، ۲۱/۱، ۲۲ (نک: فهرس اعلام الذریعة، ۲۷۹/۱ - ۲۸۰)؛ تاریخ اجتماعی اصفهان، ۲۰۱/۳-۲۰۲؛ تذکرة القیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۶۴-۱۶۵.

الحاج میرسید علی الطباطبائی البروجردی،<sup>۱</sup> وفاته سنة ۱۳۰۶ [الهجری]، مدفنه جنب الفشارکی.  
 ابن الحاج میرسید علی، المیرزا مهدی،<sup>۲</sup> وفاته سنة ۱۳۰۴ [الهجری] و دفن بجنب ابیه.<sup>۳</sup>  
 آقا حسین [ال] خونساری،<sup>۴</sup> وفاته سنة ۱۰۹۹ [الهجری]، فی حجره ابنه.  
 میرزا محمد رحیم شیخ الاسلام،<sup>۵</sup> وفاته سنة ۱۲۴۹ [الهجری]، مدفنه حجره الخونساری.  
 الحاج ملاحسین علی تویسرکانی،<sup>۶</sup> وفاته سنة ۱۲۸۶ [الهجری]، مدفنه حجره الخونساری.

۱. حاج میرسید علی فرزند سید عبدالکریم فرزند سید علی طباطبائی بروجردی اصفهانی (م ۱۳۰۶/ق ۱۸۸۸ م)، عالم و فقیه اصولی. وی در بروجرد دیده به جهان گشود و پس از گذراندن مقدمات، به اصفهان مهاجرت کرد و نزد شیخ محمد جعفر آباده ای و شیخ محمد مهدی کلباسی و سید اسدالله فرزند سید حجت الاسلام شفتی و بعضی اساتید دیگر دانش آموخت و به مقام فقاقت و اجتهاد رسید و از آن پس، خود به تدریس پرداخت. او امامت جماعت مسجد محله درب کوشک را به عهده داشت و حدود سال ۱۳۰۰ قمری، به عتبات عالیات مشرف و پس از بازگشت به اصفهان، در روز پنجشنبه دهم ربیع الاول ۱۳۰۶، دیده از جهان فرو بست و در تکیه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد، به خاک سپرده شد. قبر وی در بالای سر آقا حسین در داخل بقعه قرار دارد. از آثارش می توان به: شرح هدایه شیخ حرّ عاملی و مباحث اصول فقه، اشاره نمود که آقا بزرگ تهرانی آن را نزد فرزند وی دیده است: تذکرة التیور گزی، ص ۵۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۱؛ اعیان الشیعة، ۲۶۷/۸-۲۶۸؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الرابع عشر)، ۱/۴-۱۴۷۰؛ الذریعة، ۲۰۷/۲-۱۷۳/۱۴؛ معجم المؤلفین، ۴۶۲/۲؛ المآثر و الآثار، ۲۱۴/۱، ۲۳۱ و ۷۶۸/۲؛ تاریخ اصفهان جابری، ص ۱۷۸.
۲. میرزا مهدی فرزند سید علی فرزند عبدالکریم طباطبائی بروجردی اصفهانی (م ۱۳۰۴/ق ۱۸۸۴ یا ۱۸۸۷ م)، عالم فاضل. از تولد و زندگانی وی اطلاعی در دست نیست: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۱.
۳. چون وی پیش از پدر خود دیده از جهان فرو بسته است، عبارت «و دفن بجنب ابیه» شاید درست نباشد و بهتر است عبارت: «المدفون جنب ابیه» یا «مدفنه بجنب ابیه» به کار برده شود.
۴. آقا حسین فرزند جمال الدین محمد فرزند حسین خوانساری اصفهانی (۱۰۹۸-۱۰۹۸ یا ۱۰۹۹ ق/ ۱۶۰۷-۱۶۸۷ یا ۱۶۸۸ م)، عالم و فقیه اصولی و ملقب به: «استاد الكل فی الكل» و «استاد البشر» که در میان محققان زمان خود کم نظیر بود. او فقه را نزد ملا محمد تقی مجلسی اول و حکمت را از میرفندرسکی و علوم عقلی را از ملاحیدر خوانساری آموخت و از ملا محمدباقر مجلسی دوم و ملا محمدباقر سبزواری اجازه گرفت. کسانی چون: میرمحمد صالح خاتون آبادی، داماد مجلسی؛ ملا میرزا شروانی؛ شیخ جعفر قاضی؛ سید نعمت الله جزایری؛ فاضل سراب؛ ملا علی رضا تجلی شیرازی و فرزندان خودش آقا جمال و آقا رضی، از وی دانش آموختند. آثار و تألیفات فراوانی داشته که برخی از آنها مانند: حاشیه الاشارات و المحاکمات، به شماره های «۷۸۸۵ و ۶۶۹۵، ۶۵۲۳، ۵۱۰۴، ۴۸۳۰، ۲۱۲۳»؛ شیهة الاستزمام، به شماره های «۴۸۷۱، ۴۸۸۱»؛ الکتبی، به شماره «۶۷۴»؛ مشارق الشمس فی شرح الذروس، به شماره های «۱۴۲۶ و ۶۵۵۰»؛ مقدمة الواجب، به شماره های «۱۴۲».

۱. ۴۸۷۱، ۷۳۱۱» در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته به صورت خطی موجود است و چند اثر وی به چاپ رسیده که عبارتند از: تعلیقة الآقا حسین الخوانساری علی الحاشیة التي علفها المحقق السبزواری علی الرسالة شیهة الاستزمام، تهران، ۱۳۱۷ قمری؛ الرسالة فی مقدمة الواجب، ۱/۱۳۱۷ قمری که ردی بر محقق سبزواری، نایینی و قزوینی است؛ مشارق الشمس فی شرح الذروس، تهران، ۱۳۰۵ و ۱۳۱۱ قمری که فرزندش آقا رضی، آن را تکمیل نموده است. پس از مرگ و دفن در تخت فولاد، به دستور شاه سلیمان صفوی، بر مزار وی بقعه ای عالی ساختند: تذکرة نصرآبادی، ص ۱۵۲؛ ریاض العارفين، ص ۳۱۶؛ جامع الرواة، ۱/۲۳۵؛ امل الآمل، ۱۰۱/۲، سلافة المصر، ص ۴۹۹؛ ریاض العلماء، ۵۷/۲-۶۰؛ تعلیقة امل الآمل، ص ۱۴۰-۱۴۱؛ روضات الجنات، ۲/۳۴۹-۳۵۸؛ طراف المقال، ۱/۷۴؛ الاجازة الكبيرة جزایری، ص ۳۷؛ نجوم السماء، ص ۱۰۹؛ لؤلؤة البحرين، ص ۹۱؛ مستدرک الوسائل، ۳/۴۰۸؛ وقایع السنین و الاعوام، ص ۵۰۹، ۵۱۴، ۵۳۹، ۵۴۱-۵۴۲؛ هدیة العارفين، ۱/۳۲۴؛ ایضاح المکنون، ۳/۴۸۵؛ فوائد الرضویة، ص ۱۵۲؛ هدیة الاحباب، ص ۲۳۴؛ ریحانة الادب، ۵/۲۳۹-۲۴۲؛ تمهة المنتهی، ص ۵۹۰؛ جهان تاریخ، ۲۹۲/۱-۲۹۳؛ معجم المؤلفین، ۴۸/۴؛ اعیان الشیعة، ۶/۱۴۸-۱۵۰؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الحادی عشر)، ص ۱۶۶-۱۶۷؛ الذریعة، ۱/۱۸۸، ۳۰۸ و ۸۱/۲ و سایر مجلدات (نک: فهرس اعلام الذریعة، ۱/۶۵۸)؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ۲/۸۶۰-۸۶۲؛ فهرست کتابهای چاپی عربی مشار، ص ۱۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۵۲، ۳۷۶، ۴۸۵؛ دائرة المعارف جواهر الکلام، ۲/۵۷؛ تاریخ اصفهان جابری، ص ۳۲۵، ۳۳۸؛ تذکرة التیور گزی، ص ۴۹-۵۱، ۵۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۰؛ تذکرة التیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۹۷-۲۹۸.
۵. میرزا محمد رحیم شیخ الاسلام (م ۱۲۳۹ ق/ ۱۸۳۳ م)، فرزند میرزا مرتضی، فرزند شیخ عبدالمطلب، فرزند میرزا رحیم اول، فرزند میرزا محمد جعفر سبزواری؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۰؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ۳/۲۲۰؛ تذکرة التیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۲۸.
۶. حاج ملاحسین علی فرزند نوروز علی تویسرکانی (م ۱۲۸۶ یا ۱۲۸۸ ق/ ۱۸۶۹ یا ۱۸۷۱ م)، فقیه اصولی و متکلم. او مقدمات علوم را در بروجرد آموخت، سپس به اصفهان رفت و از شیخ محمد تقی اصفهانی، دانش آموخت و به مقام فقاقت رسید و خود به تدریس پرداخت و در مسجد محله ایلچی اقامه جماعت می کرد و برای اقامه نماز جمعه به درجه می رفت. میرزا عبدالصفا تویسرکانی، شاگرد اوست و کسانی چون: محمد تقی بن احمد تویسرکانی، میرزا محمد همدانی «امام الحرمین»، شیخ عبدالحسین شیخ العراقین، از او اجازه گرفته و روایت کرده اند. آثار او عبارتند از: ردّ زکن رابع، به شماره های «۴۴۰۰ و ۲۷۴۷۰»؛ رساله عملیه، به شماره «۶۲۹۴»؛ شهاب ثاقب، به شماره های «۴۱۶۶ و ۷۴۶۹»؛ فضل الخطاب، به شماره «۱۴۹۵»؛ کشف الاسرار فی احکام الائمة الاطهار، به شماره های «۵۲۴۰، ۷۳۸۹، ۷۳۹۰» و نجات المؤمنین، به شماره های «۳۴۷۰، ۵۵۷۰، ۵۸۸۴»، در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته موجود است. قبر وی در پایین پای آقا حسین و آقا جمال خوانساری، در تکیه خوانساریها در کنار ایوان می باشد: المآثر و الآثار (چهل سال تاریخ ایران)، ۱/۲۰۸ و ۷۶۰/۲؛ روضات الجنات، ۸/۲۲۴-۲۲۶؛ تکملة نجوم السماء، ۱/۲۱۱؛ مستدرک الوسائل، ۳/۴۰؛ اعیان الشیعة، ۱۳۱/۶؛ معجم المؤلفین، ۱/۶۲۶؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الثالث عشر)، ۲/۳۶۳ (حسنعلی) و ۳۳۹-۳۴۸ (حسینعلی)؛ الذریعة، ۲/۱۹۷ و ۳۰۱، ۶۳/۵ و ۵۶/۶ و ۱۸۲/۱۰ و ۲۰/۱۱ و ۳۳۲/۱۳ و ۲۲۸/۱۶ و ۱۲/۱۸ و ۱۸ و ۹/۱۹ و ۵۲/۲۱ و ۳۸۱ و ۶۳/۲۴ و ۲۳/۲۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۰؛ تاریخ اصفهان جابری، ص ۱۷۸؛ تذکرة التیور گزی، ص ۵۲، ۳۱؛ تذکرة التیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۰۶.



- الحاج ملا محمد علی اصفهانی،<sup>۱</sup> وفاته سنة ۱۳۰۱ [الهجري].  
 ملا محمد مهدي هرندي،<sup>۲</sup> [وفاته] سنة ۱۱۵۹ [الهجري].  
 ملا عبدالله قمشه،<sup>۳</sup> وفاته سنة ۱۲۶۱ [الهجري]، مدفنه صحن  
 الخونساري.  
 آخوند مفيدالله قمشه،<sup>۴</sup> وفاته سنة ۱۲۹۳ [الهجري]، مدفنه جنب  
 ملاعبدالله.  
 آقا ميرزا حسن علي بن الميرزا ابوطالب الالماسي المجلسي،<sup>۵</sup>  
 وفاته ۱۲۲۷ [الهجري]، في صحن الخونساري.  
 ابنه الميرزا نورالدين،<sup>۶</sup> دفن بجنبه في حدود سنة ۱۳۴۷  
 [الهجري] وفاته.  
 آقا ميرزا حيدر علي والد الميرزا حسين علي الالماسي،<sup>۷</sup> وفاته  
 سنة ۱۲۱۴ [الهجري]، دفن [في] صحن الخونساري.  
 آقا سيد شفيح شوشتری جزائري،<sup>۸</sup> مدفنه صحن الخونساري،  
 وفاته سنة ۱۲۷۴ [الهجري].  
 ابنه السيد محمد.<sup>۹</sup>  
 آقا کمال ابن آقا حسين الخونساري،<sup>۱۰</sup> جنب آقا جمال ولا لوج له.  
 ملا محمد صادق پیکاني،<sup>۱۱</sup> من بلدة شيخنا الانصاري.  
 ومن المدفونين ملاحق التكية المذكورة:

۱. حاج ملا محمد علی اصفهانی (م ۱۳۰۱ ق / ۱۸۸۴ م). گویا از عالمان عصر ناصرالدین شاه قاجار است که مدتی امامت جمعه اصفهان را به عهده داشته است و جز این اطلاعی از او یافت نشد: المآثر والآثار (چهل سال تاریخ ایران)، ص ۲۴۸؛ طبقات اعلام الشيعة (قرن الثالث عشر)، ص ۸۲۱؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۴۴-۴۴۵.
۲. ملا محمد مهدي هرندي (م ۱۱۵۹ ق / ۱۷۴۶ م). از زندگانی وی اطلاعی یافت نشد و تنها سيد مصلى الدين مهدي، از او نام برده است: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۱.
۳. ملا عبدالله قمشه (م ۱۲۶۱ ق / ۱۸۴۵ م). شرح حال وی نیز جز آنچه سيد مصلى الدين مهدي نوشته، چیز دیگری یافت نشد: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۰؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۲۱۹؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۲۱.
۴. آخوند مفيدالله قمشه (م ۱۲۹۳ ق / ۱۸۷۶ م). از زندگانی وی اطلاعی یافت نشد؛ نک: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۱؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۵۰۲-۵۰۳؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۲۳۱.
۵. آقا ميرزا حسن علي فرزند ميرزا ابوطالب فرزند ميرزا محمدتقی فرزند ميرزا کاظم الماسي فرزند مولا عزيزالله فرزند مولا محمدتقی مجلسي (م ۱۲۲۷ ق / ۱۸۱۲ م)؛ عالم فاضل و از نوادگان مجلسي اول که از پسرعمویش حيدر علي اجازه گرفته است: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۰؛ اعيان الشيعة، ۱۵۷/۵؛ طبقات اعلام الشيعة (قرن الثالث عشر)، ص ۳۶۲-۳۶۳؛ الذريعة، ۱۹۱/۱؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۷۶، با این تذکر که در جای دیگری او را «حسين علی الماسي» نوشته است (ص ۳۰۵).
۶. ميرزا نورالدين فرزند ميرزا حسين علي فرزند ميرزا ابوطالب الماسي مجلسي (۱۲۷۴-۱۳۴۷ ق / ۱۸۵۷-۱۹۲۸ م)، واعظ، اديب، شاعر و از آزادی خواهان

صدر مشروطيت و متخلص به «چهره» است. بیش از این مطلبی از او یافت نشد: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۱؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۵۲۵ و نگاه کنید: ص ۳۰۹.

۷. آقا ميرزا حيدر علي فرزند ملا عزيزالله فرزند محمدتقی الماسي فرزند محمد کاظم فرزند مولا عزيزالله فرزند ملامحمدتقی مجلسي (۱۱۴۶-۱۲۱۴ ق / ۱۷۳۳-۱۷۹۹ م)، عالم فاضل و از نوادگان مجلسي اول. وی نزد مير عبدالباقي فرزند مير محمد حسين خاتون آبادی دانش آموخته و فرزندانش آقا محمدعلي، ميرزا محمد کاظم، ميرزا محمدتقی، ميرزا عزيزالله و همچنين ميرزا محمد صالح، از او دانش آموخته و اجازه گرفته‌اند. او دارای آثار و تألیفاتی است که آقا بزرگ تهرانی آنها را در الذريعة آورده است. پس از مرگ و به خاک سپاری، محمد کاظم و الله اصفهانی اشعاری در ماده تاریخ وفات وی سرود که آنها را بر سنگ قبر وی نوشتند. سه اثر او عبارت است از: رسالة في مفقود الخير؛ المنتهب الي بني هاشم من طرف الامر و تذکرة الانساب یا انساب المجلسي که هر سه کتاب نزد محدث نوری بوده و آقا بزرگ آنها را دیده است: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۰؛ مرآت الاحوال جهان نما، ۵۰/۱، ۵۸، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۷۰، ۷۵، ۹۵، ۱۰۰، ۱۰۷، ۱۱۰؛ نجوم السماء، ص ۳۳۴-۳۳۵؛ اعيان الشيعة، ۲۷۳/۶؛ معجم المؤلفين، ۶۶۵/۱؛ طبقات اعلام الشيعة (قرن الثالث عشر)، ص ۴۵۱-۴۵۲؛ الذريعة، ۱۹۰/۱، ۱۹۱ و مجلدات ديگر (نک: فهرس اعلام الذريعة، ۷۵۳/۱) در ضمن وی پدر ملا حسين علی نیست، بلکه پسر عم اوست (نگاه کنید به: تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۰۸-۳۰۹؛ مکارم الآثار، ۵۲۹/۲).

۸. سيد شفيح شوشتری جزائري فرزند سيد محمد فرزند سيد عبدالکريم فرزند سيد محمد جواد فرزند سيد عبدالله فرزند سيد نورالدين (۱۲۱۱-۱۲۷۴ ق / ۱۷۹۶-۱۸۵۸ م)، عالم فاضل و از نوادگان سيد نعمت‌الله جزائري است. وی در علم رجال مهارت فراوان داشته است و آثار و تألیفاتی دارد که از آن جمله: حاشية نقد الرجال تفرسي؛ كشف الزياض، حاشية على الزياض و فوائد متفرقة در علم رجال را می توان نام برد. او در اصفهان و در محله در دشت، سکونت داشت و به درس و مباحثه و اقامه جماعت و ارشاد مردم اشتغال داشت: تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۷۰؛ مصفى المقال، ص ۱۹۴؛ معجم المؤلفين، ۳۴۵/۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۰.
۹. سيد محمد فرزند سيد شفيح شوشتری جزائري (۱۲۴۹-۱۳۲۳ ق / ۱۸۳۳-۱۹۰۵ م)، عالم فاضل و مدر مطلع و زاهد منزوی. او نیز چون پدر خود در علم رجال، چیره دست بود. وی پس از مرگ، در تکیه آقا مير سيد محمد شهبانیه، به خاک سپرده شد: تذکرة القبور گزی، ص ۵۴؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۷۰-۳۷۱.
۱۰. آقا کمال الدين فرزند آقا حسين خوانساری. از تاریخ تولد، زندگانی و مرگ وی اطلاعی به دست نیامد، جز اینکه نوشته‌اند وی نیز، چون دو برادر خود عالم و دانشمند بوده و در اصفهان می زیسته و پس از مرگ در بقعه و آرامگاه پدر خود، به خاک سپرده شده است: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۹۱۱؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۹۹.
۱۱. ملامحمد صادق فرزند ملا احمد پیکانی (م ۱۲۹۰ ق / ۱۸۷۳ م)، عالم فاضل و از شاگردان شيخ مرتضی انصاری که پس از رسیدن به مقام اجتهاد، به اصفهان مراجعت کرد و به تدریس و تألیف پرداخت؛ اما در سنین جوانی، در همانجا، دیده از جهان فرو بست و در ایوانچه بیرون بقعه و تکیه آقا حسين خوانساری، به خاک سپرده شد: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۰؛ تذکرة القبور گزی، ص ۵۴؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۷۸؛ زندگانی و شخصیت شيخ انصاری، ص ۴۱۳.

السید محمد منیرالدین الحسینی<sup>۱</sup> المتوفی سنة ۱۲۰۰ [الهجری] و هو غیر السید منیر الدین المدفون فی خراسان.

### تکیه ریزی:<sup>۲</sup>

آقا شیخ مرتضی ریزی<sup>۳</sup> وفاته سنة ۱۳۲۹ [الهجری]، مدفنه فی تکیه مخصوصه به علیه السلام.

### تکیه فیض علی شاه:<sup>۴</sup>

مولانا عبدالحسین الملقب بـ «فیض علی شاه»<sup>۵</sup> ابن السید محمد علی امام جمعه اصفهان، وفاته سنة ۱۱۹۴ [الهجری]، مدفنه بقعه خاصه به المیرزا محمدرضابن حاج میرزا جواد نمازی العارف<sup>۶</sup>، وفاته سنة ۱۳۰۱ [الهجری]، مدفنه جنب فیض علی شاه.

مولانا محمد ابراهیم المقدس بن العولا محمد مهدی<sup>۷</sup>، وفاته سنة ۱۲۸۹ [الهجری]، مدفنه قریب فیض علی [شاه].

ملا محمد باقر بن ملا محمد مهدی القمشه<sup>۸</sup>، وفاته سنة ۱۳۱۶ [الهجری]، مدفنه قریب بقعه فیض علی شاه.

### مصلى:<sup>۹</sup>

السید عبدالله بن یحیی الحسینی الکربلائی<sup>۱۰</sup>، [وفاته] سنة ۱۱۲۶

۱. سید محمد منیرالدین حسینی (م ۱۲۰۰ ق/ ۱۷۸۶ م)، عالم فاضل و متقی. از زندگانی وی نیز، اطلاعی به دست نیامد جز اینکه سید مصلح الدین مهدوی، وی را در شمار مدفونین در تکیه خوانساریها ذکر کرده است: تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۷۴.

۲. تکیه ریزی واقع در جنوب تخت فولاد اصفهان، به نسبت دیگر تکایا و بقعه‌هایی که در گورستان تخت فولاد وجود دارند، نوین‌باد و از تکایای عهد قاجار است و مزار شیخ مرتضی ریزی در آنجا واقع است و در حقیقت ریزی را، در همان محرابی که وی در آنجا شبهای جمعه، به عبادت، وعظ و ارشاد و احیا می‌گذرانند، به خاک سپردند: تاریخ اصفهان، ص ۱۷۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۲۴.

۳. شیخ مرتضی ریزی، فرزند ملا عبدالوهاب لنجانی (م ۱۳۲۹ ق/ ۱۹۱۱ م)، عالم فاضل، فقیه اصولی و از مدرسان بزرگ و وعاظ معروف اصفهان که در قریه ریز، دیده به جهان گشود و در آنجا نزد پدر و جمعی دیگر از بزرگان اصفهان، دانش آموخت، سپس رهسپار نجف اشرف شد و مدت دو سال از محضر شیخ انصاری و سیدحسن ترک و گروهی دیگر، کسب علم نمود و به اصفهان مراجعت نمود و به تدریس و اقامه جماعت در مسجد ذکرائه پرداخت. او شبهای جمعه را در تخت فولاد، در همین مکان که در آن خفته، به وعظ، ذکر و احیا می‌پرداخت و حدود ده هزار نفر در مراسم احیای وی شرکت می‌کردند و ذکر «یا الله» و «یا رب» آنها تا به شهر می‌رسید. او نخستین کسی است که کتاب فوائد الاصول تألیف استادش را در اصفهان تدریس می‌کرد، تا آنکه در ۱۷ رمضان ۱۳۲۹، دیده از جهان فرو بست و در تکیه‌ای که به نام خود او بود، به خاک سپرده شد: رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۸۳، تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۹۷-۴۹۸، تاریخ اصفهان جابری، ص ۱۷۸، ۲۸۵، ۲۹۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۲۴، ۱۲۶.

۴. تکیه فیض علی شاه اول، در تخت فولاد واقع شده است و آرامگاه فیض علی شاه اول است. علی مراد خان زند که از مریدان وی بود، بر فراز مرقد وی، بقعه‌ای ساخت که اکنون موجود است و گروهی از عرفا و صوفیه در اطرافش مدفون هستند: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۶۸؛ تذکره القبور یا دانشمندان

و بزرگان اصفهان، ص ۴۶۱؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۲۲۳.

۵. فیض علی شاه اول، میرزا عبدالحسین ملا محمد علی طبسی (م ۱۱۹۴ ق/ ۱۷۸۰ م)، پدران و نیاکان وی از قریه رقه تون بودند و پدرش امام جمعه طبس بوده است. او در اصفهان دیده به جهان گشود و در آنجا به فراگیری علوم پرداخت؛ سپس رهسپار شیراز شد و به خدمت سید معصوم علی شاه رسید و ریاضت‌ها کشید و از مرتبه ارادت به خلافت رسید و لقب «فیض علی شاه» گرفت و به اتفاق مراد خود به اصفهان آمد و علی مراد خان زند نسبت به او ارادت یافته و تکیه فیض را به نام او بنا کرد و در آنجا به ارشاد پرداخت و پس از آنکه دیده از جهان فرو بست، در همانجا به خاک سپرده شد: بستان السیاحه، ص ۹۱-۹۲؛ طرایق الحقایق، ۱۸۷/۳-۱۸۸؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۶۰؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۶۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۶۸-۱۶۹؛ فهرس التواریخ، ص ۳۰۲؛ حدیقه الشعراء، ۱۰۳۹/۲؛ فرهنگ سخنوران، ۱/۷۲۵؛ الذریعه، ۸۵۳/۳/۹؛ تاریخ منتظم ناصری، ۱/۴۰۰؛ اکسیر التواریخ، ص ۶۲، ۶۵؛ تاریخ نهضت‌های فکری ایرانیان (دوره قاجاریه)، ۳/۱۶۰۷-۱۶۰۸.

۶. میرزا محمد رضا و یاسر محمد صادق نمازی شیرازی فرزند میرزا محمد جواد (م ۱۳۰۱ ق/ ۱۸۸۴ م)، عارف کامل. وی در اصفهان دیده به جهان گشود و چون پدرش از تجار بود، خود او نیز سالها تجارت می‌کرد؛ اما بعد به خدمت حاج محمد کاظم سعادت علی شاه رسید و مجذوب او گشت و پس از فوت او به گناباد رفت و به خدمت حاج سلطان محمد رسید و تجدید عهد کرد و در سال ۱۲۹۷ قمری، مأذون به ارشاد و ملقب به «فیض علی شاه» گردید و به اصفهان بازگشت. او برادر حاج میرزا فتح الله شریعت بود و به همین علت به «طریقت» معروف شد. وی در ذی قعدة ۱۳۰۱ چشم از جهان فرو بست و در جنب مزار فیض علی شاه اول، به خاک سپرده شد: طرایق الحقایق، ۵۴۲/۳؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۶۰؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۶۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۶۸-۱۶۹.

۷. محمد ابراهیم مقدس فرزند محمد مهدی (م ۱۲۸۹ ق/ ۱۸۷۲ م)، عالم فاضل و مدرس در اصفهان که در جمادی الثانی، دیده از جهان فرو بست و در مقبره یا بقعه فیض علی شاه، به خاک سپرده شد: رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۱۹۶؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۶۸.

۸. ملا محمد باقر فرزند ملا محمد مهدی قمشای (م ۱۳۱۶ ق/ ۱۸۹۸ م)، عالم فاضل و فقیه اصولی و از شاگردان میرزا ملا حسین علی تویسرکانی و آقا سید محمد شهبانوی: رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۲۰۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۶۸؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۹۳.

۹. مصلای اصفهان یا به تعبیر مشهور مسجد مصلای تخت فولاد، به مساحت بیست هزار جریب، از حیث وسعت و اهمیت، از جهاتی، بر سایر مصلاهای اصفهان برتری داشته و در گذشته، شب ۲۱ رمضان و شبهای جمعه پر از جمعیت می‌شده؛ ولی بیشتر جهت نماز استسقاء، مورد استفاده قرار می‌گرفته است. در قسمت جنوبی این مصلای مقصوره‌ای قرار داشته که جای محراب و منبر بوده و ساخت آن به زمان آق قویونلوها و به قولی به یکی - دو قرن قبل بازمی‌گردد و مدت هفت قرن، از آسیب و خطرات زمان و انهدام، دور مانده بود؛ اما متأسفانه در سالهای اخیر بی‌جهت و بدون آنکه به اهمیت آن پی ببرند، ویرانش ساختند. در گرداگرد این مسجد و مصلای دیواری کشیده بودند، تا صحن این مصلای را از دیگر اراضی تخت فولاد، جدا کنند. در اطراف این مصلای، قبور و آرامگاه‌های عالمان و دانشمندان و بزرگان اصفهان، بسیار است: تاریخ اصفهان جابری، ص ۱۴۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۳۳؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۷۹، ۴۲۴.

۱۰. سید عبدالله فرزند یحیی حسینی کربلایی (م ۱۲۶۹ ق/ ۱۷۱۴ م)، عالم فاضل و ادیب شاعر. از زندگانی وی اطلاعی نداریم؛ جز اینکه نوشته‌اند او در تخت

[الهجری] مدفنه وسط تخته فولاد، قریب المصلی.

آقا حسین<sup>۱</sup>، وفاته سنة ۱۰۰۴ [الهجری] قریب المصلی وهو  
الحکیم الفقیه.<sup>۲</sup>

الامیر سید محمد المدعو «میرزا سید» الحسینی الخاتون آبادی<sup>۳</sup>  
العارف، وفاته سنة ۱۲۶۲ [الهجری]، قبره قریب من تکیه ریزی.

#### لسان الارض:<sup>۴</sup>

السید عبدالباقی الموسوی، المتخلص بالـ «طیب»<sup>۵</sup> وفاته سنة ۱۱۷۱  
[الهجری]، مدفنه اواخر تخته فولاد، قریب «لسان الارض».

السید میرزا عبدالرزاق امام الجمعة<sup>۶</sup>، وفاته سنة ۱۳۱۹  
[الهجری]، مدفنه قریب «لسان الارض».

#### تکیه الملك:<sup>۷</sup>

الحاج آقا منیرالدین<sup>۸</sup>، وفاته سنة ۱۳۴۲ [الهجری]، مدفنه سخن

→ فولاد اصفهان، نزدیک مصلی، به خاک سپرده شده است: رجال اصفهان یا تذکرة  
التیور، ص ۱۴۵؛ تذکرة التیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۲۴؛ سیری در  
تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۲۷.

۱. در اصل «آقا حسن» آمده که صحیح آن «آقا حسین» حکیم است.  
۲. میرزا حسین حکیم (م ۱۰۰۴/ق ۱۵۹۵ یا ۱۵۹۶ م)، عالم فاضل و فقیه کامل  
و از حکمای الهی سده دهم هجری، از تاریخ تولد و زندگانی وی اطلاعی نداریم  
جز اینکه نوشته اند او در نزدیک مصلی تخت فولاد، به خاک سپرده شده است:  
رجال اصفهان یا تذکرة التیور، ص ۲۰۷؛ تذکرة التیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان،  
ص ۲۷۸-۲۷۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۳۶.

۳. میرسید محمد حسین خاتون آبادی «میرزا سید» (م ۱۲۶۲/ق ۱۸۴۶ م)، عالم  
فاضل و فقیه کامل. از زندگانی وی اطلاعی نداریم، جز اینکه نوشته اند او در  
نزدیکی تکیه ریزی، مدفون است: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۲.

۴. گورستان تخت فولاد را گاهی به عنوان: «تسمیه الشیء باسم جزئه» به نام  
«لسان الارض» نیز، می نامند و علت این نام گذاری را به حدیثی نسبت می دهند  
که در این باب از پیامبر ﷺ، در باب اصفهان وارد شده و شرح آن از این قرار  
است که در تفسیر آیه ۱۱، سورة فصلت: «إِنَّمَا طُوعَ أَوْ كُرِهًا، فَالْتَمِمْ أَيْنَمَا طَائِفِينَ»  
آمده است. زمین اصفهان که «م الارض و لسانها» می باشد، این امر را اجابت  
کرد. در حدیثی دیگر نیز، همین مطلب، ذیل حدیث «حُبُّ الْوَطَنِ مِنْ طَيْبِ  
الْمَوْلِدِ» آمده است و اضافه شده است که این سرزمین و این محل جواب انبیا را  
داده و آنها را اجابت کرده است و گویند قبر شیعیای پیامبر و یا قبر یوشع پیامبر  
نیز، در آنجا واقع است که از انبیای بنی اسرائیل بوده اند و هنگام کوچاندن  
یهودیان به اصفهان، در این سرزمین چشم از جهان فرو بسته و در اینجا به خاک  
سپرده شده اند و البته این یوشع، غیر از یوشع بن نون - وصی حضرت موسی علیهما السلام -  
است: ذکر اخبار اصفهان، ۴۱/۱؛ محاسن اصفهان، ص ۳۵ (مقدمه مؤلف)؛ ترجمه  
محاسن اصفهان، ص ۷۹. اما بقعه ای که به صورت خاصی در تخت فولاد اصفهان  
به نام «لسان الارض» خوانده شده، عبارت از چهار دیواری بزرگی است که  
عمارتی در میان آن قرار دارد و در ضلع جنوبی آن بقعه منسوب به «یوشع نبی»  
واقع شده است: تاریخ اصفهان، ص ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۴، ۴۴۴؛ سیری در تاریخ تخت  
فولاد اصفهان، ص ۱۷-۱۸، ۱۸۴-۱۹۲؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو  
قرن اخیر، ۳۲/۲ و ۳۴۱/۳-۳۴۲؛ گنجینه آثار ملی، ص ۷۴.

۵. سید عبدالباقی فرزند محمد رحیم فرزند میرزا محمدباقر فرزند میرزا رضا  
بزرگ فرزند حکیم احمد فرزند حکیم سلمان موسوی «طیب» (۱۱۱۷ یا ۱۱۲۷-  
۱۱۷۱/ق ۱۷۰۵ یا ۱۷۱۵-۱۷۵۸ م)، از سلسله سادات حکیم سلمانی است  
که اصل آنها از جهرم است و حکیم سلمان به پانزده واسطه به «شیخ صفی الدین  
اردبیلی» می رسد. پدر وی در حدود سال ۱۱۳۷ قمری به دستور افغانه کشته  
شد و جدش «حکیم سلمان» به حکم شاه عباس صفوی به اصفهان آمد و طیب  
مخصوص دربار شد. سید عبدالباقی نیز، در رکاب نادرشاه به عنوان «حکیم  
باشی» و ندیم نادر، به هند رفت. او مدتی هم، کلانتر اصفهان گردید؛ اما از این  
سمت استعفا داد و برادر خود را که میرزا عبدالوهاب نامیده می شد، به این سمت  
انتخاب کرد. فرزند وی میرزا محمد رحیم کلانتر و نواده اش میرزا محمد علی  
کلانتر نام داشته اند. خانواده کلانترهای اصفهان که از سادات جلیل القدر  
و بیشترشان اهل علم و فضل بوده اند، همه از اولاد او هستند. وی دارای دیوان  
شعری است که در ۱۳۴۷ شمسی، به کوشش حسین مظلوم (کی فر)، در تهران، به  
چاپ رسیده است و دارای سه هزار بیت می باشد: آتشکده آذر، ص ۴۱۲-۴۱۳؛  
مجمع الفصحاء هدايت، ۳۴۰/۲؛ نگارستان سخن، ص ۵۶؛ قاموس الاعلام، ۲۹۹۶/۴؛  
فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی (اسلامی) ابن یوسف، ص ۳۴۲-۳۴۳؛ ریاض الجنه  
زنوزی، روضه پنجم، قسم دوم، برگ ۸۶۵؛ نتایج الافکار، ص ۴۴۲؛ تذکرة روز  
روشن، ص ۴۱۱-۴۱۲؛ عقد ثریا، ص ۴۰؛ نگارستان دارا، نگارخانه چهارم،  
۲۲۷/۱؛ الذریعة، ۶۴۴/۲/۹-۶۴۵؛ تذکرة اختر، ص ۱۲۷-۱۳۰؛ خرابات خراب،  
ص ۱۱۷؛ صحف ابراهیم، برگ ۲۰۳ و شماره ۷۰؛ ریاض الشعراء و آله داغستانی،  
برگ ۲۳۱؛ خلاصة الافکار، ص ۳۵۳؛ «طیب اصفهانی»، مجید اوحدی یکتا، مجله  
یغما، سال هیجدهم، ص ۲۱۲؛ دیوان طیب اصفهانی، مقدمه مصحح و خاتمه مؤلف،  
ص ۸۹؛ مجله راهنا، سال دوازدهم، ص ۱۹۰-۱۹۱ (مقاله کیوان سمیعی، در شرح  
حال طیب اصفهانی؛ سفینه محمود، ص ۱۷۹؛ فرهنگ سخنوران، ۵۸۶/۲-۵۸۷؛  
سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۸۸-۱۸۹؛ تذکرة التیور یا دانشمندان  
و بزرگان اصفهان، ص ۳۹۷-۳۹۸؛ فهرس التواریخ، ص ۲۶۳؛ فهرست کتابهای چاپی  
فارسی، مشار، ۲۳۳۴/۲؛ تاریخ ادبیات ایران (از صفویه تا عصر حاضر)، ادوارد  
براون، ص ۲۵۷؛ تاریخ منتظم ناصری، ۱۵۳/۲؛ روضه الصفا، ۵۸۶/۸؛ دایرة  
المعارف فارسی، مصاحب، ۱۶۱۸/۱/۲؛ لغت نامه دهخدا، ۱۳۵۶/۹.

۶. سید میرزا عبدالرزاق فرزند سید عبدالجواد فرزند سید مهدی فرزند میرقاضی  
فرزند سید محمد نائب الصدر فرزند میر محمد تقی موسوی «امام جمعه» (م ۱۳۱۹  
ق / ۱۹۰۱ م)، عالم فاضل. جد بزرگ وی وزیر شاه صفی (شاه سلیمان) صفوی بود.  
او نزد حاج شیخ محمدباقر نجفی و ملا محمد تقی هروی اصفهانی حائری، دانش  
آموخت و به مدارج علمی بالایی رسید و امامت جماعت مسجد امام زاده اسماعیل  
را به عهده داشت. وی رساله ارت استاد خود، محمد تقی هروی و چند رساله دیگر را  
کتابت کرده که اکنون در مجموعه شماره «۳۰۳» کتابخانه حضرت آیت الله العظمی  
گلپایگانی، موجود است: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۳۴-۱۳۵؛  
رجال اصفهان یا تذکرة التیور، ص ۲۱۸؛ تذکرة التیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان،  
ص ۴۱۳؛ فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله العظمی گلپایگانی، ۲۶۳/۱.

۷. تکیه ملک را حاج محمد ابراهیم ملک التجار، به احترام آخوند ملا محمد  
کاشانی، ساخته است. وی برگرد قبر آخوند کاشانی، حظیره ای کشید و قبر  
آخوند در وسط آن قرار گرفت. این تکیه در قسمت متمایل به جنوب بقعه لسان  
الارض واقع شده است: تاریخ اصفهان جاری، ص ۱۷۳؛ سیری در تاریخ تخت  
فولاد اصفهان، ص ۲۰۲؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ۳۴۸/۳؛  
رجال اصفهان یا تذکرة التیور، ص ۴۶-۴۷.

۸. حاج آقا منیرالدین فرزند آقا جمال الدین فرزند ملا علی بروجرودی اصفهانی

تکیه الملک.

شیخ حبیب‌الله نائینی بن ابراهیم<sup>۱</sup>، وفاته سنة ۱۳۴۸ [الهجری]، مدفنه صحن تکیه الملک.

آخوند ملا محمد الکاشی<sup>۲</sup>، وفاته سنة ۱۳۳۳ [الهجری]، مدفنه صحن تکیه الملک.

### تکیه ابوالمعالی: ۳

آقا میرزا اسماعیل خلیفه سلطانی<sup>۴</sup>، وفاته سنة ۱۳۳۴ [الهجری]، مدفنه صحن ابی المعالی.

آقا سید حسن کاشی واعظ<sup>۵</sup>، وفاته سنة ۱۳[۲۰] [الهجری].

آقا میرزا عبدالرحیم الکلپاسی<sup>۶</sup>، والد الحاج میرزا رضا الموجود،

ابن عمّ ابی المعالی، وفاته سنة ۱۳۳۵ [الهجری].

آقا میرزا علی محمد نتیجة الآخوند ملا علی اکبر الاجه<sup>۷</sup>، وفاته

۱۷۳، ۲۸۵، ۳۲۹، ۳۴۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۲۰۴؛ رجال اصفهان یا تذکرة القیوم، ص ۴۸.

۳. تکیه آقا میرزا ابوالمعالی فرزند حاج محمد ابراهیم کلپاسی اصفهانی، در اوایل تخت فولاد، در سمت غربی جاده و در کنار راهی که به سمت لسان الارض و تکیه ملک می‌رود، در سمت شمال آنها واقع شده است و از آثار دوره قاجار، با بقعه‌ای آجری در وسط تکیه است. بانی این تکیه حاج میرزا احمد ملا باشی، داماد ابوالمعالی است که پس از مرگ پدر زن خود، در سال ۱۳۱۵ قمری، آن را بنا نهاده است. در داخل و خارج بقعه و تاقهای اطراف آن، گروه بسیاری از عالمان، فاضلان و واعظان به خاک سپرده شده‌اند. آقا میرزا ابوالمعالی محمد فرزند حاج محمد ابراهیم کلپاسی (۱۲۴۷-۱۳۱۵ ق / ۱۸۳۱-۱۸۹۷ م)، عالم فاضل، فقیه کامل، محقق مدقق و از بزرگان مجتهدان و فقیهان اصفهان بوده که در این محل که با قبر جدش حاج محمد حسن کلپاسی، نزدیک هشتاد متر، فاصله دارد، مدفون شده است. او دارای هفتاد کتاب و رساله در فقه، اصول، تفسیر، رجال و علوم دیگری است که بسیاری از آنها چاپ شده است: تاریخ اصفهان جاری، ص ۱۷۲-۱۷۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۵۸-۵۹؛ رجال اصفهان یا تذکرة القیوم، ص ۴۰؛ علمای بزرگ شیعه، ص ۳۱۵؛ فهرست مؤلفین کتب چاپی مشار، ۳۰/۲/۱؛ الکنی واللقاب، ۱۵۲/۱؛ المآثر والآثار (چهل سال تاریخ ایران)، ۲۳۱/۱، ۷۸۰/۲؛ هدیه الاحیاب، ص ۴۰؛ تذکرة القیوم یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۷۶-۴۷۷.

۴. سید اسماعیل خلیفه سلطانی فرزند سید حسین حسینی مرعشی «خلیفه سلطان» (م ۱۳۳۴ ق / ۱۹۱۶ م)، عالم فاضل و عارف کامل که عقاباشان به «سادات خلیفه سلطانی» شهرت دارند؛ رجال اصفهان یا تذکرة القیوم، ص ۹۹؛ تذکرة القیوم یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۳۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۶۱؛ طبقات اعلام الشيعة (قرن الرابع عشر)، ۱۴۳/۱-۱۴۴.

۵. حاج سیدحسن فرزند سیدمحمد موسوی «واعظ کاشانی» (م ۱۳۲۰ ق / ۱۹۰۲ م)، عالم فاضل، ادیب واعظ و از معارف اهل منبر در اصفهان که دارای دو اثر است یکی به نام: مکاتیب واعظ کاشانی و یا منشآت واعظ کاشانی و دیگری ینایح الحیة فی موارد الآیات که اولی نزد سید محمد علی روضاتی و دومی به شماره «۴۵۳۷» در کتابخانه آیت‌الله‌العظمی مرعشی‌نجفی موجود است. قبر وی در اتاناق مخصوصی در تکیه‌می‌باشد که به کوچه پنجره دارد؛ رجال اصفهان یا تذکرة القیوم، ص ۴۴؛ تاریخ اصفهان، ص ۱۷۳؛ الذریعة، ۱۴۴/۲۲ و ۴۳/۲۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۶۱؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله‌العظمی مرعشی، ۱۱۳/۱۲.

۶. میرزا عبدالرحیم فرزند حاج میرزا رضا فرزند حاج محمد ابراهیم کلپاسی اصفهانی (۱۲۵۴-۱۳۳۵ ق / ۱۸۳۸-۱۹۱۷ م)، عالم فاضل، ادیب و ریاضی‌دان. وی ابتدا در اصفهان مقدمات علوم را آموخت، سپس راهی نجف اشرف شد و در آنجا نزد میرزا حبیب‌الله رشتی و دیگران، علوم مختلف را فرا گرفت، پس از آن به اصفهان بازگشت و به اقامه جماعت و ارشاد مردم پرداخت. او دارای یک اثر به نام: کشف الحجاب فی شرح خلاصة الحساب است؛ تاریخ اصفهان، ص ۳۴۱؛ طبقات اعلام الشيعة (قرن الرابع عشر)، ۱۱۰۳/۲-۱۱۰۴؛ معجم المؤلفین، ۱۳۴/۲؛ رجال اصفهان یا تذکرة القیوم، ص ۴۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۶۱؛ تذکرة القیوم یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۳۲.

۷. میرزا علی محمد فرزند ملا محمد علی فرزند ملا عبدالله فرزند مولی علی اکبر اژه‌ای (م ۱۳۲۰ ق / ۱۹۰۲ م)، عالم فاضل، ادیب شاعر و متخلص به «شریفی» و مؤلف مجموعه‌ای در آداب و اخلاق که در آخر رساله نماز شب جدش مولی علی اکبر اژه‌ای، در ۱۳۳۲ قمری / ۱۲۲۶ شمسی، به چاپ رسیده است؛ رجال اصفهان یا تذکرة القیوم، ص ۳۲؛ تذکرة القیوم یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۴۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۶۶.

→ (۱۲۶۹-۱۳۴۲ ق / ۱۸۵۳-۱۹۲۲ م)، عالم فاضل زاهد و فقیه اصولی که در بروجرده دیده به جهان گشود و در همانجا مقدمات علوم آموخت، سپس برای ادامه تحصیل، به اصفهان رفت و نزد حاج شیخ محمدباقر مسجد شاهی دانش فراگرفت و راهی عتبات عالیات گردید و در حوزه درس آیت‌الله میرزا محمد حسن شیرازی شرکت کرد و پس از طی مدارج علمی، به اصفهان مراجعت کرد و به تدریس و تألیف مشغول گردید و در مسجد ایلچی اقامه نماز جماعت می‌نمود. وی در علم رجال و درایه مهارت فراوانی داشت و در این زمینه تألیفاتی نمود که برخی از آنها به این شرح است: الفیه عربی، در شرح حال علما و اساتید خویش؛ تنبیه منظومه بحر العلوم، در فقه؛ ترجمه حال عده‌ای از روایت؛ رساله فرق نافله و فریضه که چاپ شده است؛ منظومه‌ای در اصحاب اجماع؛ منظومه‌ای در اصول؛ رسائل مستقلة‌ای در شرح حال روایت و جواب مسائل استدلالی، به طریق جامع الشتات. وی از حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی و شیخ زین العابدین مازندرانی روایت کرده است؛ تذکرة القیوم یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۵۰۵-۵۰۶؛ رجال اصفهان یا تذکرة القیوم، ص ۴۷-۴۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۲۰۵؛ اعیان الشيعة، ۱۴۲/۱۰؛ معجم المؤلفین، ۹۲۲/۳؛ مصنفی المقال، ص ۴۶۶؛ الذریعة، ۲۵۹/۱۱ و ۱۶۰/۱۲ و ۲۵۹/۱۳ و ۲۱۷/۱۵ و ۳۷۳/۲۴؛ فهرست نسخه‌های خطی مرعشی، شماره «۲۹۰۷».

۱. شیخ حبیب‌الله فرزند ملا ابراهیم نائینی (م ۱۳۴۸ ق / ۱۹۲۹ م)، عالم فاضل، ساکن اصفهان که در دستگاه آقایان مسجدشاهی بود و نزد آنان دانش آموخت و پس از مرگ در تکیه ملک، نزدیک قبر آخوند ملا محمد کاشانی، به خاک سپرده شد؛ رجال اصفهان یا تذکرة القیوم، ص ۲۰۷؛ تذکرة القیوم یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۴۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۲۰۲.

۲. آخوند ملا محمد کاشانی «آخوند کاشی» (۱۲۴۹-۱۳۳۳ ق / ۱۸۳۳-۱۹۱۵ م)، عالم فاضل و حکیم عارف. وی نزد آقای محمد رضا قمشه‌ای دانش آموخت و کسانی چون: شیخ محمد خراسانی، میرزا حسن کاشی و آقا میرزا سید ابراهیم شمس‌آبادی، از او دانش آموختند. آخوند کاشی هیچ‌گاه ازدواج نکرد و حکایت غریب و حالات عجیبی از ایشان نقل کرده‌اند و تدریس حکمت و کلام در زمان وی، به او منحصر بود. وی را عالمی زاهد و پارسا دانسته‌اند و بر حسب وصیت خودش، او را در بیابان به خاک سپردند؛ اما پس از چندی گرداگرد قبر وی، آباد گردید. بر سنگ قبر او بر طبق وصیت خودش این عبارت نوشته شد: «فقیر الحق، اضعف خلق الله، آخوند ملا محمد کاشانی»؛ تاریخ اصفهان جاری، ص

سنة ۱۳۲۰ [الهجري]، خارج [صحن] ابي المعالي، قريب الفاضل الهندي.

وقريب منه الميرزا محمد حسين<sup>۱</sup> من تلك الاسرة، والظاهر انه والد الميرزا علي محمد، وفاته سنة ۱۳۰۲ [الهجري] وقريب منه المولى عبدالله<sup>۲</sup>، وفاته سنة ۱۲۶۵ [الهجري].

ملا علي اكبر اجه<sup>۳</sup>، وفاته سنة ۱۲۳۲ [الهجري]، مدفنه قريب الفاضل الهندي.

الحاج محمد اسماعيل<sup>۴</sup> العارف الحكيم، متصل به، وفاته سنة ۱۳۰۴ [الهجري].

قريب منه الآخوند ملا عبدالله بن الحسين<sup>۵</sup>، وفاته سنة ۱۱۸۴ [الهجري]، كان من الحاضرين في مجلس اتحاد الفريقيين زمن نادرشاه.

قريب منه الآخوند ملا اسماعيل الخاجوي<sup>۶</sup>، وفاته سنة ۱۱۷۳ [الهجري].

ملا خليل الشريف الحكيم العارف<sup>۷</sup>، وفاته سنة ۱۲۸۶ [الهجري].

قريب منه الآخوند ملا محمد ابراهيم<sup>۸</sup>، وفاته سنة ۱۱۹۹ [الهجري]، فقيه، محدث.

ملا محمد صالح بن محمد طاهر المازندراني<sup>۹</sup>، وفاته سنة ۱۱۹۰ [الهجري]، قريب من هؤلاء المذكورين، فقيه، محدث.

وفات ميرزا محمد حسن نواب<sup>۱۰</sup>، نوادة شاه سلطان حسين صفوي،

۱. ميرزا محمد حسين ازهاي (م ۱۳۰۲ ق / ۱۸۸۵ م)، عالم فاضل و از نوادگان مولى على اكبر ازهاي، چنانكه پيش از اين اشاره كرديم، پدر ميرزا على محمد، ملا محمد على است، نه محمد حسين و اشاره آيت الله العظمى مرعشى به اينكه، گوياء وى پدر ميرزا على محمد است، چندان مقرون به صحت نيست: تذكرة القبور يا دانشندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۷۸-۴۳۹؛ كارنامه بزرگان، ص ۱۴۷؛ سيري در تاريخ تخت فولاد اصفهان، ص ۶۵.

۲. مولا عبدالله فرزند مولى على اكبر ازهاي (م ۱۲۶۵ ق / ۱۸۴۹ م)، عالم جامع و فقيه كامل، تاريخ تولد و زندگاني وى روشن نيست؛ اما تاريخ درگذشت او را، كفاش شاعر در بيتي به اين شرح آورده است:

از بى تاريخ رحلتش كفاش گفت رفته عبدالله از دنيا به گلزار جنان  
رجال اصفهان يا تذكرة القبور، ص ۲۲۰؛ تذكرة القبور يا دانشندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۳۹؛ سيري در تاريخ تخت فولاد اصفهان، ص ۶۶.

۳. ملا على اكبر فرزند ملا محمد باقر ازهاي (م ۱۲۲۲ ق / ۱۸۱۷ م)، عالم فاضل، فقيه متكلم و زاهد عابد، او از نوادگان ملا شريف رويدشتى اصفهاني است و در مسجد امام على عليه السلام در اصفهان امامت جماعت بود و تدريس مى كرد. وى در رد عقايد شيخ احمد احساى و ميرزا محمد اخبارى، رساله ها و كتابهايى نوشت. آثار و تاليفات فراوانى دارد كه مهمترين آنها: زبدة المعارف، در اصول دين، به فارسى است كه در ۱۲۲۴ قمرى چاپ شده است؛ رساله‌اى در معراج جسمانى رسول اكرم صلى الله عليه وآله و رساله نماز شب كه به چاپ رسیده‌اند. قبر وى در مقابل تكية ابوالمعالي واقع شده است: تاريخ اصفهان، ص ۱۱۲؛ تذكرة القبور آخوندگزى، ص ۳۴؛ تذكرة القبور يا دانشندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۳۸-۴۳۹؛ رجال اصفهان يا تذكرة القبور، ص ۵۰؛ روذات الجنات، ۴/ ۴۰۶-۴۰۸؛ اعيان الشيعة، ۱۷۱/۸؛ ايضاح المكون، ۸/ ۶۱۲؛ هدية العارفين، ۱/ ۷۷۷؛ مكارم الآثار، ۳/ ۹۴۵-۹۴۷؛ علماء بزرگ شيعة، ص ۵۱۸؛ فوائد الرضوية، ص ۲۷۴؛ نجوم السماء، ص ۴۱۸؛

معجم المؤلفين، ۲/ ۴۰۸؛ الذريعة، ۱/ ۲۳، ۲۹۷، ۴۴۷ و ۲۵۵/۷ و ۱۶۳/۸ (نك: فهرس اعلام الذريعة، ۲/ ۱۵۰۲-۱۵۰۳)؛ تنمة المنتهى، ص ۶۰۲؛ مؤلفين كتب چاپى مشار، ۴/ ۴۸۸-۴۸۹.

۴. حاج ملا محمد اسماعيل فرزند محمد جعفر در كوشكى (م ۱۳۰۴ ق / ۱۸۸۵ يا ۱۸۸۶ م)، حكيم، فيلسوف، عارف و مدرس. وى نزد ملا اسماعيل واحد العين، ميرزا حسن نورى و ملا عبدالجواد مدرس خراسانى دانش آموخت و خود به تدريس پرداخت. از مشاهير شاگردانش آقا سيد ابوالقاسم ده كُردى است: رجال اصفهان يا تذكرة القبور، ص ۵۲؛ تذكرة القبور يا دانشندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۱۲؛ سيري در تاريخ تخت فولاد اصفهان، ص ۶۴، ۱۱۶.

۵. ملا عبدالله فرزند حسين (م ۱۱۸۴ ق / ۱۷۷۰ م)، عالم فاضل و چنانكه اشاره شده جزو عالمان شيعى است كه در جلسه اتحاد بين شيعة و اهل سنت كه نادرشاه تشكيل داد، شركت داشت و پيش از اين از زندگاني وى اطلاعى نداريم: رجال اصفهان يا تذكرة القبور، ص ۲۱۹؛ تذكرة القبور يا دانشندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۴۲؛ سيري در تاريخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۷.

۶. آخوند ملا اسماعيل فرزند محمد حسن فرزند محمدرضا فرزند علاء الدين محمد خاجوى مازندراني (م ۱۱۷۳ يا ۱۱۷۷ ق / ۱۷۶۰ يا ۱۷۶۳ م)، حكيم متأله و عالم فاضل كه حواشى و تعليقات بسيارى بر كتابهاى حكمت و كلام نوشته است و كتابها و رساله‌هاى فراوانى دارد كه تنها در كتابخانه آيت الله العظمى مرعشى نجفى، پنجاه اثر وى به صورت خطى موجود است (نك: فهرست راهنما، ۲/ ۲۳۸-۲۳۹) و آقا بزرگ تهراني نيز، آثار وى را در طبقات و الذريعة معرفى کرده است (نك: طبقات اعلام الشيعة (قرن الثانى عشر)، ص ۶۴) براى شرح حال او نگاه كنيد به: تسميم امل الآمل، ص ۶۷-۶۹؛ الاجازة الكبيرة جزايرى، ص ۹۸-۱۰۱؛ نجوم السماء، ص ۶۶۸؛ روذات الجنات، ۱/ ۱۴؛ اعيان الشيعة، ۳/ ۴۲۲، ۴۰۲؛ مرآت الكتب، ۱/ ۴۶؛ مصفى المقال، ص ۷۸؛ طبقات اعلام الشيعة (قرن الثانى عشر)، ص ۶۲-۶۴؛ فوائد الرضوية، ص ۵۳؛ تذكرة القبور يا دانشندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۳۳؛ فهرست كتابهاى چاپى عربى مشار، ص ۵۷۶؛ سيري در تاريخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۵-۱۱۶؛ هدية العارفين، ۱/ ۲۲۱؛ معجم المؤلفين، ۱/ ۳۷۸؛ تاريخ اصفهان جابري، ص ۱۷۵؛ الذريعة، ۱/ ۶۹، ۱۴۵؛ موارد ديگر.

۷. ملا خليل شريف حكيم (م ۱۲۸۶ ق / ۱۸۶۹ م)، عالم فاضل و حكيم عارف كه در جنب قبر فاضلان، در تخت فولاد، به خاک سپرده شده است. او از شاگردان حاج ملا على نورى است: رجال اصفهان يا تذكرة القبور، ص ۲۱۰؛ تذكرة القبور يا دانشندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۱۱؛ سيري در تاريخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۷، ۱۶۳.

۸. آخوند ملا محمد ابراهيم (م ۱۱۹۹ ق / ۱۷۸۵ م)، عالم فاضل و عظيم القدر. قبر وى بلند و در جنب قبر ملا اسماعيل خاجوى است. تاريخ مرگ او را «رفيق» و «مشهور»، دوتن از شعراى اصفهان، در اشعارى به نظم كشيده‌اند: رجال اصفهان يا تذكرة القبور، ص ۵۵؛ تذكرة القبور يا دانشندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۱.

۹. ملا محمد صالح فرزند محمد طاهر مازندراني (م ۱۱۹۰ ق / ۱۷۷۶ م)، عالم فاضل متقى. قبر وى نزديك قبر ملا اسماعيل خاجوى است و گوياء وى پدر آخوند ملا محمد ابراهيم است: رجال اصفهان يا تذكرة القبور، ص ۲۱۷؛ تذكرة القبور يا دانشندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۱۷.

۱۰. ميرزا محمد حسن نواب فرزند ميرزا محمد ابراهيم صدر (م ۱۲۳۳ ق / ۱۸۱۸ م)، متولى آستان قدس رضوى و نوادة دختری شاه سلطان حسين صفوى كه خود از اعيان و اشراف بوده است و در ضلع جنوب غربى قبر ملا اسماعيل خاجوى مدفون است: تذكرة القبور يا دانشندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۶۸؛ سيري در تاريخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۶، ۶۴.



خلف میرزا محمد ابراهیم صدر سابق، متولی آستانه رضوی. کان شاعراً و عالماً، وفاته لیلة الاحد ۱۵ رمضان سنة ۱۲۳۳، قریب [الفاضل] الهندی.

فاطمه بیگم، ملقبه بـ «خان آغاییگم»<sup>۱</sup> بنت نواب میرزا محمد تقی الحسينی الصفوی، كانت عالمة، فاضلة، شاعرة. ساکن «گلهار اصفهان» [وفاتها] شهر صفر سنة ۱۳۴۲ [مدفنها] عند الميرزا محمد حسن. میرزا اشرف نصر آبادي بن الميرزا يوسف نصر آبادي جرقوئيہ،<sup>۲</sup> قریب من الميرزا محمد حسن، وفاته غرة شعبان سنة ۱۳۳۹.

میرزا محمد علي بن الميرزا عبدالصمد شهبهاني الحسيني،<sup>۳</sup> وفاته سنة ۱۲۶۵ [الهجري]، كان من العلماء وهو اخو السيد محمد الشهبهاني، قریب [الفاضل] الهندی. آخوند ملا محمد مهدي القمبواني،<sup>۴</sup> وفاته سنة ۱۲۵۵ [الهجري]، قریب الفاضل الهندی.

میر سید مرتضی بن المیر سید محمد القمي،<sup>۵</sup> وفاته سنة ۱۱۵۶ [الهجري]، قریب الفاضل الهندی.

الحاج ملا محمد صادق اليزدي الاصفهاني،<sup>۶</sup> قریب الفاضل الهندی، وفاته سنة ۱۲۶۴ [الهجري].

آقا میرزا ابوالحسن النوري بن الميرزا محمد مهدي النوري<sup>۷</sup> [وفاته] سنة ۱۳۲۹ [الهجري]، قریب من [الفاضل الهندی].

الميرزا محمد مهدي ابن المير محمد هادي الدولة آبادي<sup>۸</sup> [وفاته] سنة ۱۲۶۲ [الهجري]، قریب من [الفاضل الهندی].

المیر محمد حسين الحسيني،<sup>۹</sup> وفاته سنة ۱۲۸۸ [الهجري]، قریب من [الفاضل الهندی].

ملا محمد النائيني،<sup>۱۰</sup> [وفاته] سنة ۱۲۶۳ [الهجري]، متصل بقبر الفاضل الهندی.

الحاج سید يوسف الخراساني،<sup>۱۱</sup> وفاته سنة ۱۲۴۶ [الهجري].

۱. فاطمه بیگم دختر میرزا محمد تقی حسینی صفوی خلیفه سلطانی «خان آغاییگم» (م ۱۳۴۲ ق / ۱۹۲۳ یا ۱۹۲۴ م)، از زنان شاعر عالم فاضل زمان خود بوده است و در محله گلهار اصفهان سکونت داشته و نزدیک قبر میرزا محمد حسن صفوی مدفون است؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۲۲۳؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۵.

۲. میرزا اشرف فرزند میرزا یوسف نصرآبادی جرقویہای (م ۱۳۳۹ ق / ۱۹۲۰ یا ۱۹۲۱ م)، ادیب و شاعر. از زندگانی وی در تذکرها اطلاعی به دست نیامد و آقابزرگ نیز اشاره‌ای به نام او نکرده است. قبرش جنب قبر فاضل هندی می‌باشد؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۲۰۰؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۴۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۶۱، ۱۱۶.

۳. میرزا محمد علی فرزند میرزا عبدالصمد فرزند محمد فرزند ابراهیم حسینی خورزوقی برخوردار شهبهانی اصفهانی (م ۱۲۶۵ ق / ۱۸۴۹ م)، عالم فاضل و زاهد متعبد که به علم و تقوا شهرت داشت و از شاگردان سید محمد مجاهد کربلایی، سید علی صاحب ریاض و حاجی کلباسی بوده است. وی در جنب قبر

برادرش میر محمد حسین مدفون می‌باشد؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۸۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۶۵.

۴. آخوند ملا محمد مهدي فرزند محمد صادق قمبوانی سمیرمی (م ۱۲۵۵ ق / ۱۸۳۹ م)، عالم فاضل و محقق. وی در اصفهان نزد جمعی از علما و اساتید دانش آموخت و در همانجا سکونت کرد و مرجع حکم و فتوا شد. او خط نسخ را به استادی و مهارت می‌نوشت و حوزه درس و مباحثه داشت؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۵۹؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۵۱۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۶۷.

۵. میرسیدمرتضی فرزند میرسیدمحمد قمی (م ۱۱۵۶ ق / ۱۷۴۳ م)، عالم زاهد و از دانشمندان اواخر عهد صفوی؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۲۳۰؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۹۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۶۶.

۶. حاج ملا محمد صادق یزدی اصفهانی (م ۱۲۶۴ ق / ۱۸۴۸ م)، عالم فاضل و محقق مدقق. در یزد دیده به جهان گشود و در همانجا نشو و نما یافت و علوم مختلف را فراگرفت و در اواخر عمر خویش، به اصفهان مهاجرت کرد و در همانجا نیز، دیده از جهان فرو بست؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۷۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۶۴.

۷. آقا میرزا ابوالحسن فرزند میرزا محمد مهدي نوری مازندرانی (م ۱۳۲۹ ق / ۱۹۱۱ م)، عالم فاضل. پدر و پسر هر دو از عالمان اصفهان به شمار می‌رفتند و صاحب عنوان بودند. در برخی از منابع، سال مرگ وی را ۱۳۱۹ قمری نوشته‌اند؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۹۷؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۷۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۶۱.

۸. میرزا محمد مهدي فرزند میر محمد هادی دولت آبادی (م ۱۲۶۲ ق / ۱۸۴۶ م)، عالم فاضل و از نوادگان قاضی نورالله شوشتری که در دولت‌آباد از بلوک برخوردار زندگی می‌کرد و در اصفهان دیده از جهان فرو بست و در تخت فولاد نزدیک قبر فاضل هندی، به خاک سپرده شد؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۵۹؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۵۱۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۶۷.

۹. میر محمد حسین فرزند میر سید علی حسینی میر محمد صادقی (م ۱۲۸۸ ق / ۱۸۷۱ م)، عالم فاضل و برادر آقا میر سید حسن مدرس اصفهانی؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۵۸؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۹۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۶۳؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الثالث عشر)، ۴۰/۱/۲.

۱۰. ملا محمد نایینی «فاضل نایینی» (م ۱۲۶۳ ق / ۱۸۴۷ م)، عالم فاضل و شوهر خواهر حاجی کلباسی. او امامت جماعت مسجد حکیم را مدتی به عهده داشت و قبر وی جنب قبر فاضل هندی است و در اصطلاح مردم اصفهان از قبر او و فاضل هندی به عنوان «فاضلان» تعبیر می‌شود؛ تذکرة القبور گزنی، ص ۴۱؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۷۵-۴۷۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۶۱، ۱۶۵؛ تاریخ اصفهان جابری، ص ۱۷۵.

۱۱. حاج سید یوسف فرزند سید محمد حسین حسینی جنبانیدی قاینی خراسانی (م ۱۲۴۶ ق / ۱۸۳۰ م)، عالم عامل و فقیه کامل و از ائمه جماعت اصفهان و صاحب چند کتاب و رساله که از آن جمله است: الکرکاب الضیائیة، در شرح زیده شیخ بهایی، در دو جلد بزرگ که جلد اول آن در کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، به شماره «۵۹۳۱» موجود است که در تاریخ ۱۲۳۲ قمری، انجام یافته است؛ تذکرة القبور گزنی، ص ۴۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۶۸؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۵۸؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۲۶؛ الذریعة، ۴۲۲/۳، ۱۸۰/۱۸-۱۸۱؛ زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۳۱۱.





قرب من [فاضل الهندي]

حاج میرزا علی تقی زنجانی موسوی،<sup>۱</sup> امام مسجد خیاطها و هو من سلسله الميرزا ابي المكارم الزنجاني المشهور.

تکیه خرابه:<sup>۲</sup>

آقا میرزا محمد ابراهیم المتخلص بـ «ساغر»<sup>۳</sup> وفاته سنة ۱۳۰۲ [الهجري]، مدفنه في تکیه خرابه.

الحاج سيد عبدالحسين الدولت آبادي،<sup>۴</sup> في تلك التکیه الخرابه.

الحاج سيد محمد جعفر المشهور بـ «خراساني»،<sup>۵</sup> مدفنه قريب

تلك الخرابه، وفاته سنة ۱۳۳۲ [الهجري].

الشيخ عبدالحسين المحلاتي،<sup>۶</sup> وفاته سنة ۱۳۳۰ [الهجري].

قرب الخرابه.

بقعه فیض علی شاه:<sup>۷</sup>

السيد محمدعلي الحسيني،<sup>۸</sup> وفاته سنة ۱۲۶۶ [الهجري]، مدفنه قريب بقعه فیض علی شاه.

السيد حسين،<sup>۹</sup> وفاته سنة ۱۲۲۵ [الهجري]، قريب [بقعه]

فیض علی شاه.

السيد محمود<sup>۱۰</sup> بن محمدعلي بن اسماعيل بن الحاج السيد حسن بن

القاسم بن محب الله بن القاسم بن المهدي بن ابراهيم بن زين العابدين بن

ابراهيم بن كريم الدين بن ركن الدين بن زين العابدين بن صالح الشهير

بالقصير بن محمد بن محمود بن الحسين بن الحسن بن احمد بن صالح بن

وامثال، نك: المآثر والآثار (چهل سال تاریخ ایران)، ۲۹۱/۱؛ دیوان غمگین؛

مقدمه همای؛ حدیقه الشعراء، ص ۸۷؛ احوال و آثار خوشنویسان، ۱۱۲۶/۲؛

الذریعة، ۱۵۷/۸ و ۱۵۲/۹، ۹۵۲، ۱۶۶/۱۸ و ۲۰۱/۱۹ و ۲۰۲-۲۰۱/۱۹؛

رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۶۰؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان،

ص ۴۲-۴۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۶۱.

۴. شرح زندگانی حاج سید عبدالحسین دولت آبادی را در منابع نیافتیم، به احتمال

زیاد وی از سادات دولت آبادی است که تنی چند از آنان مانند: سید مهدی فرزند

سید هادی حسینی دولت آبادی و پدرش میر محمد هادی دولت آبادی، از

نوادگان قاضی نورالله شوشتری، در همین محدوده، مدفون هستند، نك: سیری در

تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۶۷.

۵. حاج سید محمد جعفر خراسانی (م ۱۳۳۲ ق/ ۱۹۱۴ م)، عالم فاضل

و جلیل القدر و از نوادگان حاج سید یوسف خراسانی؛ رجال اصفهان یا تذکرة

القبور، ص ۱۱۳؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۲۶؛ سیری در

تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۶۲.

۶. شیخ عبدالحسین فرزند علی میرزا بابا فرزند حسین فرزند احمد فرزند محمد

شفیع محلاتی اصفهانی (حدود ۱۲۷۰-۱۳۲۳ یا ۱۳۳۰ ق/ ۱۸۵۴-۱۹۰۵ یا

۱۹۱۲ م)، عالم فاضل، ادیب شاعر و محقق که در محلات، دیده به جهان گشود

و پس گذراندن دوره مقدمات، به قم و اصفهان مهاجرت نمود و نزد جمعی از

اساتید به ادامه تحصیل پرداخت، سپس جهت تکمیل دانش خویش، به نجف

اشرف مهاجرت کرد و در آنجا نزد میرزا حبیب‌الله رشتی دانش آموخت و به مقام

اجتهاد نایل شد و پس از آن به اصفهان مراجعت کرد و به تدریس، در مدرسه

صدر و تألیف و ارشاد مردم پرداخت. او با خواهر حاج آقا منیرالدین بروجردی

ازدواج کرد. وی دارای آثار و تألیفات فراوانی است که در منابع به ۲۶ اثر

و تألیف او اشاره کرده‌اند. تألیفات و آثار وی بیشتر در فقه، اصول، تفسیر

و حدیث است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به: تسلیت‌نامه؛ معتزم الذرر، در ۳ جلد؛

شرح اصول کشف الغطاء؛ حاشیه الرسائل؛ حاشیه القوانين و دیوان اشعار عربی و فارسی

اشاره کرد. محلاتی در تاریخ ۱۳۲۳ یا ۱۳۳۰ قمری، در اصفهان، دیده از جهان

فرو بست و در تخت فولاد در مکانی نزدیک تکیه خرابه، به خاک سپرده شد؛

رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۶۸؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان،

ص ۴۰۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۶۴؛ طبقات اعلام الشیعة

(قرن الرابع عشر)، ۱۰۵۶/۱۳-۱۰۵۸؛ الذریعة، ۹۸/۷ و ۱۰۳، ۶۸۴/۹ و ۲۹۳/۲۱.

۷. پیش از این، راجع به «تکیه فیض علی شاه» و شرح حال فیض علی شاه، اشاره

شد.

۸. سید محمد علی حسینی (م ۱۲۶۶ ق/ ۱۸۵۰ م)، عالم زاهد؛ رجال اصفهان یا

تذکرة القبور، ص ۲۲۳؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۴۴؛

سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۶۸.

۹. سید حسین و یا سید محمد حسین اصفهانی (م ۱۲۲۵ یا ۱۲۳۵ ق/ ۱۸۱۰ یا

۱۸۲۰ م)، عالم زاهد که قبر وی نزدیک بقعه فیض علی شاه، دارای سنگی راست در

بالای سرش بود که بر روی آن سنگ القاب و عناوین زیادی بود و اکنون آن را

خراب کرده‌اند؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۲۰۸؛ تذکرة القبور یا دانشمندان

و بزرگان اصفهان، ص ۲۷۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۶۸.

۱۰. سید محمود فرزند محمدعلی فرزند اسماعیل فرزند حسن فرزند قاسم حسینی

(م ۱۳۱۹ ق/ ۱۹۰۱ م)، عالم فاضل و از نسل امام موسی بن جعفر علیه السلام که نزدیک

قبر فاضل هندی در تخت فولاد مدفون است؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص

۲۳۰؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۹۴؛ سیری در تاریخ تخت

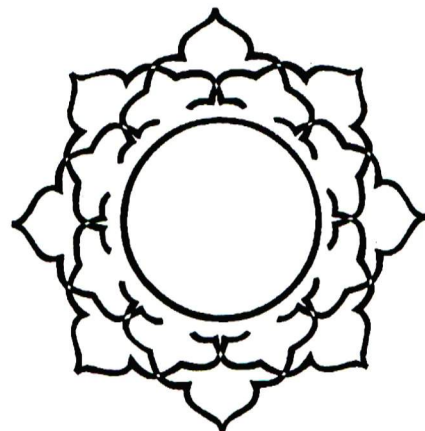
فولاد اصفهان، ص ۱۶۶.

ابراهیم بن عیسی بن الحسن بن یحیی بن ابراهیم بن الحسن بن عبدالله بن موسی بن جعفر علیه السلام. وفاته ۲۳ رمضان سنة ۱۳۱۹، مدفنه قریب الفاضل الهندی<sup>۱</sup>.  
استاد فولاد الحلواتی بن الاستاد شجاع الدین<sup>۲</sup>، وفاته سنة ۹۵۹ [الهجری].

درویش مجید الخطاط<sup>۳</sup>، وفاته سنة ۱۱۸۵ [الهجری] المطابق لقولنا:

زد رقم از پی تاریخ وفاتش آذر

شده ایوان جنان منزل درویش مجید  
(ادامه دارد)



به او منسوب است همین استاد فولاد حلواتی پسر استاد شجاع الدین است و هم اکنون در صحن مرکز تلفن تخت فولاد، روبه روی در تکیه آغاباشی واقع شده است. این فولاد گویا از فتیان روزگار خویش بوده است. در سه - چهار سال پیش که شرکت مخابرات، در بخشی از زمینهای گورستان تخت فولاد، به بنای ساختمانهای بزرگ پرداخت و دهها گور در این قسمت با خاک یکسان شد. سنگ پارسوی گور فولاد را نیز، به دو نیم کردند و شکستند؛ اما با شکایت از شرکت مخابرات و به ویژه با همت بیش از پیش دوشیزه ساغر حمیدی، دانشجوی رشته مرمت دانشکده پردیس، و اینکه وی سنگ گور فولاد را به عنوان کار پایان دوره لیسانس خویش انتخاب کرد، گور فولاد از ویرانی رهایی یافت و او با هنرمندی تمام سنگ قبر را مرمت کرد و در جای خویش استوار ساخت و سپس گزارش از کار خود تهیه کرد و به کتابخانه دانشکده پردیس اهدا کرد. برخی نوشته‌اند که این گورستان تا زمان صفویه به نام «مزار بابارکن الدین» معروف بود؛ اما از این تاریخ به بعد به نام «تخت فولاد» معروف شد: تاریخ اصفهان، ص ۲۱۱-۲۱۲؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۶۰-۴۶۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۳-۱۵، ۲۸.

۳. درویش عبدالمجید طالقانی «درویش مجید» یا «مجید» و «خمش» (م ۱۱۸۵ یا ۱۱۸۸ ق/ ۱۷۷۱ یا ۱۷۷۴ م)، شاعر، ادیب و خطاط شکسته‌نویس معروف که در کسوت درویشی، سیرت پادشاهی داشته و یکی از ارکان چهارگانه مخترعین خط و خوشنویسان عالم است. وی در فن شکسته‌نویسی به حدی ترقی کرد که رونق خط شفیعا را شکسته و حاجت شیرازی درباره وی گفته است: ای گشته مثل زخوشنویسی ز نخست

مفتاح خزاین هنر خامه توست

تا کرده خدا لوح و قلم را ایجاد

تنوشت کسی شکسته‌ای چون تو درست

در سنین جوانی به سال ۱۱۸۵ یا ۱۱۸۸ قمری در اصفهان، دیده از جهان فرو بست و در قبرستان کوچک مقابل تکیه میر به خاک سپرده شد. گویند وی در بیشتر اوقات عمر مبتلا به مالاریا بوده است. دیوان اشعار وی، به کوشش احمد سهیلی خوانساری، انتشار یافته است و نسخه‌ای از آن در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است: تذکرة اختر، ص ۱۷۰-۱۷۳؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۰۵-۱۱۰؛ تاریخ اصفهان، ص ۱۷۶-۱۷۷، ۲۶۰، ۲۶۱؛ فهرس التواریخ، ص ۲۷۷؛ پیدایش خط و خطاطان، ص ۱۲۶؛ خط و خطاطان رفیعی مهرآبادی، ص ۱۵۶؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۱۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۹۲-۱۹۳؛ دیوست سخنور، ص ۳۶۴؛ مجمع الفصحاء، ۴۴۵/۲؛ احوال و آثار خوشنویسان، ۱۲۶۲/۲ - ۱۲۶۴؛ تاریخ منتظم ناصری، ۱۷۲/۲؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الثاني عشر)، ص ۴۷۲-۴۷۳؛ الذریعة، ۲۱۷/۹، ۳۰۴، ۳۲۴، ۶۹۸، ۷۶۷، ۹۵۴، ۹۶۹، ۱۲۳۹؛ مجله آینده، آذر - اسفند ۱۳۶۹، ص ۷۹۹؛ سفینه المحمود، ص ۳۰۱؛ طرایق الحقایق، ۷۳/۳؛ آنشکده آذر، ص ۴۲۴-۴۲۵ (۶۳۴-۶۳۴/۲)؛ هدیه العارفین، ۶۲۱/۱؛ عقد ثریا، ص ۵۱-۵۲؛ صبح گلشن، ص ۳۶۷؛ تحفة العالم شوشتری، ص ۲۵۲-۲۵۴؛ ریاض الجنة نزوزی، روضه پنجم، قسم دوم، ص ۹۱۱-۹۱۲؛ نگارستان سخن، ص ۹۰؛ ریحانة الادب، ۲۱۸-۲۱۹؛ نتایج الافکار، ص ۶۶۹-۶۷۰؛ روز روشن، ص ۶۰۹-۶۱۱؛ نگارستان دارا، ۲۵۰/۱ - ۲۵۱؛ تجرید الاحرار و تسلیة الابرار، ۱/۱ - ۳۰۳؛ ۳۰۳؛ مجله بفا، سال سوم، ص ۴۸؛ فرهنگ فارسی معین، ۵۲۴/۵ - ۵۲۵؛ فرهنگ سخنور، ۳۳۸/۱ - ۳۳۹؛ آثار عجم، ص ۵۴۵؛ اطلس خط، ص ۶۱۸-۶۲۱؛ تاریخ هنرهای ملی، ۹۲۷/۲ - ۹۳۰؛ سرآمدان فرهنگ، ۳۵۴/۱؛ شرح حال رجال ایران، ۱/۲ - ۳۰؛ قزوین در گذرگاه هنر، ص ۲۲۹؛ کارنامه بزرگان، ص ۲۷۶-۲۷۷؛ اثر آفرینان، ۲۹/۳.

۱. آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی علیه السلام، در حاشیه این شرح حال نوشته‌اند: «این نسب در دفتر ثبت شد».

۲. استاد فولاد فرزند استاد شجاع الدین حلواتی (م ۹۵۹ ق/ ۱۵۵۲ م)، عارف فاضل، قبر وی در فضای باز روبه‌روی تکیه میرفندرسکی و جنب غسلخانه تکیه خاتون آبادیها قرار دارد. سنگ گور او دومین سنگ گور تاریخ‌دار باقی مانده در گورستان تخت فولاد است که مورخ محرم الحرام ۹۵۹ می‌باشد و سنگ اول تاریخ‌دار سنگ گور بابارکن الدین است. جمشید مظاهری در تعلیقات خویش بر تاریخ اصفهان نوشته است که: آن که این تخت (تخت فولاد)،

# گنجینه شهاب

آشنایی با کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمیٰ مرعشی نجفی

روابط عمومی و امور بین‌الملل کتابخانه

## سرآغاز

کتاب و کتابخانه سنگ زیربنای فرهنگ و تمدن اسلامی است؛ و در آیین مقدس اسلام از ارزش و اهمیت فراوانی برخوردار است. از میان پیامبران الهی، تنها معجزه پیامبر اسلام ﷺ «کتاب» است؛ و نخستین پیام آن نیز امر به خواندن (إقرأ).

در روایات نیز به علم، کتاب و نوشتن اهتمام شده است؛ تا آن جا که فراگیری آن فریضه دینی به شمار آمده و حتی پیامبر اسلام ﷺ در هنگامه‌ای که به مجاهدان شهادت طلب نیاز داشت، مرکب عالمان را برتر از خون شهیدان می‌دانست: «وإدَادُ الْعُلَمَاءِ أَفْضَلُ مِنْ دِمَائِ الشُّهَدَاءِ.» تأکید قرآن کریم و روایات ائمه معصومین بر فراگیری دانش، از مهمترین علل و موجبات توجه مسلمانان به کتاب و کتابخانه گردید.

همچنین وصیت حضرت امیرالمؤمنین ﷺ خطاب به فرزندان ارجمندشان شایسته یادآوری است: «مطالعه آثار و اخبار پیشینیان و سیر در اوضاع و احوال گذشتگان به منزله آن است که انسان در تمام مراحل زندگانی با آنان همسفر بوده و بدین وسیله می‌تواند نتیجه همه تجربیات و محصول تحولات چندین هزار ساله آنان را به رایگان به دست آورد. نیز از کلمات آن سرور متقیان ﷺ است که فرمود: «الکُتُبُ بِنَسَاتِينِ الْعُلَمَاءِ؛ کتابها تفرجگاه دانشمندان‌اند.»

علما و فرزندانگان اسلامی نیز در توصیف و تعریف کتاب و نقش اساسی آن در انتقال علم و فرهنگ، سخنان بسیاری گفته‌اند، که از آن میان، سخنان جاحظ در این باره چشمگیرتر است. او در مقدمه الحیوان می‌نویسد:

کتاب بهترین پس‌انداز و خزانه است؛ بهترین هم‌نشین

و پشتوانه. معلمی آرامتر و دوستی سودمندتر و کم‌زیانتر از کتاب نیست. کجا دیده‌ای بوستانی در آستین و باغی در بغل جز کتاب.

کتاب همان است که اگر به آن بنگری، بهره‌ات دهد و زیانت را بگشاید و انگشتانت را در نوشتن مهارت و توانایی بخشد و واژگانت را در سخنوری شکوهمند سازد. با مطالعه یک کتاب در یک ماه می‌توان چندان دانش آموخت که در یک عمر از افواه رجال به دست نمی‌آید.

در همان سده‌های نخستین، بسیاری از عالمان، فقیهان، محدثان و دانشوران مسلمان به تدوین علوم اسلامی پرداختند و رساله‌ها، کتابها و مجموعه‌هایی ارزشمند در رشته‌های گوناگون به نگارش درآوردند؛ و از این رهگذر، هزاران کتابخانه تأسیس گردید؛ به گونه‌ای که در مساجد، مدارس، بیمارستانها و آرامگاههای بزرگان اسلام کتابخانه‌هایی پی‌افکنده شد، لذا تألیف کتاب و تأسیس کتابخانه‌ها، از آن رو که کاری بس مقدس و لازم شمرده می‌شد، شتاب بیشتری گرفت و در اواخر سده دوم و آغاز سده سوم هجری، با ظهور نهضت ترجمه در بغداد، مرکز حکومت عباسیان، به اوج شکوفایی خود رسید. در این دوره برخی از کتابخانه‌ها نه تنها دارای صدها هزار جلد کتاب بودند، بلکه به صورت یک مرکز مهم علمی و تحقیقی درآمدند که صدها دانشمند در آن جا به تدریس، تحقیق، تألیف و تصنیف اشتغال داشتند. ابن ندیم در الفهرست گوشه‌هایی از آن همه کوششهای علمی و فرهنگی را گزارش کرده و اسامی بسیاری از مترجمان، مؤلفان و کتابهایشان را نام برده و در حقیقت نخستین کتابشناسی اسلامی را نگاشته است. پس از وی نیز عالمان دیگری به فهرست کردن کتابها و کتابشناسی آثار علمی دانشمندان پرداختند.

و پژوهشگران بتوانند از آنها سود جویند.

در این نوشتار به معرفی کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی خواهیم پرداخت. بدیهی است که ما از بازگو نمودن تمامی خدمات و مشقات آن بزرگوار ناتوانیم. آنچه آمده است، گوشه‌هایی از آن همه رنجها و گرفتاریهایی است که برای به دست آوردن این ذخایر بی نظیر بر خود هموار ساخت و این سرمایه سترگ را در طبق اخلاص نهاد و به جامعه اسلامی تقدیم کرد تا همگان از آن بهره گیرند.

### بنیانگذار کتابخانه

مؤسس و بنیانگذار این کتابخانه عظیم و بی نظیر، فقیه و مرجع تقلید شیعیان جهان، بزرگ فرهنگیان میراث اسلامی، عالم اصولی، محدث رجالی، ادیب اریب، تبارشناس برجسته، محقق و مورخ، حضرت آیت‌الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی در صبحگاه بیستم صفر ۱۳۱۵ / ۲۱ ژوئیه ۱۸۹۷ در نجف اشرف در یک خانواده سرشناس علمی و مذهبی زاده شد.

نخست نزد پدر بزرگوارش آیت‌الله سید شمس‌الدین محمود حسینی مرعشی نجفی (متوفی ۱۳۳۸ ق)، که خود از علمای بزرگ آن زمان به شمار می‌آمد، و نیز شیخ مرتضی طالقانی، شیخ محمدحسین اصفهانی، حاجیه خانم بی بی شمس شرف بیگم طباطبایی، جدّه مادری خود، مقدمات علوم را بیاموخت. علم تجوید و قرائت قرآن کریم و تفسیر را از پدر خود و میرزا ابوالحسن مشکینی، شیخ محمدحسین شیرازی، سیدهبه‌الدین شهرستانی و سید ابراهیم شافعی رفاعی بغدادی، علم انساب را نیز از پدر و سید رضا موسوی غرّیفی صائغ بحرانی، و برادر او، سیدمهدی غرّیفی. فقه و اصول را از پدر، شیخ مرتضی طالقانی، سیدمحمد رضا رفسنجانی، شیخ غلامعلی قمی، میرزا ابوالحسن مشکینی، سیدآقا شوشتری، میرزا محمدعلی کاظمینی، شیخ عبدالحسین رشتی، میرزا آقا اصطهباناتی، شیخ موسی کرمانشاهی، شیخ نعمت‌الله لاریجانی و سیدعلی طباطبایی یزدی. علوم ریاضی و هیئت را از شیخ عبدالکریم بوشهری، سیدابوالقاسم موسوی خوانساری، دکتر عندلیب‌زاده، میرزا محمود اهری، آقا محمد محلاتی، شیخ عبدالحمید دشتی، میرزا احمد منجم و سیدکاظم عصار. علم طب را از پدر، محمدعلی خان مؤید الاطباء. علم رجال و درایه و حدیث را از پدر، سیدابوتراب خوانساری، میرزا محمد تهرانی، شیخ عبدالله مامقانی و میرزا ابوالهدی کرباسی. فقه و اصول استدلالی را از بزرگترین استاد اصول در نجف اشرف، شیخ ضیاءالدین عراقی، سیداحمد بهبهانی، شیخ احمد کاشف الغطاء، شیخ علی اصغر ختائی تبریزی، شیخ محمدرضا مسجدشاهی. مدت سه

روند تألیف کتاب و تشکیل کتابخانه‌ها، با همه تصادمها و جنگ و ستیزهای سده‌های نخستین اسلام، هیچ‌گاه متوقف نگردید، بلکه با شتابی روز افزون تا اواخر سده ششم هجری ادامه یافت، اما از سده هفتم، با هجوم ویرانگرانه مغولان، کتابخانه‌های اسلامی - که اندکی پیش از آن نیز بر اثر حملات پی در پی صلیبیان آسیب‌هایی دیده بود - خسارت‌های فراوانی دید. این صدمات جبران‌ناپذیر، بسیاری از آثار علمی و فرهنگی کتابخانه‌های پربار را از میان برد؛ به گونه‌ای که امروز فقط نامی از آنها باقی مانده است.

شناخت دقیق کتابخانه‌های کهن اسلامی، که هسته مرکزی فرهنگ و تمدن بشری و گنجینه‌ای از میراث عظیم اسلامی بوده‌اند، ما را در بازشناسی فرهنگ و تمدن اسلامی یاری می‌کند. همچنین مسلمانان را با سابقه درخشان خویش آشنا می‌نماید و راه آینده را فرا رویشان هموار می‌سازد. ملت‌ها و اقوام دیگر نیز با پیشینه فرهنگی و تمدن غنی اسلام آشنا خواهند شد.

آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی - قدس سره الشریف - که به حق بزرگترین فرهنگیان میراث اسلامی در چهار سده اخیر به شمار می‌آید، از دیر باز ضرورت این بازشناسی فرهنگی را احساس نمود و از سنین جوانی در جمع‌آوری ذخایر و میراث عظیم فرهنگی علمای اسلام لحظه‌ای درنگ را جایز ندانست. کوششهای پیگیر و گسترده ایشان زمانی آغاز شد که غارتگران بین‌المللی تلاشی همه جانبه را برای تاراج این میراث بشری آغاز کرده بودند. آیت‌الله مرعشی تا مدت‌ها، یک‌تنه در مقابل چپاولگران ایستاد و آثار ارزشمند و نسخه‌های بسیار نفیس اسلامی را از چنگ آنها بیرون آورد. همو بود که از دوران جوانی و آغاز تحصیلات عالی، و آن گاه که طلبه‌ای جوان بود، با چشمپوشی از نیازهای ضروری، مانند خوراک و پوشاک، به جمع‌آوری ذخایر اسلامی پرداخت.

اقدامات مؤثر ایشان، برخی از عالمان و فرزندانگان اسلامی را واداشت که به جمع‌آوری میراث علمی دانشمندان همت گمارند. حاصل این تلاشها و فداکاریها، تأسیس کتابخانه‌ای بود که اکنون شهره آفاق است و یکی از بزرگترین کتابخانه‌های جهان اسلام به شمار می‌آید. فرزند ارشد ایشان، حضرت حجّت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود مرعشی نیز از نوجوانی در کنار پدر بزرگوار خود از دانش کتابشناسی و نسخه‌شناسی بهره کافی برده و اکنون یکی از برجسته‌ترین کتابشناسان و نسخه‌شناسان در ایران و جهان است. حجّت‌الاسلام مرعشی در جمع‌آوری ذخایر این کتابخانه سهم بسزایی دارد. ایشان از دیرباز به این نکته واقف بوده‌اند که تنها گردآوری میراث اسلامی نمی‌تواند عامل حفظ و اشاعه آنها باشد، بلکه بایستی شرایطی فراهم آید تا این ذخایر به همگان شناسانده شود

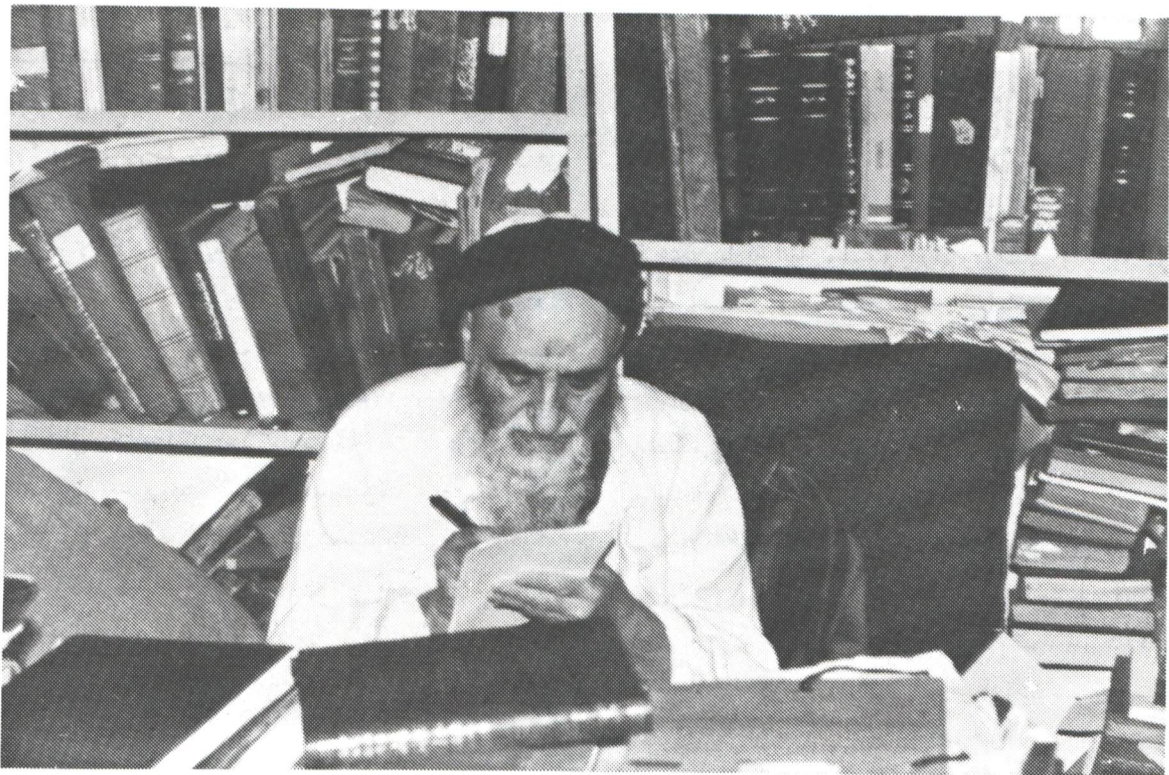
سلسله نسب ایشان با ۳۳ واسطه به حضرت امام زین‌العابدین علی‌بن‌الحسین علیه السلام می‌رسد. نسب سادات مرعشی از معتبرترین سلسله نسبهای سادات به شمار می‌آید که بیشتر در شهرهای قم، تهران، رفسنجان، دماوند، قزوین، مازندران، خوزستان و آذربایجان سکونت داشته‌اند.

آیت‌الله مرعشی چند سال پس از نیل به مقام رفیع اجتهاد، در سال ۱۳۴۲ق / ۱۹۲۴م به ایران سفر کرد و پس از تشریف به مشهد مقدس، به تهران رفت و در آن‌جا لحظه‌ای از تحقیق و استفاده از استادان برجسته باز نماند و از بزرگانی چون شیخ عبدالنسی نوری، شیخ حسین نجم‌آبادی و میرزا طاهر تنکابنی بهره گرفت. سرانجام در سال ۱۳۴۳ق / ۱۹۲۵م به قم رفت و به دعوت و درخواست آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم، در آن‌جا سکونت اختیار کرد. از همان سال به عنوان مدرس رسمی درجه اول حوزه علمیه برگزیده شد. دیری نپایید که در شمار مراجع بزرگ تقلید درآمد و میلیون‌ها نفر از شیعیان جهان، از جمله ایران، عراق، لبنان، کویت، احساء و قطیف عربستان، امارات، بحرین، پاکستان، هند و ترکیه و بخشی از کشورهای آفریقایی، مانند زنگبار، از ایشان تقلید می‌کردند.

سال نیز در سامرا و کاظمین دوره تکمیلی فقه و حدیث و رجال را از سیدحسن صدر آموخت؛ و اصول را از شیخ مهدی خالصی فراگرفت و مجدداً به نجف بازگشت و علم کلام را از پدر خود و شیخ محمدجواد بلاغی و شیخ محمداسماعیل محلاتی و سیدهبه‌الدین شهرستانی آموخت.

آیت‌الله مرعشی یکی از معدود علمایی است که از استادان زیادی کسب فیض کرده است. او در بسیاری از علوم سرآمد اقران خود بود. استادان ایشان در شمار برجسته‌ترین استادان حوزه علمیه نجف اشرف - که در آن زمان بزرگترین مرکز علمی جهان تشیع به شمار می‌رفت - قرار داشتند. دیری نپایید که با بهره‌گیری از استادان خود، به اخذ درجه اجتهاد - که بالاترین درجه علمی حوزه‌های علمیه است - نایل گردید.

بیشتر نیاکان ایشان عالمانی دین‌پژوه یا پزشکانی حاذق و یا حاکمانی صالح و با تدبیر بودند. بیش از دویست سال حکومت طبرستان آن روز (مازندران و گلستان فعلی) در دست اجداد ایشان بوده است. سید قوام‌الدین مرعشی، معروف به میربزرگ، سرسلسله سلاطین مرعشی طبرستان در سده هشتم هجری است که قبر شریفش در شهر آمل زیارتگاه اهل آن دیار است.



مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی

آیت‌الله مرعشی طی ۶۷ سال تدریس در حوزه علمیه قم، که در برخی روزها به ده درس بالغ می‌گردید، در تحکیم پایه‌های این حوزه نوپای علمی لحظه‌ای درنگ نکرد. حاصل این تلاش هزاران شاگردی است که تربیت نمود و هر کدام خود از مشاهیر و مدرسان حوزه و دانشگاه‌اند.

بنیاد چندین مدرسه علمی و مسجد و حسینیه و مراکز درمانی و کتابخانه در قم و دیگر شهرستانها و خارج از کشور و نیز احیا و انتشار آثار علمی دانشمندان متقدم اسلامی و تشویق و ترغیب محصلین به استفاده از آنها، از جمله خدمات ارزنده آن فقید سعید به شمار می‌آید.

موقعیت علمی و اطلاعات گسترده وی در علوم و فنون مختلف، از تألیفات و آثاری که بر جای گذارده آشکار می‌شود، از جمله کتاب *ملحقات الاحقاق*، به عربی، در کلام و عقاید و فضایل ائمه اطهار علیهم‌السلام، که در تألیف آن به بیش از پنج هزار اثر از منابع اهل سنت مراجعه شده است؛ و طی چهل سال به جمع‌آوری و تدوین این اثر مهم پرداخته‌اند؛ و تاکنون ۳۶ جلد آن به اهتمام متولی کتابخانه چاپ و منتشر گردیده است. همچنین حاشیه بر *عروة الوثقی*، در دو جلد؛ *منهاج المؤمنین*، به عربی، در فقه، در دو جلد؛ *تقریبات قصاص*، به عربی، در سه جلد، که یکی از شاگردان ایشان جمع‌آوری نموده است؛ *طبقات النساءین*، به عربی، که در نوع خود یکی از بی‌نظیرترین آثار تألیف شده در این باره است؛ حاشیه بر *کفایة الاصول*، به عربی، در دو جلد؛ حاشیه بر *رسائل*، به عربی، در یک جلد؛ *المشاهد و المزارات*، به عربی، در یک جلد بزرگ؛ *اعیان المرعشیین*، به عربی، در یک جلد بزرگ؛ *المعول فی امر المطول*، به عربی، در یک جلد؛ *علماء السادات*، به عربی، در یک جلد؛ *مسارح الافکار* یا حاشیه بر *تقریبات شیخ مرتضی انصاری*، به عربی، در یک جلد؛ *الفوائد الرجالیة*، به عربی، در یک جلد؛ *کشف الارتياب*، به عربی، در نسب، یک جلد؛ *المنجدی فی حیاة صاحب المتجدی*، به عربی، در یک جلد؛ *رفع الغاشیة عن وجه الحاشیة*، به عربی، در منطق، یک جلد؛ *الرد علی مدعی التحریف*، به عربی؛ *تعلیقه بر عمدة الطالب*، به عربی، در علم نسب. همچنین کتاب *عظیم مشجرات آل رسول الله الاکرم صلی الله علیه و آله* که در برگیرنده شجره سادات ایران و دیگر کشورهاست و در چند جلد تألیف شده و متأسفانه به صورت مسوده و ناقص است. *سفرنامه اصفهان - شیراز - سامرا و آذربایجان* به عربی. تعداد عناوین آثار علمی ایشان - با احتساب برخی که مسوده‌اند یا کامل نیستند - بالغ بر ۱۵۰ اثر است.

ایشان یکی از پیش‌کسوتان وحدت میان مذاهب اسلامی است. آیت‌الله مرعشی با ارتباط مکاتبه‌ای که با علمای بزرگ فرق اسلامی در کشورهای مختلف برقرار ساخت، موفق به اخذ بیش از ۴۵۰ اجازه

روایت حدیث گردید. تصویر بخشی از این اجازات به ضمیمه زندگینامه هر یک از صاحبان اجازه در *المسلسلات فی الاجازات*، به عربی، در دو جلد بزرگ - که به کوشش متولی محترم کتابخانه گردآوری شده - چاپ و منتشر گردیده است. همچنین کتاب *الاجازة الکبيرة* که دربرگیرنده اسامی اجازه‌دهندگان به معظم له با ذکر طریق روایتی هر یک از آنها می‌باشد از سوی این کتابخانه چاپ و منتشر گردیده. نیز ایشان هزاران اجازه روایت حدیث به طلاب و محصلان و استادان حوزه و دیگر واجدان شرایط - از سالهای ۱۳۳۹ق تا آخرین روز زندگی خود - اعطا کرده‌اند، که تولیت محترم کتابخانه بیشتر آنها را جمع‌آوری کرده است. آیت‌الله مرعشی را شیخ اجازه عصر خویش نیز خوانده‌اند.

سجایای اخلاقی و احاطه ایشان بر علوم و فنون گوناگون، و ریاضتها و مجاهدات ایشان بیرون از شمار است. در ادوار زندگی با ارباب دانش و بزرگان دینی، اسلامی و غیر اسلامی، دیدار و ملاقاتهای مهمی داشته و پیوسته دانشگاهیان و پژوهشگران به ایشان مراجعه کرده‌اند. برخی از شخصیتهایی که آیت‌الله مرعشی با آنها دیدار کرده است عبارت‌اند از: تاگور، شاعر و فیلسوف مشهور هندی، علامه رشید رضا مصری مؤلف *تفسیر المنار*، شیخ طنطاوی جوهری مصری صاحب *تفسیر الجواهر*، کشیش و مؤلف بزرگ *انستانس کرملی* در بغداد، پرفسور *هانری کربن فرانسوی*.

یکی از برجسته‌ترین خدمات فرهنگی آیت‌الله مرعشی نجفی، بنیاد کتابخانه بزرگی است که در جهان از شهرت و اعتبار ویژه برخوردار است. با این کار سترگ، ایشان یکی از بزرگترین انقلابهای فرهنگی تاریخ ایران و اسلام را رقم زده است. از این رو، در مجامع علمی، فرهنگی و تحقیقی جهان از وی با نام بزرگ فرهنگبان میراث اسلامی یاد می‌شود.

او پس از نزدیک به یک قرن کوشش در جهت اشاعه فرهنگ اسلامی و احیای تفکرات شیعی و خدمات ارزنده علمی و اجتماعی، سرانجام در روز چهارشنبه هفتم صفر ۱۴۱۱ / هفتم شهریور ۱۳۶۹ / ۲۹ آگوست ۱۹۹۰ در ۹۶ سالگی بر اثر سکته قلبی دیده از جهان فروبست. به همین مناسبت، دولت جمهوری اسلامی ایران سه روز عزای عمومی اعلام کرد. نیز در کشورهای پاکستان و لبنان سه روز عزای عمومی اعلام گردید. *پیکر مطهر آیت‌الله مرعشی طی مراسم باشکوهی قبل از ظهر جمعه نهم صفر / نهم شهریور با حضور میلیونی مردم ایران و مقامات بلندپایه لشکری و کشوری و مراجع عظام، مدرسین و علمای حوزه‌های علمیه و نیز نمایندگان سیاسی کشورهای اسلامی در ایران تشییع*

گردید. سالها قبل از رحلت ایشان، تولیت آستانه مقدسه حضرت معصومه (ع) محل دفنی برای ایشان در داخل حرم و در نزدیکی ضریح مطهر در نظر گرفته بود، لیکن حسب وصیتشان که مرقوم فرموده‌اند: «مراد در راهروی ورودی کتابخانه - زیر پای محققانی که برای مطالعه و تحقیق به این کتابخانه مراجعه می‌کنند - دفن نمایند»، در راهروی کتابخانه بزرگی که خود آن را بنیان نهاده است به خاک سپرده شد.

## انگیزه، خاستگاه و اهداف

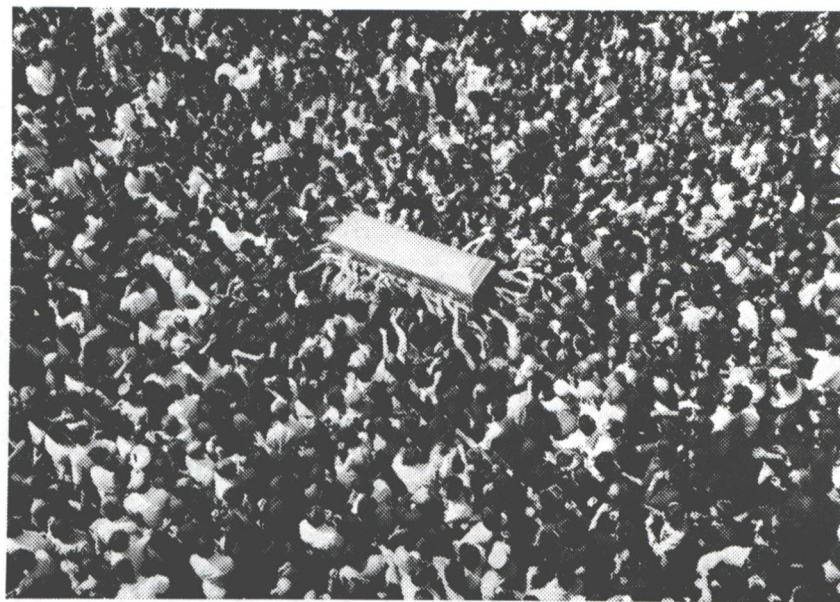
بنیانگذار این کتابخانه، از جمع‌آوری ذخایر اسلامی و تأسیس مرکزی بزرگ به منظور گردآوری و استفاده پژوهشگران از آن ذخایر، اهدافی داشتند که فهرستوار برخی از آنها را برمی‌شماریم:

۱. ایجاد یک مرکز بزرگ فرهنگی اسلامی بین‌المللی که روند توسعه و پیشبرد دستاوردهای عظیم علمی دانشمندان مسلمان را طی دوازده قرن گذشته بنمایاند.

۲. گسترش فرهنگ تحقیق و پژوهش در جامعه که ضرورت آن بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شد.

۳. آگاهی پژوهشگران از وجود منابع مکتوب گردآوری شده در یک مرکز بزرگ و آشنایی بیشتر آنان با میراث اسلامی که در علوم و فنون مختلف نگارش یافته، و نام بسیاری از آنها در منابع موجود نیامده، از طریق تدوین و انتشار فهرست آنها.

۴. گردآوری نسخه‌های خطی نفیس اسلامی و تمرکز آنها در یک مرکز بزرگ به منظور جلوگیری از تاراج این ثروت ملی که پیوسته از سوی سوداگران



تشیع بیکر پاک بنیانگذار کتابخانه، ۱۳۶۹/۷/۹ ش

بین‌المللی از کشورهای اسلامی خارج می‌شد.

۵. اولویت دادن به گردآوری نسخه‌های خطی کهن و یا نسخه‌های اصل به خطوط مؤلفان که از اعتبار و اصالت برخوردارند و تمرکز آنها در یک مرکز برای استفاده پژوهشگران.

۶. تهیه و جمع‌آوری تصویر و میکروفیلم و بایگانی از نسخه‌های خطی نفیس اسلامی که در صد سال اخیر از ایران و یا کشورهای اسلامی خارج شده و هم اکنون در کتابخانه‌های دیگر ملل قرار دارد. همچنین تمرکز آنها به منظور دستیابی پژوهشگران.

۷. تحویل این گنجینه عظیم بشری به نسلهای بعدی؛ تا از فرهنگ سرشار نیاکان خود آگاهی یابند و بتوانند در تدوین تاریخ علم از این میراث مکتوب، که تنها کلید راهیابی به آن است، استفاده نمایند.

۸. حفظ و حراست از ذخایر مکتوب اسلامی که از لابه‌لای حوادث روزگار (از جمله: آتش‌سوزی، بی‌توجهی زمامداران بی‌کفایت و علم‌ستیز به میراث مکتوب، اوج‌گیری و تشدید اختلافات مذهبی و فرقه‌ای در طول اعصار، سیل و زمین لرزه) به ما رسیده است. نیز بازسازی و ترمیم و تهیه میکروفیلم از آنها به منظور

آن شخصیت بزرگ جهان اسلام اینک در کنار کتابخانه‌ای که ثمره سالیان متمادی کوشش خستگی‌ناپذیر اوست، آرام و خاموش آرمیده است؛ و دلسوختگان خاندان عصمت و طهارت (ع) و محققان و پژوهشگران داخلی و خارجی در ستایش از خدمات آن عالم ربانی در این مکان مقدس عالی‌ترین جلوه‌های ارادت و اخلاص خود را به یک فقیه عالقدر و یک فرهنگبان بزرگ جهان اسلام ابراز می‌دارند. مرقد آن سلاله، پاک زهرای (ع) در نهایت سادگی ساخته شده است، اما روح بلند و ملکوتی آن عزیز سفر کرده، آرامش معنوی خاصی را برای هر زائری به ارمغان می‌آورد. همه روزه مشتاقان او از شهرهای دور و نزدیک به زیارت مرقدش مشرف می‌شوند.

گفتنی است که وزارت پست جمهوری اسلامی ایران، به منظور تجلیل از مقام شامخ آن نادره روزگار، یک تمبر زیبا مزین به تصویر ایشان و نمایی از ساختمان کتابخانه چاپ و منتشر کرد.

در باره زندگینامه ایشان می‌توان از کتابهای شهاب شریعت، بر ستیغ نور، قسبات فی حیاة سیدنا الاستاذ، همچنین از وصیتنامه الهی - اخلاقی ایشان استفاده نمود.

## وضعیت حقوقی و گزارش ثبتی

این کتابخانه بر اساس چندین سند رسمی، از جمله سند شماره ۶۲۳۹۳ مورخ ۱۳۴۶/۲/۱۰ و ۴۲۷۴۳ مورخ ۴۶/۵/۱۲ و ۶۳۳۹۱ مورخ ۴۶/۱۱/۹

بنیانگذار معظم آن وقف عام گردیده و تمامی کتابها و تجهیزات و ساختمان اصلی و فرعی و وابسته به آن، اعم از منقول و غیرمنقول، جزء موقوفه است. مقررات آیین نامه و اساسنامه کتابخانه بر اساس همان شرایط و مقرراتی است که در وقفنامه‌های یاد شده بر آنها تأکید گردیده است.

همه کتابها و اسناد مکتوب و غیرمکتوب مهور به مهر وقفی کتابخانه است، که به صورت دایره‌ای، مربع مستطیل، بیضی و خط مستقیم است.

همچنین طی مصوبه‌ای در تاریخ ۱۳۷۶/۸/۷ در مجلس شورای اسلامی این کتابخانه در فهرست نهادهای رسمی عمومی

غیردولتی ثبت گردید. آیت‌الله مرعشی از نخستین روز آغاز به کار کتابخانه در سال ۱۳۴۵ ش تولید و ریاست آن را به فرزند ارشد و وصی‌اش، حجت‌الاسلام دکتر سید محمود مرعشی، واگذار کرد. نیز به تصریح همین وقفنامه‌ها، تولید کتابخانه بایستی در خاندان معظم له موروثی باشد. البته با شرایط مندرج در آن، با تقدم طبقه سابق بر لاحق.

## جایگاه کتابخانه در میان کتابخانه‌های جهان

این کتابخانه از لحاظ تعداد و کیفیت نسخه‌های نفیس و کهن خطی اسلامی نخستین کتابخانه در کشور، و سومین کتابخانه در جهان اسلام به شمار می‌آید. همچنین نزد پژوهشگران و محققان داخلی و خارجی

پیشگیری از فرسایش بیشتر این میراث بشری. با مقایسه نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های کشورهای اسلامی پیش از هجوم مغولان و پس از آن، به خوبی وسعت و دامنه

این خسارتها را می‌توان به دست آورد. قطب‌الدین نهروالی در الاعلام باعلام بیت الله الحرام نوشته است: در حمله مغولان به بغداد در سال ۶۵۶ هـ / ۱۲۵۸ م، که منجر به سقوط بغداد و انقراض خلافت عباسیان گردید، مغولان کتابها و تألیفات مسلمانان را - که در خزانه‌ها و مساجد و کتابخانه‌های بغداد و در مدارس، به ویژه بیت‌الحکمه، قرار داشت - به دجله ریختند؛ به گونه‌ای که بر اثر تراکم این ذخایر، پلی عظیم پدید آمد و سپاهیان مغول از روی آن عبور کردند و آب دجله نیز از مرگب این نسخه‌ها سیاه‌رنگ شد. همچنین در نیشابور - که یکی از مراکز مهم علمی اسلامی در سده پنجم



ساختمان قدیم کتابخانه که مرقد مطهر بنیانگذار کتابخانه در اهروری ورودی آن قرار دارد

و ششم هجری به شمار می‌آمد - ترکمانان غز کتابخانه بزرگ مسجد عقیل و پنج کتابخانه دیگر را سوزاندند و یا به تاراج بردند.<sup>۱</sup>

کتابخانه‌های مرو و هرات نیز از حملات مغولان مصون نماند و در یورش وحشیانه تمامی مراکز فرهنگی، به ویژه کتابخانه‌ها را آتش زدند. همچنین کتابخانه صاحب‌بن عباد در ری - که به گفته تاریخ‌نگاران حمل آن با کمتر از چهارصد شتر انجام نمی‌شد - در حمله سلطان محمود غزنوی به این شهر کتابهای کلامی، فلسفی، نجومی و معتزلی از این کتابخانه خارج شد و به دستور وی آنها را آتش زدند.<sup>۲</sup> در شهر اصفهان نیز کتابخانه نفیس مسجد جامع در اوایل سده ششم هجری به دست اسماعیلیه طعمه حریق گردید.<sup>۳</sup>

هم‌اکنون در کشور ما نزدیک به نیم میلیون جلد نسخه خطی اسلامی شناسایی شده در کتابخانه‌های عمومی و شخصی وجود دارد، که نمونه بسیار اندکی از آن همه آثار از میان رفته است.

۱. الکامل ابن اثیر، ج ۹، ص ۷۴.

۲. الحضارة الاسلامية في القرن الرابع الهجري، ج ۱، ص ۲۰۳-۳۲۶.

۳. الکامل ابن اثیر، ج ۸، ص ۳۰۵.



روند رو به گسترش این کتابخانه به گونه‌ای است که به یاری خداوند در آینده‌ای نه چندان دور در ردیف نخستین کتابخانه‌های جهان اسلام قرار خواهد گرفت.

## تولیت و ریاست کتابخانه

همان‌گونه که یادآور شدیم، از نخستین روز آغاز به کار این کتابخانه در سال ۱۳۴۵ش تولیت و ریاست آن رسماً از سوی بنیانگذار کتابخانه به فرزند ارشدشان، حجت‌الاسلام دکتر سید محمود مرعشی، واگذار گردید. دکتر مرعشی در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۲۰ در قم متولد شده‌اند. ایشان - که در زمره برجسته‌ترین کتابشناسان میراث مکتوب اسلامی ایران و جهان قرار دارد - با احساس وظیفه و علاقه و صف‌ناپذیر به میراث مکتوب، تاکنون به بهترین شیوه کتابخانه را مدیریت نموده؛ و نه تنها از روند رو به رشد و گسترشی که در حیات مؤسس بزرگوار کتابخانه مشهود بوده، کاسته نشده، بلکه پس از ارتحال والد محترمشان نیز با شتابی روز افزون این کتابخانه بزرگ در حال گسترش است. وی نزدیک به چهل سال رنج و مرارت بسیار را بر خود هموار ساخت تا به تأسی از پدر بزرگوارش میراث فرهنگی اسلامی، به ویژه ذخایر شیعی را - با مسافرت‌های پی‌درپی و خطراتی که فرا روی ایشان قرار می‌گرفت - در این کتابخانه جمع‌آوری کند و از تاراج آنها جلوگیری نماید. ایشان افزون بر تحصیلات عالی حوزوی دارای تحصیلات جدید نیز هست. همچنین آثاری را به عربی و فارسی تألیف نموده و مقالات بسیاری را درباره کتابشناسی و نسخه‌شناسی مخطوطات و موضوعات مشابه در روزنامه‌ها و مجلات، از جمله میراث شهاب، نگاشته‌اند. حجت‌الاسلام مرعشی به جز مسئولیت کتابخانه، سرپرستی مدارس علمی را - که والد بزرگوارش بنیان نهاده است - بر عهده دارند.

در بخشی از وصیتنامه الهی - اخلاقی مؤسس کتابخانه چنین آمده است:

راجع به موضوع کتابخانه عمومی، که اهم موضوعات این وصیت است، این است که این کتابخانه در حقیقت بنیانگذار آن آقای حاج سید محمود فرزندم می‌باشد، زیرا ایشان بیش از بیست سال قبل با اختصاص

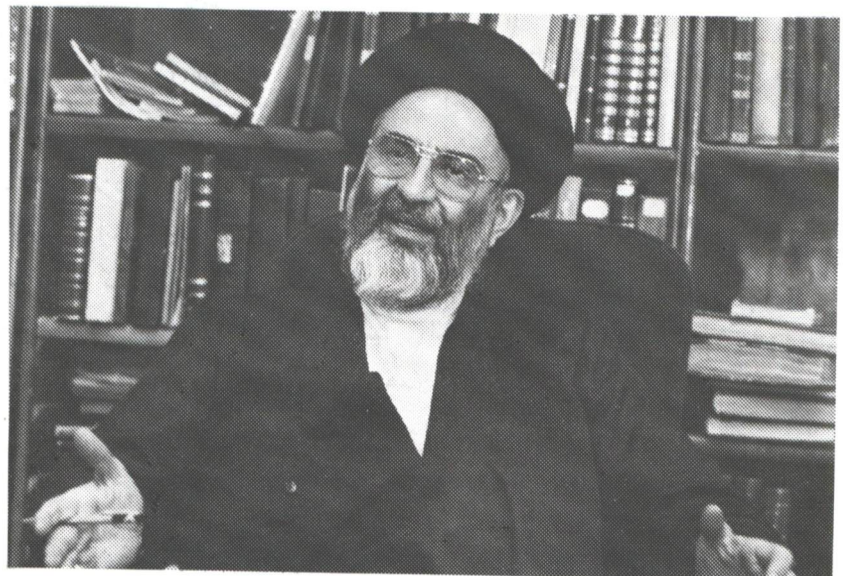
بسم الله الرحمن الرحیم

حاج میرزا محمد حسن در روز شنبه ۱۲/۱۲/۲۴  
 کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی در تبرکات از آن بزرگوار نظیر سایر بزرگان  
 گشت به نظر ایران است. کتب فیسرا عالم نمید و کتب غیر فیسرا و مخطوطاتی که از  
 ذخایر مختلف فنی سهم و ایران می‌باشد از قرار طبع در محافظت آنجا بگذار  
 نیست که آن به معنای از نظر باشد و لطیف‌ترین باریت آن کتاب سید محمد  
 است. حجت‌الله مرعشی باقی آنچه را که آن کتابخانه اصیاح دارد به بهترین وجه  
 فراموش آورید. حجت‌الله مرعشی در حال سید محمد مرعشی فنی که خود را از بزرگان  
 در این کتابخانه در امر کتابخانه در کتابخانه مرعشی در این کتابخانه  
 کتابخانه است. بهترین خود را که می‌تواند شما در این امر یاری دهد باشد  
 بر روی زودتر با سید محمد حسن در روز شنبه ۱۲/۱۲/۲۴ در حوزة علمیة قم قدس  
 سعید در راه باشد تا به سهم بر دست برده. روزی است آنچه در این زمین  
 میشود احتیاطاً از حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی در این کتابخانه که این تعیین  
 نمایند. آرزوی حجت‌الله را از هزاره سال خواتم در سهم سید محمد مرعشی  
 در تاریخ ۱۲/۱۲/۲۴

دستخط بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در باره کتابخانه

از شهرت و اعتبار خاص برخوردار است.

رهبر کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی رحمته‌الله، در بخشی از پیام خود در تاریخ ۶۷/۱۲/۲۴ به دولت وقت درباره این کتابخانه چنین مرقوم داشته‌اند: «کتابخانه حضرت آیت‌الله آقای نجفی مرعشی - دامت برکاته -



حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود مرعشی، متولی و رئیس کتابخانه

اشرف به تحصیل اشغال داشتند شکل گرفته است. در آن روزگار ارزش و اهمیت میراث اسلامی بر همگان روشن نبود. ایشان نخست فهرستی از کتابهای ارزشمند خطی و چاپی نادر را که در کمر کتابخانه‌ای یافت می‌شد تهیه کرد؛ به امید آن که بتواند به تدریج آنها را به دست آورد.

عدم تمکن مالی و رقیبان قدرتمندی که میراث فرهنگی اسلامی را از کشورهای اسلامی خارج می‌ساختند، دو مشکل اساسی بر سر راه ایشان بود. حتی روزی بر سر خرید یک نسخه خطی با نماینده کنسول انگلیس در عراق درگیر شد و شبی را در زندان سپری نمود. آیت‌الله مرعشی با انجام نماز و روزه استیجاری، حذف یک وعده غذای روزانه، کاستن بخشی از مخارج زندگی و کار شبانه در کارگاههای برنج کوبی - پس از فراغت از درس و بحث، و با انگیزه و عشق سرشار به جمع‌آوری میراث و ذخایر اسلامی و فائق آمدن بر مشکلات و شکنجه‌های روحی، که در مسیر این هدف مقدس قرار داشت - سرانجام به مجموعه‌ای نفیس از نسخه‌های خطی و کتابهای چاپی نایاب دست یازید.

هنگامی که ایشان طلبه بود و در نجف اشرف با شهریه‌ای اندک زندگی می‌کرد، بارها اتفاق می‌افتاد که ترجیح می‌داد با این مبلغ کم نیز کتاب بخرد. روزی هم پس از تحمّل گرسنگی چندروزه با پول ناچیزشان کتابی خریده و آن را در آغوش گرفته بودند که ناگاه بر زمین می‌افتند، لیکن همچنان کتاب را در آغوش خود می‌فشرده‌اند. گاه با گروه‌گذاشتن عبا و قبا و یا دیگر لباسهایشان کتاب تهیه می‌کردند. این همه، گویای اشتیاق زایدالوصف آن بزرگوار به تهیه کتب

پیشینیان و مطالعه و پژوهش و سپس به یادگار گذاشتن آنها برای دیگر طالبان علم است.

بامهاجرت ایشان از عراق به ایران در سال ۱۳۴۲ق، مجموعه‌های فراهم شده نیز به ایران انتقال یافت و در منزل شخصی خویش به نگاهداری از آنها پرداخت؛ و به جمع‌آوری دیگر نسخه‌های نفیس همت گمارد. در همان دوران استادان مشهور دانشگاه، همچون آیت‌الله مشکوة بیرجندی، عباس اقبال آشتیانی، جلال‌الدین همائی، بدیع‌الزمان فروزانفر، محمود شهابی، عباس زریاب‌خوئی، مدرّس رضوی، حسین کریمان و محمدتقی دانش‌پژوه به قم می‌آمدند و از نسخه‌های نفیس موجود در منزل ایشان - که در هیچ کتابخانه‌ای یافت نمی‌شد - بهره می‌گرفتند. شیخ آقا بزرگ تهرانی در تألیف

دادن دو حجره در مدرسه مرعشیه خیابان ارم، که روبه‌روی کتابخانه فعلی قرار دارد، برای کتابخانه مدرسه، و سپس خریداری چند زمین و خانه قدیمی، که محل فعلی کتابخانه را تشکیل می‌دهد، این مؤسسه عام‌المنفعه عظیم را به تدریج توسعه داده تا به امروز که یکی از بزرگترین کتابخانه‌های اسلامی است. من جداً از ایشان که برای ابقا و اداره و توسعه روزافزون آن از هیچ کوششی فروگذاری نکرده و نمی‌کند و همواره تمام اوقات خود، چه روزها و چه شبها، و با مسافرت‌های متعدد و تحمّل رنج و زحمت صرف در آن می‌نماید تشکر و قدردانی می‌کنم؛ و در حقیقت بایستی گفت که بانی و مؤسس اولی آن شخص ایشان است....



مراسم افتتاح مرحله دوم کتابخانه در مدرسه مرعشیه. در سال ۱۳۴۴ش

و در ادامه چنین نوشته‌اند:

خوب است آنهایی که تاکنون ندیده‌اند، از نزدیک ملاحظه نمایند و ببینند که چه خون‌دل‌هایی ایشان و حقیر برای جمع‌آوری این مقدار کتاب خورده‌ایم؛ باشد تا دعای صاحبان آن موجب توفیق بیشتر ایشان گردد....

## مراحل شکل‌گیری کتابخانه

مرحله نخست

هسته اولیه این کتابخانه هنگامی که مؤسس بزرگوار کتابخانه در نجف

الذریعه، از کتابخانه معظم له بیشترین بهره را برده و در جای جای این اثر گرانسنگ از ایشان یاد می‌کند. جمع آوری تدریجی کتابها و استقرار آنها در چند اتاق در منزل، ایشان را با ضیق مکان مواجه ساخت. از این رو، نخست ۲۷۸ نسخه خطی نفیس را، که بیشتر به فارسی بودند، به کتابخانه دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران اهدا نمود، که در مقدمه جلد اول فهرست نسخه‌های خطی آن کتابخانه بدان اشاره شده است. سپس شمار بسیاری از نسخه‌های خطی و چاپی دیگر خود را به کتابخانه‌های آستان قدس رضوی در مشهد مقدس، آستانه حضرت معصومه علیها السلام در قم، آستانه حضرت شاه چراغ در شیراز، آستانه حضرت عبدالعظیم در شهر ری و مدرسه فیضیه در قم هدیه کردند، که مجموعاً به هزاران جلد می‌رسد.

کتاب حجه اسلام و شرح تزیین الاحکام لعماد المولى محمد  
طاهر بن محمد بن حسین الشیرازی شرح السلام ببلده قم المشرفه  
من مسایح مولانا العلامة المجلسی زینا الله سفا  
فی المحشر وقد شرت نسخه با جرة صوم  
عن قبل المحرم عبدالله البغدادی حرره العبد  
شهاب الدر العبد المشرقی

۱۳۴۱

۲ اثر تزیین با جرة زبارة برای امیرالمؤمنین  
جده علی بن ابی طالب علیه السلام در روز  
و زان العبد المظفر شهاب الدر المشرقی

۳ اثر تزیین با جرة سنین الصلوة و سجایه  
بنام زان العبد المظفر شهاب الدر المشرقی  
۱۳۴۰

کتاب کشف اللغات و الاصطلاح

للعلماء الفصح عبد الرحیم بن احمد النذر البهار الخفی الشهر بسوس  
الفه با سندا، و کلامه العبد المذنب شهاب الدر فی سنه اوتوفیه  
عبد الفرائح منه تعلید اثر تزیین با جرة سنین الصلوة نیایه  
عنه المحرم امیر زاهد الزاهد الطرانی مبلغ عشرين روبيه برطانیه  
و فنی الهتمه لانام العبد و کان شروع فی الصلوة من صفر یوم ۱۲ من ذی  
القعد ۱۳۴۲ فی شهر الربیع و انما الکتیب کاتبه  
الاحرف فی حلل الجوع فان اتم من تحمیر ما اوت به  
من عشرين عن شریع من مکر کوب شهاب الدر المشرقی  
امیرالمؤمنین  
منه مخلص مرشد جبر امیر المؤمنین رضى له  
الغذاء

۴ اثر تزیین با جرة اربع سنوات صلوة سجایه  
سجایه بنام العبد المذنب شهاب الدر المشرقی  
عبد الله الماسکانی دام ظله و کنوبه المحرم المحرم  
الدعواتی حرره العبد المظفر شهاب الدر المشرقی  
کتاب التزیین با جرة سنین الصلوة فی شهر شعبان  
۱۳۴۱

۵ کتاب التزیین با جرة السنین الصلوة فی غایه  
النفاة متروکه علی المحقق الدولانی و فیه اثر تزیین با جرة  
صوم عشرين نیایه عن المحرم المصنف علی البغدادی الخفی العطار  
رحمته ظلمه من علی جراه جهل الیوم و یوم الخیر  
خیر و حشره فین من الیوم تزیین حرره  
العبد المستکین شهاب الدر المشرقی الخفی  
بمسجد کله متعلقاً صاحباً حشره  
المع مع احباده لبره ۱۳۴۱



مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی برای تهیه منابع موجود در کتابخانه متحمل زحمات و مشقات فراوانی گردید. به عنوان نمونه، یادداشت درباره چند جلد از کتابهایی را که از محل دریافت نماز و روزه استیجاری خریداری و در پشت برگ اول آنها مرقوم فرموده‌اند، در این صفحه آورده‌ایم.

مرحله دوم

آیت‌الله مرعشی پس از تأسیس یکی از چهار مدرسه علمی بزرگ در قم، به نام مدرسه مرعشیه، در سال ۱۳۸۵ق / ۱۹۶۵م نخست کتابخانه کوچکی در دو اتاق مدرسه مزبور پی افکند. آن‌گاه در سوم شعبان همان سال، مطابق ۱۳۴۴ خورشیدی، با انتقال مجموعه‌ای از کتابهای چاپی و بخشی از نسخه‌های خطی به طبقه سوم مدرسه مرعشیه - با حضور معظم له و بسیاری از علما و مدرسان حوزه علمیه قم - کتابخانه جدید گشایش یافت.



گزارش متون و رئیس کتابخانه در باره طرح ساختمان جدید آن، ۳۶۹/۴/۲۲ش

خریداری کنند و به آن ضمیمه نمایند. به این ترتیب، مجموع زیربنای کتابخانه در پنج طبقه بالغ بر ۴۵۰۰ مترمربع گردید.

مرحله چهارم

استقبال بی نظیر حوزویان و دانشگاہیان بار دیگر کتابخانه را با کمبود فضا روبه‌رو کرد. به همین دلیل، حضرت امام خمینی علیه السلام طی حکمی در تاریخ ۱۳۶۷/۱۲/۲۴ دولت وقت را موظف نمودند که سریعاً کتابخانه را گسترش دهند. در پی این حکم، ساختمان قدیمی شرکت بیمه ایران از سوی دولت به کتابخانه اهدا شد و تولید کتابخانه نیز تعدادی از خانه‌های پیرامون کتابخانه را خریداری کرد؛ و در مجموع، غیر از

ساختمان قدیمی کتابخانه، زمین آن بالغ بر ۲۴۰۰ متر گردید. سپس بررسی و مطالعات لازم برای آماده‌سازی نقشه‌های اجرایی ساختمان جدید آغاز گشت. بدین منظور، کارشناسان ایرانی در طول یک سال



بنیانگذار کتابخانه هنگام زدن کلنگ ساختمان جدید کتابخانه، ۳۶۹/۴/۲۲ش

مرحله سوم

استقبال روزافزون پژوهشگران و محققان، این کتابخانه را با کمبود جدی فضا مواجه ساخت. سرانجام چهار سال بعد، زمینی به مساحت هزار مترمربع، رو به روی مدرسه مرعشیه - که کتابخانه در طبقه سوم آن قرار داشت - خریداری گردید. در سال ۱۳۹۰ق / ۱۹۷۰م به دست مبارک آیت‌الله مرعشی کلنگ بنای کتابخانه‌ای بزرگ بر زمین زده شد. آن‌گاه در پانزدهم شعبان ۱۳۹۴ / دوازدهم شهریور ۱۳۵۳ / سوم سپتامبر ۱۹۷۴ به نام کتابخانه عمومی آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی علیه السلام با بیش از شانزده هزار حضور تعداد بسیاری از استادان و محققان و طلاب حوزه علمیه

قم افتتاح گردید. هجوم علاقه‌مندان و مشتاقان استفاده از ذخایر آن کتابخانه دیگر بار مسئولان را بر آن داشت تا در سال ۱۳۵۸ش / ۱۹۷۹م پانصد مترمربع دیگر از زمینهای سمت غربی کتابخانه را

مستول واحد خواهران، مستول دفتر متولی. در حال حاضر معاونت و مسئولیت واحد خواهران بر عهده سرکار خانم مرعشی، همسر محترمه متولی کتابخانه است.

متولی کتابخانه بالاترین مقام و مستول کلیه امور است. همان‌گونه که یادآور شدیم، بنابر اسناد رسمی موجود از سال ۱۳۴۵ ش حجت‌الاسلام دکتر سید محمود مرعشی، فرزند ارشد و وصی بنیانگذار کتابخانه، تولیت و ریاست کتابخانه را بر عهده دارند.

۱. امور موقوفات وابسته به کتابخانه: تعدادی ساختمان مسکونی و تجاری در قم و تهران و اصفهان سالها قبل از سوی افراد نیکوکار وقف این کتابخانه گردیده است. متأسفانه به علت قدمت آنها،

که نیاز به تعمیرات اساسی دارند،

سوددهی چندانی ندارند و دریافتهای در

هر سال مبلغ قابل توجهی نخواهد بود.

در نظر است به یاری خداوند برای

احیای آنها تدابیری اندیشیده شود تا

دقیقاً به نظریات واقفان آنها عمل گردد.

۲. روابط عمومی و امور بین

الملل: این بخش دارای مسئولیتهایی

بدین شرح است: ۱. مسئولیت

هماهنگی و برنامه‌ریزی میهمانان و

بازدیدکنندگان داخلی و خارجی و نیز

تهیه و تنظیم اخبار کتابخانه و ارائه آن به

رسانه‌های گروهی برای آگاهی عموم؛

۲. ایجاد روابط با مراکز فرهنگی؛ ۳.

هماهنگی لازم برای مصاحبه و

سخنرانیهای متولی کتابخانه؛ ۴. تبلیغات مراسم سالگرد ارتحال

بنیانگذار کتابخانه؛ ۵. تدارک برگزاری همایشها و نمایشگاههای

ویژه که کتابخانه برگزار می‌نماید؛ ۶. تبلیغات کتابخانه در رسانه‌ها؛

۷. برگزاری اردوهای مختلف علمی و فرهنگی کارکنان کتابخانه؛

۸. برگزاری مسابقات معارف، حفظ قرآن و حدیث و انتخاب کارمند

برتر؛ ۹. نظرسنجی از مراجعان و کارکنان و انجام مشاوره‌های

فرهنگی و پاسخگویی به آنها؛ ۱۰. تنظیم عملکرد و آمار نامه‌های

ماهانه و سالانه کتابخانه؛ ۱۱. تهیه و تنظیم بروشورهای مختلف از

بیانات و سخنان مؤسس بزرگوار کتابخانه؛ ۱۲. تنظیم و ارائه گزارش

سفرهای علمی متولی کتابخانه، و به‌طور کلی اخبار مربوط به

کتابخانه، به رسانه‌ها. همچنین هماهنگی در روز و تنظیم ساعات

بازدیدکنندگان از کتابخانه و آگاه نمودن مستول تشریفات از ساعات

بازدید میهمانان.

واندی با سفر به کشورهای مختلف جهان، از ساختمان کتابخانه‌های مهم آنها بازدید کردند و پس از بررسی، طرح نهایی آماده و آنگاه طی مراسمی (۲۰ ذی‌حجه ۱۴۱۰/۲۲ تیر ۱۳۶۹/۱۳ ژوئیه ۱۹۹۰) در

پی‌گزارش مشروح تولیت کتابخانه مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی (ره) نخستین کلنگ ساختمان جدید را به زمین زدند. در این مراسم، تنی چند از شخصیت‌های برجسته مذهبی، سیاسی، علمی و فرهنگی

حضور داشتند. متأسفانه معظم له ۴۷ روز بعد روی در نقاب خاک کشید و پایان کار ساختمان جدید را مشاهده نکرد. به جز مرحله نخست، همه مراحل بعدی با پیگیری و کوشش

جدی متولی کتابخانه به انجام رسیده است.



کنجینه بی‌مانند نسخه‌های خطی کتابخانه

## واحد‌های کتابخانه

این کتابخانه، که یک مرکز بزرگ فرهنگی بین‌المللی در جهان است، برای تحقق بخشیدن به اهداف والای بنیانگذار بزرگوار آن، از مراکز و واحدها و بخشهای مختلفی تشکیل شده است، که زیر نظر مستقیم تولیت و ریاست کتابخانه انجام وظیفه می‌نمایند. اینک هر یک از واحدها را به شرح زیر بر می‌شماریم:

### ۱. حوزه متولی و ریاست

مشکل از دفتر کار و اتاقهای ملاقات متولی، دفتر معاون متولی، دفتر

و پژوهشگران خواهر که دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا را می‌گذرانند، می‌توانند غیر از جمعه و شنبه نیز با هماهنگی قبلی با دفتر متولی از منابع مورد نیاز خود بهره‌گیرند.

۶. **مراسلات:** نشانی و مشخصات افراد و مراکزی که از سوی کتابخانه برای آنها کتاب ارسال می‌گردد، به وسیله این بخش از دبیرخانه دریافت می‌شود. تهیه کتاب و بسته‌بندی و ارسال آن از طریق پست و یا دستی و ارائه قبوض پستی به امور مالی، و به‌طور کلی کلیه امور پستی اعم از نامه و محمولات دیگر، بر عهده این بخش است. تولید کتابخانه باید کتابهای ارسالی به کتابخانه‌ها را انتخاب نماید.

## ۲. مرکز خدمات همگانی

این واحد پاسخگوی مراجعان، اعم از عادی و متخصص، و پژوهشگران خواهر و برادر است. بخشهای این مرکز به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. **تالار بزرگ ابن سینا:** این تالار برای استفاده عموم است و ۲۲۰۰ مترمربع مساحت دارد؛ و دارای ۷۵۰ صندلی با میزهای چهار و شش نفره است که متقاضیان هنگام ورود به کتابخانه نخست به مرکز رایانه راهنمایی می‌شوند و مسئولان مربوطه محل استقرار کتاب متقاضی را مشخص می‌کنند. آن‌گاه مراجعه‌کننده در جایگاه انتظار، که دارای صندلیهای متعدد است، قرار می‌گیرد و پس از چند دقیقه کتاب مورد درخواست را از گنجینه کتابهای چاپی به وسیله کتابرسانهای برقی به محل کتابرسانی منتقل و به او تحویل می‌دهند. سپس مراجعه‌کننده وارد تالار می‌شود و از کتاب مورد نظر استفاده می‌کند. این‌گونه متقاضیان باید دارای کارت عضویت باشند. در حال حاضر، به‌طور متوسط دو هزار نفر در دو نوبت، صبح و عصر، از این تالار استفاده می‌کنند. اعضای ثابت کتابخانه با احتساب خواهران بالغ بر چهل هزار نفر است؛ و چنانچه ثبت نام متوقف نشود، تعداد متقاضیان بالغ بر صد هزار نفرند، زیرا در این کتابخانه غیر از ذخایر مکتوب، کتابهای چاپی بسیار نایاب و کهن و نفیس وجود دارد که در هیچ یک از کتابخانه‌های داخل کشور وجود ندارد. البته تعداد مذکور غیر از پژوهشگرانی است که در تالار شیخ طوسی یا تالار محققان به پژوهش اشتغال دارند.

۲. **تالار ویژه کتب حوزوی:** در این تالار طلاب حوزه علمیه بدون کارت عضویت و با ارائه هرگونه کارت شناسایی دیگر می‌توانند از کتابهای موجود در آن استفاده نمایند.

۳. **تالار خواجه نصیرالدین طوسی:** این تالار با ظرفیت دویست صندلی به برگزاری همایشها و اجتماعات گوناگون، به ویژه همایشهای تخصصی کتابداری، کتاب پژوهی، کتابشناسی

۳. **تشریفات و استقبال:** وظایف این بخش عبارت‌اند از: استقبال از میهمانان و بازدیدکنندگان داخلی و خارجی کتابخانه؛ ارائه توضیحات لازم به میهمانان درباره واحدهای کتابخانه؛ پذیرایی و تقدیم هدایا به میهمانان برحسب مقام و موقعیت هرکدام؛ تهیه و تنظیم فهرست بازدیدکنندگان و نشانی و مشخصات آنان و متقابلاً ارائه مشخصات کتابخانه به آنان؛ درخواست از میهمانان به منظور ثبت نظریات و دیدگاههای خود درباره کتابخانه در دفتر یادبود؛ تهیه گزارش مربوط به بازدیدکنندگان و تحویل آن به دفتر متولی برای درج در فصلنامه میراث شهاب؛ پذیرایی از میهمانان بازدیدکننده و فراهم کردن مقدمات اقامت میهمانان خارجی در مهمانسرای کتابخانه یا هتلها.

یادآوری می‌شود کتابخانه بیشترین روزها پذیرای بسیاری از میهمانان داخلی و نیز شخصیت‌های برجسته خارجی است. تاکنون هزاران نفر از مشاهیر دانشمندان و سیاستمداران و پژوهشگران نامدار کشورهای مختلف جهان از این کتابخانه بازدید نموده‌اند. نام بیشترین آنها در دفتر یادبود کتابخانه آمده است و در آن هریک پس از بازدید از مجموعه، دیدگاه‌های خود را کتباً در آن ثبت نموده‌اند. این دفتر گواه بر عظمت مجموعه و شخصیت بی‌نظیر آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی است که ایشان را در مراکز فرهنگی جهان از شهرت و اعتبار والایی برخوردار ساخته است. نمی‌توان مسؤولان کتابخانه‌ای بزرگ یا دانشگاه معتبری را در جهان یافت که با نام کتابخانه آیت‌الله مرعشی آشنا نباشد. به گفته متولی محترم کتابخانه که در همایش‌های بین‌المللی حضور می‌یابند آن قدر نام کتابخانه مرعشی شهره آفاق است که بدون استثناء شرکت‌کنندگان در همایش‌ها با نام ایشان و کتابخانه آشنایی کامل دارند.

۴. **دبیرخانه:** مسئولیت کلیه مکاتبات کتابخانه، اعم از داخلی و خارجی، که پیش‌نویسهای آن باید به تأیید متولی کتابخانه برسد؛ همچنین تایپ مقاله‌ها، قراردادهای، تفاهم‌نامه‌ها، فرمهای داخلی کتابخانه، بایگانی سوابق مکاتبات، ارائه نشانی و مشخصات افراد یا مؤسسات داخلی و خارجی به‌واحد مراسلات پستی درمورد کتابهای اهدایی کتابخانه بر عهده این واحد است. یادآور می‌شود که در حال حاضر این کتابخانه با بیش از چهارصد مرکز فرهنگی و کتابخانه‌های خارج از کشور ارتباط دارد و با تعدادی از آنها تفاهم‌نامه و یا قرارداد مبادله میکروفیلم و تصویر و یا نشریات منعقد ساخته، که مشخصات و سوابق تمامی آنها در بایگانی دبیرخانه موجود است.

۵. **واحد خواهران:** این واحد به منظور دستیابی خواهران پژوهشگر به منابع علمی و ذخایر موجود کتابخانه تشکیل شده است؛ و روزهای جمعه و شنبه کتابخانه به خواهران اختصاص دارد و کارکنان آن نیز از میان خواهران انتخاب شده‌اند. ضمناً محققان

و نسخه‌شناسی اختصاص یافته است.

۴. تالار شیخ مفید: این تالار ویژه نشست‌ها و کنفرانس‌های مختلفی است که کتابخانه برگزار می‌نماید.

۵. فروشگاه کتاب: در این فروشگاه نشریات کتابخانه و سایر نشریات و کتب مؤسسه‌های گوناگون برای فروش به متقاضیان عرضه می‌شود.

و اصول، کلام و عقاید، منطق و فلسفه، عرفان و تصوف، حدیث، تفسیر و علوم قرآن، ادبیات، اخلاق، طبیعیات، تراجم و رجال و درایه، انساب، علوم غریبه و اعداد، فیزیک، شیمی، ریاضی، جغرافی، هیئت و نجوم، طب، موسیقی.

در میان این ذخایر نسخه‌های منحصر به فرد بسیاری به خطوط مؤلفان مشهور اسلامی و یا با اجازات آنان مزین است؛ مانند دستخط

شیخ طوسی، محمدبن بندار، ابوالفضل راوندی فرزند قطب راوندی، علامه حلی، محقق حلی، سید حیدر آملی، عبدالرحمن بن العتایقی ابن فهد حلی، فخرالمحققین، صفدی، مولی عبدالله شوشتری، محقق کرکی، شیخ حسین والد شیخ بهاء‌الدین عاملی، ملاصدرا، سید نعمت‌الله جزایری، میرداماد، قاضی نورالله مرعشی شوشتری شهید، فیض کاشانی، مولی محمد علم‌الهدی کاشانی، شیخ حرّ عاملی، شیخ بهاء‌الدین عاملی، مجلسی اول و دوم، سید علی‌خان مدنی، کاتب چلبگی و از متأخران: نراقی‌ها، میرزای قمی، صاحب جواهر، شیخ انصاری و شیخ فضل‌الله نوری شهید، و نیز



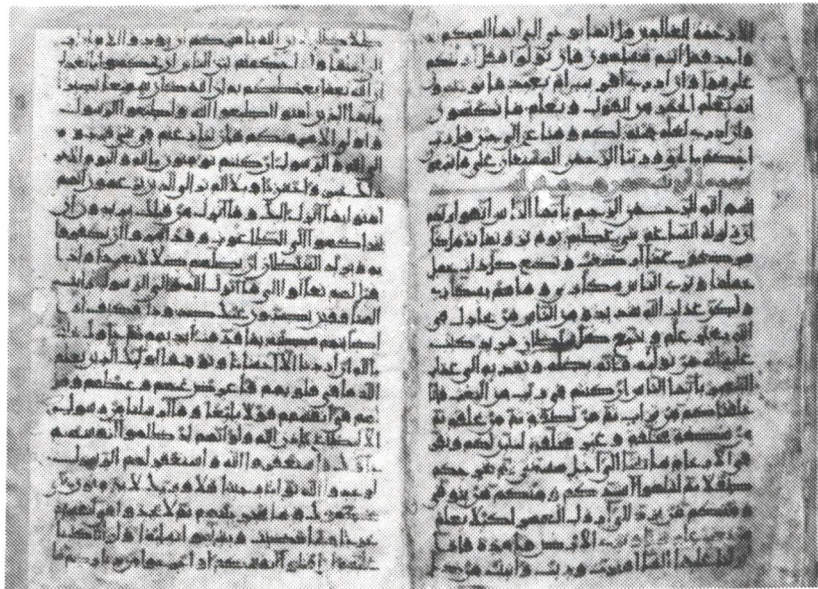
بنیانگذار کتابخانه در گنجینه نسخه‌های خطی کتابخانه

نسخه‌های نفیس دیگری به خطوط خوشنویسان از جمله: علی‌بن هلال مشهور به ابن بواب از سده ۴ق؛ عبدالله صیرفی از شاگردان

### ۳. مرکز منابع و خدمات ویژه (کانون پژوهش)

این مرکز از بخش‌های اصلی کتابخانه تشکیل شده و دارای واحدهایی به شرح زیر است:

۱. گنجینه نسخه‌های خطی: در حال حاضر تعداد نسخه‌های خطی کتابخانه شصت هزار عنوان، مشتمل بر بیش از ۳۱۰۰۰ مجلد است، که ۶۵ درصد آن به عربی و بقیه به فارسی و اندکی ترکی، اردو، تاتاری، حبشی، پهلوی و لاتین است. این تعداد نسخه خطی هیچ‌گاه ثابت نیست و به طور متوسط هر سال بیش از ۷۵۰ تا ۱۰۰۰ نسخه خطی نفیس‌گزینش شده خریداری و یا اهدایی به این گنجینه افزوده می‌شود. این نسخه‌ها در موضوعات مختلفی است؛ از جمله: فقه



دو صفحه از قرآن کریم، به خط کوفی، از سده سوم قمری

مشهور به آقاجان پرتو، محمد صادق تویسرکانی، عبدالحسین بن محمد خراسانی، محمدحسن نجم آبادی، اسماعیل منشی ابن ملامحمود، فتحعلی بن غلامعلی، و برخی دیگر از خوشنویسان اوائل سده ۱۴ق؛ همچنین نسخه‌های نفیس دیگری وجود دارد که دارای نگاره یا میناتورهای زیبا، از استادان برجسته می‌باشد و مربوط به سده‌های ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ق است.

کهنترین نسخه بدون تاریخ این گنجینه در حال حاضر برگهایی از قرآن کریم به خط کوفی از اواخر سده دوم و سوم هجری است و نیز قدیمی‌ترین نسخه‌های تاریخ‌دار دو جزء از قرآن کریم به خط کوفی علی بن هلال، مشهور به این بواب، است که در بغداد به سال ۳۹۲ ق / ۱۰۰۲ م کتابت نموده. همچنین دو جلد تفسیر الثبیان شیخ طوسی که بر خود او خوانده شده مورخ ۴۵۵ ق / ۱۰۷۶ م، نهج البلاغه شریف رضی مورخ سال ۴۶۹ ق اصیلترین و کهنترین نسخه موجود در جهان. اعراب القرآن فراء مورخ سال ۴۴۶ ق / ۱۰۵۴ م.

تعدادی نسخه نفیس و کهن دیگر مربوط به ادیان و مذاهب مختلف نیز وجود دارد، که در نوع خود از نفاست و بزه برخوردارند؛ از جمله: دعاهایی از انجیل به خط لاتین در قطع بسیار بزرگ که در

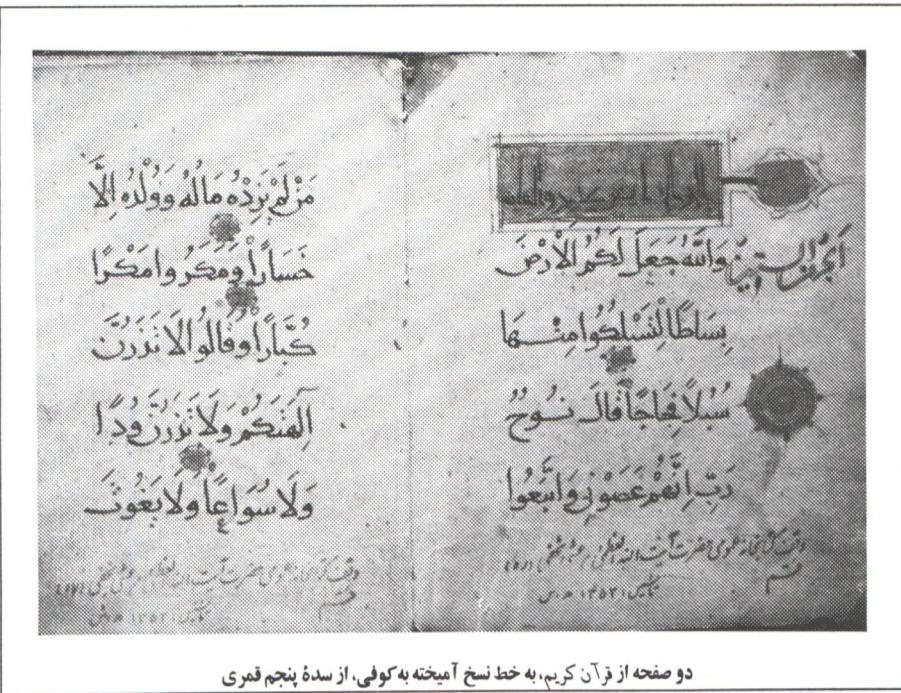
یاقوت مستعصمی، سده ۸ق؛ حسین بن محمد شیرازی، اواخر سده ۷ق؛ عبدالله اصفهانی، نیمه دوم سده ۹ق؛ شاه محمود کاتب نیشابوری و شاه‌بابا اصفهانی و ابراهیم کشمیری و ابوالبرکات حکیم، از سده ۱۰ق؛ محمدحسین بن محمدتقی اصفهانی، فتح‌الله اصفهانی، محمد جعفر لاهیجی، محمد مظفر بن محمد حکیم، سلطان محمد بن



دو صفحه از قرآن کریم بر روی پوست، به خط مغربی، از سده چهارم قمری

نورالدین، کمال‌الدین کرمانی، میر عماد حسنی، خواجه اختیار، مقصود علی شیرازی، محمد طاهر میر شکار، لطف‌الله سمنانی محمدصادق بن محمدحسین تبریزی، راغب مصطفی، محمدحسن

قشقائی و عبدالکریم اصفهانی، سده ۱۱ق؛ احمد تبریزی و نورالدین محمد عاملی، سده ۱۲ق؛ زین‌العابدین اشرف الکتاب اصفهانی، علی عسگر ارسنجانی، محمدتقی بن محمدعلی رشیدا کاتب‌السلطان محمد شفیع تبریزی، سید محمد بقاء اصفهانی، زین‌العابدین محلاتی، ابوالقاسم بن محمد یوسف اصفهانی، احمد بن محمد مهدی اصفهانی، احمد بن محمد تبریزی، عبدالله بن سلطان محمد مراغی، زین‌العابدین همدانی، محمد بن علی محمد تبریزی، محمدخلیل بن محمد صادق اصفهانی، حاجی جعفر قزوینی، ابوطالب اصفهانی، و بسیاری دیگر از سده ۱۳ق؛ میزا علی‌رضا



دو صفحه از قرآن کریم، به خط نسخ آمیخته به کوفی، از سده پنجم قمری



هفت سده قبل بر روی پوست نوشته شده و نیز نسخه‌های دیگر بر روی پوست به خط حبشی از چند سده قبل و همچنین نسخه‌هایی از اوستا به خط پهلوی.

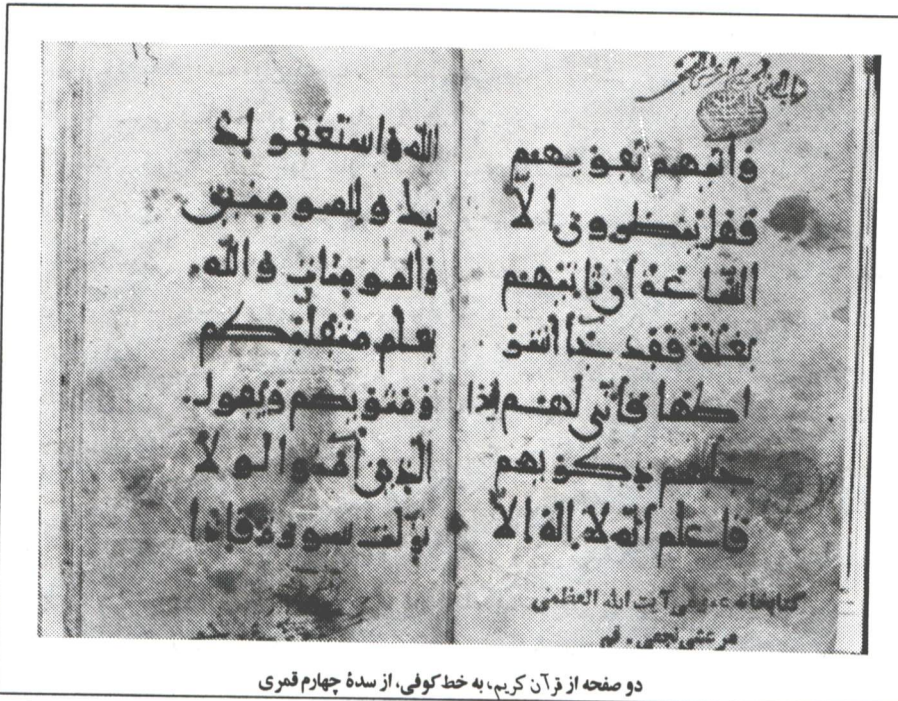
وظیفه حفظ و حراست از نسخه‌های دستنویس را بر عهده دارد و اگر نسخه‌ای به مرمت و بازسازی یا تحقیق یا فهرست‌نگاری یا میکروفیلم نیاز دارد، باید قبل از انجام کار موافقت کتبی متولی را به

نسخه‌های فراوان بسیار کهن و نفیس دیگری در این گنجینه وجود دارد که در سده‌های ششم هجری به بعد کتابت شده و تعداد بی‌شماری از آنها نسخه اصل و تاکنون به چاپ نرسیده است. این گنجینه مهمترین و بزرگترین بخش کتابخانه است که آن را از دیگر کتابخانه‌ها متمایز ساخته و شهرت و اعتبار و جایگاه ویژه‌ای دارد. از لحاظ دما و رطوبت، این گنجینه دارای تجهیزات بسیار پیشرفته است که هوای آن را در هر فصل از سال یکسان و به میزان ۱۸ تا ۲۴ درجه سانتیگراد و نیز رطوبت نسبی آن را ۴۵ درصد با تغییر +۳ درصد تنظیم می‌سازد.

ضمناً درهای این گنجینه از فولاد مخصوص ساخته شده و دارای آلیاژ خاصی

است که در صورت انفجار و یا آتش‌سوزی به هیچ‌وجه صدمه نخواهد دید. همچنین مجهز به تایمرهای پیشرفته و ویژه می‌باشند که در هنگام تعطیلی کتابخانه قابل‌گشایش نیستند.

از فهرست نسخه‌های خطی موجود در این گنجینه تاکنون تعداد سی جلد شامل ۱۲۲۰۰ نسخه خطی چاپ و منتشر گردیده است؛ و بقیه، که بالغ بر شصت مجلد است، به وسیله گروه فهرست‌نگاران به سرپرستی متولی کتابخانه به تدریج چاپ و منتشر می‌گردد. کارکنان این بخش از زمره افرادی هستند که در این زمینه‌ها خبره‌اند و مراجعان را در بازبایی این منابع و شیوه استفاده از آنها یاری می‌دهند. مسئول گنجینه نیز

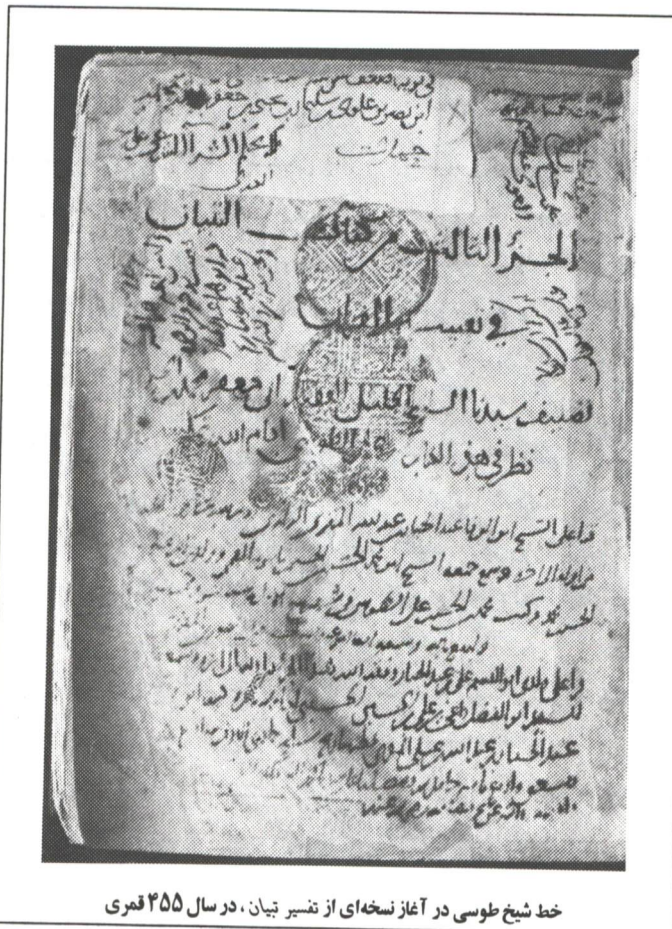


دو صفحه از قرآن کریم، به خط کوفی، از سده چهارم قمری

دست آورده و آن‌گاه اقدام نماید. البته در پایان وقت اداری هر روز نسخه‌ها را باید به گنجینه برگرداند. تماس و همکاری تنگاتنگ این بخش با سایر مراکز و واحدهای کتابخانه برقرار است، زیرا ذخایر موجود در این گنجینه بدون تردید از منابع دست اول پژوهشهای اسلامی است.

چگونگی جمع آوری: نحوه جمع آوری نسخه‌های خطی این کتابخانه چنین است:

۱. بخشی از نسخه‌ها مجموعه‌ای است که از پدر بزرگوار مؤسس و بنیانگذار کتابخانه در نجف اشرف به ایشان به ارث رسیده است و تعداد آنها چندان قابل مقایسه با آمار فعلی نیست؛ ۲. بخشی را



خط شیخ طوسی در آغاز نسخه‌ای از تفسیر تبيان، در سال ۴۵۵ قمری

میان آنها ۴۰ جلد بحارالانوار نسخه اصل به خط مجلسی موجود است، بخشی از کتابخانه مرحوم میرزای قمی صاحب قوانین و دامادش میرزا ابوطالب، بخشی از کتب مرحوم محدث قمی صاحب مفاتیح الجنان و برخی دیگر که معرفی همگی آنها در این گزارش میسر نیست.

۲. گنجینه نسخه‌های عکسی (تصویری): مشتمل بر بیش از چهار هزار مجلد که از نسخه‌های خطی نفیس موجود در کتابخانه‌های خارجی، و اندکی از کتابخانه‌های داخلی، تهیه شده است. تاکنون دو مجلد از فهرست نسخه‌های عکسی این گنجینه شامل هزار نسخه عکسی چاپ و منتشر گردیده است.

۳. گنجینه میکروفیلم و میکروفیش: از دو بخش تشکیل شده است: نخستین بخش میکروفیلم‌هایی است که از بیش از چهار هزار نسخه خطی نفیس موجود در کتابخانه‌های بزرگ خارج و اندکی از داخل کشور تهیه شده؛ و بخش دیگر نسخه‌های خطی نفیس موجود در گنجینه این کتابخانه است، که تا امروز تعداد آنها ۱۲۲۰۰ است. این آمار با ارائه فهرست نسخه‌های خطی در هر سال افزایش می‌یابد. گفتنی است که مجموعه عظیمی از میکروفیش‌های فهرست کتب چاپ شده در جهان به زبانهای مختلف وجود دارد که فهرست نخستین کتابهای چاپ شده تا پایان سال ۱۹۹۵م را شامل و بالغ بر پنجاه میلیون عنوان کتاب به زبانهای مختلف جهان است.

۴. گنجینه اسناد مکتوب: در این گنجینه بیش از صد هزار سند دستنویس از پنج سده قبل تاکنون وجود دارد که شامل احکام شاهان و امیران و حاکمان، اجازات حدیث به خطوط علمای بزرگ، عقدنامه‌ها، اسناد تملیکی و غیر آنهاست. نیز نامه‌هایی به خطوط علما و مراجع بزرگ، از جمله دهها نامه از حضرت امام خمینی علیه السلام و دیگر رهبران مذهبی جهان اسلام، در میان آنها موجود است که از سالهای ۱۳۳۸ ق تا زمان حیات مؤسس و بنیانگذار کتابخانه به ایشان نوشته‌اند. ان شاء الله در آینده نمایه‌سازی و فهرست خواهد شد.

۵. نمایشگاه دائمی نمونه‌هایی از نسخه‌های نفیس خطی کتابخانه: در این نمایشگاه تعدادی از نسخه‌های بسیار نفیس خطی کهن، هنری، علمی، خطوط خوشنویسان، نسخه‌های اصل به خطوط مولفان آنها از بیش از هزار سال قبل تا عصر حاضر نگهداری می‌شود که ویژه میهمانان بازدیدکننده از کتابخانه است.

۶. گنجینه آثار علمی مکتوب و غیرمکتوب بنیانگذار کتابخانه: در این گنجینه آثار تألیفی آیت الله مرعشی، که در موضوعات مختلف علمی است، همچنین نمونه‌هایی از نسخه‌های چاپی که ایشان آنها را با دست خود حاشیه‌نویسی کرده‌اند، و نیز نمونه‌هایی دیگر از آثار تألیفی چاپ شده ایشان به ضمیمه البسه

که معظم له در نجف اشرف با انجام نماز و روزه استیجاری و حذف یک وعده غذای روزانه خود و کارکردن شبانه در یک کارگاه برنج کوبی فراهم کرده‌اند؛ ۳. بخش دیگری که ایشان از نخستین روز اقامت در قم تا آخرین روز حیات خود در طول هفتاد سال خریداری نموده‌اند، که بخش عمده این گنجینه را تشکیل می‌دهد؛ ۴. بخشی دیگر که متولی کتابخانه در سفرهای بی‌شمار خود به شهرها و روستاهای ایران در طول چهل سال گذشته از سوی والد بزرگوار خود خریداری نموده‌اند، که آن نیز بخش قابل توجهی است و این روند هم اکنون نیز ادامه دارد؛ ۵. بخشی اهدایی و یا وقفی است که از سوی علاقه‌مندان ایشان و دستداران علم و فرهنگ مکتوب به این کتابخانه اهدا شده است.

یادآوری می‌شود که تاکنون تعدادی از نسخه‌های خطی نفیس کتابخانه‌های شخصی برخی از علما و دانشمندان به کوشش تولید محترم از بازماندگان آنان خریداری گردیده و یا به کتابخانه اهدا نموده‌اند؛ از جمله: کتابخانه‌های شهید ثقة الاسلام تبریزی، ابن یوسف حدائق شیرازی، شیخ محمد امین نجفی فرزند امام جمعه خوئی، بخشی از کتابخانه فیض کاشانی، حاج میرزا محمود طباطبائی بروجردی، سید ریحان الله موسوی، سید محمد حجّت کوه کمری مؤسس مدرسه حجتیه در قم، سید ابوالحسن کتابی اصفهانی، بخشی از کتابخانه الفت اصفهانی، حاج میرزا محمد تقی تهرانی، حاج میرزا مهدی انگجی تبریزی، مهندس سرتیب عبدالرزاق بُغایری، میرزا عبدالعظیم قریب گرگانی، محسن قریب، حاج میرزا محمود شفیع اصفهانی، سید عبدالله برهان المحققین سبزواری، اخوان موسوی زنجانی، میرزا موسی طیب ساوجی، شریعتمدار بارفروشی (بابلی)، محمد باقر بهاری همدانی، بخشی از نسخه‌های سید مهدی لاجوردی، بخشی از نسخه‌های حاج سید مصطفی صفائی خوانساری، حاج سید احمد مشرف قمی، حاج شیخ محمد هادی تألهی همدانی، میرزا موسی بن فضل الله حسینی همدانی، حاج شیخ حسین عندلیب‌زاده همدانی، سید محمدباقر بروجردی، بخشی از نسخه‌های فخرالدین نصیری امینی، سید محمد موسوی جزایری، آقا میرزا دستیار مرحوم حاجی نوری صاحب مستدرک الوسائل، حاج میرزا محمد ارباب قمی «اشراقی»، شیخ شهید فضل الله نوری علیه السلام، مجتهدزاده تنکابنی، کتابخانه صاحب قصص العلماء، بخشی از کتب حاج سید علیرضا ریحان یزدی، دکتر خنجی در تهران، باستانی راد، دکتر مفتاح، حاج سید مهدی صدر عاملی اصفهانی، عباس فیض قمی، حاج حیدری اصفهانی، حاج محمدجعفری تبریزی، امام جمعه سابق میناب، حاج میرزا یحیی اصفهانی بیدآبادی، بخشی از کتابخانه سید نعمت‌الله موسوی جزایری، بخشی از کتابخانه علامه محمدباقر مجلسی که در

و لوازم شخصی آن بزرگوار در آخرین روزهای حیات نگهداری می‌شود و مورد بازدید میهمانان کتابخانه قرار می‌گیرد.

۷. گنجینه نسخه‌های چاپی بسیار کهن: در این گنجینه نمونه‌هایی از نسخه‌های چاپی بسیار کهن و نفیس قرار دارد که مشتمل بر نسخه‌هایی به عربی، فارسی، ترکی، لاتین و ارمنی است، که در سده‌های دهم و یازدهم هجری چاپ شده‌اند؛ از جمله: القانون والنجاه ابن سینا، به عربی، چاپ ۱۹۵۳م؛ تحریر اقلیدس، از خواجه نصیرالدین طوسی، به عربی، چاپ رم ۱۹۵۳م؛ زهه المشتاق، شریف ادریسی، به عربی، در جغرافی، چاپ رم ۱۹۵۲م؛ و نیز نسخه‌هایی از انجیل به لاتین و ارمنی چاپ سده‌های ۱۶ و ۱۷م؛ تقویم‌التواریخ، به ترکی، از کاتب چلبی، مؤلف کشف‌الظنون، چاپ قسطنطنیه، به سال ۱۱۴۳ق؛ جهان‌نما، به ترکی، از کاتب چلبی، چاپ قسطنطنیه در سده ۱۲ق؛ کلیات سعدی در دو جلد چاپ کلکته هند سال ۱۲۰۵ق / ۱۷۹۱م؛ گلستان سعدی خط اختراعی مقطع ملک‌خان ناظم‌الدوله چاپ لندن ۱۳۰۲ق؛ ترجمه کتاب شرایع‌الاسلام محقق جلی به زبان روسی در دو جلد از م. الف. کاظم‌بیک چاپ سن‌پترزبورگ روسیه ۱۸۶۲م؛ ترجمه همان کتاب شرایع‌الاسلام به زبان فرانسه در دو جلد. از آر. ح. کری فرانسوی چاپ قدیم پاریس؛ مخزن‌الکنوز المشرقیة و معدن الرموز الاجنبیة به آلمانی در ادبیات عربی از نیکلاس گونت سیاوشکی در یک جلد بزرگ چاپ وین اتریش سال ۱۸۰۹م؛ فرهنگ‌نامه فرانسه - عربی ROBERT FREKE GOULD در دو جلد چاپ لندن ۱۸۸۷م؛ ششمین سفرنامه تاورنیه به ترکیه و ایران به انگلیسی چاپ لندن سال ۱۶۷۸م و تعدادی دیگر از نسخه‌های کهن چاپی؛ همچنین شاهنامه فردوسی چاپ بمبئی هند سال ۱۲۷۲ق با تصاویر رنگی دستی. و نیز نمونه‌هایی از نخستین کتابهای چاپ شده در ایران؛ مانند رساله جهادیه، به فارسی، چاپ تبریز، سال ۱۲۳۴ق؛ مآثر سلطانی، به فارسی، چاپ تبریز، سال ۱۲۴۱ق و غیر آنها.

۸. گنجینه نسخه‌های چاپ سنگی نادر و کمیاب: در این گنجینه، نسخه‌های چاپ سنگی نادر و کمیاب به زبانهای فارسی، عربی، ترکی، اردو، ازبکی، تاتاری و... وجود دارد که اوایل سده سیزدهم به بعد در ایران و چند کشور دیگر چاپ شده است و تعداد آنها به دهها هزار جلد می‌رسد.

۹. گنجینه‌های مرکزی کتابهای چاپی فارسی، عربی، ترکی، اردو و غیر لاتین: این گنجینه‌ها به علت گستردگی و حجم بالای کتابهای آن، در حال حاضر صدها هزار مجلد است و در سه طبقه از ساختمان جدید قرار داده شده است. بخش نخست در گنجینه شماره یک و در طبقه دوم ساختمان؛ بخش دوم در گنجینه شماره دو و در طبقه سوم کتابخانه؛ و بخش سوم در گنجینه شماره سوم در طبقه

چهارم کتابخانه قرار گرفته است. گنجایش کتاب در این گنجینه‌ها در مرحله نخست یک و نیم میلیون جلد و در مراحل بعدی با استقرار قفسه‌های ریلی بالغ بر پنج میلیون جلد است.

۱۰. گنجینه روزنامه‌ها و مجلات ادواری: در این گنجینه تاکنون بیش از ۲۵۰۰ عنوان مجله و روزنامه به زبانهای فارسی و عربی و ترکی و اردو (غیر لاتین) وجود دارد که در میان آنها تعدادی از مجلات و روزنامه‌های چاپ سنگی از عصر قاجار و نیز مجلات قدیمی چاپ کشورهای اسلامی از صد سال قبل به چشم می‌خورد.

۱۱. گنجینه کتابهای مرجع و قفسه‌باز: این گنجینه ویژه استفاده پژوهشگران و محققانی است که از مراکز آموزشی کشور و یا مؤسسات فرهنگی معرفی شده و در تالار شیخ طوسی کتابخانه از آن استفاده می‌نمایند.

۱۲. گنجینه فهرس نسخه‌های خطی اسلامی کتابخانه‌های جهان: در این گنجینه فهرس نسخه‌های خطی اسلامی بیش از شصت کتابخانه در جهان، از جمله ایران، به زبانهای مختلف وجود دارد که یکی از گنجینه‌های تخصصی کتابخانه است و در نوع خود از کامل‌ترین و کم‌نظیرترین آرشیوها به شمار می‌آید. همچنین کتابهای علوم کتابداری، اطلاع‌رسانی، کتابشناسی و کتاب پژوهی در این گنجینه مستقر است، که بیشتر مورد استفاده فهرست‌نگاران نسخه‌های خطی کتابخانه و نیز کارکنان مرکز دائرةالمعارف کتابخانه‌های جهان قرار می‌گیرد.

۱۳. گنجینه کتابهای چاپی و مجلات و روزنامه‌های لاتین: در این گنجینه دهها هزار جلد کتاب چاپی به بیش از چهل زبان خارجی چاپ کشورهای مختلف جهان و نیز بخشی از روزنامه‌ها و مجلات لاتین وجود دارد که تعداد آنها روبه افزایش است. برخی از عناوین موجود در این گنجینه از کتب نفیس و کهن به شمار می‌آیند که سابقه چاپ آنها به صد و پنجاه تا دوست سال قبل برمی‌گردد. البته تعدادی نسخه چاپی کهن لاتین دیگر، که سابقه چاپ آنها به بیش از پنج قرن پیش برمی‌گردد، در گنجینه کتب نفیس و کهن چاپی کتابخانه موجود است.

۱۴. آرشیو کتب ممنوعه: در این مجموعه کتابهای ممنوعه که باعث گمراهی افراد می‌شوند گردآوری شده و از دسترس عموم دور نگاه داشته شده است. تنها محققان و پژوهشگرانی که در نقد و رد آنها بررسی و تحقیق می‌نمایند و مورد تأیید کتابخانه هستند، از این آرشیو استفاده می‌کنند. کتابهای این آرشیو مشتمل است بر کتب گروهکهای ملحد و ضد‌مذهب، مسلکهای غیر شناخته شده و غیر رسمی و کتبی که بر ضد اسلام و علیه پیامبران و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) نوشته شده باشد.

اشتغال دارند. قبلاً ۲۷ جلد از فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه - که به معرفی یازده هزار مجلد نسخه خطی پرداخته - منتشر شده است. همچنین در سال جاری جلد‌های ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ منتشر شده و ان‌شاء‌الله بقیه مجلدات آن، که بیش از شصت جلد خواهد رسید، آماده و منتشر می‌شود.

یادآور می‌شود که روند رو به رشد نسخه‌های خطی کتابخانه از محل خریداری و اهدایی در هر سال بیش از ۷۵۰ تا ۱۰۰۰ نسخه خطی است که به گنجینه کتابخانه افزوده می‌شود. بنابراین، آمارهایی که در این گزارش ارائه می‌شود ثابت نیست.

**۲۲. بخش بررسی و تنظیم و انتشار آثار علمی مؤسس کتابخانه:** این بخش به بررسی و تحقیق و تنظیم و انتشار آثار علمی مؤسس بزرگوار کتابخانه اختصاص دارد، که زیر نظر مستقیم متولی کتابخانه انجام می‌شود. تاکنون یک دوره ملحقات الاحقاق، شامل ۳۶ مجلد، که در کلام و اعتقادات، از منابع اهل سنت، چاپ و منتشر گردیده و در سال ۱۳۷۳ بهترین کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در حوزه دین شناخته شد. آن بزرگوار در تألیف این اثر که چهل سال به طول انجامیده است، از حدود پنج‌هزار عنوان کتاب از کتب اهل سنت استفاده نموده‌اند. در بیروت نیز این اثر برای دومین بار چاپ و منتشر گردیده است. تألیفات مؤسس کتابخانه بیش از ۱۵۰ کتاب و رساله است؛ درباره موضوعاتی چون: فقه و اصول، کلام، رجال و درایه، انساب، منطق، تفسیر، ادبیات عرب و تاریخ.

**۲۳. بخش تصحیح و تحقیق و پژوهش نسخه‌های خطی اسلامی:** در این بخش تعدادی از پژوهشگران کتابخانه به تصحیح و تحقیق نسخه‌های نفیس خطی اسلامی می‌پردازند، که تاکنون چاپ و منتشر نشده‌اند؛ و آنها را برای چاپ و نشر آماده می‌کنند. در این بخش تاکنون بیش از ۱۶۰ عنوان کتاب بالغ بر چهارصد جلد در موضوعات گوناگون به عربی و فارسی، تحقیق و چاپ و منتشر گردیده است و فهرست آنها نیز جداگانه منتشر شده است.

#### ۴. مرکز خدمات پشتیبانی اداری

این مرکز دارای بخش‌های گوناگونی به شرح زیر است:

۱. امور مالی: با زیرمجموعه‌ای شامل مسئول امور مالی، ذیحسابی، کارپردازی، تدارکات، مسئول انبار، جمعدار اموال کتابخانه. در این بخش تمامی اسناد هزینه‌ها، اعم از خرید کتاب و ملزومات و تجهیزات، مورد بررسی دقیق قرار می‌گیرد و پس از تأیید ذیحساب و مسئول امور مالی و نهایتاً متولی کتابخانه قابل پرداخت می‌شود. تمامی هزینه‌های جاری و عمرانی کتابخانه

**۱۵. گنجینه اطلسها و نقشه‌های جغرافیایی:** در این گنجینه تعدادی از نقشه‌های جغرافیایی قدیم و جدید و اطلسهای کشورهای جهان و نیز منابع و مراجع جغرافیایی و نقشه‌برداری به زبانهای مختلف جمع‌آوری گردیده است. این نقشه‌ها به صورت رول و هر یک در محفظه مخصوص قرار دارد.

**۱۶. گنجینه کتابهای چاپی مکرر:** این گنجینه اختصاص به کتابهای چاپی مکرر دارد که مورد نیاز کتابخانه نیست و آنها برای شعبه‌های این کتابخانه در شهرستانها اختصاص یافته و به یاری خداوند در چند شهر، از جمله تهران، شعبه کتابخانه دایر خواهد شد.

**۱۷. تالار بزرگ شیخ طوسی:** این تالار با مساحت ۲۲۰۰ مترمربع اختصاص به بخشهای پژوهشی ویژه دارد که پژوهشگران در قسمتهای مختلف از آن استفاده می‌کنند.

**۱۸. بخش ویژه پژوهشگران نسخه‌های خطی و اسناد مکتوب:** در این بخش پژوهشگران نسخه‌های خطی تحقیق می‌کنند و معمولاً از مراکز فرهنگی و آموزشی داخل و خارج کشور کتباً معرفی می‌شوند.

**۱۹. مرکز قم‌شناسی:** مجموعه کتابها یا مقالاتی که درباره قم به زبانهای مختلف نوشته شده در این بخش گردآوری شده و به‌زودی دوره کامل کتاب انوارالمشعشعین در تاریخ قم که نخستین جلد آن در سالهای دور با چاپ سنگی منتشر شده و دو جلد دیگر آن که چاپ نگردیده است در این مرکز چاپ و منتشر خواهد شد. همچنین کتاب تحفة الفاطمیین فی احوال قم والقمیین به فارسی در دو جلد بزرگ که تاکنون چاپ نشده است به زودی چاپ و منتشر می‌گردد. البته بخش‌هایی از این کتاب در فصلنامه میراث شهاب این کتابخانه آمده است، و نیز کتاب کوچک: وقایع قط‌سالی قم به فارسی نیز چاپ و منتشر خواهد شد.

**۲۰. بخش تبارشناسی:** در این بخش بیشترین منابع درباره علم نسب به زبانهای مختلف گردآوری شده و در نظر است به تصحیح و تنظیم و نشر آثار مؤسس کتابخانه بپردازد؛ چرا که در این علم سرآمد بوده‌اند و تألیفات ارزنده‌ای دارند. به یاری خداوند به زودی شرح کتاب عمدة الطالب فی انساب آل ائمه اطهار (ع) که یکی از آثار ارزنده ایشان است، در چند جلد چاپ و منتشر خواهد شد. ضمناً تاکنون بیش از ۱۰ عنوان از آثار دانشمندان مشهور علم‌نساب از سوی این کتابخانه چاپ و منتشر گردیده است.

**۲۱. بخش فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی کتابخانه:** در این بخش گروهی از کتابشناسان و نسخه‌شناسان نسخه‌های خطی، که سرپرستی مستقیم آن بر عهده متولی کتابخانه است، به بررسی و تنظیم و نگارش فهرست نسخه‌های خطی موجود در گنجینه کتابخانه

زمان حیات مؤسس و بنیانگذار کتابخانه از سوی ایشان تأمین می‌گردیده است. پس از رحلت معظم له بر حسب تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی به جز شش تا هفت درصد هزینه‌ها، که از محل کمکهای مردمی و یا متولی محترم تأمین می‌شود، بقیه از سوی دولت تأمین می‌گردد. البته ناکافی است و بایستی در این زمینه چاره‌اندیشی شود، زیرا بخشی از طرحهای تحقیقاتی و پژوهشی به علت عدم اعتبار لازم قابل اجرا نمی‌باشد و کتابخانه را با مشکل جدی مواجه ساخته است.

شایسته یادآوری است که پس از رحلت مؤسس کتابخانه، و در پی تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی، یک ردیف خاص در بودجه عمومی کشور به کتابخانه اختصاص یافته است که اعتبارات جاری یا عمرانی کتابخانه پس از تنظیم موافقت‌نامه با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مشخص و ابلاغ می‌گردد.

۲. بخش‌گزینش و امور کارکنان: این بخش مسئولیت تهیه مقدمات گزینش افراد را در صورت نیاز کتابخانه تا مراحل تأیید به عهده دارد. همچنین امور مربوط به کارکنان کتابخانه بر اساس طرح طبقه‌بندی مشاغل مصوب وزارت کار و امور اجتماعی، تعیین گروه و پایه شغلی هر فرد بر عهده این بخش است که پس از تأیید متولی ابلاغ می‌گردد. نیز تنظیم فهرست ساعات اضافه کاری یا کسری کار کارکنان، ساعت و روزهای مرخصی و ارائه آن به امور مالی از جمله وظایف بخش‌گزینش است. تمامی کارکنان کتابخانه مشمول ضوابط و مقررات بیمه هستند و هر کدام بازنشست شوند، تا آخر عمر حقوق خود را دریافت می‌نمایند.

تعداد کارکنان کتابخانه در حال حاضر، با احتساب قراردادیها، ۱۶۰ نفر است، که پس از آغاز به کار ساختمان جدید در صورت تأمین اعتبار لازم این تعداد به ۲۵۰ نفر خواهد رسید.

۳. بخش آموزش: این بخش به منظور ارتقای سطح علمی و تخصصی کارکنان کتابخانه تشکیل شده است. همچنین تدارک سفر افرادی را که به منظور آموزشهای فنی، از قبیل آموزش ترمیم نسخه‌های خطی و اسناد مکتوب، از کشورهای خارج به این کتابخانه می‌آیند بر عهده این بخش است. تاکنون افرادی از کشورهای مختلف در پی امضای تفاهم‌نامه به این کتابخانه آمده‌اند و پس از آموزشهای لازم و اخذ گواهینامه از دست متولی کتابخانه به کشورهای خود مراجعت نموده‌اند. همچنین تاکنون آموزشهای زیر را تعدادی از کارکنان کتابخانه فرا گرفته‌اند: زبان عربی و انگلیسی، اطفای حریق، تندخوانی، تشعیر و تجلید و تذهیب، آموزش نظامی و تیراندازی، دوره آموزش غیرحضوری مدیریت رایانه، روخوانی و روانخوانی قرآن کریم. گفتنی است که چند تن از کارکنان کتابخانه در مسابقات

سراسری قرآن نیز حضور پیدا کرده‌اند.

۴. واحد تعاون و رفاه کارکنان: این واحد دارای یک صندوق قرض‌الحسنه است که بخشی از سرمایه آن را تولید کتابخانه و بقیه را کارکنان کتابخانه تأمین کرده‌اند؛ و تاکنون کارکنان توانسته‌اند وامهای ضروری خود را از این صندوق اخذ نمایند.

۵. واحد بهداشت و درمان: این واحد برای مداوای کارکنان کتابخانه و خانواده آنان تشکیل یافته و هر پنجشنبه یک پزشک در کتابخانه به مداوای کارکنان می‌پردازد؛ و چنانچه نیاز به آزمایش پزشکی داشته باشند، هزینه آن از سوی کتابخانه تأمین می‌گردد. ضمناً یکی از خواهران همکار، که خود متخصص زنان و زایمان است، در این زمینه به مداوای همسران کارکنان می‌پردازد.

۶. واحد ورزش و تفریحات سالم: این واحد به منظور تقویت جسم و روح و سلامت کارکنان تشکیل شده و تاکنون تیم فوتبال شهاب از کارکنان کتابخانه شکل گرفته و در چندین دوره از مسابقات جوایزی را دریافت نموده‌اند. همچنین در فصل تابستان از سوی تولید کتابخانه بلیت‌شنای تعدادی از کارکنان کتابخانه تأمین می‌گردد.

۷. واحد حمل و نقل و ترابری: این واحد، حمل و نقل محمولات کتابخانه از تهران یا شهرستانهای دیگر به قم و نیز مأموریتهای محوله به کارکنان را برعهده دارد؛ و دارای چندین خودرو است.

۸. بخش ملاقات با کارکنان کتابخانه: این بخش برای ملاقات افراد با کارکنان کتابخانه در نظر گرفته شده است. برای آن که ملاقات‌کنندگان وارد مجموعه نشوند، یک اتاق در تالار ورودی کتابخانه به این امر اختصاص یافته است.

یادآوری می‌شود، طبق تصویب هیئت محترم وزیران در چندسال قبل، کارکنان بخش‌های دولتی می‌توانند با توافق متولی کتابخانه و مسؤول مربوطه بخش دولتی به عنوان مأمور به خدمت تا مدتی در کتابخانه مشغول به کار باشند. تاکنون چند مورد انجام شده و هم‌اکنون نیز ادامه دارد.

#### ۵. مرکز خدمات پشتیبانی اجرایی

این مرکز از چندین واحد و بخشهای مختلف به ترتیب زیر تشکیل گردیده است:

۱. بخش خدمات رایانه‌ای: ویژه متقاضیان استفاده از

شبکه‌های داخلی یا خارجی.

۲. مخابرات و شبکه‌های ارتباطی داخلی و بین‌المللی: که

مسئولیت برقراری ارتباط افرادی که با کتابخانه از داخل و خارج

میهمانان همایشها از وظایف این بخش است.

۸. مرکز تأمین و تهیه منابع کتابخانه: نسخه‌های خطی ای که تولید محترم کتابخانه انتخاب و خریداری می‌کند و نیز کتابهای چاپی فارسی و عربی و لاتین و نیز مجلات مهم کتابشناسی و کتاب پژوهی و نسخه‌شناسی ذخایر اسلامی چاپ خارج از کشور را این مرکز تهیه می‌کند. بخشی نیز در پی تفاهم‌نامه فیما بین کتابخانه با دیگر کتابخانه‌های بزرگ جهان تأمین می‌گردد. بر اساس مصوبه ۲۰۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی در ۱۴ آذر ۱۳۶۸ / ۵ دسامبر ۱۹۹۰ وزارت ارشاد باید یک نسخه از کتابها و نشریاتی را که در ایران منتشر می‌شود، از ناشران اخذ کند و برای این کتابخانه ارسال نماید.

تاکنون کتابخانه‌های خصوصی بسیاری از علما و محققان به این کتابخانه اهدا گردیده است، اینک برخی از آنها را که هر یک بالغ بر چند هزار مجلد بوده است نام می‌بریم: کتابخانه‌های علی هیئت تبریزی، نظام السلطنه مافی، محمد عبده بروجردی، میرزا عبدالعظیم قریب گرکانی، حکمت آل آقا، محسن قریب، وحید خورگامی، بادکوبه‌ای تبریزی، سید عبدالله شبستری، شیخ محمدحسین آل طاهر خمینی، سید ابوالقاسم یاسینی، میرزا حسین فقیهی، میرزا مهدی عبائی، حاج شیخ اسدالله نجفی کرمانشاهی، دکتر شمس‌الدین عالمی، آیت‌الله خوانساری، سید عبدالحمید مولانا، حاج ابراهیم انصاری، حاج عبدالامیر آقائی، ذبیح‌الله عبدی، حاج شیخ یدالله خدائی - اسلامی، شیخ وهاب جعفری، دکتر مهدی مشکوة‌الدینی، حاج شیخ ضیاء‌الدین جوادی اهری، حاج شیخ محمدرضا کاظمی کرمانشاهی، موجد گیلانی، آیت‌الله حاج سید مرتضی مرعشی نجفی (برادر بزرگوار مؤسس کتابخانه)، حاج سید علی‌اصغر جزایری، حاج شیخ قوام‌الدین وشنوی، سید حسن نبوی بیرجندی، حاج شیخ جواد تهرانی، سید محمد علی آل سید غفور، سید محمدتقی مرتضوی اصفهانی، سید رضا موسوی‌زاده، شیخ مصطفی فرزانه اصفهانی، سید صادق پیشنمازی، حاج میرزا علی مقبل، آیت‌الله کاظمینی، سربلندی، حاج علی‌اکبر سلدوزی، شریعتمدار تهرانی، نادر حبیب‌زاده، حاج ضیائی گیلانی، رضا جوادزاده، محسن قائمی، شیخ احمد کبیر قمی، محمد فرقانی، سید حسن جزایری، افجه‌ای، سید نورالدین علوی طالقانی، میرزا محمد متقی قمی، میرزا محمد موحدی قمی، حاج سید محمدباقر فاطمی قمی، محمد باقر حسام، حاج مولوی مداح قمی، علی‌اکبر وحیدی همدانی، فاضل نوری اصفهانی، علیرضا پرنیانپور، سید جمال‌الدین میردامادی، مهرآذین، شیخ غلامرضا فقیهی بروجردی، مقدسی زنجانی، ابراهیم ملازاده، شیخ غلامعلی جعفری، حاج رضا کرمی، حاج رسولی، حسن مؤمنی، ایروانی، عرفانی، سید علی‌اصغر موسوی، زرگر وفا، حسنقلی قبادیان،

تماس می‌گیرند برعهده این بخش است. همچنین کارکنان بخشهای کتابخانه چنانچه در راستای وظایف اداری نیاز به تماس با داخل یا خارج کشور داشته باشند، این بخش ارتباط را برقرار می‌سازد. در این بخش یک دستگاه تلفن مرکزی دیجیتال با ۲۶۰ شماره داخلی و ده شماره خارجی نصب شده که درخواستهای متقاضیان سریعتر از گذشته انجام می‌شود.

۳. بخش چاپ و انتشارات: این بخش کار آماده‌سازی نسخه‌های تحقیق شده به دست ویراستاران کتابخانه و تسهیلات فنی و چاپ تا آخرین مرحله انتشار را بر عهده دارد؛ و تاکنون بیش از ۱۵۰ عنوان کتاب را در بیش از ۳۷۰ مجلد، به فارسی و عربی، منتشر نموده است. همچنین چاپ و انتشار بروشورها و راهنمای کتابخانه و برگه‌های تبلیغاتی و نیز چاپ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه و وصیتنامه الهی - اخلاقی مؤسس کتابخانه از وظایف این بخش است.

۴. امور نمایشگاهها: تمامی مراحل اجرایی نمایشگاههایی که کتابخانه در محل‌های مختلف برگزار می‌کند، بر عهده این بخش است. تاکنون کتابخانه چند نمایشگاه ویژه برگزار نموده است از جمله ۱- نمایشگاه آثار علمی بنیانگذار کتابخانه به مناسبت هشتمین سالگرد ارتحال ایشان در محل کتابخانه؛ ۲- نمایشگاه نسخه‌های خطی نفیس مزین به خطوط ناموران اسلام از یکهزار سال قبل تاکنون؛ ۳- نمایشگاه ویژه فهرس چاپ‌شده نسخه‌های خطی کتابخانه‌های جهان شامل ۵۰ کشور همزمان با ولادت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در سال ۱۳۷۴ش در محل کتابخانه با ۲۰۰۰ عنوان کتاب‌های فهرست؛ ۴- نمایشگاه نسخه‌های خطی نفیس در ساختمان شماره ۲ بهارستان تهران که با استقبال بسیار بازدیدکنندگان مواجه گردید.

۵. امور همایشها: تمامی مراحل برگزاری همایشهای علمی کتابخانه از وظایف این بخش است.

چهارمین همایش بین‌المللی فرسودگی زیست‌محیطی آثار فرهنگی مکتوب با همکاری این کتابخانه و پژوهشکده مرمت آثار فرهنگی - سازمان میراث فرهنگی - سازمان اسناد ملی و سازمان یونسکو با شرکت متخصصانی از کشورهای مختلف در تهران برگزار گردید.

۶. مهمانسرا: این بخش دارای چند اقامتگاه است و برای میهمانان برجسته خارجی در نظر گرفته شده است؛ تا شبها بتوانند با آسودگی به تحقیقات خود ادامه دهند.

۷. رستوران: این بخش به منظور پذیرایی از میهمانان، اعم از داخلی و خارجی، در نظر گرفته شده است. همچنین پذیرایی از

علی‌اصغری، شیخ محمود محمدی، محمدتقی آل آقا، حاج میرآقا موسوی کماری، حاج مظاهری، صالحی خوانساری، شیخ محمدعلی بهرامی همدانی، غلامحسین کریمی، غلامرضا رحیمی، حاج شیخ رضا سراج، محمد جواد نجفی، محمدعلی توتیا، عبدالحسینی، رضائی، سید ذبیح‌الله موسوی زنجانی، شیخ احمد دانشور، شیخ ضیاءالدین نجفی، شیخ محمد تنکابنی، اسماعیل حسینی، میرزا موسی بن فضل‌الله حسینی همدانی، خانم لیلا بیاتی، شیخ محمدعلی انصاری، دکتر علوی، شیخ محمد صابری، شیخ علی‌پناه اشتهااردی، اخوان بَجوانی قره‌داغی، خانم زهرائی، حاج شیخ راضی تبریزی، حاج سید احمد تکیه‌ای، شیخ احمد کافی‌الملکی، سید محمود طباطبائی، سید منیرالدین امامی اصفهانی، شیخ محمد محفوظی، میرزا محمدعلی واعظی قراملکی، حاج سیدعلی زمانی کرمانشاهی؛ تعدادی کتابخانه شخصی از کشورهای خارج که از ذکر نام آنها معذوریم؛ و بسیاری دیگر که ذکر نام یکایک آنان در این نوشتار میسر نیست و بدین وسیله از تمامی بازماندگان آنان سپاسگزاری می‌شود. از خداوند علو درجات آنان را خواستاریم.

همچنین سزاوار است از افرادی که توسط آنان طی سالیان متمادی نسخه‌های خطی و چاپی نفیس بسیاری برای این کتابخانه خریداری گردیده و اینک چهره در نقاب خاک کشیده‌اند، یاد شود؛ آقایان: شیخ حسینعلی کتابفروش، منوچهر زری‌باف، حاج حیدری اصفهانی، شیخ اسدالله اسماعیلیان، حاج محمد جعفری تبریزی، محمدحسین اسدی، اخوان شفیع اصفهانی، شیخ عبدالرزاق اصفهانی، شیخ مهدی علامه، حاج حسین مصطفوی، محمدی شریبانی، قاسم محمدالرجب بغدادی؛ و نیز تشکر و قدردانی می‌کنیم از آقایانی که هم‌اکنون با این کتابخانه همکاری دارند و نسخه‌های بسیاری به وسیله آنان برای کتابخانه خریداری می‌گردد، به‌ویژه از آیت‌الله حاج سید مهدی لاجوردی قمی که خود از علما و مدرسین و صاحب آثار علمی بسیاری است. ایشان بیش از سی سال است که نسبت به این کتابخانه عنایت داشته و نسخه‌های نفیس بسیاری را برای کتابخانه تهیه کرده است. خداوند بزرگ بیش از پیش به ایشان و دیگران توفیق عنایت فرماید.

۹. بخش لابراتوار عکس و تصویر: این بخش مسئولیت عکس‌برداری از میهمانان و شخصیت‌های بازدیدکننده از کتابخانه را بر عهده دارد. همچنین تهیه تصویر از همایشها و نمایشگاههایی که در کتابخانه برگزار می‌گردد. نیز تهیه تصاویر سالگرد ارتحال بنیانگذار کتابخانه و امور مشابه را بر عهده دارد. این بخش دارای لابراتوار مجهز و دوربینهای جدید عکاسی با تجهیزات کامل است.

۱۰. دفتر فنی گروه مشاوران ساختمانی: این دفتر مسئولیت امور اجرایی ساختمانها و یا تعمیرات اساسی آنها را بر عهده دارد. تعدادی از همکاران با تجربه نیز با این دفتر همکاری دارند.

۱۱. دفتر فصلنامه میراث شهاب: متولی کتابخانه صاحب امتیاز این فصلنامه تخصصی است و زیر نظر هیئت تحریریه هر سه ماه یک بار منتشر می‌شود. این نشریه به مباحثی از این قبیل می‌پردازد: کتابشناسی، کتاب پژوهی، کتابداری، نسخه‌شناسی، نسخه‌های خطی اسلامی، گزارش سفرهای علمی پژوهشگران کتابخانه به خارج از کشور، اخبار داخلی کتابخانه، آمار کتابخانه، فهرست نسخه‌های نفیس خریداری شده در هر فصل، چاپ برخی آثار مؤسس بزرگوار کتابخانه، آمار کتابهای منتشر شده از سوی کتابخانه در هر فصل، معرفی کتابخانه‌های جهان.

۱۲. دفتر تهران: برای تسریع در امور جاری کتابخانه، دفتری در تهران فراهم شده و نمایندگان از سوی کتابخانه در آن مستقرند. مسئول این دفتر در امور جاری کتابخانه در تهران فعالیت دارد.

۱۳. دفتر ترجمه: این دفتر به منظور ترجمه نامه‌های انگلیسی، آلمانی، فرانسه، عربی، ایتالیایی، روسی و... در نظر گرفته شده است.

۱۴. دفتر طرح و برنامه: این دفتر اختصاص به بررسی طرحها و برنامه‌های پیشنهادی از سوی کارکنان یا مراجعان و صاحب‌نظران دارد که پس از نهایی شدن به دفتر متولی تحویل می‌شوند تا ایشان تصمیم‌گیری نمایند.

۱۵. امور مربوط به شعب کتابخانه: تاکنون چندین پیشنهاد در مورد تأسیس شعب کتابخانه در شهرستانهای مختلف به کتابخانه ارائه گردیده است. پس از بررسی و موافقت متولی کتابخانه ان‌شاءالله در آینده به تدریج راه‌اندازی خواهد شد. بسیاری از کتابهای چاپی مکرر در یک گنجینه ویژه برای ارسال به این شعب استقرار یافته که در آینده بین آنها توزیع خواهد شد. پیش‌بینی می‌شود این روال با استقبال بسیار روبه‌رو شود.

۱۶. واحد فنی تأسیساتی: این واحد دارای دو بخش است: الف) تأسیسات برق و تلفن و سیستمهای مخابراتی و حفاظتی مداربسته. در حال حاضر حجم برق مصرفی این کتابخانه یک مگاوات و نیم است. این بخش نیز دارای ژنراتور قوی برق است که در صورت قطع برق سراسری، برق کتابخانه را تأمین می‌کند؛ ب) تأسیسات فنی موتورخانه و سیستمهای سرد و گرم و تجهیزات وابسته به آنها. در این بخشها مسئولان مجرب مشغول به کارند و دمای تمامی بخشهای ساختمان را - که باید بین ۱۸ تا ۲۴ درجه سانتیگراد باشد - و نیز رطوبت هوا را کنترل می‌نمایند. همچنین در موتورخانه مرکزی تجهیزات عظیم آب شیرین‌کن نصب گردیده که در تمامی ساختمان

مجموعه‌های انتخابی؛ ۳. ثبت مجموعه‌های رسیده؛ ۴. اعلام وصول؛ ۵. بررسی و وجین؛ ۶. آماده‌سازی؛ ۷. رده‌بندی؛ ۸. فهرست‌نویسی؛ ۹. برگه‌آرایی؛ ۱۰. برنامه‌نویسی بانکهای اطلاعاتی؛ ۱۱. تایپ، تصحیح و اطلاعات پژوهشی کتابشناختی؛ ۱۲. مدیریت شبکه رایانه؛ ۱۳. خدمات فنی و کتابی؛ ۱۴. آموزش کتابداری؛ ۱۵. اطلاع‌رسانی.

این واحد نیز به شبکه‌های رایانه‌ای بین‌المللی «اینترنت» متصل است و پژوهشگران می‌توانند از منابع موجود این کتابخانه در دیگر کتابخانه‌های جهان و بالعکس بهره‌گیرند.

یادآور می‌شود که بخش اعلام وصول و وظیفه تحویل کلیه کتابهای چاپی، اعم از خریداری و اهدایی و وقفی، و نیز ثبت آن در دفاتر مربوطه و اعلام وصول آنها را بر عهده دارد. اعلام وصول نسخه‌های خطی مستقیماً از سوی دفتر تولید کتابخانه انجام می‌شود.

تاکنون افرادی جهت کارورزی از مراکز مختلف به کتابخانه معرفی و دوره‌های کوتاه کتابداری و اطلاع‌رسانی را طی کرده و در پایان پس از گزارش مسؤل واحد به متولی، دوره کارورزی تکمیلی آنان مورد تأیید قرار گرفته است. این روند هم‌اکنون نیز ادامه دارد. ضمناً برخی از دانشجویان دانشگاهها، رساله خود را پیرامون این کتابخانه تدوین و به استاد خود ارائه داده‌اند، همچنین برحسب موافقت سازمان کتابهای درسی در وزارت آموزش و پرورش یک گزارش چندصفحه‌ای از کتابخانه در کتاب فارسی سال دوم دبیرستان جزء کتب درسی قرار گرفته است که خود موجب آشنایی بیشتر دانش‌آموزان از وضعیت کتابخانه و زحمات و مشقات بنیانگذار کتابخانه می‌باشد.

در هر ساعت از روز آب سرد شیرین در لوله‌های مخصوص شرب جاری است. موتورخانه مرکزی این کتابخانه در نوع خود یکی از کم‌نظیرترین موتورخانه‌هاست که به وسیله مانیتور کنترل می‌شود و مطابق استانداردهای بین‌المللی است.

۱۷. مرکز حفاظت و نگهداری فیزیکی از کتابخانه: این مرکز با مرکز حفاظت ذخایر و منابع کتابخانه تفاوت دارد، زیرا آن مرکز مسؤل نگهداری و حفاظت از مجموعه ذخایر و منابع کتابخانه است و این مرکز مسؤلیت نگهداری و مقابله با حوادث غیرمترقبه، از قبیل انفجار، سرقت و خرابکاری، را بر عهده دارد. تدابیر و راهکارهایی که برای حفاظت فیزیکی در نظر گرفته شده عبارت‌اند از:

۱. نگهداری شبانه‌روزی قسمتهای ورودی کتابخانه که از افراد با تجربه و زبده استفاده می‌شود؛

۲. نگهداری بخش غربی ساختمان به صورت شبانه‌روزی؛

۳. آنتنهای هشدار دهنده در مدخلهای ورودی و خروجی کتابخانه برای پیشگیری از سرقت کتاب؛

۴. نصب ۷۵ دوربین مداربسته تلویزیونی در بخشهای مختلف کتابخانه و کنترل آنها در اتاق کنترل مرکزی.

کارکنان این بخش دوره‌های آموزشی لازم را فرا می‌گیرند؛ و دارای بی‌سیم هستند.

۱۸. واحد تعمیرات: تعمیرات فنی کتابخانه بر عهده این واحد است؛ و دارای کارگاههای نجاری، لوله‌کشی، در و پنجره‌سازی است.

## ۶. مرکز پژوهشهای خدمات فنی کتابداری و اطلاع‌رسانی

این مرکز از بخشهای انتخاب و سفارش، ثبت و اعلام وصول، بررسی و وجین کتابها، آماده‌سازی، فهرست‌نویسی، خدمات فنی، برگه‌آرایی، دبیزشگاه، پژوهشگاه و مرکز رایانه تشکیل گردیده است. این مرکز در سال ۱۳۷۵ به دستور تولید کتابخانه تأسیس و زیر نظر ایشان انجام وظیفه می‌نماید. هدف از راه‌اندازی این مرکز، ایجاد نظام اطلاع‌رسانی متمرکز، پشتیبانی فنی، فهرست‌نویسی استاندارد، مجموعه‌سازی، برنامه‌نویسی و مدیریت شبکه رایانه برای خدمات بهینه آموزشی و پژوهشی است. وظایف این مرکز عبارت است از: ۱. انتخاب کتاب و نشریه بر اساس اصول مجموعه‌سازی؛ ۲. سفارش جدید



آزمایشگاه ویژه نسخه‌های خطی کتابخانه و تجهیزات پیشرفته

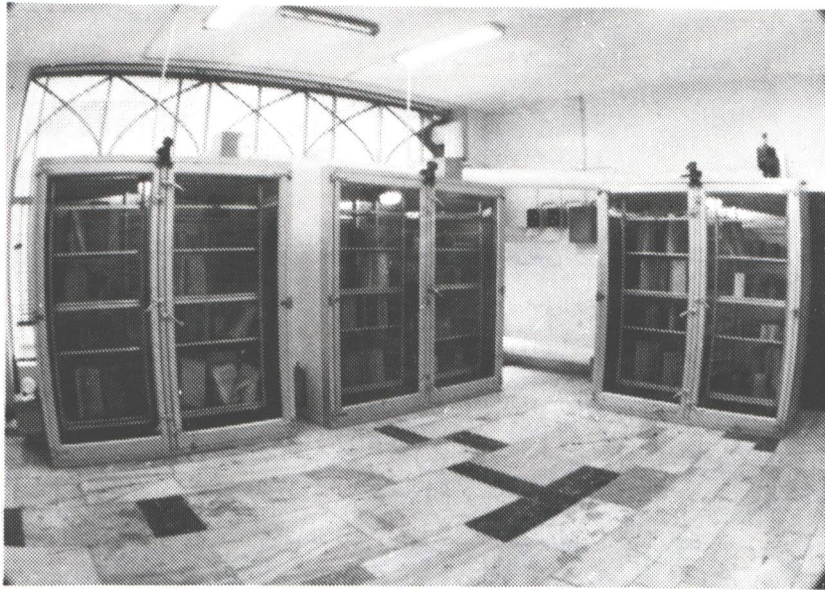


#### ۷. مرکز حفاظت ذخایر و منابع کتابخانه

این مرکز مسئولیت تهیه و اجرای برنامه‌های عملی برای حفاظت و نگهداری از مجموعه ذخایر و اسناد کتابخانه را بر عهده دارد؛ و مشتمل بر چند واحد است:

۱. عملیات آسیب‌شناسی: این بخش دارای یک آزمایشگاه پیشرفته برای شناسایی انواع آسیب‌هایی است که بر کتابها و اسناد وارد می‌شوند. در این واحد تجهیزات فنی جدید، از قبیل میکروسکوپهای بسیار قوی با دوربینهای حساس برای شناسایی حشرات و قارچ‌های کتابخوار و عکس‌برداری رنگی از نوع آفت وارده به کتاب و بزرگ‌نمایی و چاپ آنها وجود دارد،

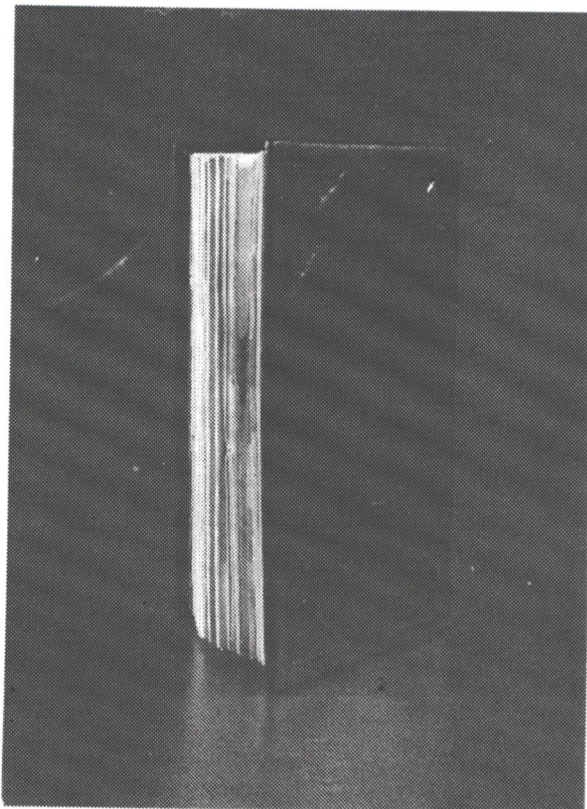
که پس از بررسی و شناخت نوع آسیب، اقدام لازم برای زدودن آن به عمل می‌آید. برخی دیگر از تجهیزات این واحد عبارت‌اند از: ۱. انکوباتور دیجیتال برای محیط کشت رشد قارچها و دیگر آفات؛ ۲. اتوکلاو دیجیتالی؛ ۳. PH متر دیجیتالی برای بررسی مقدار کاغذهای اسیدی؛ ۴. سمپلر متغییر در دو رنج ۱۰۰- E و ۱۰-.



بخش قرنطینه یا بیمارستان کتاب

OE برای استفاده مواد شیمیایی سمی؛ ۵. ترمومتر دیجیتالی برای سنجش حرارت مواد و آب مورد استفاده به منظور رنگ کردن کاغذهای مرمت.

۲. مرکز قرنطینه و آفت‌زدایی کتابها و اسناد: این بخش را بیمارستان کتاب می‌نامند. در این بخش سه اتاقک فلزی بخورده‌ی



همان نسخه آفت‌دیده، پس از ترمیم، در مرکز مرمت و بازسازی کتابهای خطی



یک نسخه خطی آفت‌دیده پیش از ترمیم

پژوهشگران در مسائل اسلامی می‌دهد که به نسخه‌های خطی که در کتابخانه‌های دوردست موجود است، دست یابند. همچنین اطلاعات و داده‌ها از میکروفیلرها بر روی دیسکتهای رایانه‌ای با استفاده از اسکنر ویژه نسخه‌های خطی، و ارتباط با کتابخانه‌های داخل و خارج در این مرکز انجام می‌شود. نیز تجهیزات ویژه آرشیوهای نگهداری میکروفیلرها و مواد دیداری و شنیداری و سی. دی. رام برای سرویس‌دهی به مراجعان و انتقال مواد به کتابخانه‌های دیگر و آموزش بهینه کارکنان این مرکز از جمله برنامه‌هاست.

در این مرکز نخست از نسخه‌های خطی میکروفیلر به صورت ۳۵ میلی‌متری تهیه می‌شود و از روی آن تصویربرداری می‌کنند و پس از جلدسازی به صورت کپی از اصل در می‌آید. در حقیقت، کتاب اصلی یک فیلم و یک تصویر دارد. پژوهشگران فقط از تصویر نسخه‌های خطی استفاده می‌کنند، زیرا استفاده از اصل آنها شرایط ویژه‌ای دارد که همگان آگاهی ندارند و این ثروت ملی باید به نسلهای بعدی منتقل شود. در این مرکز تجهیزات پیشرفته زیر وجود دارد:

۱. دوربینهای جدید میکروفیلرهای ۳۵ و ۱۶ میلیمتری؛
  ۲. تجهیزات اسکنر ویژه کتابهای خطی و رایانه و چاپگرهای مربوطه که پس از اسکن به سی.دی منتقل شده، آن‌گاه بر روی شبکه‌های بین‌المللی قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که پژوهشگران در گوشه و کنار جهان می‌توانند با رایانه از تصاویر نسخه‌های خطی بهره‌گیرند؛
  ۳. تجهیزات چاپگرهای لیزری و معمولی که از میکروفیلرها تصویر تهیه می‌کنند؛
  ۴. تجهیزات ظهور و ثبوت و پردازش میکروفیلرها (پرسور)؛
  ۵. دستگاههای کپی میکروفیلر و میکروفیش (دوبلکتور)؛
  ۶. فیلم‌خوان و یاریدرهای متعدد میکروفیلر؛
  ۷. تجهیزات کامل چاپ عکسهای معمولی، اسلاید، فیلم استریپ و کلیه امکانات کپی‌برداری؛
  ۸. تجهیزات حساسیت‌سنج میکروفیلر (دِنسیتومتر)؛
  ۹. تجهیزات برش میکروفیلر (کاتر).
- وجود امکانات مدرن میکروگرافی و کارشناسان زبده در این مرکز، قابلیت نگهداری مطمئن و بی‌خطر از اسناد، آسانی و سرعت در بازیابی اطلاعات، صرفه‌جویی در هزینه بایگانی و آرشیو، کنترل بیشتر اطلاعات، صرفه‌جویی در مکان، آسانی تبادل اطلاعات بین مراکز، حفظ تمامیت آرشیو، سازگاری با رایانه‌ها، امکان بازپردازی اطلاعات و پیشگیری از جعل و تحریف سند را امکان‌پذیر ساخته است.
۵. مرکز صحافی و جلدسازی کتابهای چاپی: در این مرکز

پیشرفته خارجی با تجهیزات مربوطه قرار دارد که کار قرنطینه کتابها و اسناد (مکتوب و غیر مکتوب) آسیب دیده را در مدت ۷۲ ساعت انجام می‌دهد. بخشی نیز به زدودن و اسیدگیری کتابها اختصاص دارد. تمامی نسخه‌های خطی و اسناد مکتوب به ترتیب دوره‌ای همیشه ضد عفونی می‌شوند.

۳. مرکز مرمت و بازسازی کتب خطی و اسناد دستنویس: این مرکز یکی از بخشهای حساس و مهم کتابخانه به شمار می‌رود. تعدادی از افراد مجرب نسخه‌های فرسوده و آسیب دیده را ترمیم و بازسازی می‌نمایند؛ و تا آن جا که امکان دارد از روشهای سنتی استفاده می‌نمایند. تجهیزات بسیار پیشرفته نیز در این مرکز وجود دارد که عبارت‌اند از: ۱. میزهای نور ویژه مرمت؛ ۲. دستگاه چمبر یا محفظه رطوبت برای جداسازی کاغذهای به هم چسبیده نسخه‌های خطی و اسناد؛ ۳. دستگاه ویژه زدودن اسید نسخه‌ها؛ ۴. دستگاه پرسورتنی بل یا میز مکش مدرن، برای لگه و گرد و غبارزدایی و صاف نمودن سند بدون حرارت؛ ۵. پرسهای حرارتی برای محو نمودن چسبهای مرمت؛ ۶. ماشینهای نازک کردن چرم برای جلدسازی. ماشینهای برش دستی و برقی.

مسئولیت‌های این مرکز نیز عبارت‌اند از: تحویل گرفتن کتابها از گنجینه؛ قرار دادن آنها در اتاقهای قرنطینه؛ تست کاغذهای اسیدی؛ تعیین میزان فرسودگی و جنس و قطر و رنگ کاغذ؛ رنگ نمودن کاغذی دیگر به وسیله مواد طبیعی برای تهیه کاغذ همرنگ با نسخه‌های خطی یا سند؛ طراحی کاغذ همرنگ با مقدار کاغذی که خورده شده و از میان رفته است.

پس از ترمیم برگها، کار جلدسازی آن از چرمهای طبیعی داخلی آغاز می‌شود، که حسب مورد جلدهای ضریبی با نقوش و طرحهای اسلیمی چون ترنج و لچک و کتیبه و یا روغنی رنگین و بوته و یا گل و مرغ و یا جلدهای ساده یک‌لا بدون مقوا ساخته می‌شود.

۴. مرکز میکروگرافی کتابخانه: میکروگرافی در فارسی به معنای ریزنگاری یا ریزپردازی و روشی برای کنستاتره کردن یا فشرده‌سازی اطلاعات است. از آن جا که نسخه‌های خطی میراث فرهنگی است و وظیفه حفاظت از آنها بر عهده همگان است، این واحد نیز در کتابخانه شکل گرفته و هدف از تأسیس آن تهیه میکروفیلر از نسخ خطی نادر و نفیس کتابخانه است؛ تا بدین وسیله خدمات دهی ایمنتر و نگهداری بهتر انجام پذیرد. در این راستا تاکنون هر آنچه از نسخه‌های خطی کتابخانه فهرست شده، از آنها میکروفیلر و تعدادی تصویر تهیه شده و در گنجینه میکروفیلر نگهداری می‌شود. همچنین بیش از چهار هزار حلقه میکروفیلر دیگر از نسخه‌های نفیس کتابخانه‌های جهان فراهم شده که وجود آنها این امکان را به

گونگون که از مراسمهای مختلف و یا مصاحبه‌های اشخاص و از سخنان بنیانگذار کتابخانه در مورد نحوه شکل‌گیری کتابخانه تهیه شده، نگهداری می‌شود.

۳. آرشو عکس: در این آرشو عکسهای رنگی و سیاه و سفید قدیمی، به ویژه از عصر قاجار، و نیز از مراسمهای گوناگون که از آغاز به کار کتابخانه تا زمان حاضر برداشته شده نگهداری می‌شود. برای نگاتیوهای رنگی این بخش درجه حرارت انبار ویژه یک درجه سانتیگراد و رطوبت ۳۰ درصد با تغییر  $\pm 5$  درصد است؛ و برای نگاتیوهای سیاه و سفید درجه حرارت انبارهای ویژه پنج درجه سانتیگراد و رطوبت ۳۰ درصد با تغییر  $\pm 5$  درصد است.

#### ۹. مرکز دایرةالمعارف کتابخانه‌های جهان

دایرةالمعارف کتابخانه‌های جهان، یکی از واحدهای فرهنگی، علمی و پژوهشی کتابخانه است که در آذر سال ۱۳۷۰ به منظور تدوین و تألیف دایرةالمعارفی تخصصی درباره کتابخانه‌هایی که دارای مجموعه‌های خطی اسلامی هستند، تأسیس یافته است. هدف از تأسیس چنین مجموعه‌ای از آن جا نشئت گرفته است که مسلمانان و دیگر ملت‌ها از پیشینه فرهنگی و تمدن پرشکوه اسلامی اطلاع دقیقی نداشته، و در مقابل، منبع و مرجعی که جامع و علمی باشد و بتواند آنان را به محل این ذخایر رهنمون سازد در دست نیست. از این رو، تولید معظم کتابخانه، که بیش از سی سال واندی

تمامی کتابهای چاپی و عکسی و مجلات و روزنامه‌های مختلف، اعم از فارسی و عربی و لاتین، که نیاز به جلدسازی یا تعمیر دارند، صحافی می‌گردد. تعدادی از کارکنان زبده، که برخی از آنها بیست سال با این کتابخانه همکاری دارند، مشغول به کارند. در این واحد کلیه مراحل جلدسازی، از قبیل تمیز کردن، آزه کردن عطف، دوخت، بدرقه، چسب عطف، برش، گرد کردن، ته کوبی، شیرازه، ململ، شومیز کاغذی عطف، شومیز مقوایی جلد، اندازه‌گیری، نازک کردن چرم، طلاکوبی عطف جلد انجام می‌شود. همه تجهیزات ضروری، مانند ماشینهای برقی برش و پرسهای عظیم برقی، در این مرکز وجود دارد. ۶. واحد اعلام و اطفای حریق: این واحد برای بالا بردن ضریب ایمنی در کتابخانه تشکیل یافته و وظیفه آن پیشگیری از بروز حوادث ناشی از عدم رعایت نکات ایمنی است. در صورت بروز هرگونه حادثه، از قبیل آتش‌سوزی، تخریب، سیل و زمین لرزه، این واحد وارد عمل می‌شود. اطفای حریق و برقراری امنیت در محل حادثه نیز از دیگر وظایف آن است. این واحد در راستای وظایف محوله، از وسایل گوناگونی، از جمله سیستم خودکار اعلام و اطفای حریق پیشرفته و انواع کپسولهای آب و پودر گازهای مختلف، بهره می‌گیرد. همچنین وظیفه تشکیل تیمهای مختلف و نظارت بر حسن اجرای امور ایمنی را بر عهده دارد؛ و برای حفاظت بیشتر با سازمان آتش‌نشانی، سازمان آب و شرکت گاز قم هماهنگیهای لازم را انجام می‌دهد.

#### ۸. گنجینه اشیای غیرمکتوب

۱. گنجینه اشیای غیرمکتوب: در این گنجینه اشیای غیرمکتوب، از قبیل فولاد، سکه، تمبرهای قدیمی ایرانی و خارجی، آلبوم عکس‌های قدیمی و چند اسطرلاب، نگهداری می‌شود. جالب‌ترین آن مجموعه‌ای از قفل‌های فولادی بسیار قدیمی از چندین سده قبل است که به در مساجد یا مدارس قدیمی تعلق داشته‌اند. همچنین مجموعه‌ای از سکه‌های قدیم قبل از اسلام و بعد از اسلام تا عصر قاجار در بین آنها وجود دارد که ۹۶ قطعه آن در شهر قم در سده‌های مختلف ضرب گردیده است. برخی از این سکه‌ها از طلای ناب و بقیه از نقره و مس‌اند.



یک اسطرلاب از مجموعه اسطرلاب‌های کتابخانه، از سده هشتم قمری

مسئولیت این کتابخانه را بر عهده داشته و خود از کارشناسان و صاحب‌نظران بنام ذخایر فرهنگی اسلامی به شمار می‌آیند، بر آن

۲. آرشو منابع صوت و تصویر: در این آرشو تعدادی نوارهای تصویری و دیسک‌های رایانه‌ای و نیز نوارهای صوتی

شدند تا امکانات چنین کار سترگی را فراهم سازند. ایشان عمری را در شناخت این مجموعه‌ها سپری کرده، و پیوسته همت خود را صرف تهیه منابع، مراجع، وسایل و امکانات تدوین دایرةالمعارف کتابخانه‌های جهان کرده‌است؛ و هر کجا مقاله، رساله، کتاب و یا مجموعه‌ای درباره کتابخانه‌ها می‌یافت، به هر وسیله‌ای آنها را فراهم و ذخیره ساخت؛ تا سرانجام امکانات مادی و معنوی آن آماده و در سال ۱۳۷۰ دایرةالمعارف کتابخانه‌های جهان راه‌اندازی گردید. تاکنون اطلاعات و



ساختمان شماره دو کتابخانه که دفتر دایرةالمعارف کتابخانه‌های جهان و دیگر واحدهای کتابخانه در آن مستقر است.

دانش فنی ساختمانهای کتابخانه‌های بزرگ جهان عازم چند کشور شد و در این سفرها تعدادی از نقشه‌های معماری و سازه‌های تعدادی از آنها را با خود به ایران آورد. آن‌گاه با انتخاب مهندسان و معماران و کارشناسان مربوطه، هیئت مشاوران کار خود را آغاز و پس از یک سال و نیم تلاش و استفاده از آخرین دستاوردهای علمی ساختمان‌سازی کتابخانه‌های بزرگ، طرح نهایی آماده گردید.

این ساختمان عظیم در هفت طبقه و با زیربنای ۱۶۰۰۰ متر مربع ساخته شده و مشخصات آن چنین است:

۱. اسکلت بتونی مسلح و سقفهای دال، که سازه‌های آن به گونه‌ای است که در هر متر مربع هزار و پانصد کیلوگرم بار مفید را تحمل می‌کند، زیرا مخازن کتابهای چاپی در طبقات بالا قرار گرفته و می‌باید حداکثر مقاومت را داشته باشد؛ و دارای دیواره‌های برشی ضد زمین لرزه با ریشترهای ۱-۶ است.

۲. مستقل بودن طبقات، به خصوص تجهیزات هواساز که در هر طبقه دو دستگاه مستقل هواساز نصب شده است؛ تا چنانچه مشکلی پیش آید، بقیه بخشها تحت تأثیر قرار نگیرد.

۳. ارتفاع مفید طبقات اداری حداکثر سه متر، و در مخازن کتاب حداکثر ۲ متر، و تالار همایش حداکثر شش متر.

۴. دارای سیستم تهویه مطبوع از طریق کانالهای مربوطه که دمای کتابخانه را کنترل می‌نماید. در مجموعه این ساختمان که مخازن کتابها در مستطیل آنها قرار گرفته، به هیچ عنوان لوله‌های سرد و گرم

فیش‌برداری و استخراج عناوین بسیاری از کتابخانه‌های جهان از منابع مختلف، به زبانهای فارسی و عربی و لاتین، انجام شده و بیش از ۱۰۴ هزار شناسه عناوین کتابخانه‌های گوناگون از صدر اسلام تا عصر حاضر از تمامی مراکز جهان فراهم شده است. و این کار هم اکنون نیز ادامه دارد. جدای از تهیه شناسه‌ها به صورت عام (کتابخانه‌هایی که حاوی نسخ خطی اسلامی هستند) کار تفکیک، تنظیم و الفبایی نمودن این شناسه‌ها در دست انجام است و برای هر کتابخانه یک سابقه علمی تشکیل می‌شود. کتاب درآمدی بر دایرةالمعارف کتابخانه‌های جهان نیز چاپ و منتشر گردیده است. به یاری خداوند جلد نخست این مجموعه آماده و به تدریج چاپ و منتشر خواهد شد. این مرکز خود دارای کتابخانه‌ای تخصصی است که کتب کتابداری، کتابخانه‌ها، کتابشناسی، کتاب پژوهی و نسخه‌شناسی را دربرمی‌گیرد. چنین مجموعه کاملی در این زمینه در دیگر کتابخانه‌ها کمتر یافت می‌شود.

## گزارش فنی ساختمان جدید کتابخانه

به علت کمبود مکان مناسب و کثرت روزافزون مراجعان و مشتاقان، طرح توسعه کتابخانه در دستور کار قرار گرفت و پس از آماده‌سازی ۲۴۰۰ مترمربع زمین که کنار کتابخانه قدیم قرار دارد، مطالعات آن آغاز گردید. نخست تولید کتابخانه به منظور بررسی و بهره‌گیری از

و فاضلاب قرار ندارد و آنها در خارج از این محدوده نصب است.  
۵. سیمهای برق و تلفن و کابلهای رایانه‌ها در داخل لوله‌های فولادی و هر یک با رنگ مخصوص خود از زیر سقف کاذب عبور داده شده است.

۶. تمامی مجموعه زیر پوشش سیستمهای اعلام و اطفای حریق قرار دارد؛ به‌ویژه گنجینه‌نسخه‌های خطی و نمایشگاه دائمی نسخه‌های خطی مجهز به سیستمهای اعلام و اطفای حریق خودکار است.

۷. درهای مجموعه ضدحریق و از فلزهای مخصوص ساخته شده و مقاومت آن در برابر حریق تا دقایقی ادامه خواهد یافت. البته درهای گنجینه نسخه‌های خطی و نیز نمایشگاه دائمی تفایس کتابخانه و ویژگیهای خاصی دارند که در بخش گنجینه نسخه‌های خطی به آنها اشاره شده است.

۸. مخازن و گنجینه‌ها و بایگانیها، و نیز بخشهای اداری، و بطور کلی مجموعه ساختمان جدید مجهز به تلویزیون مدار بسته است که مرکز آن در اتاق کنترل مرکزی قرار دارد.

۹. برای انتقال کتابها از گنجینه‌ها به تالارهای مطالعه از چهار کتابرسان برقی استفاده می‌شود. البته سیستمهای تله لیفت پیشرفته در چنین مجموعه‌هایی چندان کارایی ندارند؛ و از سوی دیگر، مقرون به صرفه نیستند.

۱۰. برای جلوگیری از سرقت کتاب از آنتنهای هشدار دهنده در ورودیهای کتابخانه استفاده شده است.

۱۱. تمامی دیوارهایی که با

محیط خارج کتابخانه ارتباط دارند، مجهز به عایقهای پشم سنگ‌اند؛ تا از خروج هوای داخل ساختمان و یا نفوذ هوای بیرون آن جلوگیری شود؛ و بدین وسیله در سیستمهای دما و سرمادهی صرفه‌جویی گردد.  
۱۲. در ورودی ساختمان از فولاد مخصوص و به قطر ده سانتیمتر است که با تزریق پشم سنگ در داخل آن از ورود حرارت و برودت پیشگیری می‌شود. همچنین مجهز به درهای سیکوریت خودکار است.  
۱۳. ارتباط طبقات از پنج راهروی پله‌ای ارتباطی و اضطراری

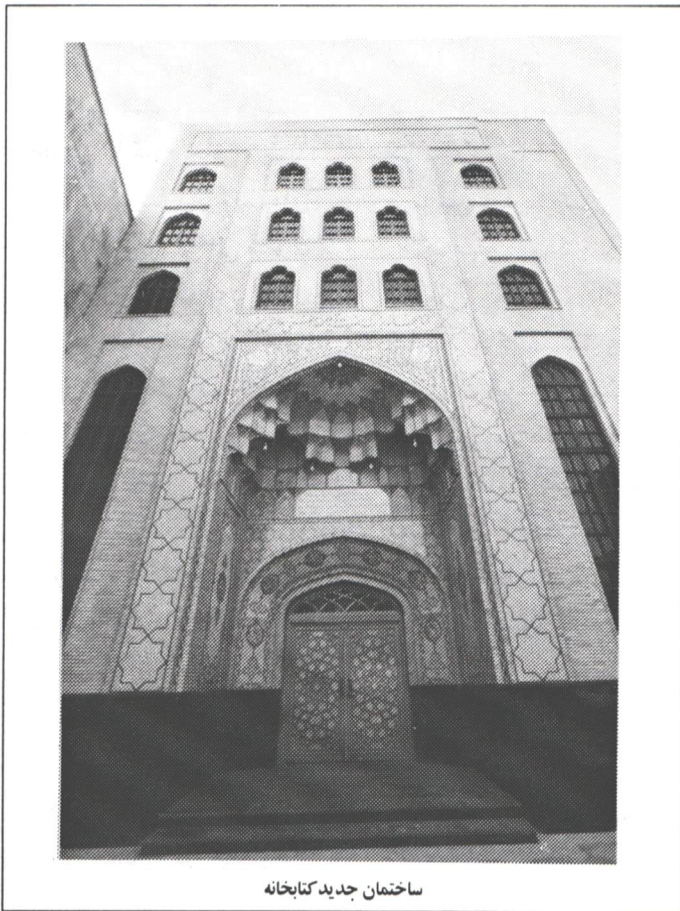
تشکیل شده و به سه دستگاه آسانسور مجهز است که دو تای آنها با ظرفیت هشتصد کیلوگرم به حمل افراد اختصاص یافته، و یک دستگاه دیگر ویژه حمل بار با ظرفیت ۲۵۰۰ کیلوگرم.

۱۴. کلیه سیستمهای حفاظتی فیزیکی، اعم از اعلام و اطفای حریق، جلوگیری از سرقت کتاب و انفجار، از طریق اتاق مرکزی فرمان کنترل می‌شود، که سه اپراتور با دهها مانیتور تمامی بخشهای کتابخانه را زیر نظر دارند.

## بخشهای مستقر در ساختمان جدید

۱. زیرزمین منهای (۲): گنجینه نسخه‌های خطی. این گنجینه از لحاظ ایمنی تجهیزات بسیار پیشرفته‌ای دارد. وضعیت دما و سرما و

رطوبت به وسیله تهویه مطبوع از طریق کانالهای مربوطه تنظیم می‌شود. سیستمهای اعلام و اطفای حریق، همچنین طراحی آن، به گونه‌ای است که به هنگام بروز حوادث و بلایای طبیعی - از قبیل سیل، زمین لرزه، انفجار، بمباران، موریانه و کرمهای کتابخوار - هیچ صدمه‌ای به آنها نخواهد رسید. دیوارهای آن با بتون مخصوص مسلح است و دارای دو بخش است: نخست دیوار اصلی به قطر پنجاه سانتیمتر، سپس یک کانال حفاظتی به عرض یک متر دور تا دور گنجینه ساخته شده؛ دیوار مسلح بعدی به قطر چهل سانتیمتر است. این گنجینه دارای سه در ویژه با مشخصات



ساختمان جدید کتابخانه

فنی مربوطه است: در اول به وزن ۱۵۰۰ کیلوگرم و مجهز به تایمر مخصوص تا کتابدار گنجینه نتواند در غیر وقت اداری در گنجینه را بگشاید. در این در نوعی از فولاد به کار رفته که ضد انفجار و حریق است. در دوم و سوم نیز با مشخصات در اول، لیکن بدون تایمر. سیستمهای اعلام و اطفای حریق گنجینه نیز خودکار است؛ و در صورت بروز آتش سوزی و نبود نگهبانان مربوطه دستگاهها رأساً بدون حضور افراد وارد عمل شده و حریق را مهار می‌کنند. این گنجینه

و ۲ ویژه کارکنان کتابخانه. این پارکینگها طبق استاندارد الزاماً به منظور پیشگیری از وقوع آتش‌سوزی، خارج از مجموعه قرار گرفته است.

۴. طبقه اول: حوزه متولی و ریاست کتابخانه مشتمل بر دفتر تولید، دفتر معاون تولید، دفتر مسئول واحد خواهران، رئیس دفتر متولی کتابخانه، مرکز دایرةالمعارف کتابخانه‌های جهان، گنجینه آثار علمی مکتوب و البسه و لوازم شخصی مؤسس و بنیانگذار کتابخانه، تالار تشریفات، تالار کنفرانس، مرکز قرظینه و آفت‌زدایی نسخه‌های خطی (بیمارستان کتاب)، دبیرخانه، روابط عمومی و امور بین‌الملل، دفتر مسئول تشریفات، دفتر مسئول خدمات، اتاقهای هواساز، رستوران، کارگزینی و گزینش، دفتر رفاه کارکنان، دفتر امور ترجمه زبانهای خارجی، مراسلات، آبدارخانه، سرویسهای بهداشتی، تالار بزرگ شیخ طوسی یا کانون پژوهش ویژه گروه فهرست‌نگاران نسخه‌های خطی کتابخانه، گروه پژوهشگران و محققان نسخه‌های خطی و کتابهای چاپی، گنجینه فهارس چاپ شده نسخه‌های خطی کتابخانه‌های جهان، گنجینه کتابهای مرجع و سیستم قفسه باز، گنجینه کتب علوم کتابداری، کتابشناسی و کتاب پژوهشی و امور کتابخانه‌ها، مرکز تبارشناسی، مرکز قم‌شناسی، بخش بررسی و تنظیم آثار علمی مؤسس کتابخانه.

۵. طبقه دوم: گنجینه شماره یک کتابهای چاپی غیرلاتین، امور مالی، ذی‌حسابی، تدارکات، کارپردازی، دفتر موقوفات وابسته به کتابخانه، مرکز بهداشت و درمان کارکنان کتابخانه، مرکز بی‌سیم و مخابرات ویژه، گنجینه کتابهای چاپی مکرر، دفتر گروه مشاوران ساختمانی، سردخانه، صندوق تعاون و رفاه، دفتر امور شعب و کتابخانه‌های وابسته، اقامتگاههای ویژه میهمانان برجسته کتابخانه که برای اقامتهای کوتاه‌مدت به‌ویژه میهمانان خارجی که نیاز به استفاده از ذخایر این کتابخانه دارند اختصاص داده شده.

۶. طبقه سوم: گنجینه شماره دو کتابهای چاپی غیرلاتین، دفتر مسئول واحد پژوهشهای کتابداری و اطلاع‌رسانی، بخش ورود اطلاعات کتابی به رایانه‌ها، تالار بزرگ همایشها (آمفی تآتر) که به منظور تبادل افکار و سخنرانیها و مراسم و برنامه‌هایی که از سوی کتابخانه برگزار می‌شود، ساخته شده است، مجهز به عایق‌سازی صوت ۴۵-۵۰ دسیبل، نورالکتريکی ۵۰۰ لوکس، حرارت هوا ۲۱ تا ۲۴ درجه سانتیگراد و مجهز به پرژکتور و پخش یکسان صدا و تصویر، کانالهای هوا بدون صدا، روشنایی همگانی، امور نمایشگاهها، دفتر مسئول اعلام و اطفای حریق.

۷. طبقه چهارم: گنجینه شماره سه کتابهای چاپی غیرلاتین، آرشیو روزنامه‌ها و مجلات ادواری غیرلاتین، گنجینه کتابهای چاپ سنگی قدیمی، گنجینه کتابها و نشریات لاتین به بیش از چهل زبان، سایتهاى مرکزى رایانه‌ها، فهرست‌نگاران کتابهای چاپی و نشریات غیرلاتین، اتاقهای هواساز، آبدارخانه، سرویسهای بهداشتی.

مهمترین بخش کتابخانه است، که اهمیت جهانی این کتابخانه به دلیل وجود ذخایر موجود در این گنجینه است، لذا از نظر حفاظت فیزیکی بیش از بخشهای دیگر به آن توجه شده است.

۲. نمایشگاه دائمی برخی از نسخه‌های خطی نفیس: نسخ خطی که بیشتر جلد‌های آن از تیماج و یا چرم ساخته شده، در این گنجینه نگهداری می‌شود. لذا حرارت ثابت ده درجه سانتیگراد و رطوبت نسبی پنجاه درصد با تغییر  $+ - 3$  درصد. گنجینه نسخه‌های عکسی (تصویری) گنجینه نسخه‌های چاپی بسیار کهن، بایگانی کتابهای ممنوعه، بایگانی راکد، موتورخانه مرکزی کتابخانه، محل استقرار تابلوهای اصلی برق کتابخانه که دارای یک مگاوات و نیم برق است. بایگانی عکس و تصویر، که به تصاویر رنگی و غیررنگی قدیم و جدید اعم از تصاویر مختلف بنیانگذار کتابخانه و دیگر شخصیتها و میهمانان برجسته بازدیدکننده از کتابخانه اختصاص دارد، دفتر مسئول تأسیسات و برق، اتاقهای هواساز، آبدارخانه، سرویسهای بهداشتی.

۲. زیرزمین منهای (۱): واحد مرمت کتب خطی و اسناد دستنویس، واحد میکروگرافی و ریزنگاری، کارگاه صحافی و جلد‌سازی کتابهای چاپی و روزنامه‌ها و مجلات، گنجینه میکروفیلم‌های تهیه شده از نسخه‌های خطی و اسناد مکتوب، بایگانی صوت و تصویر گنجینه اسناد مکتوب، موزه اشیای غیرمکتوب، مرکز کنترل مرکزی کل کتابخانه، آزمایشگاه ویژه بررسی آفات نسخه‌های خطی کتابخانه، مرکز مخابرات و اطلاعات، انبار شماره یک و دو ملزومات کتابخانه، نمایشگاه برخی از نسخه‌های بسیار کهن چاپی نفیس، اتاقهای هواساز، آبدارخانه، سرویسهای بهداشتی.

۳. طبقه همکف: مرقد مطهر بنیانگذار معظم کتابخانه که همه روزه نماز جماعت ظهر و عصر و مغرب و عشاء در آن برگزار می‌شود. این مکان، فضایی است که به عنوان نمازخانه کتابخانه در نظر گرفته شده است. دفتر مسئول انبارها و نیز جمع‌دار اموال کتابخانه، تالار بزرگ عمومی این سینا و ویژه مطالعه کنندگان مجهز به آنتنهای هشداردهنده الکترونیکی پیشرفته برای پیشگیری از سرقت کتاب، و روشنایی مناسب بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ لوکس بر مترمربع و بدون سایه، درجه حرارت برابر ۲۱ درجه سانتیگراد در زمستان و در تابستان ۲۴ درجه، رطوبت هوا بین ۴۰ تا ۴۵ درصد و جریان هوای تازه به نسبت دو حجم در ساعت است، تالار بزرگ شیخ مفید ویژه مطالعه کتابهای درسی طلاب حوزه علمیه، مرکز اطلاع‌رسانی رایانه‌ای عمومی، مرکز کتاب‌رسانی به مراجعان، درهای ورودی و خروجی کتابخانه، فروشگاه کتاب، جایگاه استقرار دریافت‌کنندگان کتاب، جایگاه راهنمایان، مرکز تحویل امانات دستی مراجعان، دفتر خدمات حمل و نقل و ترابری، اطلاعات، نگهبانی، مرکز تخلیه کتابهای وارده، بخش اعلام وصول، اتاقهای هواساز، آبدارخانه، سرویسهای بهداشتی، پارکینگهای شماره ۱

# شیفتگان کتاب

علی رفیعی علامرودشتی

## بخش یازدهم

### ۳۱. عمرانی موصلی (م ۳۴۴/ق ۹۵۵م)

علی فرزند احمد عمرانی موصلی، فاضل و عالم ریاضیدان و منجم. تولد وی دانسته نیست و از زندگانی او نیز، اطلاع زیادی نداریم. مورخان و تراجم‌نویسان به شرح زندگانی وی نپرداخته‌اند و اطلاعات اندکی که از زندگانش باقی است، تنها از طریق ابن‌ندیم، قفطی و سید فرزند طاووس است.

ابن‌ندیم، او را مردی فاضل و دانشمند دانسته که طالبان علم و مردم از نقاط دورافتاده، به نزد وی می‌شتافتند، تا از او دانش بیاموزند و از کتابها و نوشته‌هایش بهره‌مند شوند. بنا به نوشته ابن‌ندیم، عمرانی شرحی بر کتاب الجبر و المقابلة ابوکامل یا ابن‌کامل شجاع فرزند اسلم حاسب مصری نوشته است.

قفطی نیز از کتاب دیگر او به نام الاختیارات، خبر داده است که متأسفانه هیچ اثری از این دو کتاب، اکنون باقی نیست. ابن‌طاوس از این کتاب با عنوان: الموالد و الاختیارات، نام برده و نوشته است که این کتاب به ما رسیده است.

سید فرزند طاوس در کتاب فرج المهموم، وی را از جمله مشاهیر علم نجوم به شمار آورده و اشاره به شیعه بودن او نموده است.

در مورد شیفتگی وی به کتاب، ابن‌ندیم، عبارت مشهور «جماعة للكتب» را درباره او به کار برده است و این نشان می‌دهد که عمرانی عاشق کتاب بوده و کتابهای فراوانی گرد آورده بود و شاید یکی از دلایل گرایش مردم که از اقصی نقاط به نزد وی می‌شتافتند، وجود کتابخانه ارزشمند اوست. ابن‌ندیم نوشته است که مقاله دهم کتاب

اصول هندسة اقلیدس را که ابوعثمان دمشقی ترجمه کرده، در کتابخانه عمرانی در شهر موصل، دیده است.

عمرانی در سال ۳۴۴ قمری، گویا در همان موصل، دیده از جهان فرو بسته است.

### ۳۲. ابن‌زبیر اسدی کوفی<sup>۲</sup> (۲۵۴-۳۴۸/ق ۸۶۸-۹۵۹م)

ابوالحسن، علی فرزند محمد فرزند عبید فرزند زبیر قرشی اسدی کوفی، ادیب، کاتب و راوی که به «ابن‌کوفی» نیز، شهرت دارد. نسبت

۱. الفهرست، ص ۳۲۵، ۳۴۱؛ تاریخ الحکماء قفطی، ص ۳۳۳؛ تراث العرب العالمی، ص ۲۲۲؛ طبقات اعلام الشيعة (قرن الرابع الهجرى)، ص ۱۷۲-۱۷۳؛ الذريعة، ۱۷۳/۱۳؛ الاعلام زرکلی، ۲۵۳/۴؛ معجم المؤلفین، ۳۹۷/۲؛ فرج المهموم، ص ۱۲۷-۱۲۸.

۲. الفهرست ابن‌ندیم، ص ۸۷، ۱۰۸؛ تاریخ بغداد، ۸۰/۱۲؛ رجال طوسی، ص ۴۸۰؛ رجال نجاشی، ۱/۲۲۸-۲۲۹؛ الفهرست طوسی، ص ۶۸؛ المنتظم، ۱۴/۱۲۰ (۳۹۱/۶)؛ وفيات الاعیان، ۳/۳۴۳-۳۴۴؛ انبیا الرواة قفطی، ۲/۳۰۵-۳۰۶؛ معجم الادباء، ۱۴/۱۵۳-۱۵۶؛ سیر اعلام النبلاء، ۱۵/۵۶۷-۵۶۸؛ الاعلام بوفیات الاعلام، ص ۱۴۸؛ العبر، ۲/۲۷۹؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفيات ۳۳۱-۳۵۰ ق) ص ۴۰۲-۴۰۳؛ الواضی بالوفیات، ۲۲/۷۱-۷۲؛ بغية الوعاة، ۲/۱۹۵؛ امل الآمل، ۱۷/۲، ۴۳-۴۴؛ جامع الرواة، ۱/۵۹۸؛ ایضاح المکتون، ۱/۳۵۱؛ نقدا رجال تفرشی، ۳/۲۹۵؛ معجم المؤلفین، ۲/۵۱۳ (۲۱۳/۷)؛ اعیان‌الشیعة، ۸/۳۳۱؛ معجم رجال‌الحدیث، ۱۲/۱۳۸-۱۴۱؛ شذرات الذهب، ۲/۳۷۹؛ مجمع الرجال، ۴/۲۱۷؛ طبقات اعلام الشيعة (قرن الرابع الهجرى)، ص ۲۰۲؛ ریحانة‌الادب، ۷/۵۴۶ و ۸/۱۷۶-۱۷۷؛ الذريعة، ۱۶/۱۴۴ و ۲۱/۲۰۵ و ۲۲/۲۵۱ و ۲۵/۲۴۱-۲۴۲؛ ریاض العلماء، ۴/۲۰۷-۲۰۸؛ قاموس الرجال، ۷/۵۵۲-۵۵۳؛ منتهی المقال، ۵/۵۵-۵۷؛ تأسیس الشيعة، ص ۸۲، ۸۳، ۳۴۵-۳۴۶؛ طبقات النحویین زبیدی، ص ۱۶۶؛ رجال بحر‌المعلوم، ۲/۱۲، ۶۳، ۱۰۷ و ۱۵۹/۳-۱۶۲؛ الوجيزة، ص ۲۶۴؛ هداية المحدثین، ص ۲۱۸؛ الاعلام زرکلی، ۴/۳۲۵؛ مصنفی المقال، ص ۲۹۶؛ تنقیح المقال، ۲/۳۰۴؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۳/۶۱۶-۶۱۷؛ تاریخ التراث العربی سزگین، ۱/۳۸۴ و ۱/۲۹۰-۲۹۱.

## شیفتگی ابن زبیر به کتاب:

ابن زبیر که از پدرش ارثیه فراوانی برای وی مانده بود، همه را در راه فراگیری دانش، فراهم آوردن کتابخانه، خریدن و نسخه برداری کتاب و کمک به دانش پژوهان بینوا صرف کرد. به شکلی که تنها سی هزار درهم، به استاد خود ثعلب داد.<sup>۱۱</sup> از او با عنوان معروف «جماعی الکتب» نام برده‌اند و نوشته‌اند که بسیار شیفته کتاب و عاشق آن بود (وارتاب الهوی فیها)<sup>۱۲</sup> و کتابهای خویش را دسته بندی می کرد و بر هر یک از کتابهای خود، نشان خاصی نوشته بود، تا یافتن آنها از میان انبوه کتابها آسان باشد. وی نه تنها به گردآوری کتاب عشق می ورزید؛ بلکه به نشر کتاب نیز علاقه فراوان داشت و کتابهای بسیاری را به خط خویش، نسخه برداری کرد و چندان در این کار اهتمام ورزید که با همه تواناییهای علمی که داشت، کمتر به کار تألیف پرداخت.<sup>۱۳</sup>

نسخه برداریهای دقیق و زیبایی او موجب شد تا اعتماد دانشمندان، نسبت به استنساخهایی که نام و نشان ابن زبیر بر آن بود، جلب شود، تا آنجا که نویسندگان و عالمان پس از وی، برای اعتبار بخشیدن به نوشته های خود، از نسخه هایی استفاده می کردند که به خط او باشد و به این نکته تصریح می کردند. یاقوت حموی گوید: چندین کتاب به خط ابن زبیر دیدم که در حسن ضبط و اتقان در کتابت، بهتر از آنها ندیده بودم. او بر بالای حروف جهت احتیاط در درست خوانی آنها، اعراب می گذاشت و در مورد کلمات مشکوک، سه بار با کلمه «صح» تأکید می کرد.<sup>۱۴</sup>

ابن نجار تمیمی در کتاب الکوفة خود، از وی یاد کرده و نوشته است که خط ابن زبیر، امروز مورد اقتدای دانشمندان است<sup>۱۵</sup> و ابن

وی به اسد فرزند عبدالعزیز فرزند قصی فرزند کلاب و قبيلة زبیر فرزند عوام می رسد که برادرزاده حضرت خدیجه دختر خویلد است.<sup>۱</sup> افندی نوشته است که گویا زبیر نیای بزرگ او همان زبیر فرزند عوام است که بر علی علیه السلام خروج کرد و شاید به همین دلیل به «ابن زبیر» شهرت یافته است.<sup>۲</sup>

سید صدر نوشته است که وی نزد ما به «ابن زبیر» و پیش دیگران به «ابن کوفی» شهرت دارد، از این رو در منابع شیعی همه جا از او با عنوان «ابن زبیر» و در مآخذ اهل سنت، به «ابن کوفی»<sup>۳</sup> یاد شده است.

ابن زبیر، چنانکه از نسبت وی پیداست در کوفه، دیده به جهان گشوده است و در همانجا مقدمات علوم را نزد عالمان آن دیار آموخته، سپس به بغداد رفته و در آنجا، اقامت نموده است.

او از احمد فرزند عمر فرزند کیسبه، علی فرزند حسن فرزند فضال، ابراهیم فرزند عبدالله قصار، حسن و محمد فرزندان علی فرزند عقیان، محمد فرزند حسین حنینی و گروهی دیگر دانش آموخت و حدیث شنید؛<sup>۴</sup> اما بزرگترین استادش ثعلب نحوی است و وی را از شاگردان برجسته و یاران صمیمی ثعلب، به شمار آورده‌اند. دوستی میان آنان چندان بود که ثعلب، او را وصی خویش گردانید و از وی خواست که پس از مرگ، کتابهایش را به احمد فرزند اسحاق قُطْرُبُلّی بسپارد.<sup>۵</sup>

علما و رجال نویسان شیعی، به ویژه متقدمین، با اینکه از ابن زبیر یاد کرده و او را به عنوان عالمی شیعی مطرح ساخته‌اند؛ اما هیچ یک از آنان، تصریح به ثقه بودن وی نکرده‌اند؛ ولی نام او در بیش از ۶۷ سند روایی شیعی، آمده است که در همه این موارد، احمد فرزند عبدون از وی روایت کرده است.<sup>۶</sup>

در میان مورخان و رجال نویسان اهل سنت، خطیب بغدادی، ابن جوزی و ذهبی، او را ثقه شمرده‌اند<sup>۷</sup> و ذهبی در تعریف و توصیف وی چنین نوشته است: «ابن زبیر، ادیب، ملیح الکتابه، بدیع الوراقه و موصوف به اتقان و کثرت در ضبط بود و کتابهای بسیاری را استنساخ نموده و از یاران ثعلب و نزدیکان به او بود».<sup>۸</sup>

ابن ندیم وی را عالم صحیح الخط، راویه، راستگو و بحاث دانسته و از او به نیکی یاد کرده است.<sup>۹</sup>

گروهی مانند: ابن رزقویه، احمد فرزند محمد فرزند حسنون، ابوعلی فرزند شاذان، تَلْمُکْتَری، ابو عبدالله محمد فرزند اسد کاتب بغدادی و احمد فرزند عبدالواحد فرزند احمد بزّاز «ابن عبدون»، از وی حدیث شنیده و روایت کرده‌اند.<sup>۱۰</sup>

۱. فهرست طوسی، ص ۶۹؛ معجم الادباء، ۱۵۳/۱۴.
۲. ریاض العلماء، ۲۰۷/۴.
۳. تأسیس الشيعة، ص ۳۴۵.
۴. تاریخ بغداد، ۸۰/۱۲؛ تاریخ الاسلام ذهبی، ص ۴۰۲.
۵. طبقات النحویین زبیدی، ص ۱۶۶.
۶. معجم رجال الحديث، ۱۳۸/۱۲-۱۳۹.
۷. تاریخ بغداد، همانجا؛ المنتظم، ۱۲۰/۱۴؛ تاریخ الاسلام ذهبی، همانجا.
۸. تاریخ الاسلام ذهبی، همانجا.
۹. الفهرست ابن ندیم، ص ۸۷.
۱۰. تاریخ بغداد، ۸۰/۱۲؛ رجال طوسی، ص ۴۸۰؛ وفیات الاعیان، ۳۴۲/۳-۳۴۳؛ رجال نجاشی، ۲۲۸/۱-۲۲۹.
۱۱. معجم الادباء، ۱۵۴-۱۵۳/۱۴.
۱۲. الفهرست، همانجا؛ معجم الادباء، همانجا.
۱۳. انباه الرواة قفطی، ۳۰۵/۲-۳۰۶.
۱۴. معجم الادباء، همانجا.
۱۵. همان.



ندیم، در مورد خط او نوشته است که وی از دانشمندان درست‌خط است و سپس گزارشهایی از تحریرهای او را نقل کرده و آنها را ستوده است.<sup>۱</sup>

استنساخهای فراوان ابن زبیر و اهتمام بسیار او به این کار، سبب شد تا آثار زیادی از میراث گذشتگان، به دست آیندگان برسد.

یاقوت نوشته است که: جزوه‌هایی از کتابها و رقعه‌هایی شامل سؤالات دانشمندان به خط وی و سایرین، پس از مرگ او به فروش رسید که قیمت هر رقعه یک درهم بود و حاصل آن مبلغ زیادی گردید.<sup>۲</sup> این نشان می‌دهد که ابن زبیر، رقعها، رساله‌ها و کتابهای فراوانی از پیشینیان در اختیار داشته و کتابخانه اوبسیار بزرگ و نفیس بوده است.

ابن زبیر در بغداد، در محله «طاق الحرانی» می‌زیسته<sup>۳</sup> و در همانجا نیز، در ۳۴۸ قمری، در گذشته و جنازه وی به کوفه منتقل گردیده و در مشهد امیرالمؤمنین علیه‌السلام به خاک سپرده شده است.<sup>۴</sup>

### آثار و تألیفات:

ابن زبیر، چنان‌که اشاره کردیم، به دلیل اشتغال دایم به کار استنساخ و شیفتگی فراوانش به کتاب و گردآوری آنها، کمتر به کار تألیف و تصنیف پرداخت و از این رو نتوانست آثار و تألیفات زیادی پدید آورد؛ اما در عین حال، چند اثر را پدید آورده است که به این شرح است:

۱. الهَمَزُ که یاقوت گوید: «من این کتاب را به خط خود ابن زبیر دیده‌ام»؛

۲. معانی الشعر و اختلاف العلماء فیہ که ابن ندیم نوشته است: «قطعات کمی از این کتاب را دیده‌ام»؛

۳. الفرائد و القلائد، در لغت؛<sup>۵</sup>

۴. منازل المکة که ابو حسیین محمد فرزند علی طبیب بصری (م ۴۳۶ ق)، از روی نسخه به خط خود ابن زبیر، در کتاب خود غرر

الادنة، مطالبی از آن نقل کرده است و حمصی در کتاب التعلیق العراقي یا المنقذ من التقليد، از کتاب غرر الأدلة، آن مطالب را بازگو نموده است. همچنین ابن کمونه نیز، در کتاب خود تنقیح الابحاث، مطالبی از کتاب منازل المکة ابن زبیر، نقل کرده است.<sup>۶</sup> از این کتاب به گفته زرکلی، نسخه‌ای در بغداد موجود است و آن را جهت چاپ آماده کرده‌اند و میمینی اشاره کرده که: «این کتاب در نوع خود بهترین کتابی است که تاکنون دیده‌ام؛ گرچه اول و آخر ندارد»؛<sup>۷</sup>

۵. کتابی در کتابشناسی و شرح حال نویسندگان، لیبرت و آقا بزرگ تصریح کرده‌اند که ابن زبیر کتابی در تاریخ کتابها و شرح حال

دانشمندان داشته که شامل تمامی عرصه‌های تراث عربی، به ویژه، در زمینه‌های ادبی بوده و مطالبی را که ابن ندیم، به قلم ابن زبیر نقل کرده، بیش از بیست مورد است<sup>۸</sup> و در همه این موارد وی تصریح کرده است که:

«این گزارش را از خط یا به خط او خوانده و یا دیده‌ام».

به نظر لیبرت همه این موارد به نقل از کتابی، به قلم ابن زبیر است که شامل فهرست کتابها و شرح حال نویسندگان آنها در همه زمینه‌های تاریخی و ادبی بوده است. وی عقیده دارد که این اثر، بی‌شبهت به کار ابن ندیم نبوده است. سپس اضافه می‌کند که علت اینکه ابن ندیم از این کتاب، نامی نبرده، از این جهت است که ابن زبیر، این کتاب را برای استفاده شخصی خود نوشته بوده و نه برای عموم و آنچه این نظریه را تأیید می‌کند، آن است که ابن ندیم، تصریح می‌کند که: «این مطلب را از روی خط ابن کوفی (ابن زبیر) دیده‌ام و یا خوانده‌ام» و نشان می‌دهد که آن کتاب یا کتابها نسخه اصلی خود نویسنده بوده است.<sup>۹</sup>

سزگین این نظریه را رد می‌کند و می‌گوید: «شایسته نیست که از این اقتباسها نتیجه بگیریم که ابن کوفی صاحب نوشته‌ای در تاریخ بوده که همه زمینه‌های ادبی را شامل می‌شده است».<sup>۱۰</sup>

اگر نظریه لیبرت و آقا بزرگ درست نباشد، می‌توان نتیجه گرفت که نقلهای ابن ندیم از ابن زبیر، شامل آن یادداشت‌هایی است که ابن زبیر بر پاره‌ای از کتابهای کتابخانه خود نوشته که فهرست‌گونه بوده است.

به هر حال ابن زبیر یا ابن کوفی را می‌توان از فهرست‌نگاران پیش از ابن ندیم دانست که کارها و آثار او مورد استفاده کسانی چون: ابن ندیم و فهرست‌نگاران پس از او بوده و کتابخانه‌ای را بنیان نهاده بود که برخی از مجلدات آن تا زمان ققطی باقی بوده و ققطی آنها را دیده و به این مطلب تصریح کرده است.<sup>۱۱</sup>

۱. الفهرست، ص ۸۷.

۲. معجم الادباء، ۱۵۴/۱۴.

۳. تاریخ بغداد، ۸۰/۱۲.

۴. رجال طوسی، ص ۴۸۰.

۵. معجم الادباء، ۱۵۳/۱۴.

۶. طبقات اعلام الشيعة، ص ۲۰۲-۲۰۳.

۷. الاعلام زرکلی، ۳۲۵/۴.

۸. نک: الفهرست ابن ندیم، ص ۷، ۵۷، ۵۸، ۶۴، ۷۳، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۹، ۸۰، ۸۶، ۸۷، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۷۹، ۴۲۳.

۹. لیبرت، ص ۱۴۷-۱۵۵، به نقل از سزگین؛ مصنفی علم الرجال، ص ۲۹۶.

۱۰. تاریخ التراث العربی سزگین، ۲۹۰/۲۱-۲۹۱-۲۸۴/۱ (۳۸۵).

۱۱. انباه الرواة، همانجا.

تألیف و تصنیف پرداخته و ابن ندیم، تنها به شش اثر وی اشاره کرده که عبارتند از:

۱. نشوة النهار في اخبار الجوار.
۲. كتاب الصبوة.
۳. اشعار الكتاب.
۴. اخبار النساء « كتاب ابن الدكاني ».
۵. الغرر و مجنتى الزهر.
۶. كتاب انس ذوي الفضل في الولاية و العزل.<sup>۶</sup>

از این آثار متأسفانه اکنون چیزی بر جای نمانده؛ جز اسامی و شماره اوراق دیوانهای شاعرانی که ابن حاجب آنها را در کتاب ارزنده اشعار الكتاب خویش آورده و ابن ندیم فهرست این شاعران و شماره اوراق دیوانهایشان را در ۳/۵ صفحه دو ستونی، به نقل از اشعار الكتاب، به صورت کامل آورده و در پایان نوشته: «این است آنچه را کتاب ابو حسیں فرزند حاجب النعمان کاتب، شامل بوده، از اسامی کاتبان شاعر که ابن حاجب اشعارشان را برگزیده<sup>۷</sup> و این شاعران مربوط به سده های دوم تا چهارم هجری بوده اند»<sup>۸</sup>.

شاید بتوان این کتاب را - با آنکه عنوانش به ظاهر از جاحظ اقتباس شده - نخستین کتاب در نوع خود به شمار آورد<sup>۹</sup>.

## شیفتگی ابن حاجب به کتاب:

ابن حاجب، چنان که ابن ندیم اشاره کرده، دارای کتابخانه ای بزرگ و نفیس بوده است. وی تصریح کرده کتابخانه ای بزرگ تر

## ۳۳. ابن حاجب النعمان<sup>۱</sup> (م ۳۵۱ یا ۳۵۶ ق / ۹۶۲ یا ۹۶۷ م)

ابو حسیں، عبدالعزیز فرزند ابراهیم فرزند بیان فرزند حاجب النعمان، ادیب و نویسنده مشهور بغدادی.

یا قوت حموی، در شرح حال فرزند وی، علی فرزند عبدالعزیز فرزند حاجب، اشاره کرده است که در مورد وجه تسمیه او به «ابن حاجب»، در شرح حال پدرش عبدالعزیز، مطالبی نوشته است؛ ولی در چاپ حاضر معجم الادباء<sup>۲</sup> متأسفانه ترجمه ابن حاجب عبدالعزیز، موجود نیست، از این رو علت این نامگذاری، برای ما مشخص نیست!

سال تولد ابن حاجب در دست نیست؛ ولی چنان که از نسبت وی پیداست، گویا در بغداد دیده به جهان گشوده؛ اما راجع به تحصیلات، اساتید و شاگردان او، در منابعی که به شرح حال وی پرداخته اند، هیچ اشاره ای نشده است.

او همانند پدرش ابو عبدالله، ابراهیم حاجب النعمان، نویسنده ای چیره دست بود و در ایام معزالدوله دیلمی، از جانب ابو محمد مهلبی وزیر، سرپرستی «دیوان سواد» را به عهده داشت. ابن ندیم، او را یکی از فضلی زمان خود دانسته که به فن نگارش و امور دیوانی، بسیار آشنا بود.<sup>۳</sup> خطیب نیز، او را از نویسندگان حاذق در فن نگارش و امور دیوانی دانسته و نوشته است که دارای آثار و کتابهایی در «هزلیات» است.<sup>۴</sup>

تنوخی به بخشندگی ابن حاجب اشاره کرده و نوشته است که گروه بسیاری از خویشاوندان خود را تحت سرپرستی خویش قرار داده بود. دوستی او با وزیر ابو محمد مهلبی، موجب شد که این خویشاوندان، پس از مرگ وی نیز، از پریشان حالی در امان باشند. تنوخی که دوست ابن حاجب بوده، در مورد مرگ او چنین نوشته که ابن حاجب در رمضان ۳۵۱ قمری، در خانه وزیر واقع بر کنار دجله، از پنجره ای روشن، سقوط کرد و پس از هشت روز بیماری درگذشت. وزیر از این ماجرا بسیار متأثر گردید و فرزندان وی را به پشتیبانی خویش دلگرم ساخت و پسر بزرگ او ابو عبدالله را به جای پدر به سرپرستی «دیوان سواد» منصوب نمود و تنگدستان و خویشاوندان تحت تکفل ابن حاجب را در پناه خویش گرفت و هزینه زندگی آنان را - که ماهانه بیش از سه هزار درهم بود - به عهده گرفت.<sup>۵</sup>

## آثار و تألیفات:

ابن حاجب با همه علاقه و شیفتگی که به کتاب داشته، کمتر به

۱. الفهرست ابن ندیم، ص ۱۴۹؛ تاریخ بغداد، ۴۵۶/۱۰؛ نشوار المحاضرة و اخبار المذاكرة، ص ۳۹-۴۰؛ المنتظم، ۲۱۰/۱۵ (ذیل ترجمه پسرش)؛ معجم الادباء، ۳۶/۸ (ذیل ترجمه پسرش)؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۳۵۱-۳۸۰ ق.)، ص ۵۹؛ الوافی بالوفیات، ۴۶۵/۸؛ لسان المیزان، ۲۴۱/۴؛ معجم المؤلفین، ۲۳۹/۵-۲۴۰ (۱۵۶/۲)؛ الاعلام زرکلی، ۱۳۵/۴؛ تاریخ التراث العربی سزگین، ۲۰۰/۳/۲ و ۲۱۶/۴/۲-۲۲۷، ۶۰۸ (۵۹۸/۲)؛ ۶۱۴-۶۲۳؛ الکتاب العربی المخطوط، فواد ایمن سید، ۲۶۱/۱؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۳۰۰/۳-۳۰۱؛ عیون التواریخ، نسخه عکسی کتابخانه دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۰۶/۱۱؛ الشعراء الكتاب فی العراق، علاء حسین صبیح، ص ۱۵، ۵۰.

۲. معجم الادباء، ۳۶/۸.

۳. الفهرست، ص ۱۴۹.

۴. تاریخ بغداد، ۴۵۶/۱۰.

۵. نشوار المحاضرة، ص ۳۹-۴۰.

۶. الفهرست، همانجا؛ عیون التواریخ، ۱۰۶/۱۱.

۷. الفهرست، ص ۱۹۰-۱۹۴.

۸. تاریخ التراث العربی سزگین، ۲۰۰/۳/۲.

۹. الشعراء الكتاب فی العراق، ص ۱۵، ۵۰.

و نفیس تر از آن مشاهده نشده و این نشان می‌دهد که ابن حاجب، به نسخه برداری و گردآوری کتابهای پیشینیان، علاقه‌ای وافر و شیفتگی خاصی داشته است؛ گویند کتابخانه او مشتمل بر کتابهای برگزیده و دیوانهایی نادر، به خط مؤلفان و عالمان بزرگ بوده است.<sup>۱</sup>

۳۴. مهلبی ازدی وزیر<sup>۲</sup> (۲۹۱-۳۵۲ ق / ۹۰۳-۹۶۳ م) ابو محمد، حسن فرزند محمد فرزند عبدالله فرزند هارون مهلبی، ادیب، شاعر و وزیر برجسته معزالدوله دیلمی و المطیع‌الله عباسی و از فرزندان و نوادگان قبیسه فرزند مهلب فرزند ابن صُفْرَه است.

مهلبی در ۲۶ محرم الحرام ۲۹۱، در بصره، دیده به جهان گشود و از آن پس دیگر اطلاعی از وی در دست نیست، تا اینکه در روزگار جوانی، به نقل از ابو عبدالله صوفی<sup>۳</sup> و یا ابوالحسن عسقلانی<sup>۴</sup> که از دوستان او بوده‌اند و با هم به سیراف که در آن روزگار، بندرگاه مهم جنوبی ایران بوده، سفر کرده‌اند و در این سفر، مهلبی که سخت گرفتار تنگدستی شده، هوس خوردن گوشت می‌کند؛ ولی آهی در بساط نداشته، تا بهای مقداری گوشت را بپردازد. در همین راستا شعری می‌سراید، به این شرح:

ألا موت یباع، فأشتریه فهذا العیش مالا خیر فیه  
ألا موت لذیذ الطعم هانی یخلصنی من العیش الکرهیه  
إذا ابصرت قبراً من بعید وددت لو أقتنی قد صرت فیه  
ألا رحم المهیمن نفس حرّ تصدّق بالوفاء علی اخیه

دوست وی ابو عبدالله صوفی و یا ابوالحسن عسقلانی، وقتی این اشعار را از او شنید، مقداری گوشت خریداری کرد و آن را پخت و به مهلبی داد، پس این دو دوست از یکدیگر جدا شدند و هر یک به راه خویش رفتند و از قضای روزگار، مهلبی، احوالش دگرگون شد و بسیار ترقی نمود و به وزارت رسید و دوست وی گرفتار فقر و فاقه شد و چون صیت شهرت مهلبی را شنید، به بغداد رفت و دو بیت سرود که مصرع دوم بیت دوم، همان مصرع اول اشعار مهلبی بود و آن دو بیت چنین است:

ألا قل للوزیر فدتہ نفسی مقالة مذکر ما قد نسیه  
أتذکر اذ تقول لضعف عیش «ألا موت یباع فأشتریه»

و به تهئیدی این دو بیت را به اطلاع مهلبی وزیر رسانید و چون وی این دو بیت را مشاهده و قرائت کرد، دوست خود را به یاد آورد و او را به نزد خود خواست و هفتصد درهم به وی بخشید و در رقعهای که به دوست خود نوشت به آیه: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ

يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»<sup>۵</sup> اشاره کرد و پس به او دعا نمود و خلعت بداد و وی را از کارگزاران خویش نمود.<sup>۶</sup>

به هر حال او پس از آنکه از سیراف به بغداد رفت و در همان دوران جوانی، به دستگاه معزالدوله دیلمی راه یافت و کاتب وی گردید و ابوجعفر صیمری که در آن زمان وزیر معزالدوله بود، هرگاه از بغداد بیرون می‌رفت، مهلبی را نایب خویش قرار می‌داد. یکی از این سفرها که صیمری او را نایب خود ساخته بود، مهلبی خدمتی به معزالدوله نمود و معزالدوله، وی را بسیار به خود نزدیک ساخت. ابوجعفر صیمری وقتی از این ماجرا آگاه شد، بسیار خشمگین گردید و قصد داشت وی را گوش مالی دهد و مهلبی سخت در اضطراب بود؛ ولی در آن میان ناگاه صیمری درگذشت و مهلبی نجات یافت و معزالدوله در سال ۳۳۹ قمری، او را به وزارت منصوب کرد و در جای صیمری وی را مستقر ساخت و از آن پس روز به روز ترقی کرد و المطیع‌الله عباسی نیز، او را به خود نزدیک نمود و به وزارت خویش برگزید، از این رو وی که منصب وزرات از جانب سلطان معزالدوله و خلیفه المطیع‌الله عباسی، را بر عهده داشت، «ذوالوزارتین» و یا «ذوالریاستین» خوانده‌اند.<sup>۷</sup>

مهلبی، مقام وزارت معزالدوله را بیش از سیزده سال به عهده داشت، تا اینکه در ۳۵۱ یا ۳۵۲ قمری، در اثر سعایت و بدگویی حاسدان و مخالفان، معزالدوله به وی بدبین گردید و مهلبی را که در آن زمان برای اموری در بصره، به سر می‌برد، به بغداد طلبید، مهلبی که از

۱. الفهرست، ص ۱۴۹؛ الكتاب العربی المخطوط، ۲۶۱/۱.

۲. الفهرست ابن ندیم، ص ۱۴۹؛ المستفاد من ذیل تاریخ بغداد، ص ۷۳-۷۴؛ تکملة تاریخ طبری، ۱/۱۸۵؛ وفيات الاعیان، ۲/۱۲۴-۱۲۷؛ المنتظم، ۱۴/۱۴۲-۱۴۳ (۹/۷)؛ بیمة الدهر، ۲/۲۲۳؛ معجم الادباء، ۹/۱۱۸-۱۵۲؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفيات ۳۵۱-۳۸۰ ق)، ص ۵۲-۷۰؛ سیر اعلام النبلاء، ۱۶/۱۹۷-۱۹۸؛ دول الاسلام، ۱/۲۱۹؛ العبر، ۲/۲۹۴-۲۹۰؛ مرآة الجنان، ۲/۳۴۷؛ الکامل، ۸/۵۴۶؛ تجارب الامم، ۲/۱۹۶؛ المختصر فی اخبار البشر، ۲/۱۰۴؛ الوافی بالوفیات، ۱۲/۲۲۳-۲۲۷؛ فوات الوفيات، ۱/۲۵۶؛ البداية و النهایة، ۱۱/۲۴۱؛ نزهة الجلیس، ۲/۵۵؛ شذرات الذهب، ۳/۹-۱۱ (۲۷۴/۴)؛ الاعلام زرکلی، ۲/۲۱۳؛ النجوم الزاهرة، ۳/۳۳۳؛ مجلة المورد، ۳/۱۴۵؛ تاریخ الادب العربی، ۲/۲۰۴ (۲/۶)؛ خزائن الکتب العربیة فی الخافقین، ۲/۷۱۹-۷۲۰؛ ریحانة الادب، ۶/۴۴-۴۵؛ دستور الوزراء، ص ۱۱۷؛ مجالس المؤمنین، ۱/۲۱۷؛ الکنی و الالقاب، ۳/۱۷۵، ۲۵۰؛ قاموس الاعلام، ۶/۴۵۰.

۳. المستفاد من ذیل تاریخ بغداد، ص ۷۳-۷۴.

۴. الوافی بالوفیات، ۱۲/۲۲۴.

۵. بقره (۲)، ۲۶۱.

۶. وفيات الاعیان، ۲/۱۲۴-۱۲۵.

۷. معجم الادباء، ۹/۱۲۷-۱۲۹؛ سیر اعلام النبلاء، ۱۶/۱۹۸؛ الوافی بالوفیات، ۱۲/۲۲۳.

مختلف و دانشمندان گوناگونی، دانش بیباک و زد. او در جستجوی حدیث و دانشهای روز، به شهرهای خراسان، ماوراء النهر، عراق، شام، حجاز و مصر سفر کرد و چنانکه نوشته‌اند، وی مسافت طولانی و حوزه گسترده‌ای از شاش (چاچ = تاشکند کنونی) تا اسکندریه در مصر را پیمود.<sup>۱۰</sup>

مشایخ و عالمانی که ابن حبان از آنان دانش آموخته و حدیث شنیده، به تصریح خودش، بیش از دو هزار تن بوده‌اند<sup>۱۱</sup> و یاقوت شهرهایی را که ابن حبان به آنها سفر نموده، ۴۳ شهر شماره کرده

ماجرای بدیبنی معزالدوله، آگاه شده بود، در رفتن به بغداد، آن قدر تأخیر روا داشت، تا اینکه در ۲۷ شعبان ۳۵۱ یا ۳۵۲، در راه واسط، دیده از جهان فرو بست و جنازه‌اش به بغداد انتقال یافت و در پنجم رمضان همان سال، جنازه‌اش به بغداد رسید و در مقابر قریش به خاک سپرده شد.<sup>۱</sup> ابو عبدالله، حسین فرزند حجاج شاعر، در سوگ او مرثیه‌ای سرود.<sup>۲</sup>

## آثار:

از مهلبی تألیف و اثری باقی نمانده؛ اما برخی اشعار وی در منابع و مآخذی که به شرح حال او پرداخته‌اند، باقی مانده که جابر فرزند عبدالحمید خاقانی، برخی از آن اشعار را در سیزده صفحه گردآوری نموده و به چاپ رسانده است.<sup>۳</sup>

## شیفتگی وی به کتاب:

در منابع کهن اطلاعی راجع به کتاب‌دوستی او ندیده‌ام؛ اما منابع متأخر، به شیفتگی و دل‌بستگی و عشق وی به کتاب و گردآوری آن و تشکیل کتابخانه‌ای بزرگ اشاره کرده‌اند و نوشته‌اند که مهلبی خود می‌گفت: «کتابخانه من دارای ۱۱۷ هزار جلد کتاب است<sup>۴</sup> و این نشان می‌دهد که او سخت دل‌باخته و شیفته کتاب بوده است.

## ۳۵. ابن حبان بستی<sup>۵</sup> (پس از ۲۷۰-۲۵۴/ق ۸۸۴-۸۹۶م)

ابوحاتم، محمد فرزند حبان فرزند احمد فرزند حبان فرزند معاذ فرزند معبد تمیمی بستی، محدث، حافظ، مورخ و فقیه شافعی و آشنا به علوم مختلفی چون پزشکی، نجوم و لغت.

وی در بُست (شهری قدیمی در جنوب شرقی افغانستان کنونی و یکی از شهرهای سیستان کهن)، پس از ۲۷ قمری، دیده به جهان گشود و در همانجا علوم مقدماتی را نزد ابواحمد، اسحاق فرزند ابراهیم و ابوالحسن، محمد فرزند عبدالله فرزند جنید<sup>۶</sup> و گروهی دیگر، فراگرفت، سپس برای تکمیل دانش خود، در سال ۳۰۰ قمری، به نیشابور رفت<sup>۷</sup> و این سرآغاز سفرهای علمی و طولانی او بوده است.<sup>۸</sup> وی در نیشابور از ابوالعباس، محمد فرزند اسحاق سراج؛ محمد فرزند اسحاق فرزند خزیمه و دیگران حدیث شنید.<sup>۹</sup>

ابن حبان، در میان خانواده‌های ثروتمند، دیده به جهان گشود و همین امر به وی فرصت و امکان داد، تا در راه فراگیری دانش و استماع حدیث، به شهرهای گوناگون سفر کند و از شخصیت‌های

۱. وفیات الاعیان، ۱۲۷/۲؛ معجم الادیاب، همانجا.  
 ۲. تاریخ الاسلام ذهبی، ص ۷۱-۷۲.  
 ۳. مجلة المورد، ۱۴۵/۲/۳.  
 ۴. خزائن الکتب العربیة فی الخافقین، ۷۲۰/۲.

۵. الثقات ابن حبان، ۱۳/۱ به بعد؛ روضة المقلاء، مقدمه و ص ۳۳، ۴۱، ۵۰، ۹۲، ۱۳۲، ۱۵۷، ۱۸۲، ۲۲۴، ۲۲۹؛ الاحسان بترتیب صحیح ابن حبان، ۱۱/۱-۱۵؛ تاریخ اسماء الثقات ابن شاهین، ص ۲۹۶؛ الاکمال ابن ماکولا، ۴۳۲/۱؛ الانساب سمعانی، ۲۰۹/۲-۲۱۰-۲۱۱ (۲۲۵/۲-۲۲۶)؛ انباه الرواة قفطی، ۱۱۲/۳؛ تلخیص ابن مکتوم، ص ۲۰۷؛ طبقات الفقهاء الشافعیة عبادی، ص ۱۰۱؛ معجم البلدان یاقوت، ۶۱۵/۱-۶۱۹؛ الکامل، ۵۶۶/۸؛ اللباب، ۲۷۳/۱؛ عیون التواریخ، عکسی، ۱۲/قسم ۱؛ ۱۲۴/۱؛ المختصر فی اخبار البشر، ۱۱۱/۲؛ مرآة الجنان، ۳۵۷/۲؛ سیر اعلام النبلاء، ۹۲/۱۶-۹۲/۱۰۴؛ میزان الاعتدال، ۳۹۹/۳؛ العبر، ۳۰۰/۲؛ دول الاسلام، ۲۲۰/۱؛ تاریخ الاسلام (حوادث و وفیات ۳۵۱-۳۸۰ ق)، ص ۱۱۲-۱۱۴؛ تذکرة الحفاظ، ۱۲۵/۳؛ المسنی، ۵۶۴/۲؛ الوافی بالوفیات، ۲۲۷/۲-۲۲۸؛ طبقات الشافعیة سبکی، ۱۳۱/۳-۱۳۵؛ البدایة و النهایة، ۲۵۹/۱۱؛ لسان المیزان، ۱۱۲/۵؛ نجوم الزاهرة، ۳۴۲/۳؛ مفتاح السعادة، ۱۵۱۲؛ شذرات الذهب، ۱۶/۳ (۲۸۵/۴)؛ طبقات الحفاظ سیوطی، ص ۳۷۴-۳۷۵؛ الرسالة المستنظفة، ص ۲۰-۲۱؛ هدیة العارفين، ۴۴/۲-۴۵؛ موسوعة علماء المسلمین، ۱۴۴/۴-۱۴۷؛ مقدمه صحیح ابن حبان، ۱۰/۱؛ کشف الظنون، ۲۷۷/۱، ۴۶۳، ۵۲۱، ۵۲۳، ۱۰۷۵، ۱۰۸۷، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۰۸۰، ۲۹۱، ۶۰۳، ۱۶۴/۱ و ۴۱۰/۲؛ القند فی ذکر علماء سمرقند، ص ۵۱، ۹۹، ۱۰۸، ۲۹۱، ۶۰۳، ۶۷۵؛ ریحانة الادب، ۴۶۳/۷-۴۶۴؛ فهرست کتابهای چاپی عربی مشار، ص ۴۹۸-۴۹۹؛ تاریخ التراث العربی سرگین، ۳۸۰/۱-۳۸۳؛ مجلة المقتبس، ۴۶۸/۵-۴۷۹؛ مجلة معهد المخطوطات العربیة، ۲۳۲/۳ و ۲۹۶/۶؛ مجلة مجمع العلمی العربی بدمشق، ۱۳۸/۳۹-۱۳۹؛ طبقات الشافعیة ابن صلاح، ۲/۴ و ۲/۵؛ موارد الظمان، ص ۱۳-۱۸؛ معجم المؤلفین، ۲۰۷/۳-۲۰۸؛ الاعلام زرکلی، ۳۰۶/۶-۳۰۷؛ فهرست المخطوطات المصورة، ۱۲۹/۲ و ۱۳۳ و ۷۶/۳/۲ و ۱۱۵؛ تاریخ نیشابور، ص ۱۸۱، شماره «۲۳۴۷»؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۳۰۳/۳-۳۰۵؛ فهرست خدیویه، ۳۰۵/۲/۷.

۶. معجم البلدان، ۶۱۳/۱.  
 ۷. انباه الرواة، ۱۲۲/۳.  
 ۸. میزان الاعتدال، ۵۰۶/۳.  
 ۹. معجم البلدان، همانجا.  
 ۱۰. الانساب سمعانی، ۲۲۵/۲.  
 ۱۱. الاحسان بترتیب صحیح ابن حبان، ۸۴/۱.

است و تعداد شیوخی را که در این شهرها ملاقات نموده و از آنان استماع حدیث کرده، ۷۲ تن نوشته است.<sup>۱</sup> روشن است که یاقوت، فقط اسامی شهرهای معروف و بزرگ و نامهای اساتید مشهور وی را شمارش نموده و گرنه ابن حبان به شهرهای زیادتری سفر کرده و به تصریح خودش، افزون بر دو هزار عالم و محدث را دیده و از آنان بهره برده است.

او در هرات، از ابوبکر، محمد فرزند عثمان دارمی؛ در ری، از ابوالقاسم، عباس فرزند فضل مقری؛ در بصره، از ابوخلیفه، فضل‌الله فرزند حباب جمحی؛ در بغداد، از ابوالعباس، حامد فرزند محمد فرزند شعیب بلخی؛ در مکه، از ابوبکر، محمد فرزند ابراهیم فرزند منذر نیشابوری؛ در دمشق، از ابوالحسن، احمد فرزند عمیر فرزند جوصا؛ در بیروت، از محمد فرزند عبدالله فرزند عبدالسلام بیروتی؛ در بیت المقدس، از عبدالله فرزند محمد فرزند مسلم مقدسی؛ در مصر، از ابوعبدالرحمان، احمد فرزند شعیب نسایی و گروه بسیاری از دیگر قتیهان و محدثان این طبقه، در شهرهای مختلف دیگری که در مسیر سفرهای طولانی وی قرار داشته، حدیث شنیده و دانش اندوخته است؛ مانند: حسین فرزند ادریس هروی، عمران فرزند موسی، ابویعلی، حسن فرزند سفیان فرزند قتیبه عسقلانی، حسین فرزند عبدالله قطان، جعفر فرزند احمد دمشقی، حاجب فرزند ارکین، احمد فرزند حسن صوفی.<sup>۲</sup>

او پس از سفری طولانی در ۳۳۴ قمری، به نیشابور رفت و جمع بسیاری از وی حدیث شنیده و نقل کرده‌اند.<sup>۳</sup> ابن حبان بار دیگر در ۳۳۷ قمری، به نیشابور رفت و در باب الرازین خاتقاهی بنا کرد و در آنجا کتابهای خویش را تدریس نمود و در ۳۴۰ قمری، به وطن خود - بُست - بازگشت و دانش طلبان و دانشمندان بسیاری، از اقصی نقاط، به نزد او می‌رفتند و دانش می‌آموختند و حدیث می‌شنیدند که برخی از آنان عبارتند از: ابوعبدالله، حاکم نیشابوری؛ منصور فرزند عبدالله خالدی؛ ابومعاذ، عبدالرحمان فرزند محمد فرزند رزق‌الله سیستانی؛ ابوالحسن، محمد فرزند احمد فرزند هارون زوزنی؛ محمد فرزند احمد فرزند منصور نوقانی؛ ابوعبدالله، محمد فرزند احمد فرزند غنچار و گروهی دیگر که یاقوت، به تفصیل از آنان یاد کرده است.<sup>۴</sup>

تراجم نویسان، مورخان و اهل حدیث، از ابن حبان دو چهره متفاوت و گاه متضاد ارائه کرده‌اند. برخی مانند ابن شاهین، ابن ماکولا و یاقوت، او را فقه، حافظی بزرگوار و عالم به متون و اسانید حدیث دانسته‌اند؛<sup>۵</sup> در حالی که دسته‌ای دیگر، چهره‌ای منفی از وی به دست

داده‌اند. از باب مثال، ابوالفضل، احمد فرزند علی بیکندی، او را دروغگو و همنشین با قرامطه که با نوشتن کتابی برای آنان، به قضاوت سمرقند رسیده، معرفی کرده است.<sup>۶</sup> ابوعمر، ابن صلاح گفته که وی دارای اشتباهات فاحشی بوده است.<sup>۷</sup>

مهم‌ترین دلایلی که سبب طعن مخالفان بر او شده، یکی این است که گفته شده، وی معتقد بوده که نبوت، علم و عمل است<sup>۸</sup> و دیگر اینکه او منکر حدّ، برای خداوند بوده است<sup>۹</sup> و در همین رابطه، یحیی فرزند عمار گوید که ابن حبان را به دلیل اینکه اعتقاد داشت، خداوند حدّی ندارد، از سیستان اخراج کردیم؛ در حالی که دانش فراوانی داشت و متدین بود و همچنین او معتقد بود که نبوت علم و عمل است و این عقیده باعث شد که وی را زندقه بدانند و به خلیفه بنویسند تا او را به قتل برسانند و به همین دلیل وی را از سمرقند اخراج کردند.<sup>۱۰</sup>

ذهبی در مقام دفاع از او، سخنان وی را توجیه نموده است.<sup>۱۱</sup> به هر حال کسانی چون حاکم نیشابوری و خطیب بغدادی، او را دانشوری فرزانه در فقه، لغت و حدیث و همچنین فقه دانسته‌اند و از وی به عنوان: «عقلاء رجال»، فهیم و نبیل یاد کرده‌اند.<sup>۱۲</sup> ابن حبان از صاحب نظران علم حدیث و رجال است و در این دو علم، آرای ویژه‌ای دارد. او در جرح و تعدیل، دارای مسلکی ویژه است و اعتقاد دارد که راوی عدل کسی است که جرحی بر وی وارد نشده باشد؛ زیرا جرح ضد عدل است و اگر کسی را جرح نکرده باشند، لامحاله عادل شمرده می‌شود.<sup>۱۳</sup> او معتقد است که راوی مجهول هنگامی که از نظر عین و شخص معین شد، عدل شمرده می‌شود، مگر اینکه در مورد وی جرح و قدحی آشکار شود. او در کتاب ثقات خود

۱. معجم البلدان، همانجا.

۲. همان: تاریخ الاسلام ذهبی، ص ۱۱۲-۱۱۳.

۳. الانساب سمانی، همانجا.

۴. معجم البلدان، همانجا؛ تاریخ الاسلام ذهبی، همانجا.

۵. تاریخ الثقات ابن شاهین، ص ۲۹۶؛ الاکمال ابن ماکولا، ۴۳۲/۱؛ معجم البلدان، همانجا.

۶. معجم البلدان، ۶۱۹/۱-۶۲۰.

۷. میزان الاعتدال، ۵۰۷/۳.

۸. المغنی، ۵۶۴/۲.

۹. میزان الاعتدال، همانجا.

۱۰. تاریخ الاسلام ذهبی، ص ۱۱۳.

۱۱. سیر اعلام النبلاء، ۹۸-۹۶/۱۶.

۱۲. طبقات الشافعیة سبکی، ۱۳۱/۳-۱۳۲؛ سیر اعلام النبلاء، ۹۴/۱۶.

۱۳. ثقات ابن حبان، ۱۲/۱.

بسیاری از افراد را نام برده و از آنها روایت نقل کرده که از نظر دیگران، مجهول هستند.<sup>۱</sup>

ذهبی و سبکی، نظریات وی را راجع به برخی از احادیث نقل کرده‌اند که با برداشت شایع در میان فقیهان و محدثان متفاوت است. او در کتاب صحیح خویش پنج شرط برای احادیث صحیح و قابل استناد و احتجاج، به این شرح ذکر کرده است: «۱. عدالت در دین؛ ۲. راستگویی در حدیث و شهرت به راستگویی؛ ۳. عقل؛ ۴. علم؛ ۵. عاری بودن خیر از تدلیس. هر کس دارای این پنج خصلت بود، من به قول او احتجاج کرده و استناد می‌نمایم و چنین حدیثی صحیح است».<sup>۲</sup>

ابن حبان، از نظر موقعیت اجتماعی، مورد توجه امیران و حاکمان خراسان قرار داشته و بارها به سمت قضا منصوب شده است. به گفته سمعانی، وی در سمرقند، نسا و نیشابور، به قضاوت پرداخته است.<sup>۳</sup> ابوسعید ادریس گفته که ابن حبان مدت زیادی در سمرقند قاضی بود و امیر ابوالمظفر سامانی، برای او و شاگردانش و دیگر دانشمندان در این شهر، صفه‌ای بنا کرد.<sup>۴</sup>

## شیفتگی وی به کتاب:

سمعانی نوشته است که ابن حبان در بُست - زادگاه خویش - صفه‌ای نزدیک خانه خود بنا کرده بود و این صفه، مدرسه پیروان و شاگردان او گردید و آنان از ابن حبان مستمری می‌گرفتند.<sup>۵</sup> برخی از این صفه، به عنوان «دارالعلم» یاد کرده‌اند و نوشته‌اند که در این دارالعلم، کتابخانه‌ای بزرگ و نفیس بنا نهاد که اضافه بر آثار خود، تألیفها و تصنیفهای عالمان و بزرگان اسلام را در آن قرار داده و وقف بر طالبان علم و دانشمندان کرده بود و در وقف‌نامه خود، شرط کرده بود که طالبان علم، می‌توانند تنها در همان کتابخانه، کتابها را مطالعه کنند و حق بیرون بردن و عاریه گرفتن ندارند و این نشان می‌دهد که وی سخت شیفته و دلبسته کتاب و دانش بوده و البته کتابخانه‌ای را که بنیان نهاده بود، می‌بایست بسیار بزرگ و پراز نفایس آثار دانشمندان باشد؛ زیرا ابن حبان چنان‌که گفتیم، به شهرهای فراوانی سفر کرده و دانشمندان بسیاری را ملاقات نموده و آثار و تألیفات آنان را قرائت و گاهی آنها را استنساخ نموده و همه اینها را با خود به زادگاهش آورده و در کتابخانه خویش قرار داده بود. به عقیده بعضی او این دارالعلم را در نیشابور ساخته بود و در کنار آن، خانه‌هایی برای غریبان و ره‌گذرانی که جهت استفاده و طلب علم به آنجا می‌آمدند، بنا نموده و برای آنان حقوقی تعیین کرده بود.<sup>۶</sup>

متأسفانه، بیشتر این کتابها از میان رفته‌اند و در این مورد یاقوت، پس از نقل مفصل آثار و تألیفات ابن حبان، از خطیب بغدادی نقل کرده که شنیدنی است؛ خطیب بغدادی گوید: «از مسعود فرزند ناصر سجزی راجع به کتابهای ابن حبان پرسیدم که آیا این کتابها اکنون نزد شما و در بلادتان موجود و قابل دسترسی است، یا خیر؟ او جواب داد که مقدار کمی از این کتابها باقی مانده و بقیه از بین رفته‌اند. سپس اضافه کرد که ابن حبان، کتابهای خود را وقف عام کرده بود و آنها را در کتابخانه‌ای که برای آنها بنا نهاده بود، مستقر ساخته بود و دلیل از میان رفتن کتابها، اضافه برگزشت زمان و تطاول ایام، ضعف حکومت و استیلاي افراد نادان و فاسد بر آن بلاد بود». خطیب، در پی این سخنان گوید: «مثل این گونه کتابها، شایسته است که تکثیر گردد و از روی آنها استنساخ شود و اهل علم آنها را بخوانند و نسخه‌برداری کنند و تجلید نمایند، تا از میان نرود و برای آیندگان باقی بماند و هیچ دلیل دیگری نمی‌شناسم که سبب از میان رفتن این کتابها شده باشد، مگر نادانی و جهالت و کمی معرفت این بلاد به مکان و ارزش علم و دوری کردن آنان از کتاب و دانش».<sup>۸</sup>

ابن حبان پس از وقف کتابهایش و گذاشتن آنها در کتابخانه‌ای که بنا کرده بود، شخصی را به عنوان کتابدار و وصی خود انتخاب کرده بود که هم از کتابخانه حفاظت کند و هم آنها را در اختیار اهل علم قرار دهد، تا از روی آنها نسخه‌برداری کنند؛ ولی آنها را از کتابخانه خارج نمایند.<sup>۹</sup>

ابن حبان، پس از عمری طولانی و تألیف، تصنیف، تدریس و وعظ و ارشاد، در دهه هشتاد از عمر خویش، در شب جمعه ۲۲ شوال ۳۵۴، در بُست و یا به گفته ابوعبدالله غنجار، در سیستان، دیده از جهان فرو بست؛ ولی در زادگاه خود - بُست -، در صفه‌ای که نزدیک خانه‌اش بنا کرده بود، به خاک سپرده شد.<sup>۱۰</sup>

۱. لسان المیزان، ۱/۱۱۴.

۲. سیر اعلام النبلاء، ۹۷/۱۶-۱۰۲؛ طبقات الشافعیة سبکی، ۱۳۳/۳-۱۳۵.

۳. الانساب سمعانی، ۲/۲۲۵.

۴. لسان المیزان، همانجا.

۵. الانساب سمعانی، ۲/۲۲۵-۲۲۶.

۶. معجم البلدان، ۱/۶۱۸-۶۱۹.

۷. الحضارة الاسلامية في القرن الرابع الهجري، آدم متر، ص ۱۹۴؛ الکتب العربی المخطوط، ۱/۲۳۶.

۸. معجم البلدان، ۱/۶۱۷-۶۱۸؛ سیر اعلام النبلاء، ۹۵/۱۶.

۹. معجم البلدان، ۱/۶۱۹.

۱۰. معجم البلدان، ۱/۶۲۰؛ سیر اعلام النبلاء، ۱۰۲/۱۶؛ تاریخ الاسلام ذهبی، ص ۱۱۳.

## آثار و تألیفات:

ابن حَبَّان، به تصریح عبَّادی، ابن ماکولا<sup>۱</sup> و دیگران، دارای تصنیفها و تألیفهای فراوانی بوده و او خود در کتاب روضة العقلاء، شماری از کتابهای خود را نام برده است<sup>۲</sup> و یا قوت حموی به نقل از خطیب بغدادی، بیش از چهل کتاب وی را ذکر کرده است؛ اما کامل‌ترین لیست آثار ابن حَبَّان را، کمال یوسف الحوت، در مقدمه کتاب الاحسان بترتیب صحیح ابن حَبَّان، نوشته ابن بلبان فارسی، ارائه نموده که فهرستی شامل ۶۳ اثر از ابن حَبَّان است؛<sup>۳</sup> اما چنان‌که اشاره شد، بیشتر این آثار از میان رفته و تنها چند اثر او به این شرح موجود است:

**الف. آثار چاپی:** در میان آثار باقی مانده، پنج اثر چاپ شده‌اند که عبارتند از:

۱. الثقات، ابن حَبَّان، در مقدمه این کتاب اشاره کرده است که در دو کتاب الثقات والضعفاء والمجروحین، برخلاف اثر دیگر خود، التاريخ الكبير، تفصیل اسانید و طرق آنها را ذکر نکرده است.<sup>۴</sup> این کتاب شامل موثقیین از صحابه و تابعین است و در فاصله سالهای ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۳ ق / ۱۹۷۳-۱۹۸۳ م، به کوشش سید عزیز بیک و دیگران، در حیدرآباد دکن، چاپ شده است؛

۲. روضة العقلاء و نزهة الفضلاء، کتابی در اخلاق، ابن حَبَّان در مقدمه این کتاب اشاره کرده است که آن را برای علما، فضلا و ارباب معرفت نوشته است و در آن خصال خوب و بد، مورد بررسی قرار گرفته و از روایات، اخبار، حکایات و اشعار بسیاری به این منظور کمک گرفته است. این کتاب یک بار، در کلکته، در ۱۳۶۸ ق / ۱۹۴۸ م و بار دیگر، به کوشش محمد محی الدین عبدالحمید و دیگران، در ۱۳۹۷ ق / ۱۹۷۷ م، در بیروت، انتشار یافته است؛

۳. المجروحین من المحدثین و الضعفاء و المتروکین، در جرح و تعدیل راویان و محدثان. این کتاب، در سه جلد، به کوشش محمود ابراهیم زاید، در ۱۳۶۹ ق / ۱۹۷۶ م، در حلب، منتشر شده است؛

۴. مشاهیر علماء الامصار، در جرح و تعدیل که شامل شرح حال ۱۶۰۲ تن از محدثان موثق است و در آن ثقات صحابه و تابعین، عنوان شده‌اند. در این کتاب بیشتر به شرح حال راویان سده‌های اول و دوم هجری پرداخته شده و پس از سده دوم، تنها بیست تن ذکر شده‌اند. ابن حَبَّان در این کتاب، مشاهیر اصحاب پیامبر ﷺ و تابعین را براساس شهرهای اقامت آنان آورده که این شهرها

عبارتند از: مدینه، مکه، بصره، کوفه، شام، یمن و خراسان؛ و در مورد اتباع تابعین، فقط از شهرهای بغداد و واسط نام برده است. این کتاب به کوشش م. فلاشهامر، در قاهره، در ۱۳۷۹ ق / ۱۹۵۹ م، چاپ شده است.

**ب. آثار خطی:** برخی از آثار ابن حَبَّان اکنون به صورت خطی، در برخی کتابخانه‌ها موجود است که عبارتند از:

۱. اسماء الصحابة، نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های عارف حکمت مدینه<sup>۵</sup> و کتابخانه دانشگاه استانبول<sup>۶</sup> موجود است؛  
۲. تفسیر ابن حَبَّان که نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های محمودیه مدینه و دانشگاه استانبول موجود است؛<sup>۷</sup>

۳. صحیح که در مآخذ به اسامی: التقاسیم و الانواع یا الانواع و التقاسیم و یا المسند الصحیح علی التقاسیم و الانواع<sup>۸</sup> نیز، خوانده شده، از منابع مهم اهل سنت، به شمار می‌رود. نسخه‌های خطی این کتاب به صورت پراکنده، در کتابخانه موزه توپکاپی سرای ترکیه، به شماره‌های «۲۶۰۳-۲۶۰۵»؛ کتابخانه برلین، در آلمان، به شماره «۱۲۶۸»؛ کتابخانه ازهریه، به شماره «۴۲۱۸» و کتابخانه خدیویه، به شماره «۶۸۹/۲۱۷»<sup>۹</sup>، در مصر و چند کتابخانه دیگر موجود است.<sup>۱۰</sup> این کتاب، به وسیله امیر علاء الدین، علی فرزند بلبان فارسی، تنقیح شده و با عنوان الاحسان بترتیب صحیح ابن حَبَّان، به کوشش کمال یوسف الحوت، در بیروت، در ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۷ م، انتشار یافته است. علی فرزند ابی بکر فرزند سلیمان فرزند حجر هیشمی «نورالدین هیشمی»، تعلیقاتی بر کتاب صحیح ابن حَبَّان نوشته و روایات و احادیثی که در صحیح بخاری و مسلم وجود ندارند و در اصطلاح، «زوائد» نامیده می‌شوند، از صحیح ابن حَبَّان، گردآوری و استخراج نموده و آن را موارد الظمان علی زوائد ابن حَبَّان، نامیده است. این کتاب نیز، به کوشش محمد عبدالرزاق حمزه، در بیروت، در ۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۶ م، منتشر شده است.<sup>۱۰</sup>

۱. طبقات الفقهاء الشافعية، ص ۱۰۱؛ الاکمال ابن ماکولا، ۴۳۲/۱.

۲. روضة العقلاء، ص ۳۳، ۴۱، ۵۰، ۹۲، ۱۳۲، ۱۸۲، ۲۲۴، ۲۲۹.

۳. الاحسان بترتیب صحیح ابن حَبَّان، ۱۱/۱-۱۵.

۴. الثقات، ۱۱/۱.

۵. فهرس المخطوطات المصورة، فؤاد سید، ۷۶/۳/۲.

۶. تاریخ التراث العربی سزگین، ۳۸۳/۱/۱.

۷. همان.

۸. معجم الادباء، ۶۱۸/۱؛ سير اعلام النبلاء، ۹۴/۱۶؛ تاریخ التراث العربی سزگین، ۳۸۰-۳۸۱/۱/۱.

۹. تاریخ التراث العربی سزگین، همانجا.

۱۰. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۳۰۴/۳-۳۰۵.

پسرش، در اَرّجان، مستقر ساخت<sup>۱۱</sup> و او توانست در ۳۴۴ قمری، هجوم محمد پسر ماکان را به اصفهان، خنثی کند و شهر اصفهان را باز پس ستاند و همچنین توانست در ۳۴۵ قمری، شورش بلکا، برادر روزبهان دیلمی را در فارس سرکوب کند و عضدالدوله را بار دیگر به تخت سلطنت فارس بنشانند.<sup>۱۲</sup>

از آن پس در فاصله سالهای ۳۴۶-۳۵۵ قمری، زندگی به نسبت آرامی را در اَرّجان گذراند و در همین دوره است که شاعر معروف عرب، متنّبی، وی را در اَرّجان ملاقات کرد و طبع قصیده‌ای بلند، ابن عمید را در ۳۵۴ قمری، مدح نمود<sup>۱۳</sup> و سماعی، در همین دوره، از یک سفر او، به بغداد خبر داده است که گویا به انگیزه حلّ و فصل

۱. تجارب الامم، ۲۷۴/۶-۲۸۲؛ الامتاع و المؤانسة، ۶۶/۱؛ مثالب الوزیرین ابوحیان توحیدی؛ یتیمه الدهر، ۱۵۴/۳-۱۸۸؛ معاهد التخصیص، ۱۱۵/۲؛ رجال نجاشی، ص ۹۷، ۲۴۲؛ رجال شیخ طوسی، ص ۴۴۵؛ الفهرست ابن ندیم، ص ۱۴۹، ۳۰۲، ۳۲۶؛ تکملة تاریخ طبری، ص ۴۳۲-۴۳۳؛ المحمّدون من الشّراء، ۳۱۹/۱-۳۲۱؛ تاریخ الزّواجا قمی، ص ۱۰۷؛ در الفرید، ۱۶۹/۲/۱ و ورقه ۸، ۱۳۲، ۱۳۴، ۲۴۸؛ زهرالاداب، ۱۱۵/۲-۱۲۴؛ دستورالوزراء، ص ۶۳-۶۴؛ الکامل، ۲۳۹/۸؛ وفيات الاعیان، ۱۰۳/۵-۱۱۳؛ المر، ۲۱۷/۲؛ تاریخ الاسلام ذهبی (احداث و وفيات ۳۵۱-۳۸۰ ق)، ص ۲۱۵-۲۱۶؛ سير اعلام النبلاء، ۱۳۷/۱۶-۱۳۸؛ الوافی بالوفیات، ۳۸۱/۲-۳۸۲؛ النجوم الزّاهرة، ۶۰/۴-۶۱؛ تاریخ قم، ص ۱۱، ۲۰۵؛ امل الآمل، ۲۶۷/۲-۲۶۸؛ منتهی المقال، ۳۱/۶؛ ریاض العلماء، ۹۷/۵-۹۸؛ نقد الرجال قفّوشی، (ذیل شرح حال احمد بن اسماعیل بن سمکه)، ۱۰۶/۱؛ تعلیقة الوحید البیهقی، ص ۲۹۴؛ نفحة الریحانة، ۳۰/۱ و ۳۹۷، ۲۳۰/۲ و ۵۷۳ و ۴۸۰/۳ و ۱۶۱/۴، ۴۹۲؛ الاعلام زرکلی، ۳۲۸/۶؛ اعیان الشیعة، ۲۵۶/۹؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الرابع الهجری)، ص ۲۶۹؛ معجم المؤلّنین، ۲۵۷/۹-۲۵۹ (۲۶۰/۳)؛ الذریعة، ۱۰۷/۱۱؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۳۴۲-۳۴۰/۴؛ دائرة المعارف فارسی، ۲۱/۱؛ فرهنگ زندگی نامه‌ها، ۶۱۱/۱؛ دانشنامه ایران و اسلام، ۷۳۹/۵-۷۴۰؛ رساله شرح احوال و آثار ابن عمید؛ روضة الصفا، ۵۰/۴؛ تاریخ ایران کمریج، ۲۴۰/۴-۲۴۵؛ ریحانة الادب، ۱۲۵/۸-۱۲۷؛ مجالس المؤمنین، ۲۱۱/۱؛ تاریخ التراث العربی سزگین، ۲۴۶/۲-۲۴۷ (۶۳۵/۲)؛ تاریخ طبرستان ابن اسفندیار، ص ۲۹۹-۳۰۰.

۲. تجارب الامم، ۲۷۸/۶؛ مثالب الوزیرین، ص ۲۳۶.

۳. التدوین فی اخبار قزوین، ۴۰۴/۳.

۴. تجارب الامم، همانجا؛ مجمل التواریخ، ص ۳۹۰؛ الکامل، ۲۹۹/۸؛ وفيات الاعیان، ۱۰۳/۵؛ یتیمه الدهر، ۱۸۴/۲.

۵. رجال طوسی، ص ۴۵۵.

۶. الفهرست ابن ندیم، ص ۱۵۴.

۷. یتیمه الدهر، ۱۸۵/۳.

۸. مثالب الوزیرین، ص ۲۳۳.

۹. تکملة تاریخ طبری، ص ۱۱۷؛ الکامل، ۳۶۵/۸.

۱۰. تاریخ طبرستان ابن اسفندیار، ص ۲۹۹-۳۰۰.

۱۱. تجارب الامم، ۱۳۷/۲-۱۳۸.

۱۲. تجارب الامم، ۱۵۹/۲-۱۶۶؛ الکامل، ۵۱۶/۸.

۱۳. دیوان متنّبی، ۱۶۱/۲؛ معاهد التخصیص، ۱۲۴/۲.

## ۳۶. ابن عمید کاتب<sup>۱</sup> (۳۵۹ یا ۳۶۰ ق / ۹۷۰ یا ۹۷۱ م)

ابوالفضل، محمد فرزند حسین فرزند محمد عمید، ادیب، کاتب، شاعر، حکیم، منجم، سیاستمدار و وزیر معروف رکن الدولة بویه و نویسنده‌ای که سبک جدیدی در نثر عربی پدید آورد و در زمان خود، او را به طور مطلق «استاذ» یا «الاستاذالرئیس» می‌نامیدند.

زادگاه و تاریخ تولد وی دانسته نیست؛ اما پدر وی ابو عبدالله، حسین فرزند محمد «کله» و «عمید»، قمی تبار بوده<sup>۲</sup> که مدتی در قزوین اقامت داشته،<sup>۳</sup> و بعدها در ۳۲۱ قمری، در ری، وزارت و شمگیر را برعهده گرفته و در ۳۲۳ قمری، در دستگاه مرداویج، در اصفهان، سمتی مهم که به احتمال، وزارت بوده، عهده‌دار گشته و پس از کشته شدن مرداویج در ۳۲۳ قمری، به نزد ماکان فرزند کاکلی، به گرگان رفته و دبیری وی را داشته و در پی شکست ماکان، به دست سامانیان، او نیز، همراه دیگر خواص ماکان، به بخارا برده شده و در آنجا مورد عنایت امیر سامانی قرار گرفته و در زمان امیر نوح بن نصر، دیوان رسائل به وی سپرده شده و لقب «عمید» یافته است. او تا هنگام وفات، به عنوان کاتبی چیره‌دست، این سمت را دارا بود<sup>۴</sup> و ابوالفضل را به علت انتساب به لقب پدر، «ابن عمید» گفته‌اند.

از زندگی او پیش از ۳۲۸ قمری، اطلاعی در دست نیست؛ اما چون پدرش در دستگاه آل زیار، موقعیت ممتازی داشت، در رشد و پیشرفت فرزند وی، بی‌تأثیر نبوده و از استادان او در این دوره، احمد فرزند اسماعیل فرزند سمکه، ادیب قمی<sup>۵</sup> را می‌شناسیم که ابن ندیم از او با عنوان محمد فرزند علی فرزند سمکه، نام برده است<sup>۶</sup>. هنگامی که عمید، در ۳۲۳ قمری، بلاد جبل را ترک کرد، محمد در آنجا ماند و به مرور، مدارج ترقی را در دولت تازه تأسیس یافته آل بویه پیمود.<sup>۷</sup> از برخی نوشته‌ها بر می‌آید که ارتباط ابن عمید با پدرش منقطع بوده است.<sup>۸</sup>

ابن عمید در ۳۲۸ قمری، پس از درگذشت ابو عبدالله قمی، به وزارت رکن الدولة رسید<sup>۹</sup> و در ۳۳۷ قمری، با همراهی علی فرزند کامه، به فرمان رکن الدولة، به آمل رفت و امام علوی النائر بالله - که شهر آمل به تصرفش درآمده بود - را شکست داد که به این ترتیب آمل باز پس گرفته شد<sup>۱۰</sup> و در همین سال، رکن الدولة، برای تحکیم امارت فرزندش - عضدالدوله -، ابن عمید را به عنوان پشتوانه حکومت



مشکلات آل بویه، در بغداد بوده است.<sup>۱</sup>

پس از اقتدار سیاسی عضدالدوله در فارس و در پی تغییر رفتار عضدالدوله، نسبت به وی، او که مأموریت خود را خاتمه یافته می‌دید، از ارجان به ری، به نزد رکن الدوله بازگشت.<sup>۲</sup> هنوز از انتقال وی به ری مدتی نگذشته بود که غازیان خراسان، به دستاویز جنگ با مسیحیان، در مرزهای شمال غربی، در ۳۵۵ قمری، با سپاه بیست هزار نفری، به هنگام گذشتن از شهر ری، آن را به آشوب کشیدند که ابن عمید موفق شد، فتنه را فرو بنشانند و پس از این ماجرا، رکن الدوله، ابن عمید را همراه ابراهیم سلار، به آذربایجان فرستاد، تا آن دیار را به اطاعت سلار درآورد.<sup>۳</sup>

در اواخر سال ۳۵۹ قمری، ابن عمید، برای آخرین نبرد خود، همراه پسرش ابوالفتح، به سوی حسنیوه گرد رهسپار غرب شد؛ ولی به دلیل ضعف جسمانی و خودسری فرزندش، شکاف عمیقی در سیاست لشکر پدید آمد و سرانجام پیش از آنکه درگیر نبرد شود، در شهر همدان، در ماه صفر یا محرم ۳۵۹ و یا ۳۶۰ قمری، دیده از جهان فرو بست.<sup>۴</sup> تعالی مرگ وی را در ری ثبت کرده است.<sup>۵</sup>

### مقام علمی و ادبی ابن عمید:

ابن عمید، علاوه بر اینکه سیاستمدار برجسته و ممتازی بود، در علم و ادب نیز، موقعیت ممتاز و ویژه‌ای داشت؛ چندانکه در منابع و مآخذ عربی، بیش از هر چیز، بر ادب او تأکید ورزیده‌اند و مقام ادبی و وسعت دانش او، زیانزد خاص و عام بود. چیرگی و مهارت ابن عمید، در به کارگیری زبان عربی، به ویژه در پرداختن به نثر، تا آنجا بود که گفته‌اند: «کتابت با عبدالحمید آغاز شد و به ابن عمید خاتمه یافت»<sup>۶</sup> و برخی در مورد مقام علمی و ادبی وی، تا آنجا پیش رفته‌اند که ابن عمید را، «جاحظ ثانی» لقب داده‌اند.<sup>۷</sup> بلاغت او در ادبیات عربی و فارسی، همواره در سده‌های بعد، ضرب المثل بوده است.<sup>۸</sup> وی سبک خاصی در کتابت داشت و مدتها در مشرق و حتی در اندلس، الگوی نویسندگان بود<sup>۹</sup> و به این ترتیب، سخنان ابوحنبل توحیدی، در مورد ابن عمید که او را نخستین تباه‌کننده زبان عربی دانسته،<sup>۱۰</sup> ناشی از کینه و دشمنی وی با ابن عمید است و در اصل، همین کینه ابوحنبل، به ابن عمید و صاحب بن عبّاد بود که او را واداشت، تا کتابی به نام مثالب الوزیرین (معایب دو وزیر) بنویسد.

ابن عمید در فلسفه، ریاضیات، نجوم و برخی از شاخه‌های علوم طبیعی نیز، آگاهی داشت<sup>۱۱</sup> و از این دانشها، در طراحی ادوات جنگی و جز آن استفاده عملی زیادی نموده است. در همین مورد، همدانی به

نقل از صابی، داستان یکی از این گونه بهره‌وریهای دانش ابن عمید را، در حضور رکن الدوله، یاد نموده که به این شرح است: «رکن الدوله قصد داشت، عمارتی در ری بسازد. از قضا، در آن مکانی که برای این امر در نظر گرفته بود، درختی بزرگ وجود داشت که رکن الدوله در قطع کردن آن درخت و بیرون آوردن ریشه‌های آن با مشکل مواجه بود و ابن عمید با درست کردن ابزاری به روش جراثقال، و با استفاده از چند نفر، به راحتی آن درخت را به طور کامل از ریشه قطع کرد و رکن الدوله، با شگفتی شاهد این عملیات بود و ابن عمید را مورد تحسین و تشویق قرار داد».<sup>۱۲</sup>

### شیفتگی وی به کتاب:

هرچند ابن عمید، در دوره تصدی وزارت، اشتغالات سیاسی بسیار بالایی داشته؛ ولی توانسته بود، محیطی پدید آورد که عالمانی از هر رشته را به کار راغب سازد. به عنوان نمونه، ابویوسف رازی، بخشی از کتاب هندسه اقلیدس را برای ابن عمید به عربی ترجمه کرد<sup>۱۳</sup> و حسن فرزند محمد قمی به تشویق وی، تاریخ قم را نوشت و دیوان شعر ابو جعفر عطار را گرد آورد.<sup>۱۴</sup> فراتر از این، ابن عمید در ری، رصدخانه‌ای ساخت که ابوالفضل هروی و ابو جعفر خازن، در آن به رصد پرداختند.<sup>۱۵</sup>

او بود که نوشته‌های تدوین نشده الحاوی را به بهای گزاف، از خواهر رازی خریداری کرد و جمعی از شاگردان رازی را واداشت، تا کتاب الحاوی را تدوین کنند.<sup>۱۶</sup> وی همچنین نوشته‌های کهن یونانی را که در سور اصفهان یافت شده بود، برای استفاده دانشمندان، به بغداد

۱. الانساب سمانی، ۲۸۳/۳.
۲. تکملة تاریخ طبری، ص ۲۰۵.
۳. تجارب الامم، ۲۲۲/۲-۲۲۹؛ الکامل، ۵۶۹/۸-۵۷۲.
۴. همان.
۵. یتیمه الدهر، ۱۶۲/۳.
۶. یتیمه الدهر، ۱۸۳/۳؛ سیر اعلام النبلاء، ۱۳۷/۱۶؛ تاریخ الاسلام، ص ۲۱۶.
۷. یتیمه الدهر، ۱۳۷/۳؛ وفیات الاعیان، ۱۰۴/۵.
۸. یتیمه الدهر، ۱۸۳/۳ و ۱۵۰/۵.
۹. اخبار العلماء باخبار الحکماء قفطی، ص ۳۲۲.
۱۰. الامتاع و المؤانسة، ۶۶/۱.
۱۱. مثالب الوزیرین، ص ۲۴۱.
۱۲. تکملة تاریخ طبری، ص ۲۰۷، ۴۲۴؛ تجارب الامم، ۲۷۸/۲.
۱۳. الفهرست ابن ندیم، ص ۳۲۶.
۱۴. تاریخ قم، ص ۱۱.
۱۵. تحدید نهایات الاماکن ابوریحان بیرونی، ص ۶۹-۷۰.
۱۶. عیون الالباء ابن ابی اصیبه، ۳۱۴/۱.

۱. رسالة المسائل الطبيعية، که نسخه‌ای از آن، در کتابخانه موزه بغداد، موجود است؛<sup>۱۲</sup>
  ۲. رسالة في الحمره الحادثة في الجو، در باب هواشناسی که نسخه‌ای از آن، در کتابخانه لیدن موجود است.<sup>۱۳</sup>
- (ادامه دارد)

فرستاد.<sup>۱</sup> همه اینها نشانگر آن است که ابن عمید، علاقه بسیاری به عالمان و اهل ادب داشته و سخت شیفته کتاب بوده است و همین شیفتگی او سبب شد، کتابخانه‌ای بزرگ و نفیس، تأسیس کند. وی بعضی از نویسندگان و کاتبان را استخدام کرده بود، تا به استنساخ کتابهای پیشینیان بپردازند و آنها را از تلف شدن و نابودی برهانند<sup>۲</sup> که از این راه، بر حجم و تعداد نسخه‌های کتابخانه‌اش نیز افزوده گشت. گفته‌اند کتابهایی را که گرد آورده بود، بار ۱۵۵ شتر بود<sup>۳</sup> و ابوعلی مسکویه، عالم نامدار جهان اسلام، کتابدار این کتابخانه بوده است.<sup>۴</sup> همچنین نوشته‌اند که این کتابخانه و کتابهای آن، نزد او، از همه اموال و دارایی‌اش، عزیزتر بود.<sup>۵</sup>

دوستی شگفت و عمیق صاحب بن عبّاد - که خود از کاتبان برجسته و از وزرای بزرگ آل بویه بود - با ابن عمید، به این دلیل بود که ابن عمید، استاد وی بود و صاحب همیشه ملازم و مصاحب با ابن عمید بود - به همین دلیل نیز، او را «صاحب» نامیده‌اند - و این مصاحبت تأثیر فراوانی بر صاحب گذاشت، چنان‌که او را نیز شیفته کتاب نمود و وی را در زمره عاشقان و شیفتگان کتاب درآورد.

## آثار و تألیفات:

ابن عمید که سخت شیفته علم و کتابهای پیشینیان و گردآوری آنها بود، خود نیز نویسنده‌ای چیره‌دست بوده و آثار و تألیفاتی پدید آورده است که متأسفانه، بیشتر آنها از میان رفته‌اند و آثاری اندک از وی باقی مانده است. به گفته ابن‌ندیم، ابوعلی مسکویه کتابدار وی، رسایل ابن عمید را در آن روزگار، در دیوانی گردآوری نمود<sup>۶</sup> که هم اکنون برخی رسایل منتسب به وی، در میان مجموعه‌های خطی هند و ترکیه، باقی مانده<sup>۷</sup> و نسخه‌ای نیز، در دار الکتب قاهره موجود، و عکسی از آن در کتابخانه دائرة المعارف بزرگ اسلامی، به شماره «۴۷۸» وجود دارد.<sup>۸</sup> قطعاتی از رسایل وی، در برخی از منابع و مآخذ ادبی، مانند: یتمة الدهر ثعالبی؛ زهر الآداب حصّری، معجم الادباء یا قوت و آثار ابو حیان توحیدی، بر جای مانده است.

ابن‌ندیم از یک اثر او به نام: المذهب في البلاغات<sup>۹</sup> و ابو حیان از کتاب دیگر وی با عنوان: الخلق و الخلق، یاد کرده‌اند که مسوده بوده و مؤلف فرصت پاکنویس کردن آن نیافته است.<sup>۱۰</sup> او ذوق شعری نیز داشته و قطعاتی از اشعار وی در کتابهای تاریخی، ادبی و تراجم باقی مانده است.<sup>۱۱</sup>

اما آثار دیگر باقی مانده از ابن عمید، به این شرح است:



۱. الفهرست ابن‌ندیم، ص ۳۰۲.
۲. مثالب الوزیرین، ص ۲۲۹.
۳. تاریخ الوزراء نجم الدین ابوالوفاء قمی، ص ۱۰۷.
۴. تجارب الامم، ۲/۲۲۴.
۵. نشریة سمینار کتابداری مشهد (خرداد ۱۳۶۰)، ص ۶۴.
۶. تجارب الامم، ۲/۲۷۷.
۷. تاریخ التراث العربی سزگین، ۲/۲۴۶-۲۴۷ (۲/۶۳۵)؛ الاعلام زرکلی، ۹۸/۶.
۸. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۳۴۲/۴.
۹. الفهرست ابن‌ندیم، ص ۱۴۹.
۱۰. مثالب الوزیرین، ص ۲۱۷.
۱۱. تاریخ التراث العربی سزگین، همانجا؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، همانجا.
۱۲. همان.
۱۳. همان.

# بدرگی از تاریخ قم

## (تحفة الفاطمیین فی احوال قم و القمیین)

حسین بن محمد حسن قمی  
تحقیق علی رفیعی علامرودشتی

### بخش سوم

#### فصل چهارم

در ذکر بعضی از ظرایف و نوادر حکایات متعلقه به قم و اهل قم:

در کتاب مجالس المؤمنین<sup>۱</sup> مذکور است که از ظرایف حکایات که صاحب معجم البلدان<sup>۲</sup> در باب تشیع اهل قم، ذکر کرده است، آن است که در زمان استیلای اهل سنت و جماعت، یکی از سنیان متعصب را در آنجا حاکم ساختند و چون او شنیده بود که اهل قم، بنابر عداوتی که با خلفای ثلاثه دارند، در میان ایشان، کسی که موسوم به ابوبکر و عمر و عثمان باشد، پیدا نمی‌شود! حکم به احضار اهالی آن دیار نموده، به اعیان ایشان، خطاب فرموده که: «من شنیده‌ام که شما صحابه سه گانه را دشمن می‌دارید، به خدا سوگند که اگر از مردم خود کسی پیش من نیاورید که ابوبکر یا عمر یا عثمان نام داشته باشد، شما را مؤاخذه و عقوبت نمایم!». آنگاه آن جماعت سه روز مهلت طلبیدند و از روی اهتمام به خانه هر یک از اهل شهر خود رسیدند، به غیر از مردی مفلوک و منکوب سرو پای برهنه روی نشسته‌اش حول که اقیح خلق خدا بود، موسوم به نام ابوبکر، ندیدند و این هم در اصل از [مردم] قم نبود؛ بلکه پدر او مردی غریب بود که در کناره‌ای از شهر قم رحل

اقامت انداخته، پسر خود را به آن نام مکرم! نامی ساخته بود؛ القصه ابوبکر موسوم را به هیبتی که تقریر نموده شد، در حضور حاکم، به جلوه درآوردند و چون نظر حاکم نیک محضر، بر ابوبکر کریه منظر افتاد، آن جماعت را دشنام داده، گفت: بعد از چند روز که ابوبکر نام، جهت من آورده‌اید، این چنین کسی است که اقیح خلق خداست؟! در اثنای عتاب و خطاب، یکی از ظرفای قم عرض نمود که: ایها الامیر! هر چه خواهی بکن که در آب و هوای قم، ابوبکر نام، بهتر از این پرورش نمی‌یابد و چون امیر، خالی از لطافت طبعی نبود، بی‌اختیار بخندید و ایشان را ببخشید و این حکایت به عینه در باب شیعیان سبزوار نیز، مشهور است و حضرت مولوی، در مثنوی معنوی، به آن اشاره نموده [و] فرموده:

سبزوار است این جهان کج<sup>۳</sup> مدار

ما چه بوبکریم در وی خوار<sup>۴</sup> و زار<sup>۵</sup>

و در تاریخ ابن کثیر شامی، مسطور است که در سال ۳۴۵ [قمری]، فتنه‌ای عظیم واقع شد میان اهل اصفهان و اهل قم که به آنجا به رسم

۱. مجالس المؤمنین، ۸۴/۱، در ذکر بلدة قم.

۲. معجم البلدان، ۱۷۶/۴ و نگاه کنید به: انوار المشعلین، ص ۱۱-۱۲.

۳. در اصل: «بی».

۴. در اصل: «خار».

۵. مثنوی، ۲۲/۵ (۴۴۳)، در حکایت محمد خوارزمشاه که شهر سبزوار را تصرف کرد و به این شرط از کشتن آنان صرف نظر کرد که ابوبکر نامی پیش وی آورند.

و سخنی در باب خلافت صحابه سه گانه، مذکور می شد. سید مزبور، در مقام بطلان خلافت ایشان برآمد و بر آن اکتفا نمود و زبان طعن و لعن گشود! آن جماعت او را گرفته نزد شیخ الاسلام آنجا که از اولاد سعدالدین تفتازانی بود، بردند و ادای شهادت به رفض او کردند؛ آنگاه شیخ الاسلام مذکور او را برداشته، به خدمت سلطان حسین میرزا بُرد و صورت حال را عرض نمود؛ میرزا بنا بر محبت سادات، در مقام اصلاح شده، به آن سید خطاب فرمود و گفت که ظاهراً تو را در وقت اسکاری<sup>۶</sup> [کذا] کاری یا جنونی ادواری طاری شده باشد؟ سید در جواب گفت که: هرگز در عمر خود مرتکب تناول مسکرات نگردیده‌ام و آفت جنون و خرافت پیرامون پیرامن من نرسیده؛ بلکه چون عداوت خلفای ثلاثه را با اجداد و آباء خود یقین دارم، طعن و لعن ایشان را از جمله عبادات می‌شمارم و چون میرزا، آن جواب شنید، سر در پیش انداخته، متامل گردید؛ زیرا که با قطع نظر از محبت ذریه سیدانام از پاس شاه اسماعیل صفوی که در آن زمان قهرمان ایران و حامی سادات و خاندان شیعه ایشان بوده، ملاحظه تمام داشت. شیخ الاسلام به میرزا خطاب نمود که ای سلطان! می‌خواهی که در امور دین مساهله و مدافعه نمایی؟! میرزا بالضروره، این معامله را برای شیخ الاسلام وا گذاشت و آن معاند متعصب، حکم قتل آن سید مظلوم نمود و بعد از شهادت آن سید، خویشان او به خدمت شاه اسماعیل رفتند و عرض تظلم خود نمودند و ایشان را تسلی داده، حکم فرمود تا فرمانی نوشته به ایشان دادند که هرگاه ولایت خراسان در تحت تصرف اولیای آن دولت درآید، شیخ الاسلام ایشان را به قصاص خون برادر خود، قتل نمایند و چون بعد از اندک زمانی سلطان حسین میرزا وفات یافت و شبک خان والی خراسان شد و پادشاه مذکور، توجه به تسخیر آن ولایت نمود، شبک خان را به اسفل دولت روانه ساخت و به دارالسلطنه هرات، نزول اجلال فرمود و خویشان آن سید مقتول که

۱. البداية و النهاية، ۲۴۴/۱۱؛ انوار المشعطين، ص ۱۲.

۲. النقض، ص ۲۵۲، جمله: «اصفهانى نبود مگر سنى» در چاپ تصحيح شده ميرجلال الدين محدث، موجود نيست؛ انوار المشعطين، همانجا.

۳. لطايف عبيدزكاني، ص ۱۰۶؛ انوار المشعطين، همانجا.

۴. كشف الغمّة، ۲۹۰/۳-۲۹۱ و نگاه كنيد به انوار المشعطين، ص ۱۱-۱۳، كه مطابق النعل بالنعل، مؤلف از اين كتاب نقل نموده است. با عين عبارات و مؤلف انوار المشعطين، اين داستان را از كتاب الخرائج و الجرائح قطب راوندى، ۴۷۲/۱-۴۷۵ نقل کرده است. نک: انوار المشعطين، ص ۱۵۴-۱۵۵.

۵. معجم البلدان، ۱۷۶/۴.

۶. منظور حالت سكران و مستى است.

تجارت رفته بودند؛ به سبب آنکه اهل قم، در آنجا سب صحابه، نموده بودند، تا آنکه اهل اصفهان، جمعی کثیر از ایشان را کشتند و اموال تجار را غارت کردند و چون این خبر به رکن الدوله دیلمی رسید، به واسطه تشییعی که داشت در غضب شد و اهل اصفهان را مواخذه سخت و مصادره به مال بسیار نمود.<sup>۱</sup>

و شیخ عبدالجلیل رازی، در کتاب نقض، آورده که اصفهانی از قمی پرسید که از کدام شهری؟ گفت: من از شهر دندان کنان [هستم]، آن مرد فرومانده گفت: معنا مفهوم نیست! قمی گفت که: اگر بگویم قم، گویی آه! و از اینجا معلوم می‌شود که قمی نباشد الا شیعی و اصفهانی نبود مگر سنی.<sup>۲</sup>

و مولانا عبید زاکانی در بعضی از رسائل خود آورده که عمران نامی را در قم می‌زدند، کسی گفت: چون عمر نیست، چرا اورامی زنی؟ دیگری گفت: او عمر است و الف و نون را از عثمان دزدیده<sup>۳</sup> [است]. و از جمله مآثر جرأت و شدت اهل قم که در آخر کتاب کشف الغمّة، مذکور است آنکه در زمان بعضی از خلفای عباسی [اهل قم] از اطاعت حاکم امتناع نمودند و هر که را به حکومت ایشان فرستاد، با او مقاتله و محاربه نمودند و مجال تصرف ندادند! آخر الامر، ناصرالدوله بن حمدان را که امیرالامراء خلیفه بود، برایشان فرستادند و چون ناصرالدوله، نزدیک به قم رسید، اعیان آنجا، با تحف و هدایا استقبال نمودند و گفتند: ما به حکومت غیر مذهب خود راضی نبودیم؛ الحال که تو آمدی، بالطوع و الرغبة، امتثال حکم تو می‌کنیم و در آن سال، اهل قم زیاده مال، از سایر سالهای گذشته، به ناصرالدوله، رسانیدند تا او به خلیفه فرستاد و بعد از آن خلیفه، از موافقت اهل قم ناصرالدوله را اندیشه نمود و او را نزد خود طلب فرمود.<sup>۴</sup>

و در کتاب معجم البلدان، مذکور است که: صاحب بن عبّاد، قاضی قم را از قضاوت عزل نمود و به قاضی نوشت:

ایها القاضي بقم

قد عزلناک فقم

به قاضی گفتند که سبب عزل تو چه بود؟ گفت: «انا معزول السجع من غیر جرم ولا سبب» یعنی من تقصیری نداشتم، مگر اینکه سجع و قافیه، مرا عزل نمود.<sup>۵</sup>

و ایضاً از مآثر جرأت ایشان آن است که در زمان دولت سلطان حسین میرزا - والی خراسان - یک نفر از سادات قم، در شهر هرات، به سر می‌برد، اتفاقاً روزی در میان جمعی از سنیان هرات نشست و بود

همراه اردوی معلاً بودند، شیخ الاسلام را گرفته، به نظر پادشاه دین پناه آوردند و به موجب آن عهد و فرمان سابق، او را تسلیم آن جماعت نمودند، تا به [قصاص] خون آن سید مظلوم، سنگسار ساخته و در سر چارسوق بازار سوختند و خاکستر او را به باد دادند!<sup>۱</sup>

«فَقَطَعَ ذَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»<sup>۲</sup>

## باب سیم

در ذکر ورود حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به قم و ذکر وفات آن مخدّره و ثواب زیارت او و ذکر کرامات او و ذکر ابنیه قبّه منوره و صحن مطهره و ذکر امام زادگان عظام و مشایخ کرام و جماعتی از بزرگان که در آن آستان ملائک پاسبان مدفون‌اند و این باب مشتمل بر چند فصل است:

## فصل اول

### در ذکر حرکت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

#### به جانب قم و وفات آن مخدّره علامه

علامه مجلسی - علیه الرّحمة - در کتاب «سما و العالم» بحار، از کتاب تاریخ قم، نقل می‌کند که روایت کرده‌اند از مشایخ قم که زمانی بیرون بُرد مأمون، حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام را از مدینه طیبه، به طرف مرو، در سال دویست از هجرت<sup>۳</sup> و بیرون رفت فاطمه خواهر حضرت رضا علیه السلام در سال ۲۰۱ از هجرت،<sup>۴</sup> از برای طلب نمودن برادر خود و چون به ساوه رسید، مریض شد، پس به خادم خود فرمود،<sup>۵</sup> از اینجا تا قم چه مقدار مسافت است؟ عرض کردند ده فرسخ می‌باشد، پس فرمود به خادم خود، مرا به قم ببر. پس آن مخدّره، طرف قم حرکت فرمود و چون به آل سعد، خبر رسید که فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام به قم تشریف می‌آورند، اتفاق نمودند و بیرون رفتند به استقبال آن مخدّره، چون به زیارت آن مخدّره مشرف شدند، موسی بن خزرج الاشعری،<sup>۶</sup> مهار ناقه او را گرفت و وارد خانه<sup>۷</sup> خود نمود. شانزده روز یا هفده روز، در آن خانه مریضه بودند، تا اینکه از دنیا رفتند، پس او را غسل دادند و کفن کردند و حمل نمودند جنازه او را به سوی بابلان<sup>۸</sup> و بر زمین نهادند و سردابی حفر نمودند و اختلاف

۱. مجالس المؤمنین، ۸۵/۱-۸۶ و نگاه کنید به: انوارالمشعّیین، ص ۱۳-۱۴ که مؤلف از این کتاب استفاده کرده و نامی از آن نبرده است.

۲. سورة انعام (۶)، ۴۵.
۳. تاریخ طبری، ۵۴۲/۸؛ تاریخ یعقوبی، ۴۴۸/۲؛ مروج الذهب، ۲۷/۴؛ الکامل، ۳۹۱/۶.
۴. بحارالانوار، ۲۱۹/۵۷؛ اما تاریخ قم، سال حرکت این بانو را دویست هجری، ثبت کرده است، ص ۲۱۳؛ مراقدالمعارف، ۱۶۲/۲؛ گنجینه آثار قم، ۳۸۲/۱-۳۸۳.
۵. مؤلف در حاشیه صفحه ۷۷، در مورد مسیر حرکت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام چنین نوشته است: «هو، آنچه تحقیق شد، خط عبور از عراق به همدان و از همدان به درگزین و به چمران و از دمین تنگک و بیوران و نیشت، به ساوه و از آنجا به آوه و از آوه، به بلدة طیبه قم».
۶. موسی فرزند خزرج فرزند سعد اشعری، بزرگ خاندان سعد (آل سعد) در قم و از اصحاب امام علی فرزند موسی الرضا علیه السلام است. از تاریخ تولد، زندگانی و در گذشت وی اطلاع نداریم و در منابع رجالی نیز، نامی از او به میان نیامده است و تنها در برخی منابع که به شرح مسافرت حضرت معصومه علیها السلام پرداخته‌اند، به نام وی اشاره کرده‌اند و شیخ طوسی، دو روایت از او که از امام رضا علیه السلام نقل کرده آورده است؛ اما در کتاب رجال خود از او نام نبرده است: تهذیب الاحکام، ۲۱۰/۳-۲۱۱، حدیث ۵۱۰؛ «فی الصلاة فی السفر»؛ الاستبصار، ۲۲۹/۱، حدیث ۸۱۲، «باب الرجل الذي يسافر الى ضیعتة»؛ تاریخ قم، ص ۲۱۳؛ معجم رجال الحدیث، ۴۲/۱۹؛ بحارالانوار، ۲۱۹/۶؛ گنجینه آثار قم، ۳۸۲/۱-۳۸۳.
۷. خانه موسی فرزند خزرج اشعری، در محله میدان میر قرار داشته که اکنون در وسط شهر قم است؛ اما در آن روزگار در بیرون شهر بوده و در حقیقت تفرجگاه موسی فرزند خزرج و کوشک ساحلی رودخانه قم، به شمار می‌رفته است: تاریخ قم، ص ۲۱۳؛ گنجینه آثار قم، ۲۸۳/۱ و ۶۹۹/۲؛ راهنمای جغرافیای تاریخی قم، ۵۷/۱. این خانه را بعدها «ستیه» نامیدند، چون حضرت معصومه علیها السلام در آنجا منزل داشته و آن حضرت را «ست» یعنی «بی بی و خانم» می‌گفتند؛ از این رو به وی نسبت می‌دهند و «ستیه» می‌خوانند.
۸. باغ بابلان در کنار رودخانه و بیرون شهر قم، از آن موسی فرزند خزرج بود و پس از وفات حضرت معصومه علیها السلام و دفن وی در آن باغ، موسی فرزند خزرج، آن باغ را وقف عام و گورستان عمومی کرد و در منابع از این مکان به عنوان «مقبره بابلان» نام برده‌اند و اکنون «آستانه حضرت معصومه علیها السلام» و قبور بسیاری از امام زادگان و بزرگان در آن واقع است. این باغ یا مقبره، حتّی در سده‌های هفتم و هشتم قمری نیز، خارج از قم بوده و در ایام صفویه نیز، حرم حضرت معصومه علیها السلام، بیرون از باروی قم، قرار داشته است. در زمانی که «شاردن» از قم دیدار نموده، دیوار پهن و ستبری از آجر، میان ساختمان حرم و رودخانه قم کشیده شده بود که به هنگام طغیان رودخانه، به حرم آسیبی وارد نیاید. بنابراین در آن روزگار نیز، حرم با رودخانه فاصله چندانی نداشته است، گرچه امروز این فاصله، به چند صد متر می‌رسد، اما این عقب نشینی را نمی‌توان طبیعی دانست؛ بلکه به گمان قوی، مسیر رودخانه را، بعداً کمی تغییر داده‌اند، تا حرم از آسیب احتمالی مصون بماند: تاریخ قم، ص ۲۱۳-۲۱۴؛ خلاصه التواریخ قاضی احمد قمی، ص ۲۹۰، سیاحتنامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، ۷۶/۳-۷۷؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، ۳۵۸/۱؛ مراقد المعارف، ۱۶۴/۲؛ دائره المعارف تشیع، ۸۲/۱-۸۳؛ گنجینه آثار قم، ۳۹۱/۱، فیض، در کتاب خود در مورد باغ بابلان چنین نوشته است: «... و از باغ بابلان اکنون حدود پانزده هزار متر زیر ابنیه و بیوتات آستانه درآمد است و بقیه به صورت گورستان بوده؛ به استثنای مقابر الشیوخ (شیخان)، به چمن و گل و باغ و مستقلاتی به سود شهرداری تبدیل و قسمتی هم برای ساختمان مغازه و مهمان سرا به مردم واگذار شده است و چنین به نظر می‌رسد که کوچه پشت بازه، فاصل بین حصار شهر با گورستان بوده است»؛ گنجینه آثار قم، ۳۹۱/۱.

عن ابوالحسن الرضا عليه السلام عن فاطمة بنت موسى بن جعفر عليه السلام فقال: «من زارها فله الجنة».<sup>۸</sup>

۱. در تاریخ قم: «رمه».
۲. تاریخ قم، ص ۲۱۳-۲۱۴؛ گنجینه آثار قم، ۱/۳۹۰-۳۹۱؛ انوارالمشعین، ص ۲۰۷-۲۰۸؛ ریاض الرضا، نسخه خطی کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، شماره «۶۷۹۰»، روضه ۱۸.
۳. در اصل: «بریهه».
۴. تاریخ قم، ص ۲۱۴؛ گنجینه آثار قم، ۱/۳۹۴.
۵. مؤلف در فصل سوم از باب چهارم این کتاب، به تفصیل، شرح حال موسی مبرقع و ذریه وی و خواهرانش و برخی از امام زادگان که در قم مدفون هستند، آورده است؛ از این رو، شرح حال موسی مبرقع و خواهران و ذریه وی را، موکول به آن فصل می‌نماییم و در آنجا، مراجع و منابع شرح حالشان را معرفی خواهیم کرد.
۶. بحارالانوار، ۲۱۹/۶۰؛ تاریخ قم، ص ۲۱۴؛ انوارالمشعین، ص ۲۰۸.
۷. بنا به نوشته فیض: «بقعه سئیه واقع در میدان میرقم، معبد سئیه فاطمه معصومه است که مدت هفده روز در آن بستری بود، تا داعی حق را لیبیک اجابت گفت. این بقعه جزو خانه موسی بن خزرج اشعری و میهمان‌سرای بی‌بی بود که مقدم بی‌بی را در آنجا گرمای داشت و پس از رحلت فاطمه معصومه، از ناحیه موسی وقف گردید. این بقعه به نام بیت التور نیز، خوانده می‌شد که به مرور به عنوان تنور تغییر نام یافت و توری هم در گوشه آن بنا کردند و بدین پندار که بی‌بی در این تنور برای خود نان پخته است و به خاک و خاکستر آن تبرک می‌جستند و توجه نداشتند که بی‌بی میهمان موسی بود و هیچ میهمانی را به طبخ نان وانمی‌دارند، مخصوصاً که بی‌بی بیمار حصه‌ای و بستری بود که به نان نیازی نداشت و بالجمله مرحوم آیت الله فیض، مؤمنین را به تجدید بنای آن تشویق و تأکید فرموده، تنور را منهدم گردانید که در عمارت جدید به جای تنور محرابی به نشانه معبد فاطمه [س] بنیان گردید؛ به هر صورت سئیه مشتمل بر یک معبد در وسط محوطه و حجرات مدرسه در اطراف آن و یک مسجد در ضلع غربی مدرسه می‌باشد.
- اما معبد فاطمه در وسط محوطه مدرسه قرار دارد و حجره‌های زیبا و آینه کاری، به نام «بیت التور» که به صورت چهارضلعی مختلف به دهانه ۳/۵۰ در ۳ متر با محرابی در ضلع جنوبی و سه درگاه در اضلاع سه‌گانه با دری آهنی سراسری و شیشه‌پوش می‌باشد. محراب آن آراسته به ازاره‌ای مرمری و جدار کاشیکاری خشتی و گرهی الوان است... اما مدرسه سئیه یک مدرسه قدیمی بوده است که شیخ عبدالجلیل قزوینی رازی در کتاب النقص در شمار مدارس نه‌گانه قم نامبردار شده است؛ ولی بنای کنونی در سال ۱۳۵۲ احداث گردیده است که مسجدی در ضلع غربی آن و هفده باب حجره با ایوانهای ساده در سه جانب آن مسکن اهل علم است و محوطه آن ۲۴ در ۱۲ متر است.
- اما مسجد به طول ۲۵ و عرض ۷/۵۰ و ارتفاع هفت متر ضلع غربی صحن مدرسه را فراگرفته است. این مسجد زیبا دارای ازاره‌ای سیمانی و جداری از آجر تراش و محرابی کاشیکاری معرق دارای کتیبه سه جانی به خط سفید ثلثی، متضمن آیه شریفه (الله نور السموات والارض، الخ) است؛ گنجینه آثار قم، ۱/۶۹۹/۷۰۱-۷۰۲؛ انوارالمشعین، ص ۲۰۸-۲۰۹.
۸. نواب الاعمال، ص ۲۲۱؛ عیون اخبار الرضا، ۲/۷۱۳ (ترجمه)؛ بحارالانوار، ۲۶۵/۹۹ و ۲۶۵/۱۰۲؛ کامل الزیارات، ص ۳۲۴.

کردند، طایفه سعد که کی برود، در میان قبر و دفن نماید او را در آن سرداب؟ پس اتفاق نمودند بر یک نفر مرد پیر صالح متقی که اسم او «قادر» بود که فاطمه را دفن نماید که ناگاه دیدند که دو نفر سوار از طرف ریگستان<sup>۱</sup> پیدا شدند [ند] که به تعجیل آمدند و تقاب به صورت انداخته بودند، چون نزدیک جنازه رسیدند، پیاده شدند و بر جنازه نماز خواندند و داخل سردابه شدند و او را دفن نمودند و بیرون آمدند و سوار شدند و رفتند و کسی آنها را نشناخت. پس موسی بن خزرج الاشعری، بر سر قبر مطهر او سقفی از بوریا بزد.<sup>۲</sup>

و در سنه ۲۵۶ هجری، موسی مبرقع، پسر حضرت امام محمد تقی علیه السلام به قم آمد و از عقب ایشان «بریهه»<sup>۳</sup>، دختر موسی مبرقع بیامد و ایشان به مقبره بابلان، آنجا که قبر فاطمه بنت حضرت موسی بن جعفر است، مدفون شدند.<sup>۴</sup> و حالات امام زادگانی که در قبرستان بابلان مدفون‌اند و بنای قبته مطهره و ذکر بعضی از مطالب در محل خود مذکور خواهد شد، ان شاء الله تعالی.<sup>۵</sup>

## فصل دوم

### در ذکر محراب عبادت حضرت فاطمه معصومه علیه السلام

علامه مجلسی - علیه الرحمه - در کتاب بحارالانوار، می‌فرماید که محراب عبادت حضرت فاطمه معصومه - علیها السلام - که در آن نماز می‌خواند، اکنون موجود است،<sup>۶</sup> انتهی کلامه.

و خانه موسی بن خزرج که واقع است در محله مشهور به «میدان میر» و آن خانه را الحال «سئیه» می‌نامند - و سئیه به معنای بی‌بی و خانم است - چون آن مخدره آنجا منزل نموده است؛ از این جهت، به او نسبت می‌دهند و «سئیه» می‌نامند و اینکه عوام الناس «تنور» می‌گویند خلاف است و بی‌ادبی است؛ تنور نیست و «بیت التور» است و این محراب بقعه‌ای است که واقع شده در وسط مسجدی که بسیار قدیم است و فعلاً مخروبه است به غیر از پایه و قدری از جدران آن، چیز دیگر باقی نیست و حقیر از اشخاص کثیرالسنن اهل آن محل شنیدم که این مسجد از قدیم الایام این طور مخروبه بوده است و بانی آن معلوم نیست.<sup>۷</sup>

## فصل سیم

در ذکر ثواب زیارت حضرت فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام قال المجلسی فی کتاب بحارالانوار عن سعد بن سعد، قال: سألت

و قال محمد الجواد عليه السلام: «من زار عمتي بقم فله الجنة»<sup>۱</sup>  
 قال الصادق عليه السلام: «ستدفن فيها اموات من اولادي، تسمى فاطمة،  
 من زارها وجبت له الجنة»<sup>۲</sup>  
 وايضاً قال الصادق عليه السلام: «زيارتها تعادل الجنة»<sup>۳</sup>  
 [ترجمه روايات]:

راوی می‌گوید: سؤال کردم از حضرت علی بن موسی الرضا عليه السلام از  
 ثواب زیارت فاطمه بنت موسی بن جعفر عليه السلام فرمود: «کسی که زیارت  
 کند او را، از برای او بهشت است» و حضرت امام محمدتقی عليه السلام فرمود  
 که: «هر که زیارت کند عمه مرا در قم، از برای اوست بهشت»  
 و حضرت امام جعفر صادق عليه السلام فرمود که: «زود است دفن شود در قم  
 زنی از اولاد من که نامیده می‌شود فاطمه، پس کسی که زیارت کند او  
 را واجب می‌شود او را بهشت».  
 و باز فرمودند که: «زیارت حضرت فاطمه معصومه، معادل است  
 با بهشت».

و حضرت امام رضا عليه السلام به سعد اشعری فرمود: «یا سعد! قبری از  
 ما نزد شما می‌باشد»، عرض کرد: «قبر فاطمه بنت موسی بن جعفر [ع]  
 را می‌فرمایید؟» فرمود: «بلی، کسی که زیارت کند او را و عارف به  
 حق او باشد، پس از برای اوست بهشت. حضرت فرمودند: در وقتی که  
 وارد شدی بالای سر او رو به قبله بایست و سی و چهار مرتبه  
 «الله اکبر» بگو و سی و سه مرتبه «الحمد لله» بگو و سی و سه مرتبه  
 «سبحان الله» بگو و بعد از آن بگو: «السلام عليك يا بنت رسول الله»، الی  
 آخر زیارت‌نامه» و چون نسخه این زیارت، بسیار بود ذکر نکردیم.<sup>۴</sup>

## زیارت دویم

زیارتی است عالیة المضامین که در بعضی از نسخ، این زیارت را  
 دیدم و ظاهراً که از تألیف علما بوده باشد، چون نسخه کمیاب بود،  
 ذکر شد:

«بسم الله الرحمن الرحيم، السلام على محمد خاتم النبيين، السلام  
 على سيد المرسلين، السلام على حبيب الله رب العالمين ورحمة الله  
 وبركاته؛ السلام على امير المؤمنين، السلام على سيد الوصيين، السلام  
 على حجة رب العالمين ورحمة الله وبركاته؛ السلام على البتول  
 العذراء والانسيّة الحوراء بنت خيرة [سيد] الانبياء و امّ الائمة النّبيا  
 ۸ النجباء و حليّة سيد الأوصياء، فاطمة الزهراء، سيدة نساء العالمين  
 ورحمة الله وبركاته؛ السلام على الامامين الهمامين، الثورين الثيرين،

الطهرين الطاهرين، الشهيد المظلومين، الحسن و الحسين، سيدي  
 شباب اهل الجنة و التسعة المعصومين من ذرية الحسين عليه السلام  
 ورحمة الله وبركاته؛ السلام عليك يا فاطمة بنت موسی بن جعفر عليه السلام  
 و حجته و امينه ورحمة الله وبركاته؛ [السلام يا اخت الرضا المرتضى  
 المجتبي ورحمة الله وبركاته] السلام عليك ايّها الطاهرة الحميدة البرّة  
 الرشيدة التقية الثقية المرضية ورحمة الله وبركاته؛ [اشهد انهم  
 الائمة الراشدون المهديون المعصومون المكرّمون المقربون الصادقون

۱. كامل الزيارات، ص ۳۲۴؛ بحار الانوار، ۲۶۵/۹۹ و ۲۶۵/۱۰۲.

۲. بحار الانوار، ۲۱۶/۵۷-۲۱۷ و ۲۶۵/۹۹.

۳. بحار الانوار، ۲۱۹/۵۷ و ۲۶۷/۹۹؛ رياض الرضا، روضه ۱۹.

۴. بحار الانوار، ۲۶۵/۹۹-۲۶۷: قال المجلسي: رأيت في بعض كتب الزيارات:  
 حدّث علي بن ابراهيم عن ابيه عن سعد عن علي بن موسى الرضا عليه السلام قال،  
 قال عليه السلام: يا سعد عندكم لنا قبر؟ قلت: جعلت فداك، قبر فاطمة بنت موسی عليه السلام؟  
 قال: نعم، من زارها عارفاً بحقها فله الجنة، فاذا اتيت القبر، فقم عند رأسها مستقبل  
 القبلة و كبر اربعاً و ثلاثين تكبيرة و سبح ثلاثاً و ثلاثين و الحمد لله ثلاثاً و ثلاثين  
 تحميده، ثم قل: «السلام على آدم صفة الله، السلام على نوح نبي الله، السلام على  
 ابراهيم خليل الله، السلام على موسى كلم الله، السلام على عيسى روح الله، السلام  
 عليك يا رسول الله، السلام عليك يا خير خلق الله، السلام عليك يا صفى الله، السلام  
 عليك يا محمد بن عبدالله، خاتم النبيين، السلام عليك يا امير المؤمنين علي بن  
 ابي طالب، وصي رسول الله، السلام عليك يا فاطمة سيدة نساء العالمين، السلام  
 عليك يا سبطي نبي الرحمة و سيد شباب اهل الجنة، السلام عليك يا علي بن  
 الحسين سيد العابدين، و قرّة عين الناظرين، السلام عليك يا محمد بن علي، باقر  
 العلم بعد النبي، السلام عليك يا جعفر بن محمد الصادق البار الامين، السلام عليك  
 يا موسى بن جعفر الطاهر الطهر، السلام عليك يا علي بن موسى الرضا المرتضى،  
 السلام عليك يا محمد بن علي التقي، السلام عليك يا علي بن محمد التقي الناصح  
 الامين، السلام عليك يا حسن بن علي، السلام على الوصي من بعده، اللهم صل  
 على نورك و سراجك و ولي و ليك و وصي و وصيك و حجّتك على خلقك.

السلام عليك يا بنت رسول الله، السلام عليك يا بنت فاطمة و خديجة، السلام  
 عليك يا بنت امير المؤمنين، السلام عليك يا بنت الحسن و الحسين، السلام عليك  
 يا بنت ولي الله، السلام عليك يا اخت ولي الله، السلام عليك يا عمه ولي الله.

السلام عليك يا بنت موسی بن جعفر ورحمة الله وبركاته، السلام عليك  
 عرف الله بيننا و بينكم في الجنة و حشرنا في زمركم و اوردنا حوض نبيكم  
 و سقانا بكأس جذك من يد علي بن ابي طالب - صلوات الله عليكم - أسأل الله أن  
 يرينا فيكم السرور و الفرح و أن يجمعنا و اياكم في زمرة جدك محمد - صلى الله  
 عليه و آله - و أن لا يسلبنا معرفتكم انه وليّ قدير، اتقرب الى الله بحبكم و البرائة  
 من اعدائكم و التسليم الى الله، راضياً به غير منكر و لامستكبر و على يقين ما أتى  
 به محمد و به راض، تطلب بذلك وجهك يا سيدي، اللهم و رضاك و الدار الآخرة، يا  
 فاطمة اشفعي لي في الجنة، فان لك عند الله شأناً من الشأن.

اللهم اني اسالك أن تختم لي بالسعادة، فلا تسلب مني ما أنا فيه و لاحول  
 ولا قوة الا بالله العلي العظيم، اللهم استجب لنا و تقبله بكرمك و عزتك و برحمتك  
 و عافيتك و صلى الله على محمد و آله اجمعين و سلم تسليماً يا أرحم الراحمين».  
 نگاه کنید به: انوار المشعشين، ص ۲۱۱-۲۱۲؛ امادر این کتاب، زیارت‌نامه  
 از: «السلام عليك يا بنت رسول الله»، آغاز شده و تا پایان ادامه یافته است.

المنورة، صلوة زاکية باقية نامية و اغفر بهن امواتنا و اذ ديوننا و وسع ارزاقنا و اقض حوائجنا و ردنا الى اوطاننا سالمين غانمين، برحمتك يا ارحم الراحمين و العن ظالمي آل محمد اجمعين من الآن الى يوم الدين»<sup>۸</sup>.

## فصل چهارم

### در ذکر بعضی از کرامات و خوارق عادات

#### حضرت فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام

مخفی نماناد که کرامات بسیار و خوارق عادات بی شمار از قبر مطهره بنت باب الحوائج - علیها سلام الله - سرزده که بسیاری از آنها را بنده مؤلف، به رأی العین مشاهده نموده ام [که] اگر خواسته باشم به ذکر، همه آنها را بنویسم، این کتاب را گنجایش نباشد؛ ولی به ذکر چند وقعه از آن اکتفا نمودیم:

#### وقعه اول:

در کتابی خطی دیدم به خط مرحوم آقا میرزا علی اکبر فیض - متولّی بقعه فتحعلی شاه قاجار - که یک نفر شخص اعمی از عتبات عالیات نجف و کربلا، مراجعت نموده بود، سیدی فاضل و شاعر باشانی که از همراهان همین شخص اعمی بود در این سفر، حکایت کرد که از کرمانشاهان الی قم که همسفر بودیم، پسرهای او دست او را می گرفتند، در منزل می بردند و به این طرف و آن طرف، جهت قضای حاجت می کشانیدند. کفشدار سرکار فیض آثار، حکایت کرد که این شخص اعمی را در وقت مشرف شدن به آستان ملایک پاسبان حضرت معصومه علیها السلام، ملاحظه کردم که چشمهای او نایبنا بود، چنانچه در همان روز که شفا یافت، زمانی که به روضه مطهره می خواست داخل شود، در کمال گریه و تضرع بود و با این حالت داخل روضه مطهره شد، دو - سه ساعت نگذشت که چشم روشن، از روضه بیرون آمد! خود آن اعمی حکایت کرد که با کمال دلسوزی

و انّ الحق معهم و فیهم و الیهم و انّ من والاهم فقد وال الله و من عاداهم فقد عاد الله [ انیتک یا سیدتی یا فاطمة زائراً لك عارفاً بحقک و بحق اخیک و ابائک الاطهار، طالباً فکاک رقبتي من النار و ملتمساً منك الشفاعة اذا امتاز الاخيار من الاشرار، فاشفعی [لی] عند ربک و آبائک الأبرار، فانک من اهل البيت لا یخسر من تولاهم و لا یخیب من آتاهم. اللهم انّه قد جائني الخبر عن الصادقین من اهل بیت نبیک - علیهم افضل الصلوة و السلام - انّ من زار فاطمة بقم، فله الجنة، فها اناذا یا الهی قد جئتها زائراً لها، عارفاً بحقها، فصلّ علی محمد و آل محمد و انفعنی بزیارتها و لاتحرمنی شفاعتها و ارزقني الجنة كما وعدتها، انک علی کل شیء قدير، برحمتک یا ارحم الراحمین»<sup>۱</sup>.

#### زیارت سیم

زیارتی است که حاجی شیخ عبدالجواد شاهزاده عبدالعظیمی، در کتاب نورالآفاق، نوشته است:

«بسم الله الرحمن الرحيم، السلام عليك يا [بنت] محمد بن عبدالله خاتم النبيين، انت التي قال في حقها الامام عليه السلام: ستدفن في قم امرأة من اولادي، تسمى فاطمة، من زارها و جبت له الجنة؛ السلام عليك يا بنت امير المؤمنين سيد الوصيين، انت التي قال في حقها الامام عليه السلام لسعد القمي: منّا عندكم قبر، قال: قبر فاطمة بنت موسی بن جعفر عليه السلام؟ قال الامام: من زارها عارفاً بحقها، فله الجنة؛ السلام عليك يا [بنت] فاطمة الزهراء سيّدة نساء العالمين، انت التي قال في حقها الامام: انّ زيارتها تعادل الجنة؛ السلام عليك يا بنت الحسن المجتبي، سيد شباب اهل الجنة اجمعين، انت التي قال في حقها الامام: من زار [قبر] عمّتي بقم، فله الجنة؛ السلام عليك يا بنت الحسين الشهيد، سيد المظلومين، انت التي قال في حقها الامام: من زار فاطمة بقم، و جبت له الجنة؛ السلام عليك يا سیدتی و مولاتی یا فاطمة بنت موسی بن جعفر و صلّی الله عليك و علی روحك الطيبة و بدنك الطاهرة و علی السادات المكرّمات الطاهرات المدفونات معك في هذه البقعة المباركة: زينب و امّ محمد و ميمونة بنات محمد التقي الجواد و بريهة<sup>۵</sup> و امّ حبيب و امّ كلثوم و فاطمة بنات موسى المبرقع ابن الامام الجواد، صلوات الله و سلامه علیكن اجمعين و رحمة الله و برکاته.

اللهم صلّ علی محمد و آل محمد [و صلّ علی فاطمة] بنت موسی بن جعفر و المدفونات معها في هذه البقعة المباركة المطهرة<sup>۷</sup>

۱. انوار المشتمعین، ص ۲۱۱.

۲. تکمیل از: نورالآفاق.

۳. تکمیل از: نورالآفاق.

۴. تکمیل از: نورالآفاق.

۵. در اصل: «بریهة».

۶. تکمیل از: نورالآفاق.

۷. در نورالآفاق کلمه «المطهرة» وجود ندارد.

۸. نورالآفاق، ص ۷۹-۸۲.



وگریه و تضرع داخل روضه شدم و به همین حالت متوسل به روح پاک حضرت گردیده، در همین حال تضرع بی خود گردیدم، در حالت بی خودی، ملاحظه کردم، دیدم شخص سیدی پهلوی من است؛ به من گفتم: برخیز، عرض کردم که من کور و نابینا هستم، دست مبارک بر رو و پیشانی من کشید و فرمودند: شفا یافتی! ناگاه به خود آمدم، منتبه شدم، دیدم که چشمهای من روشن است، به او گفتم که روی مبارک آن سید را دیدی که پهلوی تو بود، در جواب گفت که روی مبارک او را ندیدم و بشره ایشان را ملاحظه ننمودم و این وقعه در روز دوشنبه هیجدهم شهر شوال المکرم سنه ۱۳۰۷، اتفاق افتاد.

### وقعه دویتم:

در کتاب ریاض الرضا که از مؤلفات آقامیرزا محمد - والد آقا میرزا علی اکبر سابق الذکر - است، نقل می‌کند که این مطلب را خودم دیدم که در ماه ربیع‌الاول سنه ۱۲۵۵، در فصل تموز، کبوتری برگنبد منورنشست و پای او در میان رخنه‌های خشت طلا استوار گشت، هر چه پر و بال زد، رهایی ممکن نشد، دو شب و روز بی آب و دانه بود، هر قدر مردم در خلاصی او تدبیر نمودند و استخلاص او را از درگاه آن حضرت استدعا کردند، فایده نبخشید؛ تا اینکه حاجی علی محمد که آن وقت متولی مضجع خاقان مغفور بود، از روی توجه به روضه منوره در آمد و تضرع نمود و گوسفندی چند، به فقرا و مساکین تصدق داد، در این اثنا کبوتر از دام رها شده، سه مرتبه بر دور گنبد طواف نمود و پرواز کرد.<sup>۱</sup>

### وقعه سیم:

در کتاب انوار المشعشعین که تألیف شیخ محمد علی ارjestانی است، مسطور است که در کتابی دیدم که در یک زمانی سیل بسیار عظیمی آمد از رودخانه قم که اهل قم، همه خائف بودند که به یک مرتبه، دست بی‌آستینی نمایان شده و اشاره کرد به سوی سیل و آن سیل به یک مرتبه از طرفی رفت، از این جهت است که رودخانه قم پیچ دارد.<sup>۲</sup>

### وقعه چهارم:

نقل کرد این حکایت را مرحوم آسید حسین - ولد مرحوم آقا سید صفی، خادم سرکار فیض آثار - که مرا عمویی بود، میرزا اسدالله نام و پای او «شقاقلوس» بود، به حدی که انگشتهای او سیاه شده بود و اطبا از معالجه او عاجز شده بودند که باید پای او را برید که مرض به

بالا سرایت نکند و قرار شده بود که فردا پای او را ببرند، میرزا اسدالله گفته بود، پس یک امشب مرا ببرید در حرم دختر موسی بن جعفر علیه السلام بگذارید، غلامی بود مبارک نام، او را به دوش کشیده آورد میان حرم محترم گذارد و خدام، درب حرم را بستند و او در پای ضریح بنا کرد از درد نالیدن و فریاد کردن تا نزدیک صبح صادق شد، خدامی که در پشت حرم خوابیده بودند، نقل می‌کنند که به یک مرتبه دیدیم صدای میرزا اسدالله بلند شد که درب حرم را باز کنید که حضرت مرا شفا داده، خدام برخاستند<sup>۳</sup> و درب حرم را باز کردند، دیدند که میرزا اسدالله خوشحال و خندان است! گفت: در عالم خواب دیدم که زن مجلله‌ای آمد به نزد من و فرمود: تو را چه می‌شود، عرض کردم که این مرض پای مرا گرفته و مرا عاجز کرده، یا شفا یا مرگ، از خدا می‌خواهم! آن زن مجلله، گوشه مقنعه خود را بر روی پای من چندین دفعه مالید و فرمودند پای تو شفا یافت، عرض کردم: شما کیستید؟ فرمود: من فاطمه دختر موسی بن جعفر علیه السلام می‌باشم؛ بعد از بیدار شدن، قدری پنبه نزد خود دیده بود، آن را برداشته به هر مریضی که آن پنبه را می‌داد و به موضع درد خود می‌مالید، شفا می‌یافت و آن پنبه در خانه ما بود، تا وقتی که سیل آمد و خانه ما را خراب کرد، آن پنبه در آن خانه مضمحل شد و دیگر آن پنبه را پیدا نکردیم و چنین نقل نمود، آقای حاجی سید صادق قمی که والده من یک نسبتی با میرزا اسدالله داشت؛ لهذا قدری از آن پنبه را گرفته بود از او و نزد او بود.<sup>۴</sup>

### وقعه پنجم:

یک نفر از خدام، میرزا حبیب الله نام که مردی بود نیکو و ظاهر الصلاح، نقل نمود که روزی شخصی یک عدد دو قرانی را به قوت تمام انداخت بر روی ضریح آن مخدّره و خورد بر طوقه ضریح و برگشت افتاد پای ضریح و پاره شد، چون مشاهده نمودم، دیدم که از جنس سرب است.

### وقعه ششم:

مؤلف کتاب گوید که: یکی از کرامات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

۱. ریاض الرضا، روضه نوزدهم، نسخه خطی شماره «۶۷۹۰» کتابخانه آیت‌الله العظمیٰ مرعشی نجفی رحمته‌الله؛ انوار المشعشعین، ص ۲۱۵.
۲. انوار المشعشعین، ص ۲۱۶.
۳. در اصل: «برخواستند».
۴. انوار المشعشعین، ص ۲۱۶-۲۱۷.

سیم، امّ محمد دختر موسی مبرقع.  
 چهارم، میمونه مکتی به امّ محمد دختر موسی مبرقع.  
 اما آن سه کنیز:  
 اول، امّ اسحاق، جاریه محمد بن موسی.  
 دوّم، امّ حبیبیه، جاریه ابوعلی احمد بن محمد بن موسی.  
 سیم، امّ القاسم دختر علی کوچک و شرح حال ذریه موسی مبرقع،  
 در محل خود خواهد آمد، ان شاء الله.<sup>۶</sup>

## فصل ششم

### در ذکر سایر امام زادگان که در مقبره بابلان مدفون اند

مخفی نماند که از جمله امام زادگان که در این آستان ملائیک  
 پاسبان مدفون است، سید ابوالحسن حسینی است<sup>۷</sup> و [او] اول  
 کسی است از سادات عالی درجات حسینیّه که وارد قم شد و در  
 بقعه حضرت معصومه علیها السلام مدفون گردید، چنان که صاحب تاریخ  
 قم<sup>۸</sup> بدان متعرض است و شرح حال او در باب چهارم از این کتاب  
 ذکر خواهد شد.

۱. بحار الانوار، ۲۱۹/۵۷.
۲. تاریخ قم، ص ۲۱۳-۲۱۴.
۳. شرح حال موسی مبرقع فرزند امام جواد علیه السلام، در فصل سوم از باب چهارم  
 همین کتاب خواهد آمد.
۴. در اصل: «بریهه» شرح حال وی نیز، در ضمن فصل سوم از باب چهارم همین  
 کتاب خواهد آمد.
۵. بحار الانوار، همانجا، به نقل از تاریخ قم، همانجا؛ انوار المشعشعین، ص ۲۱۸.
۶. چنان که در پاورقی ۳ و ۴، همین صفحه اشاره شد، شرح حال موسی مبرقع  
 و ذریه وی، در فصل سوم از باب چهارم همین کتاب، به تفصیل می آید. نگاه کنید  
 به: انوار المشعشعین، ص ۲۱۸.
۷. ابوالحسن، حسین فرزند جعفر فرزند محمد فرزند اسماعیل فرزند امام جعفر  
 صادق علیه السلام، در هیچ یک از منابع و کتابهای انساب، شخصی به این نام و نسب که  
 از اولاد اسماعیل فرزند امام جعفر صادق علیه السلام باشد، نیافتم و تنها در تحفه العنبریه  
 آمده است که جعفر فرزند محمد فرزند اسماعیل فرزند امام جعفر صادق علیه السلام  
 دارای دو پسر به نامهای حسن و محمد بوده است و دیگر هیچ توضیحی نداده  
 است و در سایر منابع انساب، فقط به محمد فرزند جعفر «محمد الحبيب» اشاره  
 نموده اند و نامی از حسین یا حسن نبرده اند و تنها در تاریخ قم، شرح حال  
 ابوالحسن حسین فرزند جعفر فرزند محمد فرزند اسماعیل آمده است، با همین  
 نسب، و مؤلف در این کتاب شرح حال وی را از تاریخ قم، در فصل ششم باب  
 چهارم، نوشته است که در طرف شمالی روضه مطهره حضرت معصومه علیها السلام  
 حجره کوچکی است و در آنجا صورت قبری می باشد که مقدار نیم زرع از زمین  
 مرتفع است و در میان مردم مشهور است که از آن سید ابوالحسن است. نگاه کنید  
 به: انوار المشعشعین، ص ۲۱۸.
۸. تاریخ قم، ص ۲۱۱؛ ریاض الرضا، روضه ۲۱.

این است که در سنه ۱۳۱۴ [هجری]، مشهدی عبدالحسین نامی  
 بود از اهل تبریز و سنواتی در قم مجاور بود، تا اینکه لسان او  
 گنگ و لال شد؛ به نوعی که اصلاً قادر به تکلم نبود و هفت سال  
 به همین حال باقی بود، تا اینکه شبی را در حرم مطهره بیتوته  
 می کند، وقت سحر از حرم بیرون می آید و زبانش باز می شود  
 و می گوید: حضرت مرا شفا داد. حاجی میرزا سید حسین متولی  
 باشی، او را طلب نمود و فرمود: شرح حال خود را برای من نقل کن،  
 عرض کرد که: در آن شبی که زبانت گنگ شد، در عالم رؤیا دیدم که  
 یک نفر سید جلیل القدری آمد و قفل بر دهان من زد، صبح که از  
 خواب بیدار شدم، خود را گنگ و لال دیدم و شب گذشته در حرم  
 مطهره به قصد استشفای رفته، به خواب شدم، در عالم خواب، همان  
 سید سابق الذکر را دیدم در آنجا که طرف بالا سر حضرت نشست،  
 زن مجلله ای را دیدم که به آن سید گفت که: این شخص به قصد  
 استشفای آمده است، آن سید مرا نزد خود طلبید و قفل از دهان من  
 برداشت و فرمود تکلم کن، تکلم نمودم و از خواب بیدار شدم و آن  
 شخص بعد از سه سال دیگر، از دنیا رفت.

## فصل پنجم

### در ذکر بعضی از امام زادگان که در مقبره بابلان

#### نزد حضرت معصومه علیها السلام مدفون می باشند

علامه مجلسی<sup>۱</sup> از کتاب تاریخ قم،<sup>۲</sup> نقل می کند که پس از اینکه  
 حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، در قبرستان بابلان، در سنه ۲۰۱  
 هجری، مدفون گردید، در سنه ۲۵۶ [هجری]، موسی مبرقع<sup>۳</sup> فرزند  
 حضرت امام محمد تقی علیه السلام به قم آمد، بعد از آن زینب و امّ محمد  
 و میمونه، به طلب او از کوفه، به قم آمدند و از عقب ایشان، بریهه<sup>۴</sup>  
 دختر موسی مبرقع بیامد، بعد از وفات فاطمه علیها السلام امّ محمد، دختر  
 موسی مبرقع که اسمش بریهه بود، وفات یافت و او را در جنب قبر  
 فاطمه، دفن کردند و پس از او خواهر او میمونه ابنة الرضائیه و آن را  
 نیز، آنجا دفن کردند<sup>۵</sup> و قبه بر سر تربت ایشان بنا نهادند و دو قبه  
 ساخته اند که در این دو قبه قبر هفت نفر است که چهار نفر امام زاده  
 و سه نفر کنیز [هستند].

اما اسامی چهار نفر امام زادگان از این قرار است:

اول، زینب بنت حضرت امام محمد تقی الجواد علیه السلام.

دوّم، بریهه بنت موسی مبرقع.

و در تاریخ قم،<sup>۱</sup> مذکور است که هشت نفر از اولادهای حضرت امام زین العابدین علیه‌السلام در مقبره بابلان مدفون‌اند، چهار نفر از نسل عبدالله<sup>۲</sup> بن امام زین العابدین علیه‌السلام و چهار نفر از نسل عمرالاشرف<sup>۳</sup> بن امام زین العابدین علیه‌السلام].

اما آن چهار نفر که از نسل عبدالله بن امام زین العابدین علیه‌السلام می‌باشند:

اول: حمزه بن احمد بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن عبدالله الباهر بن امام زین العابدین علیه‌السلام است که این امام‌زاده، جدّ امام‌زاده سلطان محمد شریف می‌باشد. در تاریخ قم مذکور است که حمزه بن احمد از ناحیت طبرستان، به قم آمد، پس از کشتن حسن بن زید برادرش را حسین بن احمد کویکی و هر دو پسرش ابوجعفر محمد و ابوالحسن علی بن حمزه بن احمد بن محمد با او بودند و با او به زبان طبری سخن می‌گفتند. چون حمزه، به قم آمد و به قم ساکن شد، قم را وطن ساخت [و] چون وفات یافت او را در مقبره بابلان دفن کردند.<sup>۴</sup>

و در کتاب عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب، مذکور است که او معروف است به: «حمزه القمی».<sup>۵</sup>

دویم: فرزندش ابوجعفر بن حمزه [که] بعد از پدر رئیس و پیشوا گشت و وفات یافت و او را به مقبره بابلان آنجا که مشهد اوست دفن کردند.<sup>۶</sup>

سیم: پسرش ابوالقاسم<sup>۷</sup>، جوانی کامل و فاضل و عاقل، پیشوا و مقدّم سادات شد و تقابّت علویّه، به شهر قم به او راجع گردید و در شهر شوال سنه خمس و اربعین و ثلاثاً، به حج رفت و معزالدوله و سادات عراق و حجاز، او را گرامی داشتند و در سنه ستّ و اربعین و ثلاثاً، به قم مراجعت نمود و مقدم و پیشوا بود؛ تا اینکه در روز جمعه سلخ شهر شعبان المعظم، وفات کرد و او را در قبه متصله به قبر پدرش، دفن کردند و این ابوالقاسم علی بن محمد پدر شاهزاده سلطان

۱. تاریخ قم، ص ۲۲۶.

۲. عبدالله باهر فرزند امام علی فرزند امام حسین علیه‌السلام. مادر وی و امام باقر علیه‌السلام، فاطمه دختر امام حسن علیه‌السلام بود از تاریخ تولد و وفات او اطلاعی در دست نیست؛ جز اینکه نوشته‌اند وی در ۵۷ سالگی دیده از جهان فرو بست. او از پدر خود روایت کرده است: رجال طوسی، ص ۹۵؛ المجدی، ص ۱۴۳؛ الفخری، ص ۳۳-۳۴؛ الاصبی، ص ۱۴۵، ۲۲۲-۲۲۳؛ تهذیب الانساب، ص ۱۴۷؛ الارشاد مفید، ۱۶۹/۲؛ کشف الغمّه، ۱۲۸/۲؛ عمده الطالب، ص ۲۵۲.

۳. ابوحفص یا ابوعلی، عمر اشرف فرزند امام علی فرزند امام حسین علیه‌السلام، فاضل و محدث جلیل‌القدر که از برادرش امام باقر علیه‌السلام و از امام صادق علیه‌السلام روایت

کرده است. تاریخ تولد و وفات وی دانسته نیست؛ ولی نوشته‌اند که ۶۵ یا ۷۰ سال زندگی کرد: رجال طوسی، ص ۱۲۷، ۲۵۱؛ رجال ابن داود، ص ۱۴۵؛ الارشاد مفید، ۱۷۰/۲؛ المجدی، ص ۱۴۸؛ الفخری، ص ۳۴-۳۵؛ الاصبی، ص ۱۴۵، ۲۷۶؛ تهذیب الانساب، ص ۱۴۷، ۱۸۵؛ الشجره المبارکه، ص ۷۳، ۱۲۱؛ لباب الانساب، ۲۲۸/۱، ۳۸۰، ۳۸۲ و ۵۵۶/۲.

۴. ابوالقاسم، حمزه‌الاکبر فرزند احمد فرزند محمد فرزند اسماعیل فرزند محمد فرزند عبدالله باهر (قرن سوم هجری)، از اشراف سادات علوی و از سادات حسینی سجادی وجد امام‌زاده جلیل‌القدر سلطان محمد شریف است. تاریخ تولد و وفات وی دانسته نیست؛ اما نوشته‌اند که او به اتفاق برادران خود عبدالله مصری و ابوجعفر محمد و حسین کویکی و جعفر و برادرزادگان خود، در اهواز علیه المستعین بالله عباسی خروج کرد؛ ولی سرانجام شکست خوردند و نهضت کویکیه درهم شکسته شد و هر یک به جانی فرار کردند و حمزه با عائله خویش به قم آمد که با دو فرزندش محمد و علی، به زبان طبری سخن می‌گفتند و در شهر قم خاندان وی، به سادات حمزویه مشهور شدند و خود او به نام «حمزه قمی» شهرت یافت و همچنین به حمزه بهادر، چون حمزه از نسل عبدالله باهر بود و عوام الناس، باهر را «بهادر» می‌گفتند. پس از مرگ، وی را در مقبره بابلان به خاک سپردند و بر فراز قبر او قبه‌ای بنا نهادند: الاصبی، ص ۲۲۴؛ الفخری، ص ۳۴؛ لباب الانساب، ۲۸۹/۱؛ تهذیب الانساب، ص ۱۸۵؛ الشجره المبارکه، ص ۱۱۶؛ سراج الانساب، ص ۹۵؛ تاریخ قم، ص ۲۲۶؛ مرآة المعارف، ۳۷۳/۳؛ گنجینه آثار قم، ۳۹۸/۱-۴۰۱؛ نامه قم (فصلنامه)، سال اول، شماره‌های ۱ و ۲، ۲۶۷/۲؛ عمده الطالب، ص ۲۵۴.

۵. عمده الطالب، ص ۲۵۴؛ انوار المشعّین، ص ۲۱۸.

۶. ابوجعفر، محمد فرزند حمزه فرزند احمد فرزند محمد فرزند اسماعیل فرزند محمد فرزند عبدالله باهر «طبری». تاریخ تولد و وفات وی نیز، دانسته نیست. او پس از پدر، مکنّت و شوکتی یافت و مورد علاقه فراوان ناصر کبیر و ناصر صغیر قرار گرفت. وی سیدی جلیل‌القدر و باشوکت، خیرخواه و با سخاوت بود که دهکده طالقان از قرای کنار رودخانه را خریداری کرده و در آنجا رباطی برای اقامت کاروانها بنا نهاد و پلی هم بر روی رودخانه احداث نمود که هنوز هم پایرجاست. پس از وفات، او را در گنبد پدرش، در مقبره بابلان به خاک سپردند: تهذیب الانساب، ص ۱۸۵؛ الاصبی، ص ۲۲۴؛ الشجره المبارکه، ص ۱۱۷؛ مرآة المعارف، ۳۷۳/۳؛ گنجینه آثار قم، ۴۰۱/۱؛ تاریخ قم، ص ۲۲۶-۲۲۷؛ نامه قم (فصلنامه)، سال اول، شماره‌های ۱ و ۲، ۲۶۷/۲؛ انوار المشعّین، ص ۲۱۸.

۷. ابوالقاسم، علی فرزند محمد فرزند حمزه فرزند احمد فرزند محمد فرزند اسماعیل فرزند محمد فرزند عبدالله باهر (م ۳۴۶ ق). وی پس از مرگ پدر، جوانی با کفایت و درایت، دارای عقل و فضیلت بود و چندان مورد توجه سادات قم گردید که از ناحیه رکن الدوله به معرفی ابن عمید، به سمت نقابت علویان در قم و آوه، برگزیده شد و به پاس حق شناسی از خدمات او، از ناحیه رکن الدوله، دهکده فاردان که خالصه دولت بود، به او بخشیدند. عظمت وی تا آنجا بالا گرفت که وقتی در سال ۳۴۴ قمری، از مکه به بغداد، وارد شد، معزالدوله دیلمی، خود برای دیدار با او رفته و بسیار او را تجلیل نموده است و به خواهش علمای بغداد، مدت یک سال در عراق توقف کرد و در ماه ربیع‌الاول سال ۳۴۶ به قم بازگشت و در شعبان همان سال در قم، دیده از جهان فرو بست. جسد وی نیز، در مقبره بابلان، به خاک سپرده شد و بر فراز قبر او قبه‌ای مجلل بنا کردند. وی علی فرزند حمزه، عموی خویش را وصی خود و کفیل فرزندش ابوالفضل ساخته بود: الشجره المبارکه، ص ۱۱۷؛ تاریخ قم، ص ۲۲۶؛ مرآة المعارف، ۳۷۳/۳؛ گنجینه آثار قم، ۴۰۲/۱؛ نامه قم (فصلنامه)، سال اول، شماره‌های ۱ و ۲، ۲۶۷/۲؛ انوار المشعّین، ص ۲۱۹.

محمد شریف می‌باشد.<sup>۱</sup>

چهارم: علی بن حمزة القمي<sup>۲</sup> المذکور، برادر محمد بن حمزه، بعد از ذکر بعضی از حالات او می‌فرماید که: در قم وفات کرد، در آنجا که مشهد برادرش می‌باشد، در بابلان دفن کردند و معلوم می‌شود که این چهار نفر امام‌زاده، خودشان بقعه علاحده داشته‌اند و الحال هیچ اثری از قبر و بقعه آنها نیست.

اما آن چهار نفر امام‌زاده که از نسل حضرت سید سجاد<sup>علیه السلام</sup> و از اولاد عمر الاشرف بن امام زین العابدین<sup>علیه السلام</sup> که در بابلان مدفون‌اند: اول: عبدالله<sup>۳</sup> بن محمد بن علی بن عمر بن امام زین العابدین<sup>علیه السلام</sup> است که در تاریخ قم، مذکور است که: «آمد به قم و در قم ساکن گشت و رئیس و پیشوای سادات و قمیین گردید و مردی بود عالم و فاضل و متقی. در سن کهنولت از دنیا رفت و در مقبره بابلان مدفون گردید».<sup>۴</sup> دویم: ابوعلی، احمد<sup>۵</sup> بن علی بن محمد بن عمر بن امام زین العابدین<sup>علیه السلام</sup> در تاریخ قم، بعد از ذکر بعضی از حالات او می‌فرماید که: «در قم وفات نمود و او را به مقبره بابلان، به مشهدی که به او معروف است، دفن کردند».<sup>۶</sup>

سیم: پسر دیگر ابو محمد، حسن بن احمد مذکور می‌باشد. در تاریخ قم، مذکور است که: «در روز دوشنبه، نه روز از ماه صفر مانده بود، در سنه ۳۴۹ وفات کرد و او را نزد قبر برادرش ابو جعفر به مقبره بابلان دفن کردند».<sup>۷</sup>

چهارم: قبر ابوعلی، احمد بن حسن بن احمد<sup>۸</sup> مذکور است که در تاریخ قم،<sup>۹</sup> نوشته است که: «روز پنجشنبه ماه ربیع الآخر سنه ۳۷۱، در قم وفات کرد و او را نزدیک قبر پدرش حسن بن احمد، به مقبره بابلان، دفن نمودند».

مؤلف کتاب گوید که افسوس و هزار افسوس که معلوم نیست که این امام‌زادگان عالی مقام، در چه محلی از قبرستان بابلان می‌باشند و حال آنکه از تاریخ قم،<sup>۱۰</sup> چنین مستفاد می‌شود که از برای آنها مشهدی و بقعه‌ای علی حدّه بوده است و مخفی نماناد که عمر بن امام زین العابدین<sup>علیه السلام</sup> را برای این عمر اشرفش گویند: به جهت امتیاز او از عمر بن علی و اشرف را مخصوص به او نمودند، به جهت آنکه جدّه او فاطمه زهرا<sup>علیها السلام</sup> می‌باشد، به خلاف عمر بن امیر المؤمنین<sup>علیه السلام</sup>.

(ادامه دارد)

چهارساله بود که پدر خود را از دست داد و تکفل او به عهده عمویش بود تا به سن رشد رسید و موقعیت بسیار بالایی یافت و مجموع ما ترک پدری را از سرپرست و عم خود تحویل گرفت. وی پس از مرگ عمویش علی فرزند حمزه، در سال ۳۸۵ قمری، از جانب فخرالدوله به سمت نقابت سادات قم و آوه برگزیده شد و در سال ۴۰۰ قمری، از جانب مجددالدوله، به خاطر خدمتی که به او کرده بود، به عنوان نقیب النقبای عراق منصوب گردید و «سلطان محمد شریف» نامیده شد. در سال ۴۲۹ قمری در حکومت علاء الدوله کاکویه در ری دیده از جهان فرو بست و جسد وی به قم انتقال یافت و در کاخ و باغ تفرجگاه او، در شمال رودخانه به خاک سپرده شد و پس از انتقال شهر به مکان کنونی، این محله به نام «کوی سلطان محمد شریف» خوانده شد: تاریخ قم، ص ۵۳-۵۴، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۹؛ گنجینه آثار قم، ۴۰۲/۱ و ۴۳۶/۲-۴۳۹.

۲. ابوالحسن، علی فرزند حمزه فرزند احمد فرزند محمد فرزند اسماعیل فرزند محمد فرزند عبدالله باهر (م ۳۸۵ ق)، از سادات حسینی کوی است. تاریخ تولد وی دانسته نیست. او بنا بر وصیت ابوالقاسم، علی فرزند محمد برادرزاده خود، عهده‌دار مقام نقابت و وصایت و قیمومت بر ابوالفضل، محمد گردید و مدت چهل سال در سمت نقابت سادات قم و آوه برقرار ماند و چندان شوکت و عظمت یافت که ابوالفضل، محمد شریف در اندیشه احراز مقام نقابت هم با وجود وی بر نیامد، با اینکه او حاضر بود به نفع برادرزاده خود از این سمت کناره‌جویی نماید. ولی با ریاست و شیخوخت و سیادت و مقبولیتی که وی کسب کرده بود، مصلحت ابوالفضل، محمد در قبول نقابت با وجود او نبود. به هر صورت علی فرزند حمزه در سال ۳۸۵ قمری رحلت یافت و جسد او را به بابلان برده، در گنبد برادرش ابو جعفر محمد فرزند حمزه دفن کردند: المسجدی، ص ۱۴۵-۱۴۶؛ تهذیب الانساب، ص ۱۸۵؛ الشجرة المباركة، ص ۱۱۷؛ تاریخ قم، ص ۲۲۶-۲۲۷؛ گنجینه آثار قم، ۴۰۲/۱-۴۰۳؛ نامه قم (فصلنامه)، سال اول، شماره‌های ۱ و ۲، ۲۶۷/۲؛ انوار المشعّین، ص ۲۱۹.

۳. شرح حالی از عبدالله فرزند محمد، در کتابهای نسب نیافتم.

۴. تاریخ قم، ص ۲۳۲.

۵. ابوعلی، احمد فرزند علی فرزند محمد فرزند عمراالوسط فرزند علی فرزند عمر اشرف، تاریخ تولد و وفات وی دانسته نیست و مؤلف، نسب او را ناقص ذکر کرده است. او در قم دیده از جهان فرو بست و در مقبره بابلان به خاک سپرده شد: تاریخ قم، ص ۲۳۲، ۲۳۳؛ انوار المشعّین، ص ۲۱۹؛ تهذیب الانساب، ص ۱۸۸-۱۸۹ که او را: ابوعلی، احمد فرزند علی شجری «صاحب الخال» معرفی کرده است؛ الشجرة المباركة، ص ۱۲۷؛ سراج الانساب، ص ۱۱۳؛ الفخری، ص ۳۸؛ الاصلی، ص ۲۷۷؛ گنجینه آثار قم، ۴۰۳/۱-۴۰۶.

۶. تاریخ قم، ص ۲۳۲، ۲۳۳.

۷. ابو محمد، حسن فرزند احمد فرزند علی فرزند محمد (م ۳۴۹ ق) که در قم اعیانی داشته است: تهذیب الانساب، ص ۱۸۹؛ الشجرة المباركة، ص ۱۲۶؛ الاصلی، ص ۲۷۷؛ تاریخ قم، ص ۲۳۳؛ انوار المشعّین، ص ۲۱۹؛ گنجینه آثار قم، ۴۰۶/۱.

۸. ابوعلی، احمد فرزند حسن فرزند احمد فرزند علی فرزند محمد (م ۳۷۱ ق)، از تاریخ تولد وی اطلاعی در دست نیست؛ اما نوشته‌اند که او در قم منصب نقابت داشته و دارای اعیانی بوده است و در روز شنبه از ربیع الآخر ۳۷۱، دیده از جهان فرو بسته و در مقبره بابلان نزدیک قبر پدرش حسن فرزند احمد، به خاک سپرده شده است: تهذیب الانساب، ص ۱۸۹؛ تاریخ قم، ص ۲۳۳؛ انوار المشعّین، ص ۲۱۹؛ گنجینه آثار قم، ۴۰۶/۱.

۹. تاریخ قم، ص ۲۳۳.

۱۰. تاریخ قم، همانجا.

۱. ابوالفضل، محمد فرزند علی فرزند محمد فرزند حمزه فرزند احمد «سلطان محمد شریف» (۳۴۰-۴۲۹ ق)، نقیب النقبای عراق و از سادات جلیل‌القدر. وی

# در جهان کتاب

محمد باقر بدوی

## بخش دوم:

### رده‌بندی کتابخانه کنگره آمریکا

#### پیشگفتار

همان گونه که در مقدمه شماره قبل عنوان شد، سلسله مطالب «در جهان کتاب» نگاهی گذرا به معرفی اجمالی مباحث عمومی کتابداری برای علاقه‌مندان و کارکنان غیرکتابدار و غیر تخصصی کتابخانه‌ها دارد.

بخش دوم این مجموعه، ویژه معرفی «رده‌بندی کتابخانه کنگره آمریکا» است که آشنایی با آن، نه تنها برای کارکنان کتابخانه‌ها، بلکه برای هر کسی که با کتاب سروکار دارد، مفید و شاید لازم باشد.

#### رده‌بندی کتابخانه کنگره آمریکا<sup>۱</sup>

کتابخانه کنگره آمریکا در سال ۱۸۰۰ م، به انگیزه ایجاد مرکزی تحقیقی برای اعضای کنگره آمریکا تأسیس گردید و توانست طی سالیان متعددی و با وجود دو بار آتش‌سوزی و پشت سر نهادن فراز و نشیبهای فراوان، آن چنان به سیر صعودی خود ادامه دهد که امروزه، نه تنها به عنوان کتابخانه ملی آمریکا، بلکه به تعبیری عام، به عنوان کتابخانه ملی جهان ایفای نقش کند.

منابع انبوه این کتابخانه، براساس سیستمی که خود کتابخانه - توسط کتابدار خود دکتر هربرت پوتنام<sup>۲</sup>، در اواخر قرن نوزدهم میلادی - مخترع آن بوده، رده‌بندی و اداره می‌شود.

مسئولان کتابخانه کنگره آمریکا، هر چند این طرح را، براساس کتابهای موجود در کتابخانه کنگره، برای خودشان تنظیم نموده و هرگونه مسئولیتی را در قبال استفاده کتابخانه‌های دیگر، از خود سلب کرده‌اند؛ اما دلایلی چون: (۱) در دسترس داشتن قریب به اتفاق منشورات جهان؛ (۲) بهره‌مندی از امکانات وسیع مالی و تجهیزاتی؛ (۳) مراجعه بی‌شمار محققان جهان به این کتابخانه؛ (۴) نتایج قابل قبول این طرح و... سبب شد که آوازه این رده‌بندی، شهرت جهانی یابد؛ به گونه‌ای که نه تنها در ایالات متحده و قاره آمریکا، بلکه در بیشتر کتابخانه‌های بزرگ جهان، نفوذش را رواج دهد و به تنهایی - و یا حداقل در کنار سایر رده‌بندیها - به قله رفیع جهان کتابداری دست یازد.

#### اساس رده‌بندی کتابخانه کنگره آمریکا

رده‌بندی کتابخانه کنگره آمریکا، یک رده‌بندی موضوعی است که اساس آن، ترکیبی از حروف و شماره می‌باشد که رده‌های اصلی، به وسیله حروف بزرگ و رده‌های فرعی و فرعی‌تر، توسط مجموعه‌ای از شماره‌ها و حروف، نمایش داده می‌شود.

به تعبیر دیگر، شناسه این رده‌بندی که از سمت چپ خواننده

1. Library Of Congress Classification.

2. Herbert Putnam.

R	پزشکی
S	کشاورزی، پرورش گیاهان و دامداری
T	تکنولوژی (فن آوری)
U	علوم نظامی
V	علوم دریانوردی
Z	کتاب‌شناسی و علوم کتابداری

هر کدام از این رده‌های اصلی نیز به رده‌های فرعی، تقسیم می‌شوند که برای نمونه، به بعضی از آنها اشاره می‌گردد:  
 رده اصلی «A»، به رده‌های فرعی ذیل تقسیم می‌شود:

C	مجموعه‌ها، مقاله‌ها و مرجعها و ...
E	دایرة المعارفها
G	لغت‌ها و فرهنگها و ...
I	اندکسها
M	موزه‌ها و ...
N	روزنامه‌ها
P	نشریه‌های ادواری و ...
S	انجمنهای علمی و ...
Y	تقویم و ...
Z	تاریخ عمومی دانش و ...

رده اصلی «B»، به رده‌های فرعی ذیل تقسیم می‌شود:

C	منطق
D	فلسفه نظری و ...
F	روان‌شناسی
H	زیباشناسی
J	اخلاق
L	دین (و خدا)شناسی
M	یهودیت
P	مذاهب اسلامی و ...
R	تاریخ کلیسا
⋮	⋮

۱. به عنوان نمونه، رده‌های اصلی رده‌بندی کنگره، بیش از دو برابر رده‌های اصلی رده‌بندی دیویی می‌باشد.

می‌شود، دارای دو بخش است:

- یک یا دو حرف بزرگ که نشان دهنده رده اصلی و اولین رده، از رده‌های فرعی است.

- ترکیبی از حروف کوچک و شماره که نشان‌دهنده تقسیم‌های فرعی تر می‌باشند.

در ساختار اولیه این طرح، از برخی حروف استفاده نشده است که همین امر، رده‌بندی کنگره را قابل انعطاف با نیازهای عصرهای مختلف نموده و به آیندگان این امکان را داده و می‌دهد که موضوعهای جدید را هم به رده‌های اصلی اضافه نمایند.

امتیازهای بارز رده‌بندی کنگره به این شرح است:

یک. در آن فقط از شماره استفاده نشده؛ بلکه در کنار آنها از حروف الفبا نیز استفاده شده است.

دو. رده‌های اصلی آن، نسبت به سایر رده‌بندیها، موضوعهای علمی بیشتری را دربرمی‌گیرد.<sup>۱</sup>

سه. نه تنها هیچ‌گونه انحصاری در رده‌های اصلی آن وجود ندارد؛ بلکه، این امکان و انعطاف که علوم جدید هم به آن اضافه شود را داراست.

تاکنون در رده‌های اصلی رده‌بندی کنگره آمریکا، موضوعهای ذیل جای گرفتند:

A	آثار عمومی، کلیات، مجموعه آثار
B	فلسفه، مذهب
C	تاریخ (علوم کمکی تاریخ)
D	تاریخ، موقعیت جغرافیایی (به غیر از آمریکا)
E	تاریخ عمومی آمریکا
F	تاریخ محلی ایالات متحده آمریکا
G	جغرافیا، مردم‌شناسی
H	علوم اجتماعی
J	علوم سیاسی
K	حقوق (قانون)
L	آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت)
M	موسیقی
N	هنرهای زیبا
P	زبان و ادبیات
Q	علوم محض

رده اصلی «N»، به رده‌های فرعی ذیل تقسیم می‌شود:

A	معماری
B	مجسمه‌سازی
C	هنرهای ترسیمی و ...
D	نقاشی و ...
E	چاپ و ...
K	هنرهای تزئینی و ...
X	هنرهای اجرایی و ...

رده اصلی «Q»، به رده‌های فرعی ذیل تقسیم می‌شود:

A	ریاضی
B	نجوم
C	فیزیک
D	شیمی
E	زمین‌شناسی
H	زیست‌شناسی
K	گیاه‌شناسی
L	جانورشناسی
M	کالبدشناسی انسانی
P	فیزیولوژی
R	باکتری‌شناسی <sup>۱</sup>

حرف «B» نشان‌دهنده رده اصلی، یعنی «فلسفه، مذهب» است؛ حرف «M» نشان‌دهنده رده فرعی آن، یعنی «یهودیت» می‌باشد. مانند هر رده‌بندی، نکته مثبت رده‌بندی کنگره این است که رده‌های فرعی آن قابلیت تقسیم به موضوعهای فرعی‌تر را دارد. برای این کار، در طرح کنگره، ظرفیتهایی پیش‌بینی شده که محقق می‌تواند با استفاده از آنها، به موضوعهای ریزتر و فرعی‌تر هم نایل شود.

به عنوان نمونه:

نمونه اول) علم فیزیک که دارای شناسه «QC» در این رده‌بندی است<sup>۲</sup>، به زیر مجموعه‌های ذیل تقسیم می‌گردد:

1	مجلدات، انجمنها و ...
3	مجموعه تألیفات و آثار
5	فرهنگها
7	تاریخ
⋮	⋮
30	مطالعه و آموزش
51	آزمایشگاه‌ها
53	وسایل کار و دستگاه‌ها
61	جدولها
71	مقاله‌های تحقیقی، سخنرانها و ...
73	نیرو و توان
75	بجتهای مطالب پراکنده

این دو رده (رده اصلی و رده فرعی) با حروف الفبای بزرگ انگلیسی نشان داده می‌شوند که از سمت چپ، اولین حرف، نشانه رده اصلی و دومین حرف، نشانه رده فرعی می‌باشد.

به عنوان نمونه:

کسی که خواهان دسترسی به موضوع «روزنامه‌ها» در رده‌بندی کنگره است، باید از طریق شناسه «AN» وارد شود:

حرف «A» نشان‌دهنده رده اصلی، یعنی «آثار عمومی» است؛

حرف «N» نشان‌دهنده رده فرعی آن، یعنی «روزنامه‌ها»

می‌باشد.

یا کسی که خواهان دسترسی به موضوع «یهودیت» است، باید

شناسه «BM» را جستجو نماید:

محققی که خواستار کتابی با موضوع «مقاله‌های تحقیقی درباره فیزیک» باشد، باید شناسه «QC۷۱» را انتخاب نماید. به این گونه که از چپ به راست:

حرف «Q» نشان‌دهنده رده اصلی، یعنی «علوم» است؛

حرف «C» در تقسیمهای فرعی علوم، نشان‌دهنده «فیزیک»

است؛

۱. به علت حجم زیاد، از ذکر زیر مجموعه‌های همه رده‌های اصلی صرف‌نظر شد. علاقه‌مندان می‌توانند به کتاب درآمدی بر رده‌بندی علوم، اثر محمدباقر مقدم، ص ۵۶۵-۵۷۷، مراجعه نمایند.

۲. حرف «Q» نشان‌دهنده رده اصلی، یعنی «علوم محض» و حرف «C» نشانه رده فرعی آن، یعنی «فیزیک» است.

جدول شماره گذاری ویژه‌ای برای خود تنظیم نمایند که طرح «جبران بخعازی» - کتابدار کتابخانه دانشگاه آمریکایی بیروت - از نمونه آنهاست.<sup>۶</sup> در همین راستا، مرکز خدمات کتابداری ایران هم، برای فارسی زبانان، جدول ویژه‌ای تنظیم نموده است که بر اساس آن، دستیابی به هر کتابی، به آسانی امکان پذیر می‌شود.

به مجموعه شماره رده‌بندی و شماره مؤلف، «شماره راهنما» گویند. در ساخت شماره راهنما، از سمت چپ، ابتدا شناسه رده‌بندی کنگره آورده می‌شود، پس از آن حرف اول نام مؤلف و حرف اول نام اثر و شماره ویژه حرف دوم نام مؤلف و حرف دوم نام اثر - که از جدول ذیل استخراج می‌گردد - آورده می‌شود.

\* اگر حرف اول نام مؤلف و یا اثر، «الف یا آ» باشد، شماره ویژه حرف دوم آن چنین است:

ب، پ، ت، ث «۲»؛ ج، چ، ح، خ «۳»؛ د، ذ، ر، ز، ژ «۴»؛ س، ش «۵»؛ ص، ض، ط، ظ، ع، غ «۶»؛ ف، ق، ک، گ، ل «۷»؛ م، ن، و «۸»؛ ه، ی «۹».

\* اگر حرف اول نام مؤلف و یا اثر، «م» باشد، شماره ویژه حرف دوم آن چنین است:

الف، ب، پ، ت، ث «۲»؛ ج، چ، ح، خ «۳»؛ د، ذ، ر، ز، ژ «۴»؛ س، ش «۵»؛ ص، ض، ط، ظ، ع، غ «۶»؛ ف، ق، ک، گ، ل «۷»؛ ن، و «۸»؛ ه، ی «۹».

\* و اگر حرف اول نام مؤلف و یا اثر، سایر حروف بی‌صدا باشد، شماره ویژه حرف دوم آن چنین است:

الف، ب، پ، ت، ث «۲»؛ ج، چ، ح، خ «۳»؛ د، ذ، ر، ز، ژ «۴»؛ س، ش «۵»؛ ص، ض، ط، ظ «۶»؛ ع، غ، ف، ق «۷»؛ ک، گ، ل «۸»؛ م، ن، و «۹».

شماره «71» در تقسیم‌های فرعی فیزیک، نشان‌دهنده «مقاله‌ها و سخنرانی‌های درباره فیزیک» می‌باشد.

نمونه دوم) شناسه «PK» نماینده عنوان «زبان و ادبیات ایران و...» می‌باشد.<sup>۱</sup> در این شناسه: ظرفیت «۶۱۲۱ تا ۶۱۲۹»، به موضوع «زبان و ادبیات فارسی پیش از اسلام»؛ و ظرفیت «۶۲۰۱ تا ۶۵۹۹»، به موضوع «زبان و ادبیات فارسی قرون اسلامی» اختصاص یافته است.

چنان که محققى بخواهد به مطالبی درباره «مولوی» یا «سعدی» که از شعرای قرون اسلامی هستند، دست یابد، باید به ترتیب:

ابتدا به شناسه «P»، یعنی «زبان و ادبیات» وارد شود؛ پس از آن، وارد فرعی «K»، یعنی «زبان و ادبیات ایران و...» گردد؛ و سپس با کاوش در فرعیهای «۶۲۰۱ تا ۶۵۹۹»، یعنی «زبان و ادبیات قرون اسلامی»، شناسه مطلب مورد نظر خود را استخراج نماید: شناسه «PK6480»، موضوع اختصاصی «مولوی»<sup>۲</sup>؛ شناسه «PK6540»، موضوع اختصاصی «سعدی»<sup>۳</sup> می‌باشد.

## نشانه مؤلف

همان گونه که عنوان شد، هدف اصلی در رده‌بندیها، دسترسی آسان به کتاب مورد نظر، در کتابخانه‌هاست. طرح رده‌بندی کتابخانه کنگره هم، یکی از مهم‌ترین ابزارها برای تحقق این هدف است؛ اما در مواردی که در یک موضوع خاص مثل: «اخلاق اسلامی» که دارای کتابهای متعدد از نویسندگان مختلف است، دستیابی دقیق یک کتاب، به آسانی امکان‌پذیر نیست و شماره رده‌بندی کنگره، به تنهایی قادر نیست که این وظیفه را انجام دهد. به همین منظور پیش‌بینی شد که در این گونه موارد، در امتداد شماره رده‌بندی، شماره مؤلف (یا به تعبیر صحیح‌تر: شماره اثر) اضافه شود.

شماره مؤلف، شناسه‌ای است مرکب از حرف و شماره که با استخراج آنها، از نام مؤلف و جدول ویژه<sup>۴</sup>، می‌توان در میان مجموعه‌ای از کتابهایی که موضوع مشترک دارند، به کتاب مورد نظر خود دست یافت.

چارلز آمی کاتر<sup>۵</sup>، اولین کسی بود که جدول شماره دادن به مؤلف را تهیه نمود؛ اما از آنجایی که ساختار این جدول از الفبای انگلیسی بود، امکان استفاده از آن برای شماره گذاری مؤلفان فارسی و عربی وجود نداشت. به همین جهت، برخی از کتابخانه‌های بزرگ کشورهای که از زبان انگلیسی استفاده نمی‌کنند، بر آن شدند که

۱. حرف «P» نشان‌دهنده رده اصلی، یعنی «زبان و ادبیات» و حرف «K» نشانه رده فرعی آن، یعنی «زبان و ادبیات ایران و...» است.  
 ۲. شناسه «PK6480 A1»، نشانه کتاب مثنوی معنوی مولانا است.  
 ۳. شناسه «PK6540 B2»، نشانه کتاب بوستان و شناسه «PK6540 G2»، نشانه کتاب گلستان سعدی است.  
 ۴. بر حسب معمول، این جدول را می‌توان از کتابخانه‌هایی که از این طرح استفاده می‌کنند، تهیه کرد.  
 ۵. Charles A. Cutter، کتابدار کتابخانه بوستون آنتانیموم آمریکا است.  
 ۶. برای اطلاع بیشتر، رجوع شود به: «دانشتهای کتابداری، اثر مظاهری تهرانی و فقیهی، ص ۱۵۳-۱۵۸».



به عنوان مثال:

نمونه اول) کتاب تاریخ قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، اثر جواد منصورى، دارای شناسه «۲ ت ۸ م / ۱۵۳۳ DSR» می‌باشد.

شناسه بالا، این گونه به دست می‌آید:

- «۱۵۳۳ DSR» شماره رده‌بندی این موضوع، در طرح کنگره

است؛

- حرف «م»، حرف اول نام مؤلف است؛

- شماره «۸»، شماره ویژه‌ای است که از جدول بالا به دست

می‌آید (به این صورت که حرف دوم نام مؤلف، «ن» است و عدد ویژه

«ن» در این جدول، «۸» می‌باشد)؛

- حرف «ت»، حرف اول نام کتاب است؛

- شماره «۲»، شماره ویژه‌ای است که باز از جدول بالا استخراج

می‌گردد (به این صورت که حرف دوم نام اثر، «الف» است و عدد ویژه

«الف» در این جدول، «۲» می‌باشد).

در نمونه‌ای که گذشت، حرف «ن»، حرف دوم نام مؤلف است

و چون حرف اول نام مؤلف «م» است، باید در جدول بالا، به

حروف پس از حرف «م» مراجعه کرد. در این بند جدول، عدد

ویژه حرف «ن»، «۸» می‌باشد و یا اینکه حرف دوم نام اثر،

«الف» است و چون حرف اول «ت» می‌باشد، باید در جدول، به

بند حروف پس از حروف بی‌صدا مراجعه نمود که عدد «۲» استخراج می‌شود.

نمونه دوم) کتاب رژیم شاه و آزمون‌گیری از طلاب، اثر علیرضا کریمی، دارای شناسه «۴ ر ۴ ک / ۷/۴ BP» می‌باشد.

این شناسه نیز، چنین به دست می‌آید:

- «۷/۴ BP»، شماره رده‌بندی این موضوع، در طرح کنگره

است؛

- حرف «ک»، حرف اول نام مؤلف است؛

- شماره «۴»، شماره ویژه حرف دوم نام مؤلف، یعنی «ر» است که

از جدول استخراج می‌شود؛

- حرف «ر»، حرف اول نام اثر است؛

- شماره «۴»، شماره ویژه حرف دوم اثر، یعنی «ز» است که از

جدول استخراج می‌گردد.

به هر حال این رده‌بندی نیز، همچون رقیبش، «رده‌بندی دیویی»،

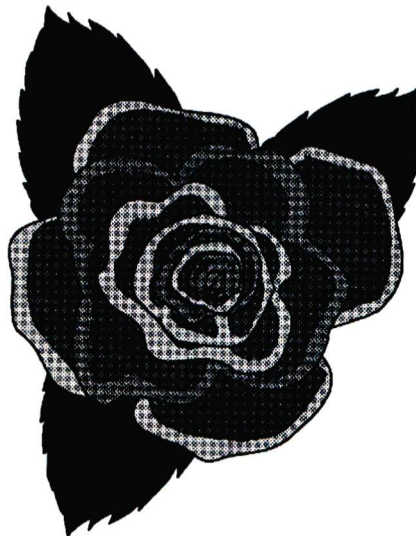
در بخش «موضوعهای اسلامی»، نقطه ضعفهایی دارد و جواب‌گوی

همه خواسته‌ها، در مورد رده‌بندی علوم اسلامی نیست.

امید است ترمیمهای مقطعی رده‌بندیهای غربی و استفاده از آنها،

موجب غفلت کتابداران کشورهای اسلامی، نسبت به حلّ اساسی این

مشکل در دنیای کتابداری نشود.



## بخش اول

به عقیده بسیاری از محققان، سرآغاز قیام علمای معاصر که منجر به تشکیل حکومت اسلامی در ایران شد، به ماههای پس از رحلت آیت الله العظمی بروجردی رحمته برمی گردد که رژیم پهلوی به خیال ضعیف شدن جایگاه روحانیون، تصمیم گرفت که آنان

را، به کلی، از صحنه اجتماعی کشور منزوی کند و راه را برای اجرای مقاصد شیطانی خود هموار نماید.

اما سلسله حوادثی که از جریان لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی - در پاییز ۱۳۴۱ ش - تا

پیروزی انقلاب اسلامی - در زمستان ۱۳۵۷ ش - در ایران به وقوع پیوست، ثابت کرد که این فکر خام، خیالی

بیش نبوده است و مراجع بیدار دل معاصر، همانند همه آیات روشن ضمیر تاریخ اسلام، پرچم برافراشته‌ای که از اسلاف خود گرفته بودند، با قدرت و اقتدار پاس داشته و با تحویل آن به آیندگان و در انتها به حضرت بقیه الله الاعظم «عج»، نام خود را در جریده پاسداران حقیقی اسلام ثبت می نمایند.

آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته از نمونه‌های بارز این سلسله بزرگ مراجع بودند که در این هفده سال، حضوری برجسته داشته و لحظه به لحظه با حمایت از امام و تأیید قیام، راه را بر هر گونه شائبه‌ای بستند؛ و حتی در چهارده سالی که امام در کشور حضور نداشتند، به گونه‌ای مستقیم، هدایت و رهبری نهضت را بردوش گرفته و خالق ماندنیهای فراوان در تاریخ انقلاب اسلامی شدند.

تحلیل کامل این دوران و بررسی سیر جامعی از زندگی سیاسی معظم له، - در سه بخش: الف. ولادت تا ۱۳۴۱ ش؛ ب. سالهای ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ ش؛ ج. پیروزی انقلاب تا رحلت - به زودی از سوی انتشارات کتابخانه ایشان منتشر می شود.

مجموعه حاضر، منتخبی از بخش دوم این کتاب است که طی چند شماره، نگاهی به نقش ارزنده معظم له در مهم ترین حوادث سالهای ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ ش دارد.

# یاور انقلاب

نقش آیت الله العظمی مرعشی نجفی  
در تکوین انقلاب اسلامی

محمّد باقر بدوی

نقش آیت الله العظمی مرعشی  
نجفی رحمته در لغو لایحه  
انجمنهای ایالتی و ولایتی

رژیم پهلوی که در طول حیات خود، علمای اسلام را مانعی بر استمرار هدفهای شومش می دید،

گمان برد که با فوت دو وزنه محکم روحانیت - حضرات آیات بروجردی

و کاشانی رحمته - در سال ۱۳۴۰ ش، موقعیتی به وجود آمد

که از جامعه روحانیون، به ویژه مراجع، انتقام بگیرند و آنان را از صحنه سیاست منزوی نمایند.

در همین راستا تصمیم گرفتند که با اجرای نقشه‌ای، مراجع طراز اول آن روز را در دو راهی اعتراض و سکوت نسبت به اعمال رژیم قرار دهند. به گونه‌ای که اتخاذ هر کدام از دو صورت ممکن، سبب اعتراض مردم و از بین رفتن اعتبار روحانیت شود.

برای اجرای این نقشه، نخست دو مجلس سنا و شورای ملی را تعطیل نمودند و سپس در مهر ماه سال ۱۳۴۱، لایحه‌ای دو پهلو به نام: «لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی» را در هیئت دولت به تصویب رساندند که براساس آن:



الف. قید «اسلام» از شرایط انتخابات برداشته شد.  
 ب. زنان اجازه شرکت در انتخابات یافتند.  
 ج. سوگند به «کتاب آسمانی» در مراسم تحلیف مجلس جایگزین سوگند به «قرآن» گردید.  
 هر چند این طرح، علما را در مقابل اقشار مردم قرار می‌داد؛ چرا که سکوت آنها، ضمن آنکه می‌توانست مجوزی شرعی برای عملکرد شاه محسوب شود، اعتراض مردم را هم به دنبال خواهد داشت که بر فرض، چرا مراجع عظام - به ویژه مراجع مقیم قم - در مقابل لایحه مذکور - به ویژه نسبت به بند «الف» و «ج» آن - سکوت اختیار نمودند؟

و عکس‌العمل علما نیز، با واکنش قشر عظیمی دیگر از مردم - به ویژه زنان - همراه می‌شد که چرا مراجع مذهبی با آزادی و بلوغ اجتماعی زنان مخالف هستند.

به گمان طراحان طرح، رژیم فرصت می‌یافت که از این موقعیت به دست آمده، استفاده کند و ضمن منزوی ساختن جوّ مذهبی کشور، با خیالی راحت مقاصد شوم خود را جامه عمل بپوشاند.

اگر مراجع به عنوان رهبران دینی مردم، در مقابل این توهین آشکار به اسلام و قرآن (بند «الف» و «ج» لایحه) و هتک حرمت و استفاده ابزاری از زنان شیعی به نام آزادی نسوان (بند «ب» لایحه) سکوت می‌کردند؛ به یقین، می‌بایست در آینده‌ای نه چندان دور، شاهد تصویب لوایحی به انگیزه لغو رسمی اسلام از کشور می‌شدند؛ زیرا با تصویب این لایحه، اقلیتها، به ویژه فرقه ضالّه «بهایی» توان می‌یافتند که با استفاده از ابزار قانونی، امور این کشور شیعی را به دست بگیرند.

حذف قید «اسلام» به معنی آن بود که مسلمانان این کشور، با اکثریت قاطع، هیچ فرقی با اقلیت بهایی و یهودی و... نداشته باشند. تبدیل قید سوگند از قرآن به کتب آسمانی، سبب می‌شد که در مجلس این کشور اسلامی، نمایندگان، هیچ التزامی برای تصویب و اجرای دستورات اسلام نداشته باشند.

حذف قید ذکوریت، به خودی خود اهمیت خاصی نداشت؛ اما با توجه به انگیزه رژیم، حذف این قید پوششی بود نخست برای جلوگیری از افشای خیانت‌های حاصله از دو بند قبلی و در مرتبه بعد، راه کاری قانونی، جهت ورود زنان اندک بی‌بندوبار و وابسته رژیم به منصب‌های بالای مملکتی.

مخالفت مراجع با این بند، مخالفت با آزادی و حقوق زنان ایرانی نبود؛ بلکه مخالفت با آینده اسفباری بود که در انتظار زنان مسلمان بود، آینده‌ای که از آن غافل بودند.

به هر حال، با وجود این پیش‌بینیها، مراجع عظام قم بدون فاصله پس از اعلام رسمی لایحه مذکور، در یک اقدامی دوراندیشانه، در منزل مؤسس حوزه علمیه قم تشکیل جلسه دادند و به اتفاق آرا تصمیم گرفتند که با تمام قوا از کیان اسلام دفاع کنند.

در این جلسه، تصمیم گرفته شد که نخست نامه‌های اعتراض آمیزی برای شاه ارسال شود و در آن، عواقب و خطرات این طرح گوشزد گردد.

همانند همه آیات بیدار دل عظام، حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی نیز، در این برهه از زمان وارد صحنه شدند و نامه‌ای محترمانه برای شاه ارسال نمودند.<sup>۱</sup>

اما پس از حدود یک هفته که جوابیه اهانت آمیز شاه، با عنوان «حجت الاسلام»، به دست مراجع قم - و از جمله آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی - رسید<sup>۲</sup>، به جای آنکه به نصایح علما گوش کرده و به «عَلَم» - نخست وزیر وقت - تذکر دهد، شروع به موعظه مراجع کرد و در پایان هم، شکایت شاکیان را، به متهم (عَلَم)، حواله نمود.

پس از ارجاع موضوع به عَلَم، مراجع تصمیم گرفتند که جهت نشان دادن حسن نیت خود، مکاتباتی با نخست‌وزیر انجام دهند. لذا همگام با سایر مراجع، آیت‌الله‌العظمی مرعشی نیز، در تاریخ ۱۳۴۱/۷/۲۸ ش نامه‌ای برای اسدالله عَلَم، ارسال نمودند که در آن، ضمن رعایت اخلاق اسلامی و عنایت داشتن به مراتب نهی از منکر، مرقوم داشتند:

«... بسی افکار عموم طبقات بالاخص روحانیت نراحت و در اضطراب می‌باشد؛ لذا از باب خیرخواهی مستدعی است، جدأ و اکیداً از تصویب آن منع و از نشر چنین مقالاتی در جراید جلوگیری فرمایید...»<sup>۳</sup>

اما به دنبال عدم اعتنای «عَلَم» به خیرخواهیهای معظم‌له و سایر مراجع عظام، توجه اعتراضها از نو، متوجه شاه شد.

۱. متأسفانه این نامه تاکنون به دست نیامده است.

۲. مدنی، جلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ۱/۳۷۷.

۳. روحانی، حمید، اسناد انقلاب اسلامی، ۱/۲۹.

لذا در کمال ادب اسلامی و با مراعات موقعیت مخاطب، دومین نامه مرحوم آقا هم، در تاریخ ۱۳۴۱/۸/۱۷ ش برای شاه ارسال شد: «... علاوه بر عرض تلگراف سابق... راجع به منع مداخلات نسوان - که دامن با عفت آنان مهد پرورش رجال و شخصیت‌های بارز مملکتی است - در امر انتخابات انجمنهای ایالتی و ولایتی و غیر تحلیف به قرآن کریم و شرطیت اسلام و در منتخبین، استدعای صدور اوامر شاهانه را داشته...»<sup>۱</sup>.

معظم له در این نامه، در قالب چند جمله کوتاه، مخالفت خود را با هر سه رکن لایحه مذکور بیان داشته و به صراحت از شاه خواسته‌اند از موقعیتش استفاده کرده و این غایله را پایان دهد.

نکته جالب توجه در این مقطع از مبارزات علما با رژیم پهلوی این بود که همه آنان سعی می‌کردند که نسبت به شاه با لحن ملایم‌تری برخورد کنند. این گونه برخورد ناشی از ضعف یا ترس نبود؛ بلکه نشانه‌ای از کمال حسن نظر امام، آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (قدس سرهما) و دیگر مراجع عظام بود که می‌خواستند مشکلات را در آرامش حل نمایند.

آن بزرگواران در این فکر نبودند که در آن زمان شاه را سرنگون نموده و خود بر مسند حکومت بنشینند و یا یک روحانی مورد علاقه خود را در رأس قدرت قرار دهند، آنان فقط می‌خواستند که در این کشور شیعی، قانون اسلام حاکم باشد؛ بدون آنکه برای آنان مهم باشد که چه کسی در رأس حکومت قرار گیرد، ملاک، التزام عملی حاکم وقت به شریعت اسلام و شیعه بود.

نه تنها آیت‌الله مرعشی در اوان مبارزات، با لحن آرام و عنوان «اعلا حضرت همایونی»، از شاه درخواست حل و فصل غایله می‌نمودند؛ بلکه امام نیز، با همین لحن و با همین عنوان با شاه مکاتبه می‌کردند:

«حضور مبارک اعلا حضرت همایونی... اعلا حضرت را متوجه می‌کنم به اینکه اطمینان نفرمایید به عناصری که با چاپلوسی... می‌خواهند تمام کارهای خلاف دین و قانون را کرده و به اعلا حضرت نسبت دهند...»<sup>۲</sup>.

به هر حال این شیوه برخورد آرام، مثمر‌تر واقع نشد و فقط شاه را مجبور کرد که در یک اقدام صوری، نخست وزیر را مکلف گرداند

که اوضاع را آرام نماید. علم با هدف بی‌اعتنایی به علما و واگذار کردن حل موضوع به دست زمان، حدود یک ماه سکوت اختیار نمود؛ به این امید که با بی‌اهمیت جلوه دادن موضوع، بتواند در خفا و بی‌سر و صدا، مقاصد پلید رژیم را به اجرا بگذارد.

اما با افشاگریهای مراجع و پیوستن اقشار مردم به صف روحانیون معترض و به دنبال آن، حمایت‌های علما و مردم سایر شهرها از مراجع قم، علم مجبور شد که از ترس عواقب کار، پاسخ‌نامه‌ای برای مراجع قم بفرستد.

او تلاش نمود که از این فرصت هم استفاده کند و با ایجاد اختلاف در بین مراجع، میان آنان در هدایت و اعتراض به این جریان، دودستگی بیاندازد. به همین منظور با آشنایی از نفوذ امام و آگاهی به محوریت ایشان در نشست‌های علما، از ارسال جوابیه برای معظم له اجتناب کرد؛ تا به این وسیله با تحقیر نمودن امام و اعلام اینکه مرجعیت ایشان مورد قبول دولت نیست، زمینه اختلاف را آماده کرده و مراجع دیگر را به تمرد از تصمیم‌های این جلسه ترغیب نماید.

علم در جوابیه خود برای آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، طبق نقشه از قبل طراحی شده رژیم عمل کرد و با کمال زیرکی، در جواب اعتراض معظم له نسبت به حذف شرط اسلام در انتخابات؛ حقوق اقلیتهای دینی مقیم ایران را مطرح نمود، تا در مقابل صدای اعتراض رهبران سایر ادیان دینی نیز، بلند شود و ادعای احقاق حقوق خود را از قانون و شرع مقدس اسلام بنماید. وی خطاب به آقا نوشت:

«... باید به حقوق اقلیتهای مذهبی که در پناه دولت اسلامی هستند [و] در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است، توجه داشت...»<sup>۳</sup>.

و سپس سعی نمود که به خیال خود، از بی‌خبری مراجع نسبت به امور قانونی کشور سوءاستفاده کند و با یک تحلیل شخصی، مصوبه رسمی کشور را توجیه کرده و مخاطب خود را بفریبد.

آنجا که خطاب به آقا نوشت:

«... صریحاً اعلام می‌کنم که منظور از کتاب آسمانی

۱. همان، ص ۳۹.

۲. صحیفه نور، ۳۵/۱.

۳. منبع پیشین، ص ۴۷.

مندرج در تصویب‌نامه، کلام الله مجید است...»<sup>۱</sup>.  
 اما بر همین توجیه شخصی خودش نیز پای بند نماند و بدون  
 فاصله راه نیرنگ را دوباره پیش گرفت و به دروغ اظهار داشت که:  
 «...در مجلس شورای ملی، سنت بر این جاری بود که  
 نمایندگان اقلیتها در مقابل قرآن مجید، با کتاب  
 مقدس خود سوگند یاد کنند...»<sup>۲</sup>.  
 و در خاتمه، در پاسخ به اعتراض حضور بانوان در انتخابات،  
 نوشت:

«...دولت نظر آقایان محترم را به مجلسین تسلیم  
 و منتظر تصمیم مجلسین خواهد بود»<sup>۳</sup>.  
 او به خوبی می‌دانست که نبض دو مجلس شورای ملی و سنا،  
 در دست رژیم است و مهم‌تر آنکه دولت عَلم، از چند ماه قبل، بر  
 خلاف قانون اساسی و اختیارات قانونی خود، هر دو مجلس را تعطیل  
 نموده بود.

بنابراین به راحتی می‌توان فهمید که اظهارات عَلم فقط برای  
 ساکت نمودن و فریب مراجع بود و هیچ‌گونه ضمانت اجرایی نداشت.  
 ولی از باب «و مکر و مکره و الله خیر الماکرین»<sup>۴</sup>، علمای  
 دین، از هر صاحب عقلی عاقل‌تر هستند و به خوبی به این مسایل  
 واقف بودند.

آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی هم که نسبت به این اغراض آگاه  
 بود، متعاقب این جوابیه توهین‌آمیز و با اینکه بیماری قلبی داشتند  
 و تحت معالجه بودند، نامه اتمام حجتی، به تاریخ ۱۳۴۱/۸/۲۷ ش،  
 برای وی ارسال نمود و به روشنی اعلام کردند که جوابیه نخست‌وزیر  
 قانع‌کننده نیست و باید به سرعت این لایحه، لغو شود:

«...جای بسی تأسف است که مضمون تلگراف  
 جناب عالی در جواب تلگرافات حقیر... مبهم بوده  
 و وافق به خواسته‌های شرعی جدی عموم علمای  
 اعلام و قاطبه مسلمین ایران نیست، فلذا خواستارم  
 که هر چه زودتر لغو صریح این تصویب‌نامه را - که در  
 هیئت دولت آن جناب صورت گرفته - اعلام و به  
 ناراحتیهای عالم روحانیت و قاطبه مؤمنین خاتمه  
 دهید که بیشتر از این تهییج افکار عمومی نگردد»<sup>۵</sup>.  
 معظم له در جریان لغو لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی، نه تنها از  
 راه کارهای قانونی استفاده می‌کردند؛ بلکه از نظر دینی نیز به موضوع

توجه داشته و به هنگام نیاز با صدور فتوای شرعی برای مقلدان خود،  
 اوج مخالفت خود را با این جریان آشکار می‌کردند.  
 به عنوان نمونه، می‌توان به حکم شرعی ذیل اشاره نمود که در  
 جواب پاسخ تعدادی از بازرگانان و کسبه بازار تهران و قم مرقوم  
 داشته‌اند:

«...غانله اخذ آرا [طبق مواد مصوب در لایحه  
 انجمنهای ایالتی و ولایتی] که اخیراً مورد بحث  
 شده... صحیح نیست، بلکه جایز نیست شرعاً...»<sup>۶</sup>.  
 و حتی در پاسخ پرسشی نامناسب، مبنی بر اینکه «آیا  
 حضرت عالی تاکنون [درباره لغو این لایحه] اقدامی فرموده‌اید یا  
 خیر؟» در کمال بزرگواری و خضوع نوشته‌اند:

«...این موضوع را در تهران و در مدت اقامت خود در  
 بیمارستان فیروزآبادی [به جهت عارضه قلبی] به  
 اولیای امور تذکر دادم...»<sup>۷</sup>.

به هر حال پافشاریهای شرعی و قانونی حضرات آیات عظام از  
 یک طرف، و اصرار مستقیم و غیرمستقیم رژیم شاه بر مقاصد پلید  
 غیراسلامی خود از طرف دیگر، سبب شد که یک اعتراض جدی  
 عمومی با زمینه مذهبی در کشور آغاز شود.

به دنبال اعتراض علما و مردم قم، علمای سایر شهرها نیز، دست  
 به اعتراض زدند و پیرو اعتراض آنان، اعتراض مردم شهرهایشان هم  
 بلند شد، به گونه‌ای که نمایندگان از اقشار مختلف شهرهای کشور  
 نزد مراجع قم می‌آمدند و ضمن اعلام پشتیبانی، نسبت به وظایف خود  
 کسب تکلیف می‌کردند.

از جمله این دیدارها، دیدار اصناف و هیئتهای تهران با آیت‌الله  
 مرعشی بود که در تاریخ دوم آذر سال ۱۳۴۱ انجام گرفت.<sup>۸</sup>

در این دیدار، مرحوم آقا به علت بیماری، قادر به سخنرانی  
 نشدند؛ اما در جمع آنان حاضر گشتند و به نماینده‌ای از طرف

۱. همان، ص ۴۸.

۲. همان.

۳. همان.

۴. سوره آل عمران (۳)، آیه ۵۴.

۵. منبع پیشین.

۶. همان، ص ۵۱.

۷. همان.

۸. دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، ۱۱۹/۳.

خود، دستور دادند که اعلام نماید که تا لغو کامل این لایحه، مبارزه ادامه دارد.

پس از این دیدارها بود که دولت بر عزم مراجع جدید مطمئن شد و با احساس خطر از عاقبت کار، تصمیم گرفت که از راه فریبی دیگر، مراجع را قانع، و از طریق آنها، مردم معترض را آرام کند.

برای همین با نیرنگی تازه، در هیئت دولت تصویب نمود که لایحه مذکور تا تجدیدنظر دوباره قابل اجرا نخواهد بود. و به دنبال آن، به سرعت موضوع این مصوبه جدید را جهت اطلاع مراجع قم، مخابره نمود.

در تلگراف عَلم خطاب به آیت‌الله‌العظمی‌مرعشی‌نجفی آمده است:

«...اطلاعاً به استحضار عالی می‌رساند که بدون

تجدیدنظر، تصویب‌نامه مورخ ۴۱/۷/۱۴ [ش ۱۳].

موضوع انجمنهای ایالتی و ولایتی قابل اجرا نخواهد

بود...»<sup>۱</sup>

اما مراجع هوشیار شیعی که به فریبنده بودن این مصوبه توجه داشتند، این مصوبه و این گونه اعلام را قبول نکردند و همچنان بر ادامه مبارزه تأکید نمودند.

پیرو همین واکنش بود که علمای تهران از مردم خواستند، جهت اعتراض به عملکرد رژیم، تجمع اعتراض آمیزی را فردای آن روز در مسجد سید عزیزالله تهران برگزار نمایند.

رژیم که به سان بیر کاغذی، در واقع از هیچ قدرتی برخوردار نبود، به محض اطلاع از این دعوت، وحشت زده شد و برای جلوگیری از گسترش اعتراضها و اعتصابها در پایتخت و سایر شهرها، شبانه، تشکیل جلسه اضطراری هیئت دولت داد. جالب آنکه به قدری وحشت کرده بودند که همان شب، بارها از مقرّ جلسه دولت، با روحانیون دست‌اندرکار تجمع تهران نیز تماس می‌گرفتند تا اطلاع دهند که هنوز جلسه ادامه دارد و تا پایان آن، دست به هیچ کاری نزنند.

بالاخره در آخرین ساعات شب، هیئت دولت مجبور شد که شکست را بپذیرد و لغو لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی را تصویب کند و در نهایت ذلت، همان شب نیز، موضوع را به اطلاع علمای برجسته تهران برساند و مجوز لغو تجمع فردا را اخذ نماید.

فردای آن شب نیز، با ارسال تلگرافهای خصوصی برای سه تن از مراجع طراز اول قم - از جمله، حضرت آیت‌الله‌العظمی‌مرعشی‌نجفی

- لغو این لایحه را به استحضار آنان برساند.

عَلم در تلگراف خود خطاب به معظم له نوشت:

«...همان‌طور که طی تلگراف مورخ ۴۱/۹/۵ [۱۳]

ش [اطلاع داده شد، موضوع در هیئت دولت مطرح

و تصویب شد که تصویب‌نامه مورخ ۴۱/۷/۱۴

[۱۳] ش، انجمنهای ایالتی و ولایتی قابل اجرا

نخواهد بود...»<sup>۲</sup>

هرچند به دلیل قانونی بودن این مصوبه، روش اعلام آن به طور

خصوصی مورد پذیرش واقع نشد؛ و تنور مبارزات همچنان روشن ماند.

در همین راستا، گروهی از مردم در خانه‌های آیت‌الله‌مرعشی

و سایر مراجع حضور یافتند؛ تا با کسب رهنمود و اخذ مجوز، مبارزه

را (تا اعلام لغو رسمی آن در جراید) ادامه دهند.<sup>۳</sup>

و بالاخره با پافشاریهای مصرانه جامعه مذهبی کشور، رژیم

ناچار شد که آخرین قدم عقب‌نشینی را نیز بردارد و همان‌گونه که

تصویب لایحه را به صورت رسمی منتشر کرده بود، لغو آن را نیز به

گونه رسمی، در جمع خبرنگاران اعلام نماید:

«هیئت دولت تصویب نمود که مقررات تصویب‌نامه

شانزدهم مهر ماه ۱۳۴۱، مربوط به انتخابات

انجمنهای ایالتی و ولایتی قابل اجرا نخواهد بود».<sup>۴</sup>

و به این ترتیب، پس از حدود دو ماه تلاش مستمر مراجع، علمای

و پشتیبانی ملت شریف ایران از رهبران دینی خود، این غایله نیز، به

تاریخ پیوست.

آیت‌الله‌العظمی‌مرعشی‌نجفی در فصل پایانی این جریان، با

صدور اطلاعیه‌ای، از عموم طبقات مردم که در آفرینش این اتحاد

بزرگ نقش داشتند، تشکر و قدردانی کردند:

«بدین وسیله از تشریک مساعی و پشتیبانی علمای

اعلام و روحانیون حوزه مقدسه علمیه قم و شهرستانها

و کلیه ملت مسلمان ایران، در موضوع خواسته‌های

دینی، کمال تشکر را داشته و از خداوند جلیل، دوام

توفیق و تأییدات عموم را مسئلت می‌نمایم».<sup>۵</sup>

۱. دوانی، علی، نهضت دوماهه روحانیون ایران، ص ۱۳۰.

۲. مدنی، سید جلال، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ۳۸۵/۱.

۳. منبع پیشین، ص ۱۶۰.

۴. همان.

۵. همان، ص ۱۶۴.

### همه‌پرسی لوایح ششگانه شاه

به دنبال شکست رژیم در جریان لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی، دولت علم در پی موقعیتی شد تا به گونه‌ای انتقامش را از جامعه مذهبی ایران، به ویژه روحانیون، بگیرد.

بر همین باورها به طرق مختلف سعی نمود که این خواسته را جامه عمل بپوشاند؛ اما همچون گذشته با موانعی از جانب مراجع عظام روبرو می‌شد که در نهایت یا خواسته‌هایش به مرحله عمل نمی‌رسید و یا اینکه به نتیجه دلخواه، منتهی نمی‌گشت.

پس از مخالفت‌های پی‌درپی جامعه روحانیت با سیاست‌های دولت علم، طراحان رژیم، به این نتیجه غلط رسیدند که روحانیون، فقط با دولت علم مخالف هستند و هیچ مخالفت عمده‌ای در مقابل اوامر ملوکانه شخص شاه ندارند.

به همین منظور قصد توطئه جدیدی نمودند، که هم مفاد لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی را به صورت قانونی به مرحله عمل برسانند و هم ابهت و جایگاهشان - که ظرف چند ماه گذشته از بین رفته بود - را به دست آورند.

نقشه این بود که این بار مستقیم از وجود شاه استفاده کنند و او را از پشت صحنه جریانات، به صورت علنی وارد میدان نمایند.

آنان به خوبی می‌دانستند که بین مخالفت مستقیم با شخص شاه و مخالفت با مهره‌هایی چون علم خیلی فرق است.

هنگام مبارزه با کسانی چون نخست‌وزیر، شاه فرصت می‌یافت که در لحظات بحرانی، نقش میانجی را بازی کند و با عزل یا فنای دولت، اوضاع را به نفع خود سامان دهد، و حتی قادر می‌شد که خودش را در اذهان عمومی بی‌اطلاع از ماجرا و میرای از اتهامها جلوه دهد، و پس از آرام کردن اوضاع، در فرصتی دیگر و با مهره‌ای دیگر خواسته‌هایش را عملی نماید.

اما اگر شاه به صورت مستقیم وارد عرصه می‌شد، مجبور بود که به جهت ملاحظاتی، به هر قیمتی، حتی با کشتن بسیاری از مردم، خواسته‌هایش را به نتیجه برساند.

به هر حال، شاه خود وارد میدان شد و از مردم خواست که در یک انتخابات عمومی شرکت نموده و به خواسته‌های رژیم - که بعدها به لوایح ششگانه شاه معروف شده بود - رأی دهند.

ترفند فعلی آنان در مقایسه با موارد قبلی، از دو جهت قابل تأمل

بود، یکی اینکه برخلاف موارد مشابه، این بار، نقشه توسط شخص شاه اجرا می‌شد و طبیعی بود که موقعیت شاه در نزد توده مردم، از هر لحاظ، مستحکم‌تر از موقعیت امثال علم بود.

دیگر آنکه در معرض آرای عمومی مردم قرار می‌گرفت و این خود سبب می‌شد که تذکرات و اعتراض‌های روحانیون، چندان مورد قبول اқشار مختلف جامعه، به ویژه تحصیل کرده‌ها، قرار نگیرد.

نکته بسیار ظریف در لوایح، این بود که بعضی از مواد آن، ظاهری زیبا و مردم‌پسند داشت و ایجاد توهم اصلاحات را در زندگی مردم می‌نمود؛ اما در کنار آن، موادی بود که جنبه ضد دینی داشت و اجرای آن می‌توانست سبب معضلات کلانی در جامعه مذهبی ایران شود. موادی مثل به خدمت بردن دختران مسلمان و یا دست‌کاری در قانون انتخابات که چند ماه پیش، تحت عنوان لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی، مورد اعتراض مراجع دینی قرار گرفته بود.

نقشه این بود که همه این مواد متضاد و غیرمربوط، با یک جواب «آری» یا «خیر»، در معرض رأی‌گیری گذاشته شود. یعنی اگر کسی با یک بند هم موافق باشد، هر چند با پنج بند دیگر مخالف باشد، به این طرح کلی، رأی مثبت دهد و سبب به اجرا درآمدن همه این لوایح شود. چون همیشه تاریخ، باز وظیفه رهبران قوم بود که این نیرنگ زیرکانه‌ای را - که توقع زیادی در کارساز بودن آن می‌رفت - نقش بر آب کنند و امت را از خطرهای در کمین نشسته، آگاه نمایند.

امام، این یگانه قرن، حساسیت این موضوع را به خوبی درک کرد و بدون فاصله مراجع طراز اول قم - و از جمله حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی - را به جلسه‌ای جهت تبادل نظر و اتخاذ مواضع مشترک دعوت نمود.

پس از مشورت‌های طولانی و ارائه نظرات متعدد، تصمیم گرفته شد که نخست از طریق رایزنی با رژیم، مسئله را بی‌سروصدا حل نمایند.

در همین راستا ابتدا نماینده رژیم، نزد مراجع قم آمد؛ اما نتوانست این بزرگواران را قانع نماید.

سپس مرحوم آیت‌الله کمالوند خرم‌آبادی به نمایندگی از طرف مراجع قم، به نزد شاه رفتند؛ اما با اهانت‌های بی‌ادبانه شاه، این جلسه نیز بی‌نتیجه ماند.

وقتی هیچ‌کدام از راه‌های صلح‌آمیز مثمر واقع نشد، تصمیم گرفته شد که هر کدام از مراجع عظام به شیوه خود، مردم را متوجه این

«...امید است از این امر غیر مشروع صرف نظر

شود...»<sup>۴</sup>

به هر صورت، بنا به دلایلی که اشاره شد؛ شاه توانست با در دسترس داشتن امکانات کشور، همه پرسی فرمایشی خود را در ششم بهمن ۱۳۴۱ برگزار نماید و به دروغ، تصویب ملی آن را گستاخانه به ملت مذهبی ایران نسبت دهد.

هر چند که در ظاهر این قضیه، رژیم توانست که خواسته خود را به کرسی بنشانند؛ اما حوادث بعدی کشور و سیر تحولات سیاسی ایران، در چند سال آینده، ثابت کرد که این پیروزی، فقط یک عقب نشینی تاکتیکی بود و ملت ایران به رهبری مراجع دینی خود، توانستند از این واقعه، به عنوان طلیعه رهایی خود بهره بگیرند و به وجود آورنده انقلابی، معجزه مانند، در جهان شوند.

(ادامه دارد)

توطئه کنند و به صورت علنی با تحریم همه پرسی، مخالفت خود را با این لوایح اعلام نمایند.

شاه که در این توطئه، خود به میدان آمده بود و به همین دلیل هم مجبور بود که خواسته اش را به نتیجه برساند؛ چاره ای ندید، جز آنکه خود برای توجیه مراجع وارد قم شود.

اما وقتی - دو روز مانده به انتخابات - وارد قم شد، نه تنها مورد استقبال مراجع عظام قرار نگرفت؛ بلکه با زمینه سازیهای قبلی روحانیون، مورد استقبال قریب به اتفاق مردم قم نیز قرار نگرفت و مجبور شد، با تغییر در برنامه سفرش، آن را ناتمام گذاشته و پس از ارائه یک سخنرانی مملو از اراجیف، در آستانه حرم حضرت معصومه علیها السلام و بدون زیارت، از حرم مطهر، به تهران بازگردد.

آیت الله العظمی مرعشی نجفی که در این روزها از وضعیت جسمانی مطلوبی برخوردار نبودند و حتی به علت شدت بیماری، در بیمارستان نیز بستری شده بودند،<sup>۱</sup> توانستند در این خصوص سکوت اختیار نمایند و همچون گذشته، همگام با سایر آیات عظام به مخالفت با این لوایح پرداختند و در هر مناسبتی، چه در منبرها و جلسه درسهای روزانه و چه در ملاقاتهای همگانی و خصوصی با اقشار مختلف، به روشنگری درباره این توطئه اقدام نمودند.

در این باره، از معظم له، موضع گیریهای مکتوب نیز در تاریخ ثبت شده است که به فرازهایی از آنها، اشاره می شود:

ایشان نخست به هدف رژیم از دلسوزیهای مهربانانه برای زنان التفات نموده و خطاب به همه مردم - به ویژه زنان - عواقب شرعی حضور بانوان در انتخابات را متذکر شدند:

«...قضیه مداخله بانوان در امر انتخابات، مستلزم

محرمات و مفاسد کثیره و برخلاف شرع مقدس اسلام

است...»<sup>۲</sup>

و پس از آن، بار دیگر به اعمال خلاف شرع دولت توجه کردند و با کمال قدرت و صراحت، حکم دادند که:

«...هر قانونی که برخلاف قرآن مجید و مذهب امامیه

باشد، از نظر اسلام قانونیت نداشته...»<sup>۳</sup>

و در خاتمه نیز به عنوان یک اسلام شناس مسلم شیعی، به وضوح اظهار داشتند که این همه پرسی، از نمونه های بارز امور غیر شرعی می باشد و شرکت در آن، مشروع نمی باشد:

۱. آیت الله العظمی مرعشی نجفی، در کوران این همه پرسی، به علت بیماری قلبی،

حدود سه هفته در بیمارستان فیروزآبادی شهر ری و حدود دو هفته به جهت

دوران نقاهت آن، در منزل بستری بودند.

۲. روحانی، حمید، اسناد انقلاب اسلامی، ۷۱/۱.

۳. همان.

۴. همان.



# کتابخانه

پرفسور سرجیونویانوزاده نیز طی نامه‌ای به شرح زیر، از متولی کتابخانه دعوت نموده است تا دز کنفرانس یاد شده شرکت نماید:

جناب آقای دکتر مرعشی

همان‌گونه که مستحضرید، سومین کنفرانس مخطوطات‌شناسی و خط‌نگاری نسخه‌های خطی اسلامی خاورمیانه قرار است از چهارم تا ششم اکتبر در بولوغنا برگزار گردد. این کنفرانس به اهتمام دانشگاه بولوغنا و با همکاری پژوهشکده‌های هاتس و مؤسسه ماکس وِن پرچم و نیز پژوهشکده فرنی نویانوزاده ترتیب خواهد یافت.

این‌جانب می‌خواهم از سوی کمیته تشکیل دهنده، از حضرت‌عالی دعوت کنم تا به عنوان یکی از صاحب‌نظران و متخصصان این رشته در این کنفرانس شرکت کنید و مهمانان کنفرانس را از دانش بالای خود بهره‌مند سازید.

به امید دیدارتان در بولوغنا

سرجیونویانوزاده

\* \* \*

آقای پرفسور سرجیونویانوزاده نیز درباره خطوط کهن، به ویژه خطوط سریانی و کوفی اولیه حجازی، مطالعات زیادی دارد و نخستین قرآن کوفی حجازی را، در تعداد دویست نسخه، به چاپ رسانده است. وی در سال ۱۳۷۵ش از این کتابخانه بزرگ بازدید کرده است.

یادآور می‌شود دعوت‌نامه دیگری از سوی آقای پرفسور دروش برای شرکت سرکار خانم مرعشی، معاون کتابخانه و مسئول واحد خواهران، ارسال گردیده است. حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مرعشی در پاسخ به این درخواستها، موافقت کتبی خود را برای شرکت در این کنفرانس اعلام نموده است. ان شاء الله پس از شرکت ایشان، گزارش مشروح کنفرانس در شماره بعدی میراث شهاب خواهد آمد.

## کنفرانس مخطوطات‌شناسی و شناخت دستخط‌های قدیم

### خاورمیانه

سومین کنفرانس بین‌المللی مخطوطات و خط‌نگاری نسخه‌های خطی اسلامی خاورمیانه از چهارم تا ششم اکتبر ۲۰۰۰ / سیزدهم تا پانزدهم مهرماه ۱۳۷۹ با شرکت بیش از پنجاه تن از استادان و کارشناسان برجسته جهان درباره نسخه‌شناسی مخطوطات اسلامی برگزار می‌گردد. کمیته برگزارکننده از متولی و ریاست کتابخانه دعوت کرده است که در کنفرانس یاد شده حضور یابد.

متن دعوت ارسالی بدین شرح است:

جناب آقای دکتر مرعشی

کنفرانسی در زمینه مخطوطات‌شناسی و شناخت دستخط‌های قدیم خاورمیانه قرار است در شهر بولوغنا (بولونیا) از چهارم تا ششم اکتبر سال جاری برگزار گردد. این کنفرانس از سوی دانشگاه بولوغنای ایتالیا و پژوهشکده دستخط‌شناسی فرانسه، با همکاری مؤسسه ماکس و پرچم نویانوزاده، تشکیل می‌شود. بسیار مایلیم از حضرت‌عالی برای شرکت در این کنفرانس دعوت نمایم تا از تخصص بالای شما در این زمینه استفاده شود. به امید دیدار شما در بولوغنا.

با بهترین درودها

ارادتمند: پرفسور اف. دروش

\* \* \*

پرفسور دروش یکی از شخصیت‌های برجسته بین‌المللی است که دارای اطلاعاتی گسترده درباره زبانها و خطوط قدیم کشورهای خاورمیانه است و به بیش از هشت زبان تسلط دارد و استاد ممتاز دانشگاه سوربن پاریس است.

## چهاردهمین کنگره بین المللی آرشیوها

چهاردهمین کنگره بین المللی آرشیوها، با شرکت بیش از ۲۵۰۰ تن از کارشناسان آرشیوهای مختلف جهان در شهر سویل اسپانیا از ۳۱ شهریور تا ششم مهرماه امسال، برگزار می‌گردد. از متولی و ریاست کتابخانه رسماً دعوت گردیده تا در این کنفرانس حضور یابد و مقاله‌ای را ارائه نماید. متأسفانه به علت ضیق وقت، رئیس کتابخانه نمی‌تواند در کنگره یاد شده شرکت کند. از این رو، طی نامه‌ای از مسئولان برگزار کننده عذرخواهی کرده است.

این کنگره با حضور افتخاری نخست وزیر، وزیر آموزش و پرورش و فرهنگ اسپانیا، نماینده دولت در فرهنگ، سرپرست آکادمی سلطنتی تاریخ، معاونت مدیر کل آرشیو ملی، وزیر امور خارجه اسپانیا و معاون وی، رئیس دفتر همکاریهای بین‌المللی با آمریکای لاتین، ریاست حکومت محلی اندلس، شهردار سویل، وزیر فرهنگ حکومت محلی اندلس، رئیس شورای شهر سویل، رئیس دانشگاه سویل، مدیر کل موسسه میراث فرهنگی، اسقف اعظم سویل، رئیس شورای بین المللی آرشیو، و رئیس کل دفتر شورای بین المللی آرشیو برگزار می‌گردد.

برخی از مقالاتی که در این کنفرانس قرائت خواهد شد، از این قرارند:

۱. مدیریت و کاربرد پرونده‌های الکترونیکی در مفهوم جهانی؛
۲. حفاظت و نگهداری پرونده‌های الکترونیکی؛
۳. قواعد حقوقی پرونده‌های الکترونیکی؛
۴. فن آوری اطلاع رسانی و خدمات رسانی به استفاده کنندگان؛
۵. اختلاف نظر تغییر فن آوری با تئوری آرشیو؛
۶. توسعه علم آرشیو به عنوان نظام تحقیقاتی؛
۷. تاریخچه علم آرشیو (بازنگری تاریخ‌شناسی)؛
۸. پیش به سوی معرفی مدلی از آموزش و پرورش آرشیوی؛
۹. زمینه‌های نو آرشیوهای جدید؛
۱۰. تصور و برداشت جامعه از آرشیو؛
۱۱. در مواجهه با شهروندان: نوآوری در استراتژیها؛
۱۲. آرشیوها و مدیریت (کیفیت مدیریت آرشیوی)؛
۱۳. مدیریت در بخش دولتی و خصوصی؛
۱۴. کاربرد اعمال مدیریت در بالا بردن خدمات آرشیوی؛
۱۵. استاندارد نمودن پروژه‌های ارزیابی آینده؛
۱۶. فرهنگ و اژانه‌نامه آرشیوی؛
۱۷. راهنمای سیاست، قوانین و مقررات بخش آرشیوهای دولتی

چین (پکن)؛

۱۸. راهنمای آرشیوهای شهرداری بی‌جینگ (چین)؛
۱۹. جایگاه آرشیو در مقررات حقوقی؛
۲۰. نقش آرشیوها در جامعه مرفه؛
۲۱. آموزش استفاده کنندگان از آرشیوها؛
۲۲. ارزیابی و برنامه‌های حفظ و نگهداری آرشیوها با ملاحظه حوادث طبیعی؛
۲۳. معماران آرشیو؛
۲۴. رقابت برای دستیابی به اطلاعات؛
۲۵. دستیابی به اسناد به عنوان یک حق دموکراتیک؛
۲۶. تصویب‌نامه اروپایی درباره دستیابی به اطلاعات؛
۲۷. دستیابی به اسناد و مدارک در آمریکای لاتین و کشورهای حوزه کارائیب؛
۲۸. سیستمهای آرشیو و مدیریت اسناد؛
۲۹. توسعه روش‌شناسی و ابزارها؛
۳۰. آرشیوها و فن‌آوریهای اطلاع رسانی.

## آمار نیمه اول سال جاری کتابخانه

### گنجینه کتابهای خطی

۱. کتابهای خطی خریداری شده ۵۷۳ مجلد
۲. کتابهای خطی اهدا شده به کتابخانه ۶۹ مجلد

### میکروگرافی

۱. کتابهای خطی میکروفیلم شده ۱۸۵ نسخه
۲. عکسهای گرفته شده جهت بایگانی ۳۲۲ قطعه
۳. میکروفیلیمهای دوبلیکیت شده ۱۶۰ حلقه
۴. میکروفیلیمهای پردازش شده ۱۸۵ حلقه

### مرمت و اافت زدایی

۱. کتابهای ضد عفونی شده ۵۷۶ جلد
۲. رنگ نمودن کاغذ جهت ترمیم ۴ مرحله
۳. کتابهای مرمت، دوخت، جلدسازی و صحافی شده ۱۱۸ مجلد

### بخش ویژه محققان

۱. کارتهای صادره ۵۹ مورد
۲. خدمات اطلاعات رایانه‌ای ۴۲۰۰۰ مورد
۳. ارائه تصاویر نسخه‌های خطی ۳۷۴۸ برگ
۴. خدمات کتاب ۴۰۸۸ نسخه

اطلاع رسانی و خدمات فنی

۱. کتابها و نشریات ثبت شده شماره ۲۸۶۳۸
۲. آماده‌سازی کتابهای چاپی (غیر لاتین) ۶۵۰۰ مجلد
۳. فهرست نویسی کتابهای چاپی ۳۷۲۰ مجلد
۴. فهرست نویسی نشریات ۱۷۴ شماره
۵. بررسی نشریات وارده ۱۷۶۰۱ شماره
۶. داده‌های رایانه‌ای در پایگاه‌های مختلف ۷۸۳۰۶ رکورد
۷. تصحیح داده‌های رایانه‌ای در پایگاه‌های مختلف ۱۱۳۰۴۸ رکورد
۸. برنامه‌نویسی و خدمات رایانه‌ها ۲۷۷۲ دقیقه

دائرة المعارف

۱. شناسه‌نویسی از اسامی کتابخانه‌ها ۱۶۷۰ برگ
۲. عنوان‌نویسی شناسه‌ها ۱۶۷۰ عنوان
۳. تألیف، ویرایش و ترجمه مقالات ۹ مقاله

گنجینه کتابهای چاپی

۱. خدمات کتابهای چاپی به اعضای کتابخانه ۵۲۱۶۴ مجلد

گنجینه کتابهای عکسی

۱. خدمات کتابهای عکسی ۱۱۵ جلد

گنجینه کتابهای لاتین

۱. کتابهای لاتین وارده ۹۰ جلد

رایانه

۱. خدمات اطلاعات رایانه‌ای ۱۳۷۴۵۱ مورد
۲. سفارش رایانه‌ای کتاب ۴۵۸۱۷ مورد
۳. صدور کارت عضویت رایانه‌ای ۲۰۵۰ مورد

پذیرش میهمانان (تشریفات)

۱. میهمانان داخلی ۱۳۵ گروه (۲۸۰۷ نفر)
۲. میهمانان خارجی ۳۳ گروه (۲۵۸ نفر)

دبیرخانه

۱. مکاتبات داخلی و خارجی ۲۴۰۰ مورد
۲. ارسال فصلنامه ۱۴۱۴ مورد

توزیع کتاب

۱. خدمات کتاب به اعضای کتابخانه (واحد برادران) ۴۲۶۰۰ مجلد

صحافی کتابهای چاپی، روزنامه‌ها و مجلات

۱. کتابهای صحافی شده ۵۱۸ مجلد
۲. نشریات صحافی شده ۳۲۶ شماره

انتشارات

۱. فهرست نسخه‌های خطی انستیتو شرقشناسی و آثار خطی تاجیکستان در شهر دوشنبه، جلد سوم.
۲. فهرست نسخه‌های خطی فارسی انستیتو شرقشناسی ابوریحان بیرونی در تاشکند ازبکستان، جلد اول.
۳. فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ملی جمهوری چک در پراگ.
۴. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دولتی روسیه «لنین» در مسکو.
۵. فهرست کتب چاپ سنگی فارسی کتابخانه ملی تبریز.
۶. فهرست ملحقات الاحقاق، در ۳ جلد (جلدهای ۳۴، ۳۵، ۳۶).
۷. ریاض الجنة، زنوزی، جلد دوم.
۸. القصاص، جلد سوم.
۹. مرآة الکتب، از ثقة الاسلام تبریزی، جلد چهارم.
۱۰. وصیت‌نامه الهی - اخلاقی آیت‌الله‌العظمی مرعشی‌نجفی رحمته‌الله.
۱۱. انتشار مجله میراث شهاب، چاپ نهم، ویرایش دوم.

کتابهای در حال انتشار و یا تحقیق

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عشق آباد در ترکمنستان.
۲. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه تفلیس در جمهوری گرجستان.
۳. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشگاه قازان در جمهوری خود مختار تاتارستان روسیه.
۴. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ آیت‌الله‌العظمی مرعشی‌نجفی رحمته‌الله، جلدهای ۲۸، ۲۹ و ۳۰.
۵. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه فردوسی در شهر دوشنبه تاجیکستان.
۶. یادنامه آیت‌الله‌العظمی مرعشی‌نجفی رحمته‌الله، سه جلد.
۷. گیهان شناخت، چاپ تصویری، با مقدمه متولی کتابخانه.
۸. تذکرة الانساب، چاپ تصویری.
۹. انوار المشعشعین، در تاریخ قم، سه جلد.
۱۰. گنجینه شهاب، (آشنایی با کتابخانه آیت‌الله‌العظمی مرعشی‌نجفی رحمته‌الله).

بازتاب دیدار بازتاب دیدار بازتاب دیدار بازتاب دیدار  
 بازتاب دیدار بازتاب دیدار بازتاب دیدار بازتاب دیدار  
 بازتاب دیدار بازتاب دیدار بازتاب دیدار بازتاب دیدار  
 بازتاب دیدار بازتاب دیدار بازتاب دیدار بازتاب دیدار

«۱»

ما استادان و دانشجویان سوری - از دانشگاه کراچی پاکستان - از این مجموعه بی نظیر و باورنکردنی که با دوراندیشی مؤسس آن - حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله - بنیان نهاده شده، بازدید کردیم، او یک مرد بزرگ و دوست دانش پژوهان نیازمند بود. ما به داشتن این گنجینه بزرگ - که سرمایه عظیم معنوی است - به مردم ایران تبریک می گوییم.

\*

«۲»

ما استادان و دانشجویان کراچی «قسمت ارتباطات بین الملل دانشگاه»، در طول بازدید، احساس خوبی داشتیم و عمیقاً تحت تأثیر این منبع عظیم قرار گرفتیم. با خدمات عجیب و حیرت انگیزش آشنا شدیم و فکر می کنیم آنچه را که امام خمینی رحمته الله فرمود که این کتابخانه، کتابخانه بسیار بی نظیر است؛ کلامی حقیقی و بدون اغراق است.

والسلام

استادان و دانشجویان دانشگاه کراچی پاکستان «رشته روابط بین الملل»  
 ۱۳۷۹/۴/۶ ش

\* \* \*

بسمه تعالی

سپاس بی کران خداوند - تبارک و تعالی - را که به حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله، توفیق عظیم الهی را در خدمت به عالم اسلام و جهان بشریت عنایت فرمود، این کتابخانه ذخیره بزرگی برای عالم تشیع و مکتب اهل بیت علیهم السلام و مجموعه دست اندرکاران، با عشق، دلسوزی، تخصص و تجربه مشغول به کار هستند، خداوند به توفیقات این عزیزان بیافزاید.

والعاقبة للمتقين

حسین محمدی معاون اطلاعات و تحقیقات و برنامه ریزی  
 و رییس حوزه ریاست سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران  
 ۱۳۷۹/۴/۷ ش

\* \* \*

# بازتاب دیدار

در تابستان سال جاری (۱۳۷۹ ش)، ۶۱ دیدار گروهی و فردی از کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی - قدس سره الشریف - انجام گرفته است که از این میان ۴۷ گروه داخلی و ۱۴ گروه خارجی بوده که در جمع، تعداد دیدار کننده ها به ۸۵۸ نفر می رسند.

دیدارهای خارجی از کشورهای: پاکستان، قطر، سنگال، تاجیکستان، تایلند، آلمان، بحرین، فلسطین، مصر، اردن و لبنان بوده است؛ دیدارهای داخلی بیشتر از شهرهای: اصفهان، دزفول، تهران، قم، اهواز، شبستر، اراک، کاشمر، پارس آباد مغان، بیرجند، سوسنگرد و دیگر شهرهای ایران که به صورت گروهی انجام گرفته است.

آنچه در پی آمده است، اظهارات برخی از بازدیدکنندگان است که بر دفتر یادبود کتابخانه نقش بسته است؛ دفتری که آینه سان عشق و شیفتگی به این گنجینه ماندگار را می نمایاند:

بسم الله الرحمن الرحيم

الصلاة والسلام على سيدنا محمد وعلى آله وصحبه اجمعين.  
 از دیدن این همه تلاش و کار منحصر به فرد در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله بسیار خرسند شدم. آرزو داشته و دارم که چنین تلاشی در همه نقاط جهان نفوذ کرده، تا به میراث مکتوب و فرهنگی امت اسلامی و تألیفات علمای مخلص آن، اهتمام ورزیده شود. آنچه امروز به چشم دیدم، تلاشی استوار بر فن آوری نوین، جهت آسایش طالبان علم و حفظ میراث مکتوب و فرهنگی مسلمانان است. خداوند از مؤسس این مرکز عظیم قبول فرماید و به او به اندازه خلوص، تألیفات و تلاشش و نیز به دست اندرکاران جزای خیر عطا فرماید، سپاس خداوند را در آغاز و خاتمه.

دکتر علی مصطفی محمد الفقیه وزیر اسبق اوقاف و نماینده مجلس اردن

۱۹ ربیع الأول ۱۴۲۱

\* \* \*

۱۲ ژوئیه ۲۰۰۰ / ۲۲ تیر ۱۳۷۹

\* \* \*

خداوند را شاکریم که به ما فرصتی عنایت نمود تا از نزدیک شاهد تلاش‌های بزرگ برای نگهداری میراث فرهنگی مسلمانان و اعراب جهت شناساندن به جهانیان نسبت به تاریخ عظیم این امت بزرگ باشیم. از خداوند متعال خواستارم که این تلاشها مستدام و توفیقات مسئولان آن بنیاد عظیم روزافزون، و به همه آنها نیرو و قدرت کافی، جهت حفظ میراث فرهنگی اسلام، عطا فرماید. والسلام

دکتر حسن احمد ابوطالب

از مرکز بررسی‌های سیاسی استراتژیک الاهرام قاهره

\* \* \*

بسم‌الله الرحمن الرحيم

در تاریخ ۳۰ تیر ۱۳۷۹ / ۱۹ ربیع الثانی ۱۴۲۱، توفیق زیارت و بازدید از کتابخانه نفیس آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله دست داد، به حقیقت هم باید بر همت والای این مرد الهی و ربانی آفرین گفت

بسم‌الله الرحمن الرحيم

مایلم به نام خود و همکاران در مرکز بررسی‌های سیاسی و استراتژیک الاهرام قاهره، مراتب سپاس خویش را جهت استقبال و پذیرایی اعلام بنمایم. این بازدید فرصتی بود که از نزدیک، این تلاش عظیم و منحصر به فرد در جمع‌آوری نسخه‌های خطی اسلامی و عربی و همچنین دقت در حفاظت و صیانت از آنها - که به حق به عنوان ذخایر علمی شریف تلقی می‌شوند - را ببینیم. این تلاش مایه فخر و مباهات کلیه مسلمانان در ایران است. درود بی‌پایان به روان شاد مرحوم حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی که این گنجینه‌های عظیم را جهت خیر مسلمانان و کل بشریت به ارمغان آورده است.

عبدالمعزم سعید

مدیر مرکز بررسی‌های سیاسی و استراتژیک الاهرام مصر

۱۲ ژوئیه ۲۰۰۰ / ۲۲ تیر ۱۳۷۹

\* \* \*

فرصتی مغتنم برای اینجانب بود که بتوانم از کتابخانه آیت‌الله

العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله، در شهر قم، بازدید کنم؛

و از نزدیک بر تلاش‌های فوق‌العاده ممتاز، جهت حفظ و صیانت از میراث فرهنگی اسلام که در جهت تسهیل امر محققان مبذول می‌شود، واقف شوم. آرزوی توفیق و بهروزی برای کلیه دست‌اندرکاران کتابخانه را دارم. مایلم مراتب تشکر و سپاس خود را از جناب آقای دکتر سید محمود مرعشی اعلام نمایم. به حول و قوه الهی مرکز بررسی‌های آسیایی دانشگاه قاهره، با این مرکز عظیم اقدام به تبادل مطبوعات خواهد ورزید. خداوند شما را به اعمال نیک موفق بدارد. والسلام

محمد السید سلیم

مدیر مرکز بررسی‌های آسیایی دانشگاه قاهره

۱۲ ژوئیه ۲۰۰۰ / ۲۲ تیر ۱۳۷۹

\* \* \*

بازدید کردن از این مرکز و بنیان علمی عظیم، سعادت‌ی وصف‌ناپذیر است. خداوند بنیانگذار این مؤسسه عظیم را غریق رحمت، و درجات او را متعالی سازد و همواره، ای خداوند متعال! حافظ و نگهبان این کتابخانه، جهت استفاده علما و محققان باش.

والسلام

دکتر محمد السعید ادریس

از مرکز بررسی‌های سیاسی استراتژیک الاهرام قاهره



دیدار هیئت مؤسسه الاهرام مصر، در تاریخ ۱۳۷۹/۴/۲۲ اش

و هم بر نیت پاک ایشان که کار خود را در جمع‌آوری این میراث گرانبها از صفر آغاز فرموده و سرانجام به اینجا رسیده است. به طور مسلم این کتابخانه، با محتویات غنی خود، از مخطوطات و چاپی، در جهان اسلام کم‌نظیر و بلکه بی‌نظیر است. از خداوند متعال مسئلت داریم، روح پرفروش آن عالم ربانی و مجتهد صمدانی را با اولیای دین و اهل بیت طاهرین محشور فرماید و به فرزند خلف ایشان حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای حاج سید محمود مرعشی، سلامت و طول عمر و مزید توفیقات، عنایت فرماید تا همچنان این

عظیم، خواستارم.  
این بنای بزرگ الگویی خواهد بود، بر اینکه کار و تلاش تنها  
احیاکننده امتهای و به وجود آورنده نهضتها می باشد. خداوند تلاشهای  
دست اندرکاران این مجموعه عظیم مبارک را قبول و همچنین  
بنیانگذار آن را بیامرزد.

ماهر عبدالله

مجری برنامه الشریعة و الحیاة کانال تلویزیونی - ماهواره ای «الجزیره»

\*\*\*

نخست، خداوند را شاکرم که به بنده چنین فرصت موقفیت آمیزی  
عطا فرمود. از ایزد منان می خواهم که مرحوم آیت الله العظمی مرعشی  
نجفی را جزو مصداقهای «...الذین انعم علیهم، غیر المغضوب علیهم  
ولا الضالین» قرار دهد. این مکان عظیم، تلاشی زیبا - و جالب تر  
اینکه - توسط یک ابرمرد که هستی خود را وقف علم و مرزات  
خداوند نموده است، انجام گرفته است، خدای سبحان به او جزای خیر  
عنایت فرماید؛ همچنان که او خواستار حفظ و استفاده از این ذخایر  
برای همه مسلمانان جهان بود و امیدواریم این اعمال را در کارنامه  
باقیات صالحات ایشان قرار دهد.

اسحاق محمد بشیر بکی

سفیر کشور سنگال در تهران

۲۰۰۰/۸/۲۴ م

\*\*\*



سفیر سنگال در ایران، در دیدار از کتابخانه، به تاریخ ۱۳۷۹/۶/۳ ش

بسمه تعالی

لحظه های بهترین حیاتم را در این خزانه بی مانند کتاب حضرت  
آیت الله العظمی مرعشی نجفی علیه السلام، با حضور دوستان محترم، گذرانده

باقیات صالحات پدر را توسعه دهد و محققان و فرهیختگان روزگار  
را رهین منت خویش و مستفیض از فیوضات این خزینه دانش بنماید.

محمد واعظزاده خراسانی

رییس مجمع تقویب بین مذاهب اسلامی

۱۳۷۹/۴/۳۰

\*\*\*

امروز ۲۰ ژوئن سال ۲۰۰۰ / ۳۰ تیر ۱۳۷۹، از کتابخانه ای که به  
دست مبارک حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی علیه السلام تأسیس شده،  
زیارت کردم. از کیفیت و کمیت کتابخانه، خلوص مؤسس راحل عیان  
بود. ساختمان جدید کتابخانه نیز که به فرمان حضرت امام خمینی علیه السلام  
بنیان شده است، دلالت بر علم دوستی و خدمت به علم و عنایت ایشان  
را به این کتابخانه، می رساند.

خداوند متعال هر دو بزرگوار را غریق رحمت و اسعه خویش قرار  
دهد و ما طالبان علم را توفیق بدهد که به نقش قدم این بزرگواران قدم  
برداریم. در این زمان کتابخانه مزبور یک سرمایه علمی است که حفظ  
و نگهداری آن وظیفه همه عاشقان و دوست داران به علم است.

از خداوند استدعا دارم که توفیقات ریاست کتابخانه و کسانی را  
که در این کتابخانه خدمت می کنند، زیاد گرداند؛ چون این عزیزان  
و خدمتگزاران به کتاب، با خلوص نیت کار می کنند. بزرگ ترین  
خصوصیت این کتابخانه این است که در اینجا از امکانات و تجهیزات  
جدید روز استفاده می کنند و در چگونگی حفظ و نگهداری کتاب،

زحمت بسیاری کشیده شده است. خداوند همه  
خدمتگزاران کتابخانه را از رحمت و برکت خود  
مستفید فرماید و اسلام و اسلامیان را روز به  
روز ترقی و پیشرفت عطا فرماید، عزیزانی که  
به همراه من در این بازدید شرکت داشتند:  
حجت الاسلام آقای راجه ناصر؛ حجت الاسلام  
آقای اسدی؛ حجت الاسلام آقای سخاوت  
علی؛ آقای اختر کل و آقای سید جعفر رضا  
بودند.

سید شاهد حسین نقوی

معاون تشکیلات جعفری پاکستان

۱۳۷۹/۴/۳۰ ش

\*\*\*

بسم الله الرحمن الرحيم

بازدیدکنندگان این مرکز، راهی جز تضرع

به نزد خداوند متعال، جهت قبولی زحمات طافت فرسای به عمل آمده  
برای حفظ این میراث فرهنگی عظیم ندارند.

از خداوند منان، توفیق شما را در به اتمام رساندن این پروژه

و از کتابخانه بازدید کردیم. مردم و ملت بزرگ ایران، با پاسداری از این میراث پربها، خود را همچون میراث‌داران واقعی فرهنگ اسلامی و فارس شناسانده‌اند، ان شاء الله که خزانه این کتابخانه، بیشتر و بیشتر، با تلاش و کوشش، خدمتگزار به فرهنگ و دین بشود.

امید شاهزاده محمد و نعمت امان بیک از تاجیکستان

\* \* \*

بسی مایه افتخار و سعادت اینجانب است که توانستم، به همراهی پدر خویش، از کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته، بازدید نمایم. از گردآوری فرهنگ غنی اسلامی و جهانی و عالم تشیع در این مکان عظیم، بسیار مشعوف شدم. درود به روان پاک این سید جلیل‌القدر - مؤسس این مجموعه عظیم فرهنگی - و به ویژه به فرزند خلف ایشان، حجت‌الاسلام دکتر سید محمود مرعشی باد. خداوند مزید توفیقات عطا فرماید.

رضا و کمال و محمد علوان از لبنان

\* \* \*

بسم الله الرحمن الرحيم

پس از بازدید از این کتابخانه، از اینکه مسلمان هستیم، احساس غرور نمودیم. در این بازدید، از موجودی و داراییهای این گنجینه عظیم و بنیانگذار آن، مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، اطلاع کافی پیدا کردیم. از خداوند علو درجات و بهشت برین، در جوار انبیا

و صدیقین، برای ایشان مسئلت داریم، همچنین از خداوند سبحان می‌خواهیم، این کتابخانه و کارکنان آن را از هر گزند محفوف بدارد؛ تا مرکز بازتابی انوار علوم برای مسلمانان - و هدایت همه آنهايي که خواستار شناخت اسلام حقیقی هستند - باشد. گروهی از برادران دینی از لبنان و فلسطین

\* \* \*

زیارت از میراث گرانقدر و ماندگار حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی - رحمه‌الله علیه - فقیه اهل بیت که برگ - برگ صفحات آن نشان‌دهنده عشق، اخلاص، ایمان و توکل بانی راحل آن می‌باشد؛ توفیق بزرگی برای زائران فرهنگ دوست امت اسلامی است.

به برکت این توفیق بزرگ، خدای بزرگ را شاکریم و امیدواریم این خدمت بزرگ که اسباب عزت اسلام و نظام مقدس اسلامی، در عصر حاضر است و همچنین مایه مباهات و فخر مکتب حقه جعفریه اثنی عشریه می‌باشد، تا قیام حضرت بقیه‌الله الاعظم - ارواح العالمین

لتراب مقدمه الفداء - به پرتو افشانی، شهره آفاق و علم و ادب باشد. اعضای شورای همیاری شیلات ایران

\* \* \*

آنچه قلبها را به وجد می‌آورد، اینکه در جهان اسلام، آرزوها به تحقق می‌رسند و از حالت بالقوه تا بالفعل درمی‌آیند. آنچه امروز به هنگام بازدید از کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته شاهد بودیم، ما را مبهوت و متحیر ساخت؛ تلاش عظیم و محیرالعقولی که توسط مرحوم مغفور آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، بنیانگذاری شده و مشکلات فراوانی که در این راه متحمل شده است. این مرکز به حول و قوه الهی به عنوان مرکز بازتابی انوار برای روشن ساختن گوشه‌های تاریک علوم در اقاصا نقاط جهان اسلام، شناخته خواهد شد. بدون شک تلاشهای مداوم فرزند ایشان - دکتر سید محمود مرعشی - در پیروی و ادامه راه پدر خویش و حفظ میراث فرهنگی اسلام و ایمان مطلق به افکار و نظریات او، ثمره‌ای است که خود مرحوم مغفور، در فرزندش به وجود آورده و آبیاری نموده است. درود فراوان اینجانبان به دست‌اندرکاران و هر که به هر نحوی در برپایی و حفظ این مکان عظیم تلاش کرده، نثار می‌کنیم، خداوند گامهایشان را استوار سازد.

والسلام

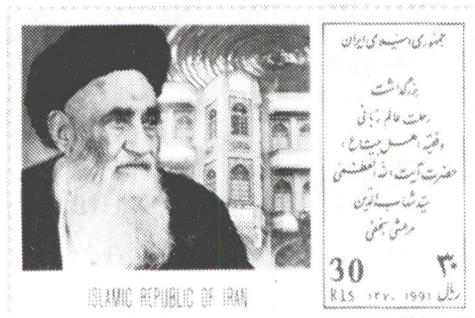
حسان تیسیر ظبیان

رییس هیئت مدیره مجله الشریعة و قیس تیسیر ظبیان - مدیر مجله الشریعة



میهمانان تایلندی در دیدار از کتابخانه. به تاریخ ۱۳۷۹/۶/۱۰

تصحیح: بدین وسیله، از یکتا جله‌جانی که به هنگام تصحیح و مقابله نمونه‌های میراث شهباب، شماره ۱۹ (پار ۱۳۷۹ ش) صفحه ۱۱۸، در مورد مسئولیت آقای سید محمد حجت میرفانی‌خویی پیش آمده، پوزش خواسته و تصحیح می‌گردد که ایشان، از مسئولین اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان غربی هستند.



# نامه‌ها

مجله محترم میراث شهاب

سلام علیکم و سلام من الاحباب نحو جنابکم

مدتی است که می‌خواستیم به عنوان تشکر و سپاس از دست‌اندرکاران این مجله، که برای اینجانب ارسال و بهره‌مند می‌شوم، چند جمله‌ای بنویسم و ضمناً عرض ادبی هم نسبت به آیت‌الله مرعشی نجفی - رحمه‌الله علیه - داشته باشم. با دریافت آخرین شماره مجله این توفیق حاصل شد. قبلاً از تصدیق و پرگویی معذرت می‌خواهم. همان‌طور که نام آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری - اعلی‌الله مقامه الشریف - به خاطر تأسیس حوزه علمیه قم و نام آیت‌الله حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی - رضوان‌الله تعالی علیه - به خاطر اینکه روح تازه به حوزه دمید و از جهات گوناگون موجب پیشرفت کمی و کیفی آن شد.

و نام آیات ثلاث آقایان سید محمدتقی خوانساری و سید صدرالدین صدر و سید محمد حجت کوه‌کمری و نیز آیت‌الله آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی - طاب ثراهم - به خاطر حفظ حوزه علمیه از فروپاشی و سایر خدمات علمی و غیره.

و نام آیت‌الله حاج سید روح‌الله خمینی، امام‌المجتهدین - سلام‌الله علیه - به خاطر اینکه حوزه را به سمت حمایت عملی از اسلام و احکام اسلام سوق، و قم را پایگاه مکتب اهل بیت علیهم‌السلام در جهان و ام‌القرای اسلام ناب محمدی قرار داد، هرگز فراموش نخواهد شد و همواره مورد تقدیر و تکریم علما، فقها، متدینان و همه علاقه‌مندان

به اسلام خواهند بود، نام آیت‌الله مرعشی - رحمه‌الله علیه - هم به خاطر تأسیس کتابخانه‌ای که در سراسر جهان (از حیث منابع مکتب تشیع) بی‌نظیر است، باقی است و از خدای منان خواستاریم که همواره باقی باشد.

ان آثارنا تسدّل علینا

فانظروا بعدنا الی الآثار

آیت‌الله مرعشی نجفی علاوه بر یک عمر تدریس فقه و اصول و بهره‌مند شدن صدها نفر از طلاب و فضلا از محضر درس ایشان، و نیز علاوه بر خدمات اجتماعی و کمک به حوزه و حوزویان، آثار بسیار خوبی از خود به یادگار گذاشت که اگر همه آنها را یک سروده الهی از ایشان بدانیم، بیت الغزلش کتابخانه و به خصوص مجموعه حدود سی هزار جلدی نسخه‌های خطی است. به جرأت می‌توان گفت که اگر نبود همت و علاقه حضرت ایشان، امروز بخش اعظمی از این نسخه‌های بسیار نفیس مهمان کتابخانه‌های بیگانگان بود؛ همان‌طور که در اثر غفلت ما، هزاران هزار نسخه اسلامی ایران به خصوص در صد سال اخیر از این مرزوبوم ربهوده و به اصطلاح دیگر به ثمن بخش خریده و برده شد.

از نعمتهای الهی بر آیت‌الله مرعشی نجفی این بود که خدای متعال حجت‌الاسلام دکتر سید محمود مرعشی را برای حفظ آثار پدر بزرگوار و نگهداری و گسترش کتابخانه، زیر سایه آن پدر پرورش داد. حضرت آقای دکتر مرعشی، از معدود کتابشناسان مملکت ماست که با عشق و علاقه‌ای تحسین برانگیز سالهاست که همه زندگی خود را



وقف کتابخانه و آثار پدر کرده است و بحمدالله با کمک حضرت امام خمینی - رضوان‌الله‌علیه - و دولت جمهوری اسلامی ایران، توانسته است، از جهات مختلف کتابخانه را هم‌ردیف کتابخانه‌های مهم دنیا درآورد و آبرویی برای ایران و حوزه علمیه قم باشد. امیدوارم دعای پدر موجب موفقیت‌های بیشتر ایشان باشد.

بنده در مورد آثار آیت‌الله مرعشی نجفی، پیشنهادهایی دارم که اگر برادر گرامی و صدیق ارجمند حضرت آقای مرعشی صلاح بدانند و لااقل برخی را بپسندند و عمل کنند، خرسند خواهم شد و در هر صورت دعاگو می‌باشم.

۱. هرچه زودتر فهرست نسخه‌های خطی را به جلد چهارم برسانند و برای جلد ۲۱ تا ۴۰، مانند: جلد ۱ تا ۲۰، فهرسی تهیه شود که کار را بر مراجعان آسان گرداند.

۲. بعد از جلد ۴۰، به فهرست‌نویسان عزیز سفارش کنند تا ترتیبی اتخاذ شود که از جلد ۴۱ هر جلد شامل فهرست هزار نسخه باشد، نه چهارصد تا. در نتیجه با جلد ۴۱ تا ۶۰ کل نسخه‌ها فهرست شده باشد و زودتر در اختیار محققان قرار گیرد.

۳. درست سی سال است که سی جلد از فهرست، منتشر شده و فکر نمی‌کنم مصلحت کتابخانه این باشد که سی سال دیگر برای تهیه و تنظیم سی جلد دیگر بگذرد. باید با کمک جدی و بودجه‌ای از طرف مثلاً وزارت ارشاد، این کار توسط چند گروه، حداکثر در پنج سال آینده انجام شود که فی‌التأخیر آفات.

۴. بحمدالله شرح حال و اجازات آیت‌الله مرعشی، به صورت خوبی چاپ شد. لازم است کلیه رساله‌های کوچک و مقدمه‌های فراوانی که ایشان بر کتابهای متعددی نوشته‌اند، همه به صورت یک مجموعه چاپ شود، تا مورد استفاده فضلا قرار گیرد.

۵. ملحقات احقاق الحق که درسی و چند جلد چاپ شده، بدون هیچ مبالغه‌ای یکی از بهترین کتابهایی است که می‌تواند در معرفی اهل بیت علیهم‌السلام در جهان اسلام تأثیر بسزایی داشته باشد؛ متأسفانه وضع چاپ این اثر، مناسب جهانی شدن آن نیست. پیشنهاد می‌کنم امسال که از طرف آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب - دامت برکاته - به عنوان سال امیرمؤمنان علیه‌السلام نام‌گذاری شده و بودجه‌ای برای کارهای علمی پسند قرار داده شده، این کتاب عظیم که ظاهراً بخش فضائل آن تکمیل است، در یک دوره ده جلدی، با نظم خاصی (که همه احادیث

مثلاً مربوط به آیه تطهیر یک جا باشد، نه مانند وضع کنونی که در جلد‌های متعدد، متفرق است) چاپ و به ضمیمه جلد اول که شامل شرح حال قاضی رحمته‌الله‌علیه و بخشی از احقاق الحق است و جلدی دیگر شامل مصادر و معرفی دقیق آنها و جلدی شامل فهراس لازم، در جهان اسلام منتشر شود. این کار توسط گروهی از فضلا در ظرف دو سه سال قابل انجام است و از بهترین خدماتی است که برادر عزیزمان جناب آقای دکتر مرعشی می‌توانند انجام دهند و یا با قراردادی انجام آن را به یکی از مؤسسات علمی - فرهنگی واگذار نمایند.

۶. مجله میراث شهاب، به تدریج روبه بهتر شدن است و حتماً خوانندگان فراوانی دارد و وسیله خوبی است برای معرفی بهتر و بیشتر کتابخانه و آثار دیگر آیت‌الله مرعشی نجفی. و نیز اینکه علاقه‌مندان به کتاب و کتابخانه، از طریق این مجله همیشه در جریان امور کتابخانه قرار می‌گیرند. از تهیه کنندگان آن تشکر می‌کنم. پیشنهاد این است که قطع مجله، بعد از تمام شدن سال، به قطع وزیری مبدل شود؛ البته اگر صلاح بدانند.

۷. بسیار بجاست که کتابخانه در قم و سایر بلاد، کتابخانه‌های فرعی داشته باشد و از انبوه کتابهای اهدایی تکراری، در این راه استفاده کند.

۸. نمی‌دانم کتابخانه از چه مقدار نسخه‌های خطی خود فیلم تهیه کرده است؟ تصدیق می‌فرمایید که تهیه فیلم به خصوص از نسخه‌های ارزنده، یکی از راههایی است که دنیا برای حفظ نسخه‌ها تجربه کرده است.

۹. کتابخانه‌ای عظیم مانند: کتابخانه آیت‌الله مرعشی، نیاز به کارمندان و همکارانی دارد که هر کدام یا هر چند نفر، در جهتی از جهات مورد نیاز کتابخانه و کار آن خبره باشند. شنیده‌ام به فکر پرورش نیرو هستند؛ در این کار سرمایه‌گذاری فرمایید که برای آینده کتابخانه و نیز حوزه علمیه، بسیار سودمند است.

۱۰. اگر امکان داشته باشد که تعطیل یک ماهه کتابخانه برداشته شود، بسیار خوب است؛ زیرا تعدادی از فضلا، برخی از کارها را برای تابستان می‌گذارند و تعطیل کتابخانه، برای آنها زیانبار است و گله می‌کنند. با پوزش، تلك عشرة ناقصة.

ارادتمند: رضا استادی

مرداد ۱۳۷۹

\* \* \*

حضور حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود  
مرعشی نجفی

میلاذ مسعود زهرای اطهر را به جنابعالی که از سلاله پاک آن نور  
خدایی است، تبریک می‌گوییم.

با سلام و عرض تشکر، ارسال شماره پیاپی ۱۹ میراث شهاب  
موجب نهایت سپاس شد.

به راستی مجله‌ای پرمحتوا و خواندنی است به ویژه مقاله  
حضرتعالی با عنوان «شناخت گیهان شناخت» و نیز «الرحلة  
الاصفهانیه» به کوشش حضرت آقای رفیعی علامرودشتی - و مقاله  
برگی از تاریخ قم - و وجه تسمیه قم:

ص ۴۹ علل الشرایع: فرمود جناب رسول خدا ﷺ که: زمانی که  
مرا سیر دادند به سوی آسمان و حمل نموده مرا جبرئیل... پس نظر  
کردم به سوی بقعه‌ای به زمین جبل که سرخ رنگ بود... و در آن بقعه  
شیخی را دیدم که کلاه بُرنس بر سر داشت... پرسیدم این کدام زمین  
است؟ گفت این بقعه شیعه تو... گفتم این شیخ پیرمرد کیست؟ گفت:  
ابلیس؛ پس گفتم: قُم یا ملعون!... فُسْمِیت قم، صاحب بن عبّاد نیز به  
قاضی گفته: ایها القاضي بقم - انت معزول قُم؛ مرا یاد آمد، اوایل  
افتتاح دانشکده ادبیات اصفهان که مرحوم سعید نفیسی، یک سخنرانی  
در وجه تسمیه اصفهان نمود؛ در سالن دانشکده چند وجه ذکر کرد  
و در پایان گفت: نیز گفته شده که وقتی حضرت سلیمان ﷺ به اتفاق  
آصف برخیا با قالیچه هوایی در فضا پرواز می‌کردند، از روی  
بیابانهای فراوانی گذشت و به محلی بسیار سرسبز رسید، بی اختیار،  
سلیمان گفت: آصف هان. یعنی این منظره را رؤیت نما! اصفهان از این  
پس نام گرفت. چنان که سپاهان گفته‌اند و مرکز تجمع سپاه‌ها (والله  
اعلم). در خاتمه از زحمات جنابعالی و هیئت محترم تحریریه و سایر  
دست اندرکاران ارجمند، سپاسگزارم.

ارادتمند: سید محمدتقی کتابی

۱۳۷۹/۶/۲۸ ش

\* \* \*

مدیریت محترم کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی  
با سلام

آقای آلیستر جیم میور - خبرنگار مقیم رادیو و تلویزیون BBC  
انگلستان - به شماره کارت خبری «۷۹۰۲۱۰۸۱»، صادره از سوی

این اداره کل، در خصوص استفاده از رایانه و شبکه اینترنت در بین  
روحانیون و حوزه‌های علمیه قم، تقاضای تهیه فیلم و گزارش از آن  
کتابخانه و در صورت امکان مصاحبه با صاحب‌با حجت‌الاسلام والمسلمین  
دکتر سید محمود مرعشی نجفی را در یکی از روزهای ۱۳۷۹/۷/۵  
لغایت ۱۳۷۹/۷/۱۰ ش کرده است.

سپاسگزار خواهد شد، ترتیبی اتخاذ فرمایید، همکاریهای لازم  
را با نامبردگان مبذول نمایند.

سایر اعضای گروه:

آقای کاوه گلستان، فیلمبردار، به شماره کارت خبری  
«۷۹۰۲۱۰۴۷».

آقای سورج شرما، دستیار صدابردار، به شماره شناسنامه  
«۱۶۰۳»، صادره از تهران.

خانم نگار روشن ضمیر، مترجم، به شماره شناسنامه «۲۱۶۵»،  
صادر از تهران.

محمد حسین خوشوقت

مدیر کل مطبوعات و رسانه‌های خارجی

۱۳۷۹/۷/۴ ش

\* \* \*

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر سید محمود  
مرعشی (زیدعزّه)

سلام علیکم

با تقدیر احترام و تشکر و با عرض تسلیت، به مناسبت ایام  
سوگواری حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به استحضار می‌رساند:

مجله میراث شهاب، (شماره ۱۹) هدیه گرانهای جنابعالی، که به  
نیت رشد و بالندگی فرهنگ مطالعه، به کتابخانه عمومی حضرت  
آیت‌الله العظمی گلپایگانی علیه السلام ارسال شد، موجب خشنودی و مسرت،  
و مورد استفاده فضلا، محققین و اندیشمندان کتابخانه قرار گرفت، به  
این وسیله سپاس و امتنان خود را اعلام نموده، وصول آن را به اطلاع  
می‌رساند.

بدیهی است تلاشهای گرانسنگ جنابعالی، در انتشار مجله  
میراث شهاب که مشتمل بر معرفی مکتوبات، گزارشها و اخبار  
کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی علیه السلام می‌باشد،  
می‌تواند گامی بلند در شناساندن کتابخانه بزرگ و گنجینه‌های

ارزشمند آن مرجع فقید و بزرگوار، به علاقه‌مندان و به ویژه جوانان مشتاق بر دارد.

تداوم توفیقات شما و سایر دست‌اندرکاران محترم این مجله ارزشمند را از پیشگاه حضرت حق - جل جلاله - درخواست می‌نماید.

امید است این صدقه جاریه و ذخیره باقیه، مقبول درگاه حضرت احدیت و منظور نظر حضرت ولی عصر - ارواحنا له الفداء - واقع گردد.

با تقدیم احترام: مدیریت کتابخانه

ابوالفضل عرب‌زاده

۱۳۷۹/۶/۲ ش

\* \* \*

حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود مرعشی نجفی (دام عزّه)

با اهدای سلام و عرض ارادت و فروتنی به ساحت اعضای محترم بیت شریف مرحوم حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی و ضمن درود و ثنای صمیمانه به محضر حضرت عالی و تمامی دست‌اندرکاران کتابخانه آن مرجع معظم شیعه - قدس الله نفسه الزکیه - مراتب تشکر و امتنان خویش را نسبت به مساعی و اقدامات در جهت تمهید بازدیدکنندگان اداره کل آموزش و پرورش از آن کتابخانه نفیس که یادگار گرانسنگ ابوی بزرگوارتان می‌باشد، ابراز می‌داریم و آرزومندیم ارتباطهای فرهنگی فیما بین این دو نهاد مقدس - کتابخانه و آموزش و پرورش - هر روز گستره بیشتری یابد و فرهنگیان عزیز استان قم از آن گنجینه گهرخیز، افزون‌تر از پیش بهره‌ور شوند.

خداوند علیم و حکیم به جنابعالی و تمامی ساعیان عرصه خردورزی، فرهنگ و اندیشه، عزت و سرافرازی مستدام عطا فرماید.

رضا حمیدی

مسئول روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش استان قم

۱۳۷۹/۴/۵ ش

\* \* \*

جناب دکتر سید محمود مرعشی، تولیت محترم کتابخانه آیت‌الله فقید راحل حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی

السلام علیکم و برکاته

خدمات ارزنده علمی و مذهبی که با پیشرفته‌ترین وسایل فن‌آوری جهان حاضر در معرفی اسلام و مذهب تشیع و آگاهی بخشیدن به مسلمین در جهان و ایران اسلامی و ابتکارات فوق‌العاده علمی و فنی و تلاشهای صادقانه که دال بر حسن مدیریت و تدبیر حکیمانه عالیجنابان بوده، مورد تقدیر و تشکر هیئت مروجین نهج‌البلاغه دشت مخلص به ولایت و امامت، یعنی شهرستان دشت آزادگان (سوسنگرد - هویزه - بستان - حمیدیه) اهواز قرار گرفتند و اهدایی کتابهای قیمه، استقبال و معرفی برنامه‌های فراگیر اینترنت، فلک و نجوم و بخش کتاب که در بالابردن روحیه علمی و مذهبی برادران گرامی و خواهران ارجمند بسیار مؤثر بوده و عطش فرهنگی، مذهبی و علمی را تا حدودی سیراب نمود، مایه ابتهاج و افتخار هیئت مروجین نهج‌البلاغه واقع شد. در خاتمه از خدمات و زحمات شایسته جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج سید محمد علی حیدری، مسئول مؤسسه بضعة المصطفی و جناب حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید ابراهیم لاجوردی که معرف و رابط اصلی در این دیدار بوده‌اند، تشکر نمایم.

رحیم سبحانی

\* \* \*

**MIRAS-E** *SHAHAB*

**Journal of**  
**The Grand Library of Ayat Allah Marashi Najafi**

Address: Ayat Allah Marashi Najafi st.

Qom - 37157. I.R. IRAN

Tel: + 0251 - 741970-8

Fax: + 0251 - 743637

**Managing Director:** Dr. Seyed Mahmoud Marashi Najafi

under the supervision of the Editorial Board Reza

**Chief editor:** Mohammad Esfandiary

**Editor :** Hosein Rafii

**Typesetting and Layout:** Mohammad Mohammadi

- ***Miras-e Shahab***, covers the news of the Grand Library of Ayat Allah Marashi Najafi, as well as the following issues:
- *To introduce Manuscripts of the Library.*
- *To introduce the incunabuals kept in the Library.*
- *To introduce the Publications of the Library.*
- *Reports from tours by Library's researchers.*
- *Articles on Criticism and Authorship.*
- *Articles on Librarianship and Bibliography.*
- *Articles on introducing various Libraries.*

- *The use of the articles from this journal is permitted only if reference is made.*
- *The views presented in this journal are those of the authors.*
- *No article received will be sent back to the sender.*
- *The received articles will be edited technically by the editorial board.*
- ***Miras-e Shahab*** is published quarterly at the end of each season.

في الفيل وفتح قات وعلموه من صفا فوه من النابز كما هو انا وسبوا من صكتيه وقد لا بد لهم وانه ينبتا في البحر  
على شجر خاني وسنة واحدا منهم تاعه بعينه عنده وكان المشتبه بالينين يوجد بين النابز عنه ولا يخلو ولا يخلو  
بالن العوسنار وان لم يخلو فيروى في السباع كما في الحياضه وان في الغرنايه وهو اوكس الذي كان يمشي  
الذي على غرنايه ويحمله ماله ولديها فيه فان العرنايه والذوات من له الذي في الحياضه الذي في ذلك على نحو  
شما كان يمشي كما في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه  
بملكه ومن في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه

### بيع اللغون والاذراق

لا تزل في الاذراق ماله على غرنايه من الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه  
وان في التي عليه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه  
لذم الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه

### الماء كبيع عليه الذرف

الماء كبيع عليه الذرف في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه  
في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه  
في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه  
في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه

### القرص واحكامه

القرص فيه فشاك حيزه وقرصه في اناه افعار من التذوق منه في القباب واد الشرف من لا تاكل  
في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه الذي في الحياضه

برگی از نسخه‌ی نهاییه شیخ طوسی، مورخ ذیقعدہ سال ۵۷۹ ق

# SHAHAB



Journal of The Grand Library of Ayat Allah Marashi Najafi

Vol. 6, no. 2, Serl. No. 20, Summer 1379/2000



The first and last pages of *AL\_NIHĀYAH*, authored by al\_Shaykh al\_Tūsī, Hand written by al\_Jāsbī, abu al\_Qāsim Ibn Mohammad Ibn Ali, being one of the celebrated scholars of 6th century AH in 1183/579 AH registered by no. ((11372)) of the library.